

صحیفہ کاملہ سجادینہ

بترجمہ فارسی

مسترحم:

محسن سرایان عبدالحق ابراہیمی



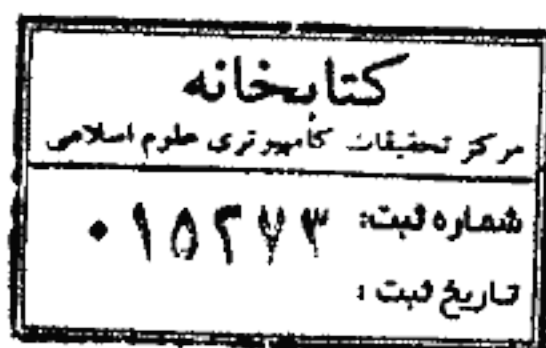
صحیفہ کاملہ سجادیہ

باز ترجمہ فارسی

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

مترجم:

محسن فریان عبد الجواد ابراہیمی



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ترجمه و تصحیح: کماله سهروردی

محسن خرویان، عبدالجواد ابراهیمی

دفتر نشر الهادی

مؤسسه چاپ الهادی

چاپ سوم، بهار ۷۸

تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۰۰۰ تومان

شابک: ۱-۰۱۶-۴۰۰-۹۶۴ ISBN

دفتر مرکزی: قم، میدان الهادی، تلفن: ۶۱۱۱۲۵، فاکس: ۶۱۶۱۳۰

فروشگاه: قم، انتهای صفائیه، پلاک ۷۵۹، تلفن: ۷۳۷۰۰۱



فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۱۰	اسناد صحیفه
۲۲	ابواب صحیفه
۲۸	دعای ۱: حمد و ثنای الهی
۳۴	دعای ۲: درود و تحیت بر پیامبر ﷺ
۳۶	دعای ۳: ستایش و تمجید فرشتگان
۴۰	دعای ۴: درود آن حضرت بر مؤمنین به پیامبر ﷺ
۴۴	دعای ۵: دعا برای خانواده و دوستان
۴۸	دعای ۶: دعا در صبح و شام
۵۲	دعای ۷: دعا در امور مهم و رنج آور
۵۶	دعای ۸: پناه بردن به خدا در سختی‌ها
۵۸	دعای ۹: درخواست آمرزش از خدا
۶۰	دعای ۱۰: پناه آوردن به خدا
۶۲	دعای ۱۱: دعا برای حسن عاقبت
۶۴	دعای ۱۲: اعتراف به گناه و درخواست توبه
۶۸	دعای ۱۳: درخواست حاجتها
۷۲	دعای ۱۴: هنگام فرارسیدن ستم و زیان
۷۶	دعای ۱۵: دعا هنگام بیماری، اندوه و گرفتاری
۷۸	دعای ۱۶: طلب آمرزش
۸۴	دعای ۱۷: پناه بردن به خدا از شیطان
۸۸	دعای ۱۸: دعای شکرگزاری
۹۰	دعای ۱۹: دعای طلب باران
۹۲	دعای ۲۰: درخواست توفیق از خدا
۱۰۲	دعای ۲۱ هنگام اندوه و نگرانی از گناه
۱۰۶	دعای ۲۲: دعا هنگام سختی و رنج
۱۱۲	دعای ۲۳: دعا در طلب عافیت و شکر آن
۱۱۴	دعای ۲۴: دعای حضرت برای پدر و مادرش
۱۲۰	دعای ۲۵: دعای حضرت درباره فرزندانش

- دعای ۲۶: دعای حضرت در باره همسایگان و دوستانش ۱۲۴
- دعای ۲۷: دعا در باره مرزداران ۱۲۶
- دعای ۲۸: پناه بردن به خدای عزوجل ۱۳۳
- دعای ۲۹: وقتی که روزی بر او تنگ می‌شد ۱۳۶
- دعای ۳۰: در یاری خواستن از خدا برای پرداخت وام ۱۳۶
- دعای ۳۱: دعا برای توفیق توبه ۱۳۸
- دعای ۳۲: دعا پس از نماز شب ۱۴۶
- دعای ۳۳: دعای هنگام استخاره ۱۵۴
- دعای ۳۴: دعاهنگام مشاهده رسوایی گناهکاران ۱۵۶
- دعای ۳۵: دعا در مقام رضا و خشنودی ۱۵۸
- دعای ۳۶: دعای مشاهده ابر و رعد و برق ۱۶۰
- دعای ۳۷: در ناتوانی ادای شکر ۱۶۲
- دعای ۳۸: هنگام کوتاهی در ادای حقوق بندگان خدا ۱۶۶
- دعای ۳۹: در طلب بخشش و رحمت الهی ۱۶۸
- دعای ۴۰: در شنیدن خبر و یاد مرگ ۱۷۲
- دعای ۴۱: هنگام درخواست خطا پویشی از خداوند ۱۷۴
- دعای ۴۲: هنگام ختم قرآن ۱۷۴
- دعای ۴۳: هنگام رؤیت هلال ۱۸۲
- دعای ۴۴: دعای آغاز ماه رمضان ۱۸۶
- دعای ۴۵: دعای وداع با ماه رمضان ۱۹۲
- دعای ۴۶: در روز عید فطر و روز جمعه ۲۰۴
- دعای ۴۷: دعای روز عرفه ۲۱۰
- دعای ۴۸: در روز عید قربان و روز جمعه ۲۳۴
- دعای ۴۹: در دفع حیلۀ دشمن ۲۴۲
- دعای ۵۰: در باب ترس از خدا ۲۴۶
- دعای ۵۱: در خضوع و خشوع برای خدا ۲۵۰
- دعای ۵۲: اصرار در آستان خداوند ۲۵۴
- دعای ۵۳: خضوع در پیشگاه خدا ۲۵۸
- دعای ۵۴: در رفع غم و اندوه ۲۶۰



مرکز تحقیقات کامپیوتر و علوم اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار

صحیفه سجادیه، بحق صحیفه دل‌های آسمانی است. کتابی است که سطر سطر آن بر صحیفه جان، نور جانان می‌باشد و واژه واژه آن در دلِ محبان، فروغ یزدان می‌نشانَد.

صحیفه سجادیه، آهنگ پر طراوت هستی است، نغمه پرحلاوت نشاط است، زمزمه پر شور عاشقان و نوای دل‌نشین ساجدان است.

صحیفه سجادیه، سرچشمه زلال حکمت، جاری زیبای معرفت و دریای بیکرانه معنویت است.

صحیفه سجادیه، گلبانگ عاشقانه عارفان و گلوآه عارفانه مشتاقان است. دل در زلال صحیفه، صفا می‌گیرد و جان در پرتو آن، جلا می‌یابد.

صحیفه سجادیه، تجلی فروغ قرآن است و ظهور حقیقت عرفان و درخشش ژرفای برهان.



درباره این ترجمه

۱ - صحیفه سجادیه دارای ترجمه‌های متعددی به زبان فارسی است و هر یک از ترجمه‌ها از ویژگیها و امتیازات خاصی برخوردارند. برخی از ترجمه‌ها همراه با شرح و بعضی از آنها به شیوه ترجمه و نگارش آزاد است. ما در این ترجمه

کوشیده‌ایم حتی‌الامکان هیچ معنا و مفهومی از متن را فرونگذاریم و در عین حال ترجمه‌ای روان و سهل‌التناول ارائه دهیم. و صد البته خود را مبرای از خطا نمی‌دانیم و از آریاب فضل و معرفت که بر ما منت نهند و لغزشهای قلممان را گوشزد نمایند، پیشاپیش سپاسمندیم.

۲- عبارات عربی و جملات فارسی را بر اساس نسخه مرحوم فیض‌الاسلام شماره‌گذاری کرده‌ایم تا مقابله متن عربی و ترجمه فارسی به آسانی انجام شود و پیدا کردن ترجمه هر عبارت به سهولت ممکن گردد.

۳- از ویژگیهای این کتاب آن است که فهرست تفصیلی موضوعات صحیفه سجادیه را با ذکر شماره دعا و شماره عبارت به آسانی در اختیار خواننده و محقق قرار می‌دهد و راه را برای جستجوی معارف موضوعی در این گنجینه الهی هموار می‌سازد.

۴- ما در این نوشتار از برخی ترجمه‌های موجود صحیفه سود جسته‌ایم و همینجا برای مترجمانی که دعوت حق را لبیک گفته‌اند، علو درجات و برای آنها که در قید حیات‌اند توفیق ارائه خدمات آرزومندیم.

با احترام - حوزه علمیه قم

عبدالجواد ابراهیمی شاهرودی

محسن غروی‌ان نیشابوری



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

(١) حَدَّثَنَا السَّيِّدُ الْأَجَلُّ، نَجْمُ الدِّينِ، بَهَاءُ الشَّرَفِ، أَبُو الْحَسَنِ:
 مُحَمَّدُ ابْنُ الْحَسَنِ ابْنِ أَحْمَدَ ابْنِ عَلِيِّ ابْنِ مُحَمَّدِ ابْنِ عُمَرَ ابْنِ
 يَحْيَى الْعَلَوِيِّ الْحُسَيْنِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ - (٢) قَالَ: أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ
 السَّعِيدُ، أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: مُحَمَّدُ ابْنُ أَحْمَدَ ابْنِ شَهْرِيَارَ، الْخَازِنُ لِخِزَانَةِ
 مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ ابْنِ أَبِيطَالِبٍ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - فِي شَهْرِ
 رَبِيعِ الْأَوَّلِ مِنْ سَنَةِ سِتِّ عَشْرَةَ وَخَمْسِمِائَةٍ قِرَاءَةً عَلَيْهِ وَأَنَا
 أَسْمَعُ. (٣) قَالَ: سَمِعْتُهَا عَلَى الشَّيْخِ الصَّدُوقِ، أَبِي مَنْصُورٍ: مُحَمَّدِ
 ابْنِ مُحَمَّدِ ابْنِ أَحْمَدَ ابْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْعُكْبَرِيِّ الْمُعَدَّلِ - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ
 أَبِي الْمُفَضَّلِ: مُحَمَّدِ ابْنِ عَبْدِ اللَّهِ ابْنِ الْمُطَّلِبِ الشَّيْبَانِيِّ (٤) قَالَ: حَدَّثَنَا
 الشَّرِيفُ، أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: جَعْفَرُ ابْنُ مُحَمَّدِ ابْنِ جَعْفَرِ ابْنِ الْحَسَنِ ابْنِ جَعْفَرِ
 ابْنِ الْحَسَنِ ابْنِ الْحَسَنِ ابْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ ابْنِ أَبِيطَالِبٍ - عَلَيْهِمُ
 السَّلَامُ - (٥) قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ ابْنُ عُمَرَ ابْنِ خَطَّابِ الزِّيَّاتِ سَنَةَ خَمْسِ
 وَسِتِّينَ وَمِائَتَيْنِ (٦) قَالَ: حَدَّثَنِي خَالِي: عَلِيُّ ابْنِ الثُّغَمَانِ الْأَعْلَمُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

(۱) حدیث کرد برای ما سید اجل نجم الدین بهاء الشرف ابوالحسن، محمد بن حسن بن احمد بن علی، بن محمد بن عمر بن یحیی علوی الحسینی - خداوند او را رحمت کند -

(۲) گفت خبر داد به ما شیخ سعید ابو عبدالله محمد بن احمد بن شهریار، خزانه دار گنجینه مولایمان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام، در ماه ربیع الاول سال پانصد و شانزده در حالی که صحیفه بر او خوانده می شد و من می شنیدم. (۳) گفت: شنیدم آن را در حالی که خوانده می شد بر شیخ صدوق، ابی منصور محمد بن احمد بن عبدالعزیز عکبری معدّل - خداوند او را رحمت کند - از ابوالفضل محمد بن عبدالله بن مطلب شیبانی.

(۴) گفت: حدیث کرد برای ما سید بزرگوار ابو عبدالله جعفر بن محمد بن جعفر بن حسن بن جعفر بن حسن بن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام. (۵) گفت حدیث کرد برای ما عبدالله بن عمر بن خطاب زینات در سال دویست و شصت و پنج.

(۶) گفت حدیث کرد برایم دائیم: علی بن نعمان اعلم.

(٧) قَالَ: حَدَّثَنِي عُمَيْرُ ابْنِ مَتَوَكَّلٍ الثَّقَفِيُّ الْبَلْخِيُّ عَنْ أَبِيهِ: مَتَوَكَّلِ ابْنِ هُرُونَ. (٨) قَالَ: لَقِيتُ يَحْيَى ابْنَ زَيْدِ ابْنِ عَلِيٍّ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - وَهُوَ مُتَوَجِّهٌ إِلَى خُرَاسَانَ بَعْدَ قَتْلِ أَبِيهِ فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ (٩) فَقَالَ لِي: مِنْ أَيْنَ أَقْبَلْتَ قُلْتُ: مِنَ الْحَجِّ (١٠) فَسَأَلَنِي عَنْ أَهْلِهِ وَبَنِي عَمِّهِ بِالْمَدِينَةِ وَأَخْفَى السُّؤَالَ عَنْ جَعْفَرِ ابْنِ مُحَمَّدٍ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - فَأَخْبَرْتُهُ بِخَبْرِهِ وَخَبْرِهِمْ وَحُزْنِهِمْ عَلَى أَبِيهِ زَيْدِ ابْنِ عَلِيٍّ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - (١١) فَقَالَ لِي: قَدْ كَانَ عَمِّي مُحَمَّدُ ابْنُ عَلِيٍّ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - أَشَارَ عَلَى أَبِي بَتْرَكِ الْخُرُوجَ وَعَرَفَهُ أَنْ هُوَ خَرَجَ وَفَارَقَ الْمَدِينَةَ مَا يَكُونُ إِلَيْهِ مَصِيرٌ أَمْرِهِ فَهَلْ لَقِيتَ ابْنَ عَمِّي جَعْفَرَ ابْنَ مُحَمَّدٍ - عَلَيْهِ السَّلَامُ -؟ قُلْتُ: نَعَمْ. (١٢) قَالَ: فَهَلْ سَمِعْتَهُ يَذْكُرُ شَيْئًا مِنْ أَمْرِي؟ قُلْتُ: نَعَمْ. (١٣) قَالَ: بِمِمْ ذَكَرْنِي؟ خَبَّرَنِي، قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا أَحَبُّ أَنْ أَسْتَقْبِلَكَ بِمَا سَمِعْتَهُ مِنْهُ. (١٤) فَقَالَ: أَبِالْمَوْتِ تُخَوِّفُنِي؟! هَاتِ مَا سَمِعْتَهُ، فَقُلْتُ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: إِنَّكَ تُقْتَلُ وَتُصَلَّبُ كَمَا قُتِلَ أَبُوكَ وَصَلِبَ (١٥) فَتَغَيَّرَ وَجْهُهُ وَقَالَ: يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُنْبِتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ، يَا مَتَوَكَّلُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَيْدِ هَذَا الْأَمْرِ بِنَا وَجَعَلَ لَنَا الْعِلْمَ وَالسَّيْفَ فَجُمِعَا لَنَا وَخُصَّ بِنَا عَمَّنَا بِالْعِلْمِ وَحَدَهُ. (١٦) فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي رَأَيْتُ النَّاسَ إِلَى ابْنِ عَمِّكَ جَعْفَرَ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - أَمِيلَ مِنْهُمْ إِلَيْكَ وَإِلَى أَبِيكَ (١٧) فَقَالَ: إِنَّ عَمِّي مُحَمَّدَ ابْنَ عَلِيٍّ وَابْنَهُ جَعْفَرَ - عَلَيْهِمَا السَّلَامُ - دَعَا النَّاسَ إِلَى الْحَيَاةِ وَنَحْنُ دَعَوْنَا هُمْ إِلَى الْمَوْتِ (١٨) فَقُلْتُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَهْمُ أَعْلَمُ أَمْ أَنْتُمْ؟ فَاطَّرَقَ إِلَى الْأَرْضِ مَلِيًّا ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَقَالَ: كُلُّنَا لَهُ عِلْمٌ غَيْرَ أَنَّهُمْ يَعْلَمُونَ كُلَّ مَا نَعْلَمُ، وَلَا نَعْلَمُ كُلَّ مَا يَعْلَمُونَ (١٩) ثُمَّ قَالَ لِي: أَكْتَبْتَ مِنْ ابْنِ عَمِّي شَيْئًا؟ قُلْتُ: نَعَمْ.

(۷) گفت: حدیث کرد برایم عمیر بن متوکل ثقفی بلخی، از پدرش متوکل بن هارون (۸) گفت: ملاقات کردم یحیی بن زید بن علی علیه السلام را پس از شهادت پدرش وقتی به سوی خراسان می رفت و به ایشان سلام نمودم. (۹) به من فرمود: از کجا می آیی؟ گفتم: از حج، (۱۰) آنگاه از من در باره اهلش و عموزادگان خویش که در مدینه بودند پرسید و از حال حضرت جعفر بن محمد علیه السلام پرسش فراوان نمود. من در جواب، حال آن حضرت و احوال بستگان ایشان و اندوهشان بر شهادت پدرش زید بن علی علیه السلام را به او خبر دادم.

(۱۱) یحیی فرمود: عمویم حضرت باقر علیه السلام پدرم را به ترک خروج و شورش سفارش کرد و به او فهماند که در صورت خروج و جدا شدن از مدینه کارش به کجا خواهد کشید. پرسید آیا تو پسر عمویم حضرت جعفر بن محمد علیه السلام را ملاقات نمودی؟ گفتم: آری. (۱۲) گفت: آیا از او شنیدی که از کار من چیزی بگوید؟ گفتم: آری (۱۳) گفت: به چه صورت از من یاد فرمود؟ به من بگو، گفتم: فدایت شوم، نمی خواهم آنچه را از آن حضرت شنیده ام در برابر تو بیان کنم، (۱۴) گفت: آیا مرا از مرگ می ترسانی؟ بگو آنچه شنیده ای، گفتم: از او شنیدم که: تو کشته می شوی و بدنت را به دار می آویزند چنانکه پدرت کشته و به دار آویخته شد، (۱۵) پس چهره اش تغییر کرد و گفت: «خدا هر سر نوشتی را بخواهد محو می کند و یا ثبت می نماید و امّ الکتاب نزد اوست» ای متوکل همانا حضرت حق این دین را به وجود ما تأیید فرموده و دانش و اسلحه را به ما مرحمت کرده و این هردو برای ما فراهم شده و عموزادگان ما تنها به دانش اختصاص یافته اند، (۱۶) گفتم: فدایت شوم، من مردم را دیدم که به پسر عمویت حضرت صادق علیه السلام مایلترند تا به تو و پدرت، (۱۷) گفت: همانا عمویم محمد بن علی و پسرش جعفر، مردم را به زندگی دعوت کردند، و ما آنان را به مرگ خوانده ایم. (۱۸) گفتم: ای فرزند رسول خدا آیا ایشان داناترند یا شما؟ در این هنگام مدتی چشم خود به زمین دوخت سپس سر برداشت و گفت: هریک از ما از دانش بهره ای داریم جز آنکه ایشان هر چه را ما می دانیم می دانند، ولی ما هر چه را آنها می دانند نمی دانیم.

(۱۹) آنگاه به من گفت: آیا از پسر عمویم چیزی نوشته ای؟ گفتم: آری.

(٢٠) قَالَ: أَرِنِيهِ فَأَخْرَجْتُ إِلَيْهِ وَجُوهًا مِنَ الْعِلْمِ وَأَخْرَجْتُ لَهُ دُعَاءَ أَمْلَاءُ عَلِيٍّ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - وَحَدَّثَنِي أَنَّ أَبَاهُ مُحَمَّدَ ابْنَ عَلِيٍّ - عَلَيْهِمَا السَّلَامُ - أَمْلَأَهُ عَلَيْهِ وَأَخْبَرَهُ أَنَّهُ مِنْ دُعَاءِ أَبِيهِ عَلِيٍّ ابْنِ الْحُسَيْنِ - عَلَيْهِمَا السَّلَامُ - مِنْ دُعَاءِ الصَّحِيفَةِ الْكَامِلَةِ (٢١) فَنَظَرَ فِيهِ يَحْيَى حَتَّى أَتَى عَلِيَّ أَخْرِهِ، وَقَالَ لِي: أَتَأْذَنُ فِي نَسْخِهِ؟ فَقُلْتُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَتَسْتَأْذِنُ فِيمَا هُوَ عَنْكُمْ؟! (٢٢) فَقَالَ: أَمَا لَأُخْرِجَنَّ إِلَيْكَ صَحِيفَةً مِنَ الدُّعَاءِ الْكَامِلِ مِمَّا حَفِظَهُ أَبِي عَنْ أَبِيهِ وَإِنَّ أَبِي أَوْصَانِي بِصَوْنِهَا وَمَنْعِهَا غَيْرَ أَهْلِهَا. (٢٣) قَالَ عُمَيْرٌ: قَالَ أَبِي: فَقُمْتُ إِلَيْهِ فَقَبَّلْتُ رَأْسَهُ، وَقُلْتُ لَهُ: وَاللَّهِ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي لَأَدِينُ اللَّهَ بِحُبِّكُمْ وَطَاعَتِكُمْ، وَإِنِّي لَأَرْجُو أَنْ يُسْعِدَنِي فِي حَيَاتِي وَ مَمَاتِي بِوَلَايَتِكُمْ (٢٤) فَرَمَى صَحِيفَتِي الَّتِي دَفَعْتُهَا إِلَيْهِ إِلَى غُلَامٍ كَانَ مَعَهُ وَقَالَ: اكْتُبْ هَذَا الدُّعَاءَ بِحِطِّ بَيْنِ حَسَنِ وَاعْرِضْهُ عَلَيَّ لَعَلِّي أَحْفَظُهُ فَإِنِّي كُنْتُ أَطْلُبُهُ مِنْ جَعْفَرٍ - حَفِظَهُ اللَّهُ - فَيَمْنَعُنِيهِ. (٢٥) قَالَ مُتَوَكَّلٌ فَتَدِمْتُ عَلَى مَا فَعَلْتُ وَلَمْ أَذْرِ مَا أَصْنَعُ، وَلَمْ يَكُنْ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - تَقَدَّمَ إِلَيَّ إِلَّا أَدْفَعَهُ إِلَيَّ أَحَدٍ. (٢٦) ثُمَّ دَعَا بِعَيْبَةٍ فَاسْتَخْرَجَ مِنْهَا صَحِيفَةً مُثْقَلَةً مَخْتُومَةً فَنَظَرَ إِلَيَّ الْخَاتَمِ وَقَبَّلَهُ وَبَكَى، ثُمَّ فَضَّضَهُ وَفَتَحَ الْقُفْلَ، ثُمَّ نَشَرَ الصَّحِيفَةَ وَوَضَعَهَا عَلَيَّ عَيْنِهِ وَأَمَرَهَا عَلَيَّ وَجْهَهُ. (٢٧) وَقَالَ: وَاللَّهِ يَا مُتَوَكَّلُ لَوْلَا مَا ذَكَرْتَ مِنْ قَوْلِ ابْنِ عَمِّي إِنِّي أُقْتَلُ وَأُصْلَبُ لَمَا دَفَعْتُهَا إِلَيْكَ وَ لَكُنْتُ بِهَا ضَنِينًا. (٢٨) وَ لَكِنِّي أَعْلَمُ أَنَّ قَوْلَهُ حَقٌّ أَخَذَهُ عَنْ آبَائِهِ وَ أَنَّهُ سَيَصِحُّ فَخِشْتُ أَنْ يَقَعَ مِثْلُ هَذَا الْعِلْمِ إِلَى بَنِي أُمِّيَّةٍ فَيَكْتُمُوهُ وَيَدَّخِرُوهُ فِي خَزَائِنِهِمْ لِأَنْفُسِهِمْ.

(۲۰) گفت: به من نشان بده، پس چند نوع دانش را که از آن حضرت ضبط کرده بودم به او عرضه داشتم، و دعایی را به او نشان دادم که حضرت صادق علیه السلام بر من املاء فرموده بود، و حدیث کرده بود که پدرش محمد بن علی علیه السلام بر او املاء فرموده بود و خبر داده بود که آن از دعای پدرش علی بن الحسین علیهما السلام از دعای صحیفه کامله است، (۲۱) آنگاه یحیی تا پایان آن را نظر کرد، و گفت: آیا اجازه می دهی که از روی آن نسخه ای بردارم؟ (۲۲) گفتم: ای پسر رسول خدا آیا در آنچه که از خود شماست اجازت می خواهی؟ پس گفت: هم اکنون بر تو ارائه خواهم کرد صحیفه ای از دعای کامل را از آنچه پدرم از پدرش حفظ فرموده و به من در مورد نگاه داشتن و بازداشتن آن از نااهلان سفارش فرموده.

(۲۳) عمیر گوید: پدرم گفت: پس برخاستم و پیشانی او را بوسیدم و گفتم: به خدا قسم ای پسر پیامبر خدا، من خدا را با محبت و طاعت شما پرستش می کنم و امیدوارم که مرا در حیات و ممات به دوستی شما سعادت مند کند. (۲۴) آنگاه صحیفه ای را که به او داده بودم به جوانی که با او بود داد و گفتم: این دعا را با خطی روشن و نیکو بنویس و به نظر من بوسان که شاید آن را حفظ کنم. زیرا که من آن را از پسر عمویم جعفر - که خدا او را حفظ کند - می خواستم و او آن را به من نمی داد. (۲۵) متوکل گفت: من از کرده خود پشیمان شدم و نمی دانستم چه کنم و حضرت صادق علیه السلام قبل از آن به من دستور نداده بود که آن را به کسی ندهم. (۲۶) سپس یحیی جامه دانی را خواست و صحیفه قفل خورده مهر کرده ای را از آن خارج کرد و مهر آن را نظاره کرد و بوسید و گریه کرد. آنگاه مهر را شکست و قفل را باز کرد، سپس صحیفه را گشود و بر چشم خود گذاشت و بر چهره خود مالید (۲۷) و گفت: به خدا قسم ای متوکل اگر نبود مطلبی که در رابطه با کشته شدن و به دار آویختنم از پسر عمویم حدیث کردی بدون شک این صحیفه را به تو نمی دادم. (۲۸) ولی من می دانم که گفتار حضرت صادق علیه السلام حق است و آن را از پدرانش گرفته و به زودی صحت آن روشن خواهد شد و من ترسیدم که چنین علمی بدست بنی امیه افتد و آن را از دیده ها بپوشانند و در گنجینه های خویش برای خود ذخیره کنند.

(٢٩) فَأَقْبَضُهَا وَاكْفَيْتُهَا وَتَرَبَّصُ بِهَا فَإِذَا قَضَى اللَّهُ مِنْ أَمْرِي وَ أَمْرٍ هُوَ لِأَيِّ الْقَوْمِ مَا هُوَ قَاضٍ فِيهِ أَمَانَةٌ لِي عِنْدَكَ حَتَّى تُوَصِّلَهَا إِلَيَّ ابْنِي عَمِّي: مُحَمَّدٌ وَ إِبْرَاهِيمُ ابْنِي عَبْدِ اللَّهِ ابْنِ الْحَسَنِ ابْنِ الْحَسَنِ ابْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ - فَاتَّهَمَا الْقَائِمَانِ فِي هَذَا الْأَمْرِ بَعْدِي. (٣٠) قَالَ الْمُتَوَكَّلُ: فَتَبَضَّتْ الصَّحِيفَةُ فَلَمَّا قُتِلَ يَحْيَى ابْنُ زَيْدٍ صِرَتْ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلَقِيتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - فَحَدَّثْتُهُ الْحَدِيثَ عَنْ يَحْيَى، فَبَكَى وَاشْتَدَّ وَجْدُهُ بِهِ. (٣١) وَقَالَ: رَحِمَ اللَّهُ ابْنَ عَمِّي وَالْحَقُّهُ بِأَبَائِهِ وَأَجْدَادِهِ. (٣٢) وَاللَّهُ يَا مُتَوَكَّلُ مَا مَنَعَنِي مِنْ دَفْعِ الدُّعَاءِ إِلَيْهِ إِلَّا الَّذِي خَافَهُ عَلَى صَحِيفَةِ أَبِيهِ، وَ أَيْنَ الصَّحِيفَةُ؟ فَقُلْتُ هَاهِي، فَفَتَحَهَا وَقَالَ: هَذَا وَاللَّهُ خَطُّ عَمِّي زَيْدٍ وَ دُعَاءُ جَدِّي عَلِيِّ ابْنِ الْحُسَيْنِ - عَلَيْهِمَا السَّلَامُ - (٣٣) ثُمَّ قَالَ لِابْنِهِ: قُمْ يَا إِسْمَاعِيلُ فَأَتِنِي بِالِدُّعَاءِ الَّذِي أَمَرْتُكَ بِحِفْظِهِ وَ صَوْنِهِ، فَقَامَ إِسْمَاعِيلُ فَأَخْرَجَ صَحِيفَةً كَانَتْهَا الصَّحِيفَةُ الَّتِي دَفَعَهَا إِلَيَّ يَحْيَى ابْنُ زَيْدٍ (٣٤) فَقَبَّلَهَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ وَ وَضَعَهَا عَلَى عَيْنِهِ وَقَالَ: هَذَا خَطُّ أَبِي وَ إِمْلَأْ جَدِّي - عَلَيْهِمَا السَّلَامُ - بِمَشْهَدٍ مِنِّي. (٣٥) فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ: إِنْ رَأَيْتَ أَنْ أَعْرِضَهَا مَعَ صَحِيفَةِ زَيْدٍ وَ يَحْيَى؟ فَأَذِنَ لِي فِي ذَلِكَ وَقَالَ: قَدْ رَأَيْتَكَ لِذَلِكَ أَهْلًا (٣٦) فَنَظَرْتُ وَإِذَا هُمَا أَمْرٌ وَاحِدٌ وَ لَمْ أَجِدْ حَرْفًا مِنْهَا يُخَالِفُ مَا فِي الصَّحِيفَةِ الْأُخْرَى (٣٧) ثُمَّ اسْتَأْذَنْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - فِي دَفْعِ الصَّحِيفَةِ إِلَيَّ ابْنِي عَبْدِ اللَّهِ ابْنَ الْحَسَنِ، فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا، نَعَمْ فَادْفَعُهَا إِلَيْهِمَا. (٣٨) فَلَمَّا نَهَضْتُ لِلِقَائِهِمَا قَالَ لِي: مَكَانَكَ. (٣٩) ثُمَّ وَجَّهَ إِلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ إِبْرَاهِيمُ فَجَاءَا فَقَالَ: هَذَا مِيرَاثُ ابْنِ عَمِّكُمَا يَحْيَى مِنْ أَبِيهِ قَدْ خَصَّكُمْ بِهِ دُونَ إِخْوَتِهِ وَ نَحْنُ مُشْتَرِطُونَ عَلَيْكُمْ فِيهِ شَرْطًا.

(۲۹) از این رو آن را بگیر و مرا نسبت به حفظ آن خاطر جمع کن و منتظر باش تا چون خداوند در کار من و این قوم حکم خود را جاری سازد این صحیفه را که امانت من در نزد تو است به دو پسر عمویم محمد و ابراهیم فرزندان عبدالله بن حسن بن حسن بن علی علیهما السلام برسان، که آن دو نفر پس از من در این امر جانشینان منند. (۳۰) متوکل گفت: من صحیفه را گرفتم و چون یحیی بن زید بشهادت رسید به مدینه رفتم و امام صادق علیه السلام را زیارت کردم و قصه یحیی را برای آن جناب گفتم، آن حضرت گریست و به شدت بر یحیی اندوهگین شد. (۳۱) و فرمود: خدا عمو زاده ام را رحمت کند و به آباء و اجدادش ملحق سازد. (۳۲) ای متوکل به خدا قسم جز همان چیزی که یحیی بر صحیفه پدرش از آن می ترسید مرا از دادن این دعا به او منع نکرد، اکنون آن صحیفه کجاست؟ گفتم: اینک این همان صحیفه است! آنگاه آن را باز کرد و فرمود: به خدا قسم این خط عمویم زید و دعای جدم علی بن الحسین علیهما السلام است. (۳۳) سپس به فرزندش فرمود: ای اسماعیل برخیز و آن دعا که تو را به حفظ و نگهداریش امر کردم بیاور، پس اسماعیل برخاست و صحیفه ای را که گویی همان صحیفه ای بود که یحیی بن زید به من داده بود بیرون آورد. (۳۴) پس حضرت صادق علیه السلام آن را بوسید و بر چشم خود نهاد و فرمود: این خط پدرم و املائی جدم علیهما السلام در حضور من است. (۳۵) عرض کردم: ای پسر رسول خدا اگر مصلحت بدانید آن را با صحیفه زید و یحیی مقابله نمایم، پس اجازه داد و فرمود: تو را برای این عمل شایسته دیدم. (۳۶) پس من آن دو را مقابله کردم و دیدم که هر دو یکی است و حتی در یک حرف هم اختلافی بین آن دو ندیدم. (۳۷) سپس از آن حضرت اجازه طلبیدم که صحیفه یحیی را بنا بر وصیتش به عموزادگانش پسران عبدالله بن حسن بدهم، فرمود: «خداوند شما را امر می کند که امانتها را به صاحبانش بازگردانید» آری آن را به ایشان بده. (۳۸) چون برای دیدن آن دو برخاستم فرمود: بنشین. (۳۹) آنگاه کسی را برای آوردن محمد و ابراهیم فرستاد، چون حاضر شدند، فرمود: این میراث پسر عمویتان یحیی از پدرش می باشد که شما را به جای برادران خود به آن اختصاص داده، و ما درباره آن با شما شرطی داریم.

(٤٠) فَقَالَ: رَحِمَكَ اللهُ قُلْ فَقَوْلِكَ الْمَقْبُولُ (٤١) فَقَالَ: لَا تَخْرُجَا بِهَذِهِ
الصَّحِيفَةَ مِنَ الْمَدِينَةِ (٤٢) قَالَا: وَلِمَ ذَلِكَ؟ (٤٣) قَالَ: إِنَّ ابْنَ عَمِّكُمَا
خَافَ عَلَيْهَا أَمْرًا أَخَافُهُ أَنَا عَلَيْكُمَا. (٤٤) قَالَا: إِنَّمَا خَافَ عَلَيْهَا حِينَ
عَلِمَ أَنَّهُ يُقْتَلُ. (٤٥) فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ -: وَأَنْتُمَا فَلَا
تَأْمَنَّا فَوَاللهِ إِنِّي لَا أَعْلَمُ أَنَّكُمَا سَتَخْرُجَانِ كَمَا خَرَجَ، وَ سَتُقْتَلَانِ كَمَا
قُتِلَ. (٤٦) فَقَامَا وَهُمَا يَقُولَانِ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ
الْعَظِيمِ. (٤٧) فَلَمَّا خَرَجَا قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ -: يَا
مُتَوَكِّلُ كَيْفَ قَالَ لَكَ يَحْيَى إِنَّ عَمِّي مُحَمَّدَ ابْنَ عَلِيٍّ وَابْنَهُ جَعْفَرًا
دَعَا النَّاسَ إِلَى الْحَيَاةِ وَدَعَا نَاهُمْ إِلَى الْمَوْتِ؟ (٤٨) قُلْتُ: نَعَمْ
أَصْلَحَكَ اللهُ قَدْ قَالَ لِي ابْنُ عَمِّكَ يَحْيَى: ذَلِكَ (٤٩) فَقَالَ: يَرْحَمُ اللهُ
يَحْيَى، إِنَّ أَبِي حَدَّثَنِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيٍّ - عَلَيْهِ السَّلَامُ -:
أَنَّ رَسُولَ اللهِ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - أَخَذَتْهُ نَعْسَةٌ وَهُوَ عَلَى مِثْبَرِهِ.
(٥٠) فَرَأَى فِي مَنَامِهِ رِجَالًا يَنْزُونَ عَلَى مِثْبَرِهِ نَزْوَالِقِرْدَةٍ يَرُدُّونَ
النَّاسَ عَلَى أَعْقَابِهِمُ الْقَهْقَرَى (٥١) فَاسْتَوَى رَسُولُ اللهِ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
وَآلِهِ - جَالِسًا وَالْحُزْنَ يُعْرِفُ فِي وَجْهِهِ. (٥٢) فَأَتَاهُ جِبْرِيلُ
- عَلَيْهِ السَّلَامُ - بِهَذِهِ الْآيَةِ: «وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا
فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُحَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ
إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا» يَعْنِي بَنِي أُمَيَّةَ. (٥٣) قَالَ: يَا جِبْرِيلُ أَعَلَى عَهْدِي
يُكُونُونَ وَفِي زَمَنِي؟ (٥٤) قَالَ: لَا، وَلَكِنْ تَدُورُ رَحَى الْإِسْلَامِ
مِنْ مُهَاجِرِكَ فَتَلْبَثُ بِذَلِكَ عَشْرًا، ثُمَّ تَدُورُ رَحَى الْإِسْلَامِ عَلَى
رَأْسِ خَمْسَةٍ وَثَلَاثِينَ مِنْ مُهَاجِرِكَ فَتَلْبَثُ بِذَلِكَ خَمْسًا، ثُمَّ لَا بُدَّ
مِنْ رَحَى ضَلَالَةٍ هِيَ قَائِمَةٌ عَلَى قُطْبِهَا، ثُمَّ مُلْكُ الْفِرَاعِنَةِ.

(۴۰) گفتند: بگوی، خداوند تو را رحمت کند، زیرا سخن تو پذیرفته است.
 (۴۱) فرمود: این صحیفه را از مدینه خارج نکنید. (۴۲) گفتند: چرا؟ (۴۳) فرمود:
 پسر عموی شما بر این صحیفه از چیزی می ترسید که من بر شما از همان چیز
 می ترسم. (۴۴) گفتند: او زمانی درباره این صحیفه ترسید که دانست کشته
 می شود. (۴۵) امام صادق علیه السلام فرمود: شما از این واقعه ایمن نباشید زیرا به خدا
 قسم من می دانم که شما به زودی خروج خواهید کرد چنانکه او خروج کرد و به
 زودی کشته خواهید شد چنانکه او کشته شد. (۴۶) پس از جای بر خواستند در
 حالی که می گفتند: «لا حول ولا قوة الا بالله العلیّ العظیم»!

(۴۷) چون بیرون رفتند حضرت صادق علیه السلام به من فرمود: ای متوکل چگونه
 یحیی به تو گفت که عمویم محمد بن علی و پسرش جعفر مردم را به زندگی
 دعوت کردند، و ما ایشان را به مرگ؟ (۴۸) گفتم: آری - خداوند کار شما را اصلاح
 کند - عمو زاده ات یحیی چنین سخنی به من گفت. (۴۹) فرمود: خدا یحیی را
 رحمت کند، پدرم از پدرش از جدش از علی علیه السلام برایم حدیث کرد که رسول
 خدا - صلی الله علیه و آله - در حالی که بر روی منبر بود خواب سبکی او را
 ربود. (۵۰) پس در عالم خواب دید که مردانی چند همانند بوزینگان بر منبرش
 می جهند و مردم را به گذشتگان خود (دوران جاهلیت) برمی گردانند. (۵۱) پس
 رسول خدا - صلی الله علیه و آله - به حال عادی بازگشت و نشست و اندوه
 و حزن در چهره اش آشکار بود.

(۵۲) در همین هنگام امین وحی این آیه را برای حضرت آورد: «وما رؤیایی را
 که در خواب به تو نمایانندیم و شجره ملعونه در قرآن را جز برای آزمایش
 مردم قرار نداده ایم، و ایشان را بیم می دهیم ولی جز بر سرکشی آنان
 نمی افزاید» و مراد از شجره ملعونه، بنی امیه هستند!

(۵۳) پیامبر فرمود: ای جبرئیل آیا ایشان در زمان من خواهند بود؟ (۵۴) گفت:
 نه، ولی آسیای اسلام از ابتدای هجرت به گردش می آید و تا ده سال می گردد
 آنگاه بر سر سال سی و پنجم از هجرت به گردش می افتد و تا پنج سال به آن
 حالت درنگ می کند آنگاه به ناچار آسیای گمراهی خواهد بود که بر محور خود
 می ایستد، و از آن پس پادشاهی فراعنه پدید می آید.

(٥٥) قَالَ: وَ أَنْزَلَ اللهُ تَعَالَى فِي ذَلِكَ: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ، لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» تَمَلِّكُهَا بَنُو أُمَيَّةَ لَيْسَ فِيهَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ. (٥٦) قَالَ: فَاطَّلَعَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ نَبِيَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ - أَنْ بَنَى أُمَيَّةَ تَمَلِّكُ سُلْطَانَ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ مُلْكُهَا طُولَ هَذِهِ الْمُدَّةِ (٥٧) فَلَوْ طَاوَلْتَهُمُ الْجِبَالُ لَطَالُوا عَلَيْهَا حَتَّى يَأْذَنَ اللهُ تَعَالَى بِزَوَالِ مُلْكِهِمْ، وَ هُمْ فِي ذَلِكَ يَسْتَشْعِرُونَ عَدَاوَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَبُغْضَنَا. (٥٨) أَخْبَرَ اللهُ نَبِيَّهُ بِمَا يَلْقَى أَهْلَ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلَ مَوَدَّتِهِمْ وَ شَيْعَتَهُمْ مِنْهُمْ فِي أَيَّامِهِمْ وَ مُلْكِهِمْ. (٥٩) قَالَ: وَ أَنْزَلَ اللهُ تَعَالَى فِيهِمْ: «الَّذِينَ تَرَى إِلَى الَّذِينَ بَدَلُوا نِعْمَتَ اللهِ كُفْرًا وَ أَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَ بِئْسَ الْقَرَارُ». (٦٠) وَ نِعْمَةَ اللهِ مُحَمَّدًا وَ أَهْلَ بَيْتِهِ، حُبُّهُمْ إِيْمَانٌ يُدْخِلُ الْجَنَّةَ، وَ بُغْضُهُمْ كُفْرٌ وَ نِفَاقٌ يُدْخِلُ النَّارَ (٦١) فَاسَرَّ رَسُولُ اللهِ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - ذَلِكَ إِلَى عَلِيٍّ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ. (٦٢) قَالَ: ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا خَرَجَ وَ لَا يَخْرُجُ مِنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ إِلَى قِيَامِ قَائِمِنَا أَحَدٌ لِيُدْفَعَ ظُلْمًا أَوْ يَنْعَشَ حَقًّا إِلَّا اضْطَلَمْتَهُ الْبَلِيَّةُ، وَ كَانَ قِيَامُهُ زِيَادَةً فِي مَكْرُوهِنَا وَ شَيْعَتِنَا. (٦٣) قَالَ الْمُتَوَكَّلُ ابْنُ هُرُونَ: ثُمَّ أَمَلَى عَلِيٌّ أَبُو عَبْدِ اللهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - الْأَدْعِيَةَ وَ هِيَ خَمْسَةٌ وَ سَبْعُونَ بَابًا، سَقَطَ عَنِّي مِنْهَا أَحَدٌ عَشَرَ بَابًا، وَ حَفِظْتُ مِنْهَا نَيْفًا وَ سِتِينَ بَابًا (٦٤) وَ حَدَّثَنَا أَبُو الْمُفْضَلِ قَالَ: وَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ ابْنُ الْحَسَنِ ابْنِ رُوَيْبَةَ أَبُو بَكْرٍ الْمَدَائِنِيُّ الْكَاتِبُ نَزِيلُ الرَّحْبَةِ فِي دَارِهِ (٦٥) قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ ابْنُ أَحْمَدَ ابْنِ مُسْلِمِ الْمُطَهَّرِيِّ (٦٦) قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ عُمَيْرِ ابْنِ مُتَوَكَّلِ الْبَلْخِيِّ عَنْ أَبِيهِ الْمُتَوَكَّلِ ابْنِ هُرُونَ

(۵۵) حضرت صادق فرمود: و خدای بزرگ در این باره وحی نازل کرد که به تحقیق ما آن را در شب قدر نازل کردیم و چه می دانی که شب قدر چیست؟ شب قدر بهتر از هزار ماه است که بنی امیه در آن حکومت کنند و شب قدر در آن نباشد. (۵۶) سپس فرمود: پس خدای عزوجل پیامبرش را آگاه فرمود که بنی امیه قدرت و حکومت این امت را در طول این مدت به دست می گیرند. (۵۷) پس اگر کوهها با ایشان به سرکشی برخیزند ایشان بر کوهها برتری یابند و چیره شوند تا وقتی که خدای بزرگ به نابودی حکومتشان حکم کند. و بنی امیه در این مدت عداوت و کینه ما اهل بیت را شعار خود می نمایند. (۵۸) خداوند از آنچه در مدت حکومت بنی امیه بر اهل بیت محمد و دوستان و شیعیانسان می رسد به رسولش خبر داد.

(۵۹) آنگاه حضرت صادق علیه السلام فرمود: و خدا درباره بنی امیه وحی نازل فرمود که «آیا ندیدی کسانی را که نعمت خدا را به کفر بدل کردند و قوم خود را به دار هلاکت یعنی دوزخ افکندند که در آن سرنگون شوند و بد قرارگاهی است.» (۶۰) و نعمت خدا محمد (ص) و اهل بیت آن حضرتند که دوستی ایشان ایمانی است که آدمی را به بهشت داخل می کند و دشمنی ایشان کفر و نفاق است که به جهنم درمی آورد. (۶۱) پس رسول خدا این راز را پنهانی با علی و اهل بیتش علیهم السّلام در میان گذاشت. (۶۲) متوکل گفت: سپس حضرت صادق علیه السلام فرمود: احدی از ما اهل بیت تا روز قیام قائم ما برای دفع ظلمی یا به پا داشتن حقّی خروج نکرده و نخواهد کرد مگر آنکه طوفان بلا او را از ریشه برکند و قیامش موجب افزایش غصه ما و شیعیان ما گردد.

(۶۳) متوکل گفت: آنگاه حضرت صادق علیه السلام دعاهاى صحیفه را بر من املاء کرد و آن هفتاد و پنج باب بود که یازده باب آن از حافظه ام رفت و شصت و چند باب آن را حفظ نمودم.

(۶۴) (عکبری گوید:) و حدیث کرد برای ما ابوالفضل، گفت: و حدیث کرد مرا محمد بن حسن بن روزبه ابوبکر مدائنی کاتب ساکن رحبه در خانه خودش. (۶۵) گفت: حدیث کرد مرا محمد بن احمد بن مسلم مطهری. (۶۶) گفت: حدیث کرد مرا پدرم از عمیر بن متوکل بلخی از پدرش متوکل بن هارون.

(٦٧) قَالَ: لَقِيتُ يَحْيَى ابْنَ زَيْدِ ابْنِ عَلِيٍّ - عَلَيْهِمَا السَّلَامُ - فَذَكَرَ
 الْحَدِيثَ بِشَمَامِهِ إِلَى رُؤْيَا النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - الَّتِي ذَكَرَهَا
 جَعْفَرُ ابْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ - (٦٨) وَفِي رِوَايَةِ
 الْمُطَهَّرِيِّ ذِكْرُ الْأَبْوَابِ وَهِيَ:

- ١ التَّخْمِيدُ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ
- ٢ الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
- ٣ الصَّلَاةُ عَلَى حَمَلَةِ الْعَرْشِ
- ٤ الصَّلَاةُ عَلَى مُصَدِّقِي الرُّسُلِ
- ٥ دُعَاؤُهُ لِنَفْسِهِ وَخَاصَّتِهِ
- ٦ دُعَاؤُهُ عِنْدَ الصَّبَاحِ وَالْمَسَاءِ
- ٧ دُعَاؤُهُ فِي الْمُهَيَّمَاتِ
- ٨ دُعَاؤُهُ فِي الْإِسْتِغَاذَةِ
- ٩ دُعَاؤُهُ فِي الْإِسْتِيْنَاقِ
- ١٠ دُعَاؤُهُ فِي اللَّجَأِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى
- ١١ دُعَاؤُهُ بِخَوَاتِمِ الْخَيْرِ
- ١٢ دُعَاؤُهُ فِي الْإِعْتِرَافِ
- ١٣ دُعَاؤُهُ فِي طَلَبِ الْحَوَائِجِ
- ١٤ دُعَاؤُهُ فِي الضَّلَامَاتِ
- ١٥ دُعَاؤُهُ عِنْدَ الْمَرَضِ
- ١٦ دُعَاؤُهُ فِي الْإِسْتِقَالَةِ
- ١٧ دُعَاؤُهُ عَلَى الشَّيْطَانِ
- ١٨ دُعَاؤُهُ فِي الْمَحْذُورَاتِ

(۶۷) گفت یحیی بن زید بن علی علیه السلام را ملاقات نمودم. سپس تمام حدیث را تا خواب پیامبر صلی الله علیه و آله که حضرت صادق از پدرانش - که درود خدا بر آنان باد - روایت فرمود بیان کرد.

(۶۸) و در روایت مطهری فهرست ابواب دعا به ترتیب زیر است:

- ۱- حمد و ثنای الهی.
- ۲- درود آن حضرت بر محمد و آل محمد (علیهم السّلام).
- ۳- درود آن حضرت بر حاملان عرش.
- ۴- درود آن حضرت بر آنان که به پیامبران ایمان آورده‌اند.
- ۵- دعای آن حضرت برای خود و نزدیکانش.
- ۶- دعای آن حضرت به هنگام صبح و شام.
- ۷- دعای آن حضرت به هنگام مهمّات و گرفتاری.
- ۸- دعای آن حضرت در پناه بردن به خداوند.
- ۹- دعای آن حضرت در شوق به امرزش.
- ۱۰- دعای آن حضرت در التجاء و پناه بردن به خداوند.
- ۱۱- دعای آن حضرت در عاقبت به خیر.
- ۱۲- دعای آن حضرت در اقرار به گناه.
- ۱۳- دعای آن حضرت در طلب حاجتها.
- ۱۴- دعای آن حضرت در دادخواهی از ستمگران.
- ۱۵- دعای آن حضرت به هنگام بیماری.
- ۱۶- دعای آن حضرت در طلب آمرزش گناهان.
- ۱۷- دعای آن حضرت در دور کردن شیطان.
- ۱۸- دعای آن حضرت در دفع بلاها و سختی‌ها.

- ١٩ دُعَاؤُهُ فِي الْإِسْتِسْقَاءِ
- ٢٠ دُعَاؤُهُ فِي مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ
- ٢١ دُعَاؤُهُ إِذَا أَحْزَنَهُ أَمْرٌ
- ٢٢ دُعَاؤُهُ عِنْدَ الشُّدَّةِ
- ٢٣ دُعَاؤُهُ بِالْغَافِيَةِ
- ٢٤ دُعَاؤُهُ لِأَبَوَيْهِ
- ٢٥ دُعَاؤُهُ لَوُلْدِهِ
- ٢٦ دُعَاؤُهُ لِجِيرَانِهِ وَ أَوْلِيَائِهِ
- ٢٧ دُعَاؤُهُ لِأَهْلِ الثُّغُورِ
- ٢٨ دُعَاؤُهُ فِي التَّفَرُّعِ
- ٢٩ دُعَاؤُهُ إِذَا قَتَرَ عَلَيْهِ الرِّزْقُ
- ٣٠ دُعَاؤُهُ فِي الْمَعُونَةِ عَلَى قَضَاءِ الدِّينِ
- ٣١ دُعَاؤُهُ بِالتَّوْبَةِ
- ٣٢ دُعَاؤُهُ فِي صَلَاةِ اللَّيْلِ
- ٣٣ دُعَاؤُهُ فِي الْإِسْتِخَارَةِ
- ٣٤ دُعَاؤُهُ إِذَا بَتَلَى أَوْ رَأَى مُبْتَلَى بِفَضِيحَةٍ بِذَنْبٍ
- ٣٥ دُعَاؤُهُ فِي الرِّضَا بِالْقَضَاءِ
- ٣٦ دُعَاؤُهُ عِنْدَ سَمَاعِ الرَّعْدِ
- ٣٧ دُعَاؤُهُ فِي الشُّكْرِ
- ٣٨ دُعَاؤُهُ فِي الْإِعْتِذَارِ
- ٣٩ دُعَاؤُهُ فِي طَلَبِ الْعَفْوِ
- ٤٠ دُعَاؤُهُ عِنْدَ ذِكْرِ الْمَوْتِ

- ۱۹- دعای آن حضرت در طلب باران.
- ۲۰- دعای آن حضرت درباره اخلاق پسندیده.
- ۲۱- دعای آن حضرت هنگامی که رویدادی او را اندوهناک می نمود.
- ۲۲- دعای آن حضرت در سختی و گرفتاری.
- ۲۳- دعای آن حضرت برای تندرستی.
- ۲۴- دعای آن حضرت برای پدر و مادر خود.
- ۲۵- دعای آن حضرت برای فرزندانش.
- ۲۶- دعای آن حضرت برای همسایگان و دوستانش.
- ۲۷- دعای آن حضرت برای مرزداران.
- ۲۸- دعای آن حضرت در پناه بردن به خدا.
- ۲۹- دعای آن حضرت هنگامی که روزی بر او تنگ می شد.
- ۳۰- دعای آن حضرت برای ادای وام.
- ۳۱- دعای آن حضرت در توبه و بازگشت.
- ۳۲- دعای آن حضرت در نماز شب.
- ۳۳- دعای آن حضرت در درخواست خیر و نیکی.
- ۳۴- دعای آن حضرت به هنگام گرفتاری خود یا دیدن گرفتار به رسوایی گناه.
- ۳۵- دعای آن حضرت درباره خشنودی به قضای حق.
- ۳۶- دعای آن حضرت هنگام شنیدن رعد.
- ۳۷- دعای آن حضرت در شکر.
- ۳۸- دعای آن حضرت در عذرخواهی.
- ۳۹- دعای آن حضرت در طلب عفو و بخشایش.
- ۴۰- دعای آن حضرت هنگام یاد مرگ.

- ٤١ دُعَاؤُهُ فِي طَلَبِ السِّرِّ وَالْوَقَايَةِ
 ٤٢ دُعَاؤُهُ عِنْدَ خْتَمِهِ الْقُرْآنِ
 ٤٣ دُعَاؤُهُ إِذَا نَظَرَ إِلَى الْهَلَالِ
 ٤٤ دُعَاؤُهُ لِدُخُولِ شَهْرِ رَمَضَانَ
 ٤٥ دُعَاؤُهُ لِيُودَاعِ شَهْرِ رَمَضَانَ
 ٤٦ دُعَاؤُهُ لِعِيدِ الْفِطْرِ وَالْجُمُعَةِ
 ٤٧ دُعَاؤُهُ فِي يَوْمِ عَرَفَةَ
 ٤٨ دُعَاؤُهُ فِي يَوْمِ الْأَضْحَى وَالْجُمُعَةِ
 ٤٩ دُعَاؤُهُ فِي دَفْعِ كَيْدِ الْأَعْدَاءِ
 ٥٠ دُعَاؤُهُ فِي الرَّهْبَةِ
 ٥١ دُعَاؤُهُ فِي التَّضَرُّعِ وَالِاسْتِكَانَةِ
 ٥٢ دُعَاؤُهُ فِي الْأَلْحَاحِ
 ٥٣ دُعَاؤُهُ فِي التَّنَدُّلِ
 ٥٤ دُعَاؤُهُ فِي اسْتِكْشَافِ الْهُمُومِ

(٦٩) وَبَاقِي الْأَبْوَابِ بِلَفْظِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ - رَحِمَهُ اللَّهُ -
 (٧٠) حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْحَسَنِيُّ (٧١) قَالَ: حَدَّثَنَا
 عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ بْنِ خَطَّابِ الزِّيَّاتِ (٧٢) قَالَ حَدَّثَنِي خَالِي عَلِيُّ بْنُ
 الثُّعْمَانَ الْأَعْلَمُ (٧٣) قَالَ: حَدَّثَنِي عُمَيْرُ بْنُ مُتَوَكَّلٍ الثَّقَفِيُّ الْبَلْخِيُّ عَنْ
 أَبِيهِ مُتَوَكَّلِ بْنِ هُرُونَ (٧٤) قَالَ: أَمَلَى عَلِيَّ سَيِّدِي الصَّادِقُ، أَبُو
 عَبْدِ اللَّهِ: جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ (٧٥) قَالَ: أَمَلَى جَدِّي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلِيَّ
 أَبِي مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ - عَلَيْهِمُ أَجْمَعِينَ السَّلَامُ - بِمَشْهَدِ مِنِّي.

- ۴۱- دعای آن حضرت در درخواست پرده پوشی و تقوی.
- ۴۲- دعای آن حضرت هنگام ختم قرآن.
- ۴۳- دعای آن حضرت به وقت دیدن ماه نو.
- ۴۴- دعای آن حضرت هنگام فرا رسیدن ماه رمضان.
- ۴۵- دعای آن حضرت به هنگام وداع ماه رمضان.
- ۴۶- دعای آن حضرت در روز عید فطر و جمعه.
- ۴۷- دعای آن حضرت در روز عرفه.
- ۴۸- دعای آن حضرت در روز عید قربان و جمعه.
- ۴۹- دعای آن حضرت در دفع مکر دشمنان.
- ۵۰- دعای آن حضرت در ترس از خدا.
- ۵۱- دعای آن حضرت در تضرع و زاری به درگاه خدا.
- ۵۲- دعای آن حضرت در اصرار بر طلب.
- ۵۳- دعای آن حضرت در فروتنی.
- ۵۴- دعای آن حضرت در رفع اندوه‌ها.
- (۶۹) و باقی ابواب به لفظ ابو عبدالله حسینی ع رحمه الله - است.
- (۷۰) حدیث کرد برای ما ابو عبدالله جعفر بن محمد حسینی.
- (۷۱) گفت: حدیث کرد برای ما عبدالله بن عمر بن خطاب زّیات.
- (۷۲) گفت: حدیث کرد برایم دائیم علی بن نعمان اعلم.
- (۷۳) گفت: حدیث کرد برایم عمیر بن متوکل ثقفی بلخی، از پدرش متوکل بن هارون.
- (۷۴) گفت: املا فرمود بر من آقایم امام صادق ابو عبدالله جعفر بن محمد.
- (۷۵) فرمودند: جدم علی بن الحسین بر پدرم محمد بن علی - سلام بر همه آنها باد - در حضور من املا فرمود:

(١)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا ابْتَدَأَ بِالدُّعَاءِ
بَدَأَ بِالتَّحْمِيدِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالثَّنَاءِ عَلَيْهِ، فَقَالَ:

(١) الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بِلَا أَوَّلٍ كَانَ قَبْلَهُ، وَالْآخِرِ بِلَا آخِرٍ يَكُونُ
بَعْدَهُ (٢) الَّذِي قَصُرَتْ عَنْ رُؤْيَيْتِهِ أَبْصَارُ النَّاطِرِينَ، وَعَجَزَتْ
عَنْ نَعْتِهِ أَوْهَامُ الْوَاصِفِينَ. (٣) ابْتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ ابْتِدَاعًا،
وَاخْتَرَعَهُمْ عَلَى مَشِيئَتِهِ اخْتِرَاعًا. (٤) ثُمَّ سَلَكَ بِهِمْ طَرِيقَ إِرَادَتِهِ،
وَبَعَثَهُمْ فِي سَبِيلِ مَحَبَّتِهِ، لَا يَمْلِكُونَ تَأْخِيرًا عَمَّا قَدَّمَ لَهُمْ إِلَيْهِ،
وَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَقَدُّمًا إِلَى مَا آخَرَهُمْ عَنْهُ. (٥) وَجَعَلَ لِكُلِّ رُوحٍ
مِنْهُمْ قُوَّتًا مَعْلُومًا مَقْسُومًا مِنْ رِزْقِهِ، لَا يَنْقُصُ مِنْ زَادِهِ نَاقِصٌ، وَلَا
يَزِيدُ مَنْ نَقَصَ مِنْهُمْ زَائِدٌ. (٦) ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِي الْحَيَاةِ أَجَلًا مَوْقُوتًا،
وَ نَصَبَ لَهُ أَمَدًا مَحْدُودًا، يَتَخَطَّأُ إِلَيْهِ بِأَيَّامِ عُمْرِهِ، وَيَرْهَقُهُ بِأَعْوَامِ
دَهْرِهِ، حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَقْصَى آثَرِهِ، وَاسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمْرِهِ، قَبِضَهُ إِلَى
مَانِدَبِهِ إِلَيْهِ مِنْ مَوْفُورِ ثَوَابِهِ، أَوْ مَحْدُورِ عِقَابِهِ،
لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى.
(٧) عَدْلًا مِنْهُ، تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ، وَتَظَاهَرَتْ أَلْوَاهُ، لَا يُسْتَلُّ عَمَّا يَفْعَلُ
وَهُمْ يُسْتَلُونَ. (٨) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَةَ حَمْدِهِ
عَلَى مَا أَبْلَاهُمْ مِنْ مَنَنِهِ الْمُتَتَابِعَةِ، وَاسْبَغَ عَلَيْهِمْ مِنْ نِعَمِهِ الْمُتَظَاهِرَةِ،
لَتَصَرَّفُوا فِي مَنَنِهِ فَلَمْ يَحْمَدُوهُ، وَتَوَسَّعُوا فِي رِزْقِهِ فَلَمْ يَشْكُرُوهُ.

دعای اول

حمد و ثنای الهی

(۱) ستایش از آن خدای اول است که هیچ اولی قبل از او نیست. و مخصوص خدای آخر است که هیچ آخری بعد از او نیست. (۲) خدایی که دیدگان هر بیننده‌ای از دیدنش قاصر و اندیشه هر توصیف کننده‌ای از وصف او عاجز است. (۳) جهان آفرینش را با قدرت کامل و مشیت بالغ خویش بی آنکه نمونه و الگویی در کار خلق آن وجود داشته باشد آفرید. (۴) سپس آفریدگان را با اراده خود به راه راست راهی ساخت و آنها را در مسیر محبت خویش برانگیخت. کسانی که اراده خدا آنها را بر دیگران مقدم داشته یارای تأخیر و عقب افتادن ندارند و نیز کسانی که مشیت الهی آنان را از دیگران عقبتر انداخته است قدرت جلو افتادن ندارند. (۵) و خدای متعال برای هر یک از جانداران، رزق معلومی را تقسیم نموده است، که هرگز نتواند آن کسی که برایش رزق زیادی مقدر فرموده از آن بکاهد و کسی که برایش اندک مقدر نموده، بر آن بینزاید. (۶) آنگاه خداوند در زندگی هر یک از آفریدگان، اجلی را معین نموده و برای آن پایانی را منظور داشته است، که با گذر ایام عمر، به سوی آن گام بر می‌دارد. و با سپری شدن لحظات روزگار، آن اجل فرا می‌رسد. و آنگاه که آخرین قدم را بر می‌دارد و عمر او به پایان می‌رسد، خداوند جان او را بگیرد و به سوی مقصدی که دعوتش فرموده است یعنی ثواب وافر و بهشت برین یا شقاوت و دوزخ الهی، رهسپار سازد. (۷) این، برای آن است که بدکاران را به کیفر اعمال زشت خود برساند و نیکوکاران را بر اساس عدالت خویش، پاداش نیکو عطا فرماید. پاک و منزّه است اسماء او، و آشکار است نعمتهای او. هیچ کس حق ندارد از کار او باز خواست کند اما همگان در پیشگاه او مورد سؤال واقع می‌شوند. (۸) ستایش مخصوص خدایی است که اگر شناخت حمد و ثنای خویش را با ابتلای بندگان به نعمتهای گوناگون و احسانهای فراوان دریغ کند، بندگان در نعمتها و منتهای الهی تصرف کنند و ستایش او انجام ندهند و رزق و روزی خویش گسترش دهند و شکر او ننمایند.

(٩) وَلَوْ كَانُوا كَذَلِكَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حَدِّ
 الْبَهِيمِيَّةِ فَكَانُوا كَمَا وَصَفَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ: «إِنَّهُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ
 هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا.» (١٠) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا عَرَّفْنَا مِنْ نَفْسِهِ، وَالْهَمْنَا
 مِنْ شُكْرِهِ، وَفَتَحَ لَنَا مِنْ أَبْوَابِ الْعِلْمِ بِرُبُوبِيَّتِهِ، وَدَلَّنَا عَلَيْهِ
 مِنَ الْإِخْلَاصِ لَهُ فِي تَوْحِيدِهِ، وَجَنَّبَنَا مِنَ الْأَلْحَادِ وَالشَّكِّ فِي أَمْرِهِ.
 (١١) حَمْدًا نُعَمَّرُ بِهِ فِيمَنْ حَمَدَهُ مِنْ خَلْقِهِ، وَنَسْبِقُ بِهِ مَنْ سَبَقَ إِلَى
 رِضَاهُ وَعَفْوِهِ. (١٢) حَمْدًا يُضَيُّ لَنَا بِهِ ظُلُمَاتِ الْبَرْزَخِ، وَيُسَهِّلُ عَلَيْنَا
 بِهِ سَبِيلَ الْمَبْعَثِ، وَيُشَرِّفُ بِهِ مَنَازِلَنَا عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ، يَوْمَ
 تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ، يَوْمَ لَا يُعْنِي مَوْلَى عَنْ
 مَوْلَى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ. (١٣) حَمْدًا يَرْتَفِعُ مِنَّا إِلَى أَعْلَى عِلِّيِّينَ فِي
 كِتَابِ مَرْقُومٍ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ. (١٤) حَمْدًا تَقْرُبُهُ عُيُونُنَا إِذَا بَرَقَتْ
 الْأَبْصَارُ، وَتَبْيَضُّ بِهِ وَجُوهُنَا إِذَا اسْوَدَّتِ الْآبْشَارُ. (١٥) حَمْدًا نُغْتَقِ
 بِهِ مِنَ الْبِيمِ نَارِ اللَّهِ إِلَى كَرِيمِ جِوَارِ اللَّهِ. (١٦) حَمْدًا نَزَاحِمُ بِهِ مَلَائِكَتَهُ
 الْمُقَرَّبِينَ، وَنُضَامُ بِهِ أَنْبِيَاءَهُ الْمُرْسَلِينَ فِي دَارِ الْمُقَامَةِ الَّتِي
 لَا تَزُولُ، وَمَحَلِّ كَرَامَتِهِ الَّتِي لَا تَحُولُ. (١٧) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اخْتَارَ
 لَنَا مَخَاسِنَ الْخَلْقِ، وَأَجْرَى عَلَيْنَا طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ. (١٨) وَجَعَلَ لَنَا
 الْفَضِيلَةَ بِالْمَلَكَةِ عَلَى جَمِيعِ الْخَلْقِ، فَكُلُّ خَلْقِيَّتِهِ مُنْقَادَةٌ لَنَا بِقُدْرَتِهِ،
 وَصَائِرَةٌ إِلَى طَاعَتِنَا بِعِزَّتِهِ. (١٩) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَعْلَقَ عَنَّا بَابَ
 الْحَاجَةِ إِلَّا إِلَيْهِ، فَكَيْفَ نُطِيقُ حَمْدَهُ؟ أَمْ مَتَى نُؤَدِي شُكْرَهُ؟! لَا،
 مَتَى؟ (٢٠) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَكَّبَ فِينَا أَلَاتِ الْبَسْطِ، وَجَعَلَ
 لَنَا أَدْوَاتِ الْقَبْضِ، وَمَتَّعَنَا بِأَرْوَاحِ الْحَيَاةِ، وَأَثَبَتْ فِينَا جَوَارِحَ
 الْأَعْمَالِ، وَغَدَّانَا بِطَيِّبَاتِ الرِّزْقِ، وَأَعْنَانَا بِفَضْلِهِ، وَأَقْنَانَا بِمَنِّهِ.

(۹) در این صورت از مرز انسانیت خارج شده و به حدّ حیوانیت سقوط کنند. چنانکه خداوند متعال در کتاب محکم خویش، آنها را چنین توصیف کرده است: حیوانند بلکه از حیوان گمراه‌ترند. (۱۰) وستایش مخصوص خداست چرا که بهره‌ای از معرفت خود را به ما ارزانی فرمود و از نعمت شکر خویش به ما الهام فرمود و برخی از درهای نامتناهی علم به ربوبیتش را به سوی ما گشود و ما را به مرتبهٔ اخلاص در توحید خویش راهنمایی نمود و از شائبة الحاد و شک در امرش دور کرد. (۱۱) او را چنان ستایش کنیم که در تمام عمر در شمار بندگان ستایشگر پروردگار باشیم و با ستایش خویش گوی سبقت را از کسانی که به مقام عفو و خشنودی او سبقت گرفته‌اند برابیم. (۱۲) حمد و ستایشی که تاریکیهای عالم برزخ را برای ما روشن سازد و راه دشوار جهان آخرت را برای ما آسان گرداند و منازل ما نزد شاهدان صحنهٔ محشر، شریفتر شود. روزی که هر شخصی به پاداش و کیفر اعمالش می‌رسد و هرگز به کسی ستم نمی‌شود. روزی که هیچ یار و یاورى نمی‌تواند کاری انجام دهد و [انسانهای گرفتار عذاب] یاری نمی‌شوند. (۱۳) خدای را آنگونه ستایش می‌کنیم که حمد و ثنای ما تا اعلیٰ علین برسد و در کتاب مرقوم نزد شاهدان مقرب الهی قرار گیرد. (۱۴) ستایشی که موجب چشم‌روشنی ما به هنگامی گردد که چشمها از ترس و وحشت، برق زنند و خیره شوند. و ما به وسیلهٔ حمدمان روزی که بدکاران روسیاه هستند نزد پروردگار رؤسید شویم. (۱۵) حمدی که ما را از آتش دردناک الهی برهاند و در جوار کرم خدای، جای دهد. (۱۶) ستایشی که به ما توان آن بخشد تا بتوانیم با فرشتگان مقرب الهی رقابت و همدوشی نماییم و در بهشت جاوید الهی و محلّ کرامت ربوبی با انبیا و رسل الهی هم‌نشین شویم. (۱۷) ستایش، مخصوص خدایی است که برای ما اخلاق نیکو و صفات حسنه را برگزید. (۱۸) و برای ما روزیهای پاکیزه ارزانی داشت و ما را بر همهٔ آفریدگان برتری و فضیلت پایدار بخشید. تا آنجا که همهٔ آفریدگان با قدرت کامل و عزّت الهی، مطیع و منقاد ما گردیدند. (۱۹) ستایش مخصوص خدایی است که جز باب نیاز ما به سوی خودش همهٔ درهای نیاز را بر روی ما بسته است! با این حال، چگونه می‌توانیم او را ستایش کنیم و کی می‌توانیم از عهدهٔ شکر او برآیم؟ (۲۰) حمد از آن خدایی است که ابزار بسط و گسترش را با ما درآمیخت و اسباب قبض را برای ما قرار داد و ما را با نشاطهای زندگی کامیاب نمود و جوارح انجام اعمال را در وجود ما آفرید. و با روزیهای پاک، به ما غذا داد و با فضل و کرم خود ما را بی‌نیاز ساخت و با نعمتهای بی‌پایان خویش، بر ما منت نهاد.

(٢١) ثُمَّ أَمَرْنَا لِيُخْتَبَرَ طَاعَتَنَا، وَنَهَانَا لِيَبْتَلَى شُكْرَنَا، فَخَالَفْنَا عَنْ طَرِيقِ أَمْرِهِ، وَرَكِبْنَا مُتُونَ زَجْرِهِ، فَلَمْ يَبْتَدِرْنَا بِعُقُوبَتِهِ، وَلَمْ يُعَاجِلْنَا بِنِقْمَتِهِ، بَلْ تَأَنَّنَا بِرَحْمَتِهِ تَكَرُّمًا، وَانْتَظَرَ مُرَاجَعَتَنَا بِرَأْفَتِهِ حِلْمًا.

(٢٢) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي دَلَّنَا عَلَى التَّوْبَةِ الَّتِي لَمْ نُفِذْهَا إِلَّا مِنْ فَضْلِهِ، فَلَوْلَمْ نَعْتَدِدْ مِنْ فَضْلِهِ إِلَّا بِهَا لَقَدْ حَسُنَ بِلَاؤُهُ عِنْدَنَا، وَجَلَّ إِحْسَانُهُ إِلَيْنَا وَجَسَمَ فَضْلُهُ عَلَيْنَا (٢٣) فَمَا هَكَذَا كَانَتْ سُتْتُهُ فِي التَّوْبَةِ لِمَنْ كَانَ قَبْلَنَا، لَقَدْ وَضَعَ عَنَّا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ، وَلَمْ يُكَلِّفْنَا إِلَّا وُسْعًا، وَلَمْ يُجَشِّمْنَا إِلَّا يُسْرًا، وَلَمْ يَدْعُ لِأَحَدٍ مِنَّا حُجَّةً وَلَا عُذْرًا.

(٢٤) فَالْهَالِكُ مِنَّا مَنْ هَلَكَ عَلَيْهِ، وَالسَّعِيدُ مِنَّا مَنْ رَغِبَ إِلَيْهِ

(٢٥) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ بِكُلِّ مَا حَمَدَهُ بِهِ آدْنَى مَا لَأَتَكْتَبُهُ إِلَيْهِ وَأَكْرَمُ خَلِيقَتِهِ عَلَيْهِ وَأَرْضَى حَامِدِيهِ لَدَيْهِ (٢٦) حَمْدًا يُفْضَلُ سَائِرَ الْحَمْدِ كَفَضْلِ رَبَّنَا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ (٢٧) ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ مَكَانَ كُلِّ نِعْمَةٍ لَهُ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ عِبَادِهِ الْمَاضِينَ وَالْبَاقِينَ عَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ مِنْ جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ، وَمَكَانَ كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهَا عَدَدُهَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً أَبَدًا سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. (٢٨) حَمْدًا لَا مُنْتَهَى لِحَدِّهِ، وَلَا حِسَابَ لِعَدَدِهِ، وَلَا مَبْلَغَ لِعَاقِبَتِهِ، وَلَا انْقِطَاعَ لِأَمَدِهِ (٢٩) حَمْدًا يَكُونُ وَضْلَةً إِلَى طَاعَتِهِ وَعَفْوِهِ، وَسَبَبًا إِلَى رِضْوَانِهِ، وَذَرِيعَةً إِلَى مَغْفِرَتِهِ، وَطَرِيقًا إِلَى جَنَّتِهِ، وَخَفِيرًا مِنْ نِقْمَتِهِ، وَأَمْنًا مِنْ غَضَبِهِ، وَظَهِيرًا عَلَى طَاعَتِهِ، وَحَاجِزًا عَنْ مَعْصِيَتِهِ، وَعَوْنًا عَلَى تَأْدِيَةِ حَقِّهِ وَوِظَائِفِهِ. (٣٠) حَمْدًا نَسْعُدُ بِهِ فِي السُّعْدَاءِ مِنْ أَوْلِيَائِهِ، وَنَصِيرُ بِهِ فِي نَظْمِ الشُّهَدَاءِ بِسُيُوفِ أَعْدَائِهِ، إِنَّهُ وَلِيُّ حَمِيدٍ.

(۲۱) آنگاه، برای این که طاعت ما را بیازماید به ما فرمان داد و برای اینکه شکر و سپاس ما را آزمایش کند ما را از اموری نهی فرمود. با آنکه ما بندگان از امر او سر پیچی کردیم و بر مرکب نافرمانی سوار شدیم، اما او بر عقوبت ما مبادرت نکرد و در انتقام خویش تعجیل نفرمود. بلکه با رحمت خاصّ خود از روی لطف و کرم با ما مدارا نمود و با رأفت و مهربانی، از روی حلم و بردباری انتظار توبه و بازگشت ما را داشت. (۲۲) ستایش مخصوص خدایی است که ما را بر توبه راهنمایی کرد، نعمتی که فقط به خاطر فضل و کرمش از آن، بهره مند شدیم. و اگر تنها به وسیله توبه، اهل فضل و کرم خدا به شمار آییم تحقیقاً نعمت او نزد ما نیکو و احسان و فضل او بر ما، بسیار عظیم است. (۲۳) البته، سنت خداوند در مورد توبه برای کسانی که پیش از ما زندگی می کردند اینگونه نبوده است. همانا، خداوند آنچه خارج از توان و طاقت ما بود از ما بر داشته و جز به اندازه توان، به ما تکلیف نفرموده و تنها به تکالیف سهل و آسان ما را موظف ساخته است و برای هیچ کس، حجت و عذری باقی نگذاشته است. (۲۴) بنابراین، شقی و زیان کار کسی است که با معصیت پروردگار هلاکت خویش را فراهم می سازد. و سعادت مند و رستگار کسی است که مشتاق و راغب خدا بوده از او اطاعت می کند. (۲۵) و ستایش مخصوص خداست. آنسان که بتواند همه ستایشی را که مقربترین ملائکه و بهترین خلق او و پسندیده ترین ستایشگران نزد او انجام می دهند شامل بشود. (۲۶) ستایشی که فضیلت و برتری آن نسبت به سایر ستایشها بسان برتری پروردگار بر تمام خلق باشد. (۲۷) پس از همه حمد و ثناها، باز حمد و ثنا از آن اوست. در مقابل هر نعمتی که به ما و بر همه بندگان گذشته و بازماندگان عطا فرموده حمدی سزای او است به اندازه همه اشیائی که علم بی پایانش به آنها احاطه دارد. و در برابر هر یک از آن اشیاء و موجودات، به اندازه چندین برابر عددشان حمدی ابدی و سرمدی تا روز قیامت سزای اوست. (۲۸) حمدی که اندازه اش پایان ناپذیر و شمارش بی حساب و مقدارش نامتناهی و زمانش پیوسته باشد. (۲۹) حمدی که ما را به مقام عفو و طاعتش برساند و موجب خشنودی او و وسیله آمرزش گردد. و ما را به سوی بهشت خدا راهنمایی کند و از عذاب الهی حفظ نماید و از غضبش ایمن گرداند و بر طاعت و بندگیش مؤید بدارد و از معصیتش باز دارد و یاور ما بر ادای حق و انجام وظایف الهی باشد. (۳۰) حمدی که ما را در شمار سعادت مندان و اولیای الهی قرار دهد و در صف آنان که با شمشیر دشمنان به شهادت رسیده اند در آورد. البته، او سرپرست و ستوده است.

(٢)

وَكَانَ مِنْ دَعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ هَذَا التَّحْمِيدِ
فِي الصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

(١) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -
دُونَ الْأُمَّمِ الْمَاضِيَةِ وَالْقُرُونِ السَّالِفَةِ، بِقُدْرَتِهِ الَّتِي لَا تَعْجِزُ عَنْ
شَيْءٍ وَإِنْ عَظُمَ، وَلَا يَفُوتُهَا شَيْءٌ وَإِنْ لَطَفَ. (٢) فَخَتَمَ بِنَا عَلِيٍّ جَمِيعِ
مَنْ ذَرَاءَ، وَجَعَلْنَا شُهَدَاءَ عَلِيٍّ مِنْ جَحَدٍ، وَكَثَرْنَا بِمَنْنِهِ عَلِيٍّ مِنْ قَلْبٍ.
(٣) اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ أَمِينِكَ عَلِيٍّ وَخِيكَ، وَنَجِيْبِكَ مِنْ
خَلْقِكَ، وَصَفِيِّكَ مِنْ عِبَادِكَ، أَمَامِ الرَّحْمَةِ، وَقَائِدِ الْخَيْرِ، وَمِفْتَاحِ
الْبَرَكَاتِ. (٤) كَمَا نَصَبَ لِأَمْرِكَ نَفْسَهُ (٥) وَعَرَّضَ فَيْكَ لِلْمَكْرُوهِ
بَدَنَهُ (٦) وَكَاشَفَ فِي الدُّعَاءِ إِلَيْكَ حَامَتَهُ (٧) وَخَارَبَ فِي رِضَاكَ
أُسْرَتَهُ (٨) وَقَطَعَ فِي إِحْيَاءِ دِينِكَ رَحِمَهُ. (٩) وَأَقْصَى الْأَدْنَيْنِ
عَلَى جُحُودِهِمْ (١٠) وَقَرَّبَ الْأَقْصَيْنِ عَلَيَّ اسْتِجَابَتِهِمْ لَكَ. (١١) وَوَالِي
فَيْكَ الْأَبْعَدَيْنِ (١٢) وَعَادَى فَيْكَ الْأَقْرَبَيْنِ (١٣) وَأَدَابَ نَفْسَهُ فِي
تَبْلِيغِ رِسَالَتِكَ (١٤) وَأَتَعَبَهَا بِالْدُّعَاءِ إِلَيَّ مِلَّتِكَ. (١٥) وَشَغَلَهَا بِالنُّصْحِ
لِأَهْلِ دَعْوَتِكَ (١٦) وَهَاجَرَ إِلَيَّ بِبِلَادِ الْغُرَبَةِ، وَمَحَلَّ النَّأْيِ عَنْ
مَوْطِنِ رِجْلِهِ، وَمَوْضِعِ رِجْلِهِ، وَمَسْقَطِ رَأْسِهِ، وَمَأْسِسِ نَفْسِهِ،
إِرَادَةً مِنْهُ لِإِعْزَازِ دِينِكَ، وَاسْتِنْصَاراً عَلَيَّ أَهْلِ الْكُفْرِيِّكَ. (١٧) حَتَّى
اسْتَبَّ لَهُ مَا حَاوَلَ فِي أَعْدَائِكَ (١٨) وَاسْتَمَّ لَهُ مَا دَبَّرَ فِي أَوْلِيَائِكَ.

دعای دوم:

درود و تحیت بر پیامبر(ص)

(۱) حمد و ستایش خدای را که با نعمت وجود پیامبر بزرگوارش حضرت محمد ﷺ بر ما منت نهاد و بر امتهای پیشین و قرنهای گذشته چنین منتی نگذاشت. و این نعمت بزرگ را با قدرت بی پایان خویش بر ما عطا نمود، قدرتی که هیچگونه عجزی در آن راه ندارد و کوچکترین اشیاء از حیطه قدرت و علمش ناپدید نخواهد شد. (۲) او ما را خاتم همه امتها قرار داد و بر ملل گذشته برتری بخشید. ما را بر منکران حضرتش شاهد و گواه قرار داد و بر مردمی که بی ارزش و بی عزت بودند غلبه و فزونی بخشید. (۳) پروردگارا پس بر محمد ﷺ که امین وحی تو است و شریفتر و بزرگوارتر از همه آفریدگان تو می باشد و پیشوای رحمت و قائد خیر است و کلید برکات است، درود و تحیت فرست. (۴) آنچنانکه برای اقامه امر و فرمان تو جان خود را در طبق اخلاص گذاشت. (۵) و بدن خود را در معرض سختیها قرار داد. (۶) و در دعاهایی که به درگاہت داشت عداوت خود را با خویشاوندان مشرکش اظهار نمود (۷) و در راه رضا و خشنودی تو با بستگان و قبیلہ خود جنگ کرد (۸) و برای احیای دین تراز ارحام خویش نیز بُرید (۹) تا آنجا که نزدیکان خود را که بخدای یکتا ایمان نیاوردند همه را از خود دور کرد (۱۰) و بیگانگان را که حکم تو را اجابت کردند بخود نزدیک نمود (۱۱) و در راه رضای تو با دورترین مردم که ایمان آوردند دوستی کرد (۱۲) و با نزدیکترین کسانی که کفر پیشه کردند آهنگ دشمنی نواخت (۱۳) و در رساندن پیام تو خود را خسته کرد (۱۴) و نفس شریف خود را در راه دعوت به آیین و دین توبه رنج و سختیهای فراوان افکند. (۱۵) و عمری را با اندرز و نصیحت، به تربیت آنان که دعوت را پذیرفتند سپری نمود (۱۶) و از وطن خود به سوی بلاد غربت دور از شهر و دیار خویش و دور از محل اقامت و زادگاه خود و دور از جایگاه انس و الفتش با اراده ای پایدار در راه عظمت و اعزاز دین تو هجرت نمود و از تو ای خدای بزرگ علیه کافران یاری طلبید (۱۷) تا خواسته اش در مورد غلبه بر کافران و منکران تحقق یافت (۱۸) و آنچه درباره اولیاء و دوستان تو تدبیر نمود بحد تمام و کمال رسانید.

(١٩) فَهَدَّ إِلَيْهِمْ مُسْتَفْتِحاً بِعَوْنِكَ، وَ مُتَّقَوِّياً عَلَى ضَعْفِهِ بِنَصْرِكَ
 (٢٠) فَغَزَاهُمْ فِي عُقْرِ دِيَارِهِمْ. (٢١) وَ هَجَمَ عَلَيْهِمْ فِي بُحْبُوحَةِ قَرَارِهِمْ
 (٢٢) حَتَّى ظَهَرَ أَمْرُكَ، وَ عَلَتْ كَلِمَتُكَ، وَ لَو كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. (٢٣) اَللّٰهُمَّ
 فَارْفَعُهُ بِمَا كَدَحَ فِيكَ إِلَى الدَّرَجَةِ الْعُلْيَا مِنْ جَنَّتِكَ (٢٤) حَتَّى لَا
 يُسَاوِي فِي مَنْزِلَةٍ، وَلَا يُكَافَأُ فِي مَرْتَبَةٍ، وَلَا يُوَازِيَهُ لَدَيْكَ مَلَكٌ
 مُّقَرَّبٌ، وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ. (٢٥) وَ عَرَّفَهُ فِي أَهْلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ أُمَّتِهِ
 الْمُؤْمِنِينَ مِنْ حُسْنِ الشَّفَاعَةِ أَجَلٌ مَا وَعَدْتَهُ (٢٦) يَا نَافِذَ الْعِدَّةِ، يَا
 وَافِيَ الْقَوْلِ، يَا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ بِأَضْعَافِهَا مِنَ الْحَسَنَاتِ إِنَّكَ
 ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ.



مُرْتَقِيَةٌ كَمَا تَرَى فِي رِسْمِي
 وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الصَّلَاةِ
 عَلَى حَمَلَةِ الْعَرْشِ وَ كُلِّ مَلَكٍ مُّقَرَّبٍ:

(١) اَللّٰهُمَّ وَ حَمَلَةَ عَرْشِكَ الَّذِيْنَ لَا يَفْتَرُونَ مِنْ تَسْبِيْحِكَ، وَلَا
 يَسْتَمُونَ مِنْ تَقْدِيْسِكَ، وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ مِنْ عِبَادَتِكَ، وَلَا يُؤْثِرُونَ
 التَّقْصِيْرَ عَلَى الْجِدِّ فِيْ أَمْرِكَ، وَلَا يَعْقِلُونَ عَنِ الْوَلَةِ إِلَيْكَ
 (٢) وَ إِسْرَافِيْلُ صَاحِبُ الصُّوْرِ، الشَّيْخُصُّ الَّذِي يَنْتَظِرُ مِنْكَ الْإِذْنَ،
 وَ حُلُوْلُ الْأَمْرِ، فَيَنْبَهُ بِالنَّفْحَةِ صَرَعى رَهَائِنَ الْقُبُورِ. (٣) وَ مِيكَائِيْلُ
 ذُو الْجَاهِ عِنْدَكَ، وَ الْمَكَانِ الرَّفِيْعِ مِنْ طَاعَتِكَ. (٤) وَ جِبْرِيْلُ الْأَمِيْنُ
 عَلَى وَحْيِكَ، الْمُطَاعُ فِي أَهْلِ سَمَوَاتِكَ، الْمَكِيْنُ لَدَيْكَ، الْمُقَرَّبُ عِنْدَكَ

(۱۹) و بر اصلاح امور امت قیام کرد در حالیکه فتح و پیروزی خود را با یاری تو طلب می کرد و بر ضعف خود به نصرت و یاری تو نیرو می گرفت.

(۲۰) از همین رو بود که در عمق خاک دشمن به جنگ آنها برخاست (۲۱) و در قرارگاه دشمن بر آنها هجوم برد، (۲۲) تا آنکه امر و فرمان حضرتت ظاهر شده و با وجود آنکه مشرکان کراحت داشتند کلمه توحید چیره گشت.

(۲۳) پروردگارا، آن حضرت را در مقابل رنجها و سختیها که در راه تو کشیده است رفعت مقام بخش و در فردوس برین، عالیترین درجات را به او عطا فرما (۲۴) تا آن مقامی که هیچ یک از ملائکه مقرب و انبیا مرسل در منزلت و مقام، همتا و همسان او نباشند (۲۵) و او را در میان اهل بیت پاکش و امت با ایمانش با شفاعت نیکو به بهترین وجهی که وعده داده ای معروف کن.

(۲۶) ای خدایی که وعده تو نافذ است، ای آنکه قول و عهد تو باوفای کامل است، ای آنکه گناهان و سیئات بندگان را به چندین برابر به حسنات تبدیل می کنی، همانا تو صاحب فضل و کرم بزرگ می باشی.

مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

دعای سوم:

ستایش و تمجید فرشتگان

(۱) پروردگارا درود فرست بر حاملان عرش که هیچ گاه از تسبیح ذات پاکت و تقدیس حضرتت و از عبادت و بندگی باز نایستند و خسته نشوند و هیچ تقصیری را در فرمانبرداریت برکوشش و تلاش مقدم ندارند و از حیرت به سوی تو غافل نشوند.

(۲) و بر اسرافیل که مأمور نفخه صور است و همواره منتظر فرا رسیدن فرمان تو است تا کسانی را که به قعر قبرهای خود بیهوش و محبوس در افتاده اند با نفخه صور هوشیار سازد.

(۳) و بر میکائیل که نزد تو دارای جاه و مقام بلند است.

(۴) و بر جبرائیل که امین وحی و مطاع فرشتگان آسمانهای تو است و در بارگاه قدس تو جای دارد و در نزد تو مقرب است.

(٥) وَالرُّوحُ الَّذِي هُوَ عَلَى مَلَائِكَةِ الْحُجُبِ. (٦) وَالرُّوحُ الَّذِي هُوَ مِنْ أَمْرِكَ، فَصَلِّ عَلَيْهِمْ، وَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِمْ: مِنْ سُكَّانِ سَمَوَاتِكَ، وَ أَهْلِ الْأَمَانَةِ عَلَى رِسَالَاتِكَ (٧) وَالَّذِينَ لَا تَدْخُلُهُمْ سَهْمَةٌ مِنْ دُؤُوبٍ، وَلَا أَعْيَاءٌ مِنْ لُغُوبٍ وَلَا فُتُورٌ، وَلَا تَشْغَلُهُمْ عَنْ تَسْبِيحِكَ الشَّهَوَاتُ، وَلَا يَقْطَعُهُمْ عَنْ تَعْظِيمِكَ سَهُوُ الْعَقَلَاتِ. (٨) الْخُشَعُ الْأَبْصَارِ فَلَا يَرُومُونَ النَّظَرَ إِلَيْكَ، النَّوَائِسُ الْأَذْقَانِ، الَّذِينَ قَدْ طَالَتْ رَغْبَتُهُمْ فِيمَا لَدَيْكَ، الْمُسْتَهْتَرُونَ بِذِكْرِ الْإِيكِ، وَ الْمُتَوَاضِعُونَ دُونَ عَظَمَتِكَ وَ جَلَالِ كِبْرِيَاةِكَ (٩) وَالَّذِينَ يَقُولُونَ إِذَا نَظَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ تَزْفِرُ عَلَى أَهْلِ مَعْصِيَتِكَ: سُبْحَانَكَ مَا عَبْدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ. (١٠) فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ، وَ أَهْلِ الزُّلْفَةِ عِنْدَكَ، وَ حُمَالِ الْغَيْبِ إِلَى رُسُلِكَ، وَ الْمُؤْتَمِّينَ عَلَى وَحْيِكَ (١١) وَ قِبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ اخْتَصَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ، وَ أَعْنَيْتَهُمْ عَنِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ بِتَقْدِيرِكَ، وَ أَشَكَّتَهُمْ بِطُورِ أَطْبَاقِ سَمَوَاتِكَ. (١٢) وَالَّذِينَ عَلَى أَرْجَائِهَا إِذَا نَزَلَ الْأَمْرُ بِتَمَامِ وَعْدِكَ (١٣) وَ خُرَّانِ الْمَطَرِ وَ زَوَاجِرِ السَّحَابِ (١٤) وَالَّذِي بِصَوْتِ زَجْرِهِ يُسْمَعُ زَجَلُ الرُّعُودِ، وَ إِذَا سَبَحَتْ بِهِ حَفِيفَةُ السَّحَابِ التَّمَعَّتْ صَوَاعِقُ الْبُرُوقِ. (١٥) وَ مُشِيعِي الثَّلْجِ وَ الْبَرْدِ، وَ الْهَابِطِينَ مَعَ قَطْرِ الْمَطَرِ إِذَا نَزَلَ، وَ الْقَوَّامِ عَلَى خَزَائِنِ الرِّيَّاحِ، وَ الْمُوَكَّلِينَ بِالْجِبَالِ فَلَا تَزُولُ (١٦) وَالَّذِينَ عَرَفْتَهُمْ مَثَاقِيلَ الْمِيَاهِ، وَ كَيْلَ مَا تَحْوِيهِ لَوَاعِجُ الْأَمْطَارِ وَ عَوَالِجُهَا (١٧) وَ رُسُلِكَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ بِمَكْرُوهِ مَا يَنْزِلُ مِنَ الْبَلَاءِ وَ مَحْجُوبِ الرَّخَاءِ

(۵) و بر روح که فوق فرشتگان حجابها است (۶) و بر آن روح که از امر تو تکوّن یافته است. پس، ای پروردگار بزرگ بر همه آن فرشتگان درود و رحمت فرست و نیز بر فرشتگان دیگر که از نظر مرتبه و مقام کمتر از آنها هستند و در آسمانها سکونت دارند و اهل امانت و حفاظت نسبت به رسالتها و رسولان تو می باشند (۷) و بر آنانکه از کار و کوشش خسته نشوند و هیچ درماندگی از رنج و سختی طاعت نیابند و شهوتها و امیال نفسانی، آنها را از تسبیح و تنزیه تو باز ندارد و سهو و غفلتها از تعظیم جلال تو آنان را منع نکنند.

(۸) هم آنان چشمهایشان چنان به حال خشوع و تذلل است که اراده نگریستن به انوار جلال نمی نمایند. و سرها به زیر افکنده اند. آنان که عشق و شوقشان به آنچه نزد توست فراوان است. شیفته یاد نعمتهای تو آند. در برابر بزرگی و جلال کبریائیت متواضعند (۹) و بر آن فرشتگان که چون دوزخ را بر گنهکاران خروشان ببینند می گویند: ای خدای منزّه و پاکیزه ما تو را چنان که سزاوار توست عبادت نکردیم (۱۰) پس بر همه آنان درود فرست، و نیز بر روحانیان از ملائکهات و اهل منزلت و قرب در پیشگاهت، و حاملان پیام غیب به سوی فرستادگانت و امینان بر و حیت (۱۱) و اصناف فرشتگانی که آنان را به خود اختصاص داده ای و به وسیله تقدیس خود ایشان را از خوردنی و آشامیدنی بی نیاز نموده ای و در اندرون طبقات آسمانهایت مسکن داده ای (۱۲) و بر آن فرشتگان که چون فرمانت به انجام وعدهات صادر گردد بر اطراف آسمانها گماشته شوند (۱۳) و بر گنجینه داران باران، بر حرکت دهندگان ابر (۱۴) و بر آن ملکی که از فریاد و ناله اش، غرش رعدها شنیده شود و چون که ابر خروشان به وسیله او به حرکت درآید، صاعقه و برق بدرخشد (۱۵) و بر فرشتگانی که دانه های برف و تگرگ را بدرقه می کنند و ملائکه ای که همراه قطرات باران فرود می آیند، و بر آنان که بر گنجینه های باد وکیل اند و آنان که بر کوهها گماشته شده اند تا از جا در نروند (۱۶) و بر آنان که درک آبها، و اندازه بارانهای سیل آسا و رگبارهای متراکم را به آنان آموخته ای (۱۷) و بر فرشتگانی که به سوی اهل زمین گسیل می شوند تا گرفتاری و ناخوشایندی و گشایش و خوشایندی بر آنان ببارند.

(١٨) وَالسَّفَرَةَ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ، وَالْحَفَظَةَ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ، وَمَلَكَ
 الْمَوْتِ وَأَعْوَانِهِ، وَمُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ، وَرُومَانَ فَتَانَ الْقُبُورِ، وَالطَّائِفِينَ
 بِالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ، وَمَالِكٍ، وَالْخَزَنَةَ، وَرِضْوَانَ، وَسَدَنَةَ الْجَنَانِ.
 (١٩) وَالَّذِينَ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ، وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ
 (٢٠) وَالَّذِينَ يَقُولُونَ: سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ
 (٢١) وَالزَّبَانِيَةَ الَّذِينَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ: خُذُوا فَعُلُوهُ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلْوَةٌ
 ابْتَدَرُوهُ سِرَاعًا، وَلَمْ يُنظَرُوا. (٢٢) وَمَنْ أَوْهَمْنَا ذِكْرَهُ، وَلَمْ نَعْلَمْ
 مَكَانَهُ مِنْكَ، وَبِأَيِّ أَمْرٍ وَكَلْتُهُ. (٢٣) وَسُكَّانِ الْهَوَاءِ وَالْأَرْضِ وَالْمَاءِ
 وَمَنْ مِنْهُمْ عَلَى الْخَلْقِ (٢٤) فَصَلِّ عَلَيْهِمْ يَوْمَ يَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا
 سَائِقٌ وَشَهِيدٌ (٢٥) وَصَلِّ عَلَيْهِمْ صَلْوَةٌ تَزِيدُهُمْ كَرَامَةً عَلَى كَرَامَتِهِمْ
 وَطَهَارَةً عَلَى طَهَارَتِهِمْ (٢٦) اللَّهُمَّ وَإِذَا صَلَّيْتَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ
 وَرُسُلِكَ وَبَلَّغْتَهُمْ صَلَوَاتِنَا عَلَيْهِمْ فَصَلِّ عَلَيْنَا بِمَا فَتَحْتَ لَنَا مِنْ حُسْنِ
 الْقَوْلِ فِيهِمْ، إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ.

﴿٤﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الصَّلَاةِ
 عَلَى أَتْبَاعِ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقِيهِمْ:

(١) اللَّهُمَّ وَأَتْبَاعِ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقِهِمْ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ بِالْغَيْبِ عِنْدَ مُعَارِضَةِ
 الْمُعَانِدِينَ لَهُمْ بِالتَّكْذِيبِ وَالِاشْتِيَاقِ إِلَى الْمُرْسَلِينَ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ

(۱۸) و بر سفیران بزرگوار نیکوکار، و فرشتگان بزرگواری که حافظ عمل مردم و نویسنده آنند. و بر فرشته مرگ و یارانش، و منکر و نکیر، و بر فرشته آزمایش کننده مردگان درگوربنام «رومان»، و بر طواف کنندگان بهشت (۱۹) و بر فرشتگانی که خدا را در آنچه امر می کند معصیت نمی کنند (۲۰) بر فرشتگانی که به اهل بهشت می گویند: سلام بر شما به خاطر آنکه صبر گردید، پس خانه آخرت برای شما سرای خوبی است (۲۱) و بر فرشتگان نگاهبان دوزخ که چون به آنان فرمان رسد: «او (گناهکار) را بگیرید و به زنجیر کشید و سپس به آتش درافکنید.» او را دستگیرش کنند و به او مهلت ندهند. (۲۲) و بر هر فرشته ای که نامش را یاد نکرده ایم، و از قدرش در پیشگاه تو خبر نداریم و می دانیم او را به چه کاری گماشته ای.

(۲۳) و بر آن فرشتگانی که ساکن هوا و زمین و آبنده، و بر هر کدام از آنان که موکل بر آفریدگارند.

(۲۴) پس بر همه آنان درود فرست در روزی که با هر کس دو فرشته یکی راهبر و دیگری گواه می آید (۲۵) و بر ایشان درود فرست درودی که بر بزرگواریشان بیفزاید و بر طهارتشان اضافه کند.

(۲۶) بارالها وقتی که بر فرشتگان و فرستادگان درود می فرستی و درود ما را به آنان ابلاغ می کنی، به خاطر آن گفتار نیکو که در وصف آنان بر زبان و دل ما روان ساخته ای، بر ما نیز درود و رحمت فرست، که تو بخشنده و بزرگواری.

دعای چهارم:

درود آن حضرت بر مؤمنین به پیامبر (ص)

(۱) پروردگارا سلام بر جمیع پیامبران و رسولان و بر آنان از اهل زمین که رسولان الهی را غایبانه تصدیق کردند در حالیکه معاندین با پیامبران را تکذیب می کردند و همچون مؤمنان حقیقی با حقیقت ایمانهای خود مشتاق رسولان الهی در هر عصر و زمان بودند.

(٢) فِي كُلِّ ذَهْرٍ وَ زَمَانٍ أَرْسَلْتَ فِيهِ رَسُولًا وَ أَقَمْتَ لِأَهْلِهِ دَلِيلًا مِنْ
لَدُنْ أَدَمَ إِلَى مُحَمَّدٍ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - مِنْ أُمَّةِ الْهُدَى، وَ قَادَةَ
أَهْلِ الثَّقَى، عَلَى جَمِيعِهِمُ السَّلَامُ، فَادْكُرْهُمْ مِنْكَ بِمَغْفِرَةٍ وَ رِضْوَانٍ.
(٣) اللَّهُمَّ وَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ أَحْسَنُوا الصَّحَابَةَ وَ الَّذِينَ
أَبْلَوْا الْبَلَاءَ الْحَسَنَ فِي نَصْرِهِ، وَ كَانَفُوهُ، وَ أَسْرَعُوا إِلَى وَفَادَتِهِ،
وَ سَابَقُوا إِلَى دَعْوَتِهِ، وَ اسْتَجَابُوا لَهُ حَيْثُ أَسْمَعَهُمْ حُجَّةَ رِسَالَتِهِ.
(٤) وَ فَارَقُوا الْأَزْوَاجَ وَ الْأَوْلَادَ فِي إِظْهَارِ كَلِمَتِهِ، وَ قَاتَلُوا الْأَبْنَاءَ
وَ الْإِبْنَاءَ فِي تَثْبِيتِ نُبُوَّتِهِ، وَ انْتَصَرُوا بِهِ. (٥) وَ مَنْ كَانُوا مُنْطَوِينَ
عَلَى مَحَبَّتِهِ يَرْجُونَ تِجَارَةَ لَنْ تَبُورَ فِي مَوَدَّتِهِ. (٦) وَ الَّذِينَ هَجَرْتَهُمْ
الْعَشَائِرُ إِذْ تَعَلَّقُوا بِعُرْوَتِهِ، وَ انْتَفَتْ مِنْهُمْ الْقَرَابَاتُ إِذْ سَكَنُوا
فِي ظِلِّ قَرَابَتِهِ. (٧) فَلَا تَسَسْ لَهُمُ اللَّهُمَّ مَا تَرَكُوا لَكَ وَ فِيكَ،
وَ أَرْضِيهِمْ مِنْ رِضْوَانِكَ، وَ بِمَا حَاشُوا الْخَلْقَ عَلَيْكَ، وَ كَانُوا مَعَ
رَسُولِكَ دُعَاءً لَكَ إِلَيْكَ. (٨) وَ اشْكُرْهُمْ عَلَى هَجْرِهِمْ فِيكَ دِيَارَ
قَوْمِهِمْ، وَ خُرُوجِهِمْ مِنْ سَعَةِ الْمَعَاشِ إِلَى ضَيْقِهِ، وَ مَنْ كَثُرَتْ
فِي إِعْزَازِ دِينِكَ مِنْ مَظْلُومِهِمْ. (٩) اللَّهُمَّ وَ أَوْصِلْ إِلَى التَّابِعِينَ
لَهُمْ بِإِحْسَانٍ، الَّذِينَ يَقُولُونَ: رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَ لِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ
سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ خَيْرَ جَزَائِكَ. (١٠) الَّذِينَ قَصَدُوا سَمْتَهُمْ، وَ تَحَرَّوْا
وَجْهَتَهُمْ، وَ مَضَوْا عَلَى شَاكِلَتِهِمْ. (١١) لَمْ يَثْنِهِمْ رَيْبٌ فِي
بَصِيرَتِهِمْ، وَ لَمْ يَخْتَلِجْهُمْ شَكٌّ فِي قَفْوِ إِثَارِهِمْ، وَ الْإِيْتِمَامِ
بِهِدَايَةِ مَنَارِهِمْ. (١٢) مُكَانِفِينَ وَ مُوَارِزِينَ لَهُمْ، يَدِينُونَ بِدِينِهِمْ،
وَ يَهْتَدُونَ بِهَدْيِهِمْ، يَتَفَقَّحُونَ عَلَيْهِمْ، وَ لَا يَتَّهَمُونَهُمْ فِيمَا آدَوْا إِلَيْهِمْ.

(۲) تو ای خدای بزرگ در هر زمانی برای اهل آن روزگار، از زمان آدم تا پیغمبر خاتم حضرت محمد ﷺ راهنمایانی فرستادی که پیشوایان هدایت خلق و مربیان اهل تقوی بودند، درود بر همه آنها باد. و ای پروردگار بزرگ همه آنها را از روی لطف و احسان خویش به مغفرت و بخشودگی یاد فرما. (۳) خداوند از یاد مَبْرِ اصحاب گرامی محمد ﷺ را که نیکوترین اصحاب بودند و آنان را که در یاری او با امتحان نیکو، آزموده گردیدند و آن وجود مبارک را در کنف حفظ و حمایت خود گرفتند و به استقبالش شتافتند و در اجابت دعوت نبوتش بر یکدیگر سبقت گرفتند و چون پیامبر ﷺ دلیل رسالتش را به گوش آنها رساند دعوتش را پذیرفتند (۴) و در راه انتشار آیین توحیدی‌اش از زن و فرزند خود کناره گرفتند و با پدران و فرزندان خود جنگ و قتال کردند و در سایه وجود آن حضرت پیروز شدند. (۵) و آنان را که در درون دلها مهر و محبت آن پیغمبر گرامی را پنهان داشتند و با عشق و محبت او در آرزوی سودایی بی‌زیان بودند. (۶) و آنان را که چون به ریسمان محکم آیین او چنگ زدند همه معاشرینشان از آنها دوری گزیدند و چون در سایه قرابت ایمانی رسول ﷺ در آمدند خویشاوندانشان هم از آنها بریدند، خدایا آنها را هم از یاد نبر (و مشمول درود و رحمت خاص خود بگردان) (۷) پروردگارا، آنچه را که برای رضای تو و در راه احیای دین تو از آن چشم پوشیدند از کرم خویش به آنها عطا فرما. و آنها بودند که همراه با پیغمبر، مردم را برای رضا و بخشودیت به سوی تو دعوت کردند. (۸) خدایا از آنها به خاطر آنکه در راه تو از دیار خویش دور شدند و از زندگی خویش و از وسعت و گشایش، به فقر و سختی در افتادند و برای اعزاز و تعظیم دین تو، آن ستمدیدگان بسیار رنج و تعب دیدند، قدر دانی و سپاسگزاری فرما. (۹) پروردگارا! خیر و نیکی رسان بر آنان که از اصحاب پیغمبر ﷺ پیروی کرده‌اند. آنان که می‌گویند «خدایا تو از لطف و کرم خویش، به ما و به برادران ایمانی که بر ما در ایمان به پیامبرت سبقت گرفتند، آمرزش و مغفرتت و بهترین جزا را عطا فرما.» (۱۰) آنان که به سوی مقصد اصحاب نبی ﷺ حرکت کرده‌اند و در پی آنها شتافته‌اند و همچنان با عقیده و ایمان اصحاب، زندگی را بدرود گفته‌اند، (۱۱) و هیچ شک و ریبی، بصیرت و معرفت آنها را از راه توحید خدا منحرف نکرده است و هرگز در مورد پیروی از اصحاب و اقتدا به هدایت آنها، شک و شبهه‌ای در دل پاکشان راه نیافته است. (۱۲) در حالی که از راه و هدف اصحاب، نگهبانی کردند و در راه مقصود، آنها را یاری دادند. دین پاک آنها را برگزیدند و به راه هدایت آنها شتافتند و به آنها اقتدا نمودند. و هر چه از اصحاب به آنان (تابعین) رسید همه را بدون اتهام به کذب و خلاف پذیرفتند.

(١٣) اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى التَّابِعِينَ مِنْ يَوْمِنَا هَذَا إِلَى يَوْمِ الدِّينِ وَ عَلَى
 أَزْوَاجِهِمْ وَ عَلَى ذُرِّيَّاتِهِمْ وَ عَلَى مَنْ أَطَاعَكَ مِنْهُمْ. (١٤) صَلَوةٌ
 تَعْصِمُهُمْ بِهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ، وَ تَفْسَحُ لَهُمْ فِي رِيَاضِ جَنَّتِكَ، وَ تَمْنَعُهُمْ
 بِهَا مِنْ كَيْدِ الشَّيْطَانِ، وَ تُعِينُهُمْ بِهَا عَلَى مَا اسْتَعَاثُواكَ عَلَيْهِ مِنْ بَرٍّ،
 وَ تَقِيهِمْ طَوَارِقَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ. (١٥) وَ تَبْعَثُهُمْ
 بِهَا عَلَى اعْتِقَادِ حُسْنِ الرَّجَاءِ لَكَ، وَ الطَّمَعِ فِيمَا عِنْدَكَ وَ تَرْكِ التُّهْمَةِ
 فِيمَا تَحْوِيهِ أَيْدِي الْعِبَادِ (١٦) لِتُرَدَّهُمْ إِلَى الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ وَ الرَّهْبَةِ مِنْكَ،
 وَ تُزَهِّدَهُمْ فِي سَعَةِ الْعَاجِلِ، وَ تُحَبِّبَ إِلَيْهِمُ الْعَمَلَ لِالْآجِلِ،
 وَ الْإِسْتِعْدَادَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ (١٧) وَ تُهَوِّنَ عَلَيْهِمْ كُلَّ كَرْبٍ يَحِلُّ بِهِمْ
 يَوْمَ خُرُوجِ الْأَنْفُسِ مِنْ أَجْسَادِهَا (١٨) وَ تُغَا فَيْهِمْ مِمَّا تَقَعُ بِهِ الْفِتْنَةُ مِنْ
 مَحْذُورَاتِهَا، وَ كِتَابَةِ النَّارِ وَ طَوْلِ الْخُلُودِ فِيهَا (١٩) وَ تُصَيِّرَهُمْ إِلَى أَمْنٍ
 مِنْ مَقِيلِ الْمُتَّقِينَ.

﴿٥﴾

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 لِنَفْسِهِ وَ لِأَهْلِ وَ لِأَيَّتِهِ:

(١) يَا مَنْ لَا تَنْقُضِي عَجَائِبُ عَظَمَتِهِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ،
 وَ احْجُبْنَا عَنِ الْإِلْحَادِ فِي عَظَمَتِكَ (٢) يَا مَنْ لَا تَنْتَهِي مُدَّةُ مُلْكِهِ،
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعْتِقْ رِقَابَنَا مِنْ نِقْمَتِكَ. (٣) يَا مَنْ لَا تَفْنَى
 خَزَائِنُ رَحْمَتِهِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْ لَنَا نَصِيبًا فِي رَحْمَتِكَ.

(۱۳) پروردگارا، از هم اکنون تا روز قیامت بر پیروان رسول اکرم ﷺ و بر آنان که از تو اطاعت می‌کنند درود و رحمت فرست. (۱۴) درود و رحمتی که به وسیله آن، آنها را از معصیت خودت، محفوظ و معصوم سازی و در باغهای بهشت، وسعتشان بخشی و مکر و حيله شيطان را از آنان دور فرمایی و آنها را بر کارهای نیکی که از تو بر انجام آنها یاری جستند کمک کنی و از حوادث ناگوار شب و روز جز حوادث خیر، آنها را محفوظ داری (۱۵) و نیز با رحمت خویش، چنان کن که همواره به سوی اموری همچون اعتقاد نیک، امیدواری به لطف و کرمات، و طمع و آرزو به آنچه نزد تو است بشتابند و بر ترک اتهام یا ترک حرص به آنچه در دست بندگان است بر انگیخته شوند. (۱۶) تا آنها را به سوی رغبت به خودت و ترس از قهر و غضبت هدایت کنی و آنها از آنچه ناپایدار است دل بردارند و به عمل خیر که پایدار و سرمدی است به عنوان زاد آخرت دل ببندند. و بدینسان، آماده جهان پس از مرگ شوند (۱۷) و همه مشکلات آنها را به هنگام مرگ که روح از بدنشان بیرون می‌رود سهل و آسان سازی. (۱۸) و آنان را از هر عملی که موجب فتنه و فساد می‌شود عافیت بخشی و از در افتادن به آتش دوزخ و جاودانگی در آن معاف داری (۱۹) و آنها را به مقام امن و امان که محل راحت اهل تقوی است منتقل فرمایی.

دعای پنجم:

دعا برای خانواده و دوستان

(۱) ای آنکه شگفتیهای عظمت و جلالش را حدّ و پایانی نیست، بر محمد و آل پاک او درود فرست و ما را از شرک و عناد در بزرگی و عظمت خودت دور کن.
 (۲) ای آنکه دوران سلطنتش را پایانی نیست بر محمد و آل پاک او درود فرست و ما را از دوزخ انتقام خویش رهایی بخش. (۳) و ای آنکه گنجینه‌های رحمت وسیع و بی‌انتهایش فنا پذیر نیست بر محمد و آل پاکش درود فرست و بر ما از رحمت و اسعاهات بهره‌ای عطا فرما.

(٤) وَيَا مَنْ تَنْقَطِعُ دُونَ رُؤْيَيْهِ الْأَبْصَارُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،
 وَأَذِنْنَا إِلَى قُرْبِكَ (٥) وَيَا مَنْ تَصَغَّرُ عِنْدَ خَطَرِهِ الْأَخْطَارُ،
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَكَرَّمْنَا عَلَيْكَ. (٦) وَيَا مَنْ تَظْهَرُ عِنْدَهُ
 بَوَاطِنُ الْأَخْبَارِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تَفْضَحْنَا لَدَيْكَ. (٧) اللَّهُمَّ
 أَعْنِنَا عَنِ هَيْبَةِ الْوَهَّابِينَ بِهَيْبَتِكَ، وَاكْفِنَا وَخْشَةَ الْقَاطِعِينَ بِصِلَتِكَ
 حَتَّى لَا نَزْعَبَ إِلَى أَحَدٍ مَعَ بَدْلِكَ، وَلَا نَسْتَوْحِشَ مِنْ أَحَدٍ مَعَ
 فَضْلِكَ. (٨) اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَكِدْنَا وَلَا تَكِدْ عَلَيْنَا،
 وَامْكُرْنَا وَلَا تَمْكُرْ بِنَا، وَادِلْ لَنَا وَلَا تُدِلْ مِنَّا. (٩) اللَّهُمَّ
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَقِنَا مِنْكَ، وَاحْفَظْنَا بِكَ، وَاهْدِنَا إِلَيْكَ، وَلَا
 تُبَاعِدْنَا عَنْكَ إِنَّ مَنْ تَقِيَ يَسْلَمْ وَمَنْ تَهَدِهْ يَغْلَمْ، وَمَنْ تُقَرِّبْهُ إِلَيْكَ
 يَغْنَمْ. (١٠) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاكْفِنَا حَدَّ نَوَائِبِ الزَّمَانِ،
 وَشَرَّ مَصَائِدِ الشَّيْطَانِ، وَمَرَارَةَ صَوْلَةِ السُّلْطَانِ. (١١) اللَّهُمَّ إِنَّمَا
 يَكْتَفِي الْمُكْتَفُونَ بِفَضْلِ قُوَّتِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاكْفِنَا، وَإِنَّمَا
 يُعْطَى الْمُعْطُونَ مِنْ فَضْلِ جِدَّتِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاعْطِنَا،
 وَإِنَّمَا يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ بِنُورِ وَجْهِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،
 وَاهْدِنَا. (١٢) اللَّهُمَّ إِنَّكَ مَنْ وَالَيْتَ لَمْ يَضُرُّهُ خِذْلَانُ الْخَاذِلِينَ، وَمَنْ
 أَعْطَيْتَ لَمْ يَنْقُصْهُ مَنَعُ الْمَانِعِينَ، وَمَنْ هَدَيْتَ لَمْ يُغْوِهِ إِضْلَالُ
 الْمُضِلِّينَ (١٣) فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَامْتَنِعْنَا بِعِزِّكَ مِنْ عِبَادِكَ،
 وَاعْنِنَا عَنْ غَيْرِكَ بِإِرْفَادِكَ، وَاسْأَلْ بِنَا سَبِيلَ الْحَقِّ بِإِرْشَادِكَ.
 (١٤) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ سَلَامَةَ قُلُوبِنَا فِي ذِكْرِ عَظَمَتِكَ،
 وَفِرَاعَ أَبْدَانِنَا فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ، وَانْطِلَاقَ أَلْسِنَتِنَا فِي وَصْفِ مِثَّتِكَ.

(۴) وای آنکه چشمها بدون آنکه به رؤیت ذاتش، نایل شوند از کار افتاده و منقطع شوند، پس بر محمد و آل پاک او درود فرست و ما را به مقام قرب خود نزدیک فرما. (۵) ای آنکه هر امر بزرگی در مقابل عظمتش کوچک است بر محمد و آل پاک او درود فرست و بر خود کرامت ما را فرض و واجب کن. (۶) ای آنکه در پیشگاهش، باطن و واقع خبرها آشکار است بر محمد و آل پاک او درود فرست و ما را نزد خود رسوا و شرمگین مفرما. (۷) پروردگارا، به لطف و احسان خویش ما را از عطای اهل جود و سخاوت بی نیاز گردان و از وحشت و هراس آنکه خلق از ما بربندند کفایت فرما تا آنکه با بخشش و احسان تو، رغبتی به عطای کسی نداشته باشیم. و با جود فضل و بخشش تو از کسی نهراسیم. (۸) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست و تو تقدیر و تدبیر خویش را به سود ما قرار ده نه به ضرر و زیان ما و مکر و تدبیرت را به منفعت ما مقرر فرما نه به زیان ما، ما را چیره و غالب گردان نه مغلوب و شکست خورده. (۹) پروردگارا، بر محمد و آل پاکش درود فرست و ما را از قهر و غضب خود نگاه دار و به لطف و کرمیت حفظ فرما و ما را به سوی حضرتت هدایت فرما و از درگاهت دورمان نکن همانا هر کسی را که تو نگهداری سالم خواهد بود و هر کس را تو هدایت کنی با علم و دانش خواهد زیست و هر که را تو مقرب درگاه خود گردانی برایش غنیمت خواهد بود. (۱۰) پروردگارا، بر محمد و آل پاکش درود فرست و ما را از سختیهای حوادث عالم کفایت فرما و از شرّ و آسیب دامهای شیطان و تلخی چیرگی و اقتدار سلطان محفوظ دار. (۱۱) پروردگارا آنان که در عالم کفایت یافتند به فضل و توانایی تو یافتند پس بر محمد و آل پاکش درود فرست و ما را هم کفایت فرما، همانا آنان که اهل عطا و بخشش شدند از فضل و بخشش تو این بهره یافتند. پس درود فرست بر محمد و آل پاکش و ما را هم از عطای بی حد و حساب خویش بهره کامل عطا فرما و منحصرأ آنان که هدایت یافتند به نور جمال تو یافتند. پس ای خدا بر محمد و آل پاک او درود فرست و ما را هم هدایت فرما. (۱۲) ای خدا آنکه تو دوست و یاورش باشی هرگز از متارکه خلق ضرری نمی بیند و کسی را که تو بر او کرم کنی و عطا بخشی، منع و حرمان دیگران، زبانی بدو نرساند و هر که را تو هدایت کنی، اضلال و رهزنی گمراه کنندگان گمراهش نتواند کرد. (۱۳) پس، بر محمد و آل پاکش درود فرست و ما را با عزت خودت از (آسیب رساندن و آسیب دیدن) بندگان منع فرما و به کرمیت از عطای غیر خود بی نیاز گردان و به ارشاد و رهنمایی خویش به راه حق و حقیقت رهبری فرما. (۱۴) پروردگارا بر محمد و آل پاکش درود فرست و سلامت دلهای ما را در یاد عظمت خود قرار ده و آسایش تن و صحت بدن ما را به شکر نعمت و سپاسگزاری خود بدار و آزادی زبان ما را در راه و وصف نعمتها و احسان خویش قرار بده.

(١٥) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنَا مِنْ دُعَاتِكَ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ،
وَهِدَاتِكَ الدَّالِّينَ عَلَيْكَ، وَمِنْ خَاصَّتِكَ الْخَاصِّينَ لَدَيْكَ، يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ.

(٦)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ الصَّبَاحِ وَالْمَسَاءِ:

(١) الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ بِقُوَّتِهِ (٢) وَمَيَّزَ بَيْنَهُمَا
بِقُدْرَتِهِ (٣) وَجَعَلَ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا حَدًّا مَحْدُودًا، وَأَمَدًا مَمْدُودًا
(٤) يُوَلِّجُ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا فِي صَاحِبِهِ، وَيُوَلِّجُ صَاحِبَهُ فِيهِ بِتَقْدِيرٍ
مِنْهُ لِلْعِبَادِ فِيمَا يَغْذُوهُمْ بِهِ، وَيُنْشِئُهُمْ عَلَيْهِ (٥) فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّيْلَ
لِيَسْكُنُوا فِيهِ مِنْ حَرَكَاتِ النَّعْبِ وَنَهَضَاتِ النَّصَبِ، وَجَعَلَهُ لِبَاسًا
لِيَلْبَسُوا مِنْ رَاحَتِهِ وَمَنَامِهِ، فَيَكُونَ ذَلِكَ لَهُمْ جَمَامًا وَقُوَّةً، وَلِيَتَأَلَّوْا
بِهِ لَذَّةً وَشَهْوَةً (٦) وَخَلَقَ لَهُمُ النَّهَارَ مُبْصِرًا لِيَبْتَغُوا فِيهِ مِنْ
فَضْلِهِ، وَلِيَسْتَبِيحُوا إِلَى رِزْقِهِ، وَيَسْرَحُوا فِي أَرْضِهِ، طَلَبًا لِمَا فِيهِ
نَيْلُ الْعَاجِلِ مِنْ دُنْيَاهُمْ، وَدَرَكُ الْأَجْلِ فِي آخِرِيهِمْ (٧) بِكُلِّ ذَلِكَ
يُصْلِحُ شَأْنَهُمْ، وَيَبْلُو أَخْبَارَهُمْ، وَيَنْظُرُ كَيْفَ هُمْ فِي أَوْقَاتِ طَاعَتِهِ،
وَمَنَازِلِ فُرُوضِهِ، وَمَوَاقِعِ أَحْكَامِهِ، لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا
عَمِلُوا، وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى. (٨) اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ
عَلَى مَا فَلَقْتَ لَنَا مِنَ الْإِصْبَاحِ، وَمَتَّعْتَنَا بِهِ مِنْ ضَوْءِ النَّهَارِ، وَبَصَّرْتَنَا
مِنْ مَطَالِبِ الْأَقْوَاتِ، وَوَقَيْتَنَا فِيهِ مِنْ طَوَارِقِ الْأَقَاتِ.

(۱۵) پروردگارا بر محمد و آل پاکش درود فرست و ما را از آنان قرار ده که خلق را به سوی تو دعوت می‌کنند و از آنان مقرر فرما که بندگان را به درگاه تو هدایت و راهنمایی می‌کنند و ما را از بهترین خاصان نزد خود بگردان ای مهربانترین مهربانان.

دعای ششم:

به وقت صبح و شام

(۱) سپاس خدای را که به نیروی خود شب و روز را آفرید. (۲) و به توانائی خویش میان آن دو تفاوت قرار داد. (۳) و برای هر یک حدی محدود و زمانی مشخص نهاد. (۴) هر یک را درون دیگری فرو برد و برون آرد از یکی بکاهد و به دیگری بیفزاید و با این نظم دقیق روزی بندگان و نشو و نمای آنان را تأمین فرماید. (۵) پس شب را برای بندگان آفرید تا در آن از حرکت رنج آور و فعالیت‌های خسته کننده بیارزند، و آن را لباس قرار داد تا مردم در آن آرام گیرند و خواب راحت کنند و این همه سبب آسایش و توانایی ایشان است و در پی آن به لذت و خوشی می‌رسند. (۶) و روز را بینایی بخش قرار داد تا در آن به جستجوی فضل حق خیزند، و به اسباب رزق و روزی او دست یابند، و در زمین او در پی سود ناپایدار دنیا و ادراک نفع دائمی آن جهان به راه افتند.

(۷) به همه این امور کار ایشان را به سامان می‌آورد و اعمالشان را می‌آزماید و می‌نگرد که به هنگام طاعت، و اوقات بجا آوردن واجبات، و موارد احکام او چگونه‌اند؟ تا بدکاران را به جزای عملشان و نیکوکاران را به پاداش کردار نیکشان برساند.

(۸) بار الها پس تو را سپاس که پرده سیاه شب را به نور صبح شکافتی و ما را از روشنی روز بهره‌مند ساختی و در راه فراهم آوردن روزی بینا فرمودی و از پیشامدهای خطرناک بلا و سختیها ننگه داشتی.

(٩) أَصْبَحْنَا وَ أَصْبَحَتِ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا بِجُمْلَتِهَا لَكَ: سَمَاوُهَا وَ أَرْضُهَا،
 وَ مَا بَثَّتْ فِي كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا، سَاكِنُهُ وَ مُتَحَرِّكُهُ، وَ مُقِيمُهُ وَ شَاخِصُهُ
 وَ مَا عَلَا فِي الْهَوَاءِ، وَ مَا كُنَّ تَحْتَ الثَّرَى (١٠) أَصْبَحْنَا فِي قَبْضَتِكَ
 يَحْوِينَا مُلْكُكَ وَ سُلْطَانُكَ، وَ تَضُمُّنَا مَشِيئَتِكَ، وَ تَتَصَرَّفُ عَنْ أَمْرِكَ،
 وَ نَتَقَلَّبُ فِي تَدْبِيرِكَ. (١١) لَيْسَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ إِلَّا مَا قَضَيْتَ، وَ لَا مِنْ
 الْخَيْرِ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ. (١٢) وَ هَذَا يَوْمٌ حَادِثٌ جَدِيدٌ، وَ هُوَ عَلَيْنَا شَاهِدٌ
 عَتِيدٌ، إِنَّ أَحْسَنَّا وَ دَعْنَا بِحَمْدِكَ، وَ إِنَّ أَسَانَا فَارَقْنَا بِذَمِّكَ. (١٣) اللَّهُمَّ صَلِّ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ ارزُقْنَا حُسْنَ مُصَاحَبَتِهِ، وَ اغْصِنْنَا مِنْ سُوءِ
 مُفَارَقَتِهِ بِارْتِكَابِ جَرِيرَةٍ، أَوْ اقْتِرَافِ صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ (١٤) وَ اجْزِلْ لَنَا
 فِيهِ مِنَ الْحَسَنَاتِ، وَ أَخْلِنَا فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ، وَ اَمْلَأْ لَنَا مَا بَيْنَ طَرْفَيْهِ
 حَمْدًا وَ شُكْرًا وَ اجْرًا وَ ذُخْرًا وَ فَضْلًا وَ إِحْسَانًا. (١٥) اللَّهُمَّ يَسِّرْ
 عَلَى الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ مَوْنَتَنَا، وَ اَمْلَأْنَا مِنْ حَسَنَاتِنَا صَحَائِفَنَا،
 وَ لَا تُخْرِزْنَا عِنْدَهُمْ بِسُوءِ أَعْمَالِنَا. (١٦) اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا فِي كُلِّ سَاعَةٍ
 مِنْ سَاعَاتِهِ حَظًّا مِنْ عِبَادِكَ، وَ نَصِيبًا مِنْ شُكْرِكَ وَ شَاهِدَ صِدْقٍ مِنْ
 مَلَائِكَتِكَ. (١٧) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ احْفَظْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِينَا
 وَ مِنْ خَلْفِنَا وَ عَنَ أَيْمَانِنَا وَ عَنَ شِمَائِلِنَا وَ مِنْ جَمِيعِ نَوَاحِينَا، حِفْظًا
 غَاصِبًا مِنْ مَعْصِيَتِكَ، هَادِيًا إِلَى طَاعَتِكَ، مُسْتَعْمِلًا لِمَحَبَّتِكَ.
 (١٨) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ وَفِّقْنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا وَ لَيْلَتِنَا هَذِهِ
 وَ فِي جَمِيعِ أَيَّامِنَا لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ، وَ هِجْرَانِ الشَّرِّ، وَ شُكْرِ النُّعْمِ،
 وَ اتِّبَاعِ السُّنَنِ، وَ مُجَانَبَةِ الْبِدْعِ، وَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ، وَ النَّهْيِ عَنِ
 الْمُنْكَرِ، وَ حِيَاظَةِ الْإِسْلَامِ، وَ اتِّقَاصِ الْبَاطِلِ وَ إِذْلَالِهِ، وَ نُصْرَةِ الْحَقِّ
 وَ اعْزَاؤِهِ، وَ إِرْشَادِ الضَّالِّ، وَ مُعَاوَنَةِ الضَّعِيفِ، وَ إِدْرَاكِ اللَّهْفِ

(۹) شب را به صبح رساندیم و تمام آفریدگان جملگی پای در میدان صبح نهادند: آسمان و زمین و آنچه در این دو پراکنده‌ای، ساکن و جنبنده، ایستاده و رونده، و هر چه در هوا بالا رفته، و آنچه در زمین پنهان شده، به صبح درآمدند در حالیکه همه در اختیار تو هستیم. (۱۰) و همه در سراپنجه قدرت تو به صبح رسیدیم در حالی که سلطنت و پادشاهی تو ما را فرا گرفته، و مشیت تو ما را تحت پوشش خود درآورده و به فرمان تو در کارها تصرف می‌کنیم، و در عرصه تدبیر تو رفت و آمد می‌کنیم. (۱۱) به غیر آنچه فرمان تو بر آن رفته کاری نتوانیم، و جز آنچه تو بر ما بخشیده‌ای خیری به ما نرسیده است. (۱۲) امروز روزی جدید و تازه است، و او بر ما گواه آماده‌ای است، اگر خوبی کنیم ما را با سپاسگزاری ترک کند و اگر بدی کنیم نکوهش کنان از ما جدا گردد.

(۱۳) بار خدایا بر محمد و آلش درود فرست و نیکی همراه بودن با این روز را روزی ما گردان، و ما را از بدی مفارقتش به خاطر ارتکاب گناه، یا کسب معصیت کوچک و بزرگ حفظ فرما. (۱۴) و در این روز بهره ما را از خوبیها سرشار کن، و از زشتیها پیراسته‌مان ساز، و از ابتدا تا پایان آن را برای ما از حمد و شکر و اجر و اندوخته آخرتی و فضل و احسان انباشته کن.

(۱۵) الهی زحمت ما را بر فرشتگان نویسنده اعمال آسان گردان و پرونده کردارمان را از حسنات آکنده ساز و ما را در نزد آن فرشتگان با کردارهای زشتمان رسوا مکن. (۱۶) خداوندا در هر ساعت از ساعت‌های روز برای ما بهره‌ای از مقامات بندگان خاصت، و نصیبی از شکر و گواه صدقی از ملائکات قرار بده.

(۱۷) بار الها بر محمد و آلش درود فرست، و ما را از پیش رو و پشت سر و از طرف راست و از جانب چپ و از همه طرف حفظ فرما، حفظی که ما را از نافرمانی تو باز دارد و به طاعتت راهنمایی کند و برای محبت و دوستی تو بکار آید.

(۱۸) بار خدایا بر محمد و آلش درود فرست و ما را در این روز و این شب و همه روزها مان برای انجام خیر، و دروی از شر، و شکر نعمتها، و پیروی سنتها، و دوری از بدعتها، و امر به معروف و نهی از منکر، و پاسداری اسلام، و نکوهش باطل و خوار ساختن آن و یاری حق و گرامیداشت آن، و راهنمایی گمراه و یاری ناتوان، و پناه دادن به ستمدیده موفق بدار.

(١٩) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْهُ أَيَّمَنَ يَوْمَ عَهْدِنَاهُ، وَافْضَلِ
صَاحِبِ صَحْبِنَاهُ، وَخَيْرِ وَقْتِ ظَلَلْنَا فِيهِ (٢٠) وَاجْعَلْنَا مِنْ أَرْضِي مَنْ
مَرَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ مِنْ جُمْلَةِ خَلْقِكَ، أَشْكُرُهُمْ لِمَا أَوْلَيْتَ مِنْ
نِعْمِكَ، وَأَقْوَمَهُمْ بِمَا شَرَعْتَ مِنْ شَرَائِعِكَ، وَأَوْقَفَهُمْ عَمَّا حَذَرْتَ مِنْ
نَهْيِكَ. (٢١) اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَكَفَى بِكَ شَهِيداً، وَأَشْهَدُ سَمَاءَكَ
وَأَرْضَكَ وَمَنْ أَسْكَنْتَهُمَا مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَسَائِرِ خَلْقِكَ فِي يَوْمِي هَذَا
وَسَاعَتِي هَذِهِ وَلَيْلَتِي هَذِهِ وَمُسْتَقَرِّي هَذَا، إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ
الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، قَائِمٌ بِالْقِسْطِ، عَدْلٌ فِي الْحُكْمِ، رَوْفٌ بِالْعِبَادِ،
مَالِكُ الْمُلْكِ، رَحِيمٌ بِالْخَلْقِ. (٢٢) وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ
وَخَيْرُكَ مِنْ خَلْقِكَ، حَمَلْتَهُ رِسَالَتَكَ فَادَّاهَا، وَأَمَرْتَهُ بِالنُّصْحِ لِأُمَّتِهِ
فَنَصَحَ لَهَا (٢٣) اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، أَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ
مِنْ خَلْقِكَ، وَآتِهِ عَنَّا أَفْضَلَ مَا آتَيْتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ، وَاجْزِهِ عَنَّا
أَفْضَلَ وَآكْرَمَ مَا جَزَيْتَ أَحَدًا مِنْ أَنْبِيَائِكَ عَن أُمَّتِهِ (٢٤) إِنَّكَ أَنْتَ
الْمَنَّانُ بِالْجَسِيمِ، الْغَافِرُ لِلْعَظِيمِ، وَأَنْتَ أَرْحَمُ مِنْ كُلِّ رَحِيمٍ، فَصَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ الْأَنْجَبِينَ.

﴿٧﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا عَرَضَتْ
لَهُ مُهِمَّةٌ أَوْ نَزَلَتْ بِهِ مُلِمَّةٌ وَعِنْدَ الْكَرْبِ:

(١) يَا مَنْ تُحَلُّ بِهِ عُقْدُ الْمَكَارِهِ، وَيَا مَنْ يَفْتَأُ بِهِ حَدُّ
الشَّدَائِدِ، وَيَا مَنْ يُلْتَمَسُ مِنْهُ الْمَخْرَجُ إِلَى رَوْحِ الْفَرَجِ.

(۱۹) بارالها بر محمد و آلش درود فرست و امروز را فرخنده‌ترین روزی قرار بده که تاکنون یافته‌ایم و برترین رفیقی که با او همراه بوده‌ایم، و بهترین زمانی که در آن بسر برده‌ایم. (۲۰) و ما را خشنودترین کسان از جمله بندگان که شب و روز بر ایشان گذشته قرار بده شاکرترین ایشان در مقابل نعمتهایی که عنایت فرموده‌ای، و پایدارترین ایشان به شریعتهایی که پدید آورده‌ای، و خویشتن دارترین ایشان از نافرمانیهایی که از آنها بیم داده‌ای. (۲۱) بارالها من تو را گواه می‌گیرم و تو بس هستی برای گواهی و گواه می‌گیرم آسمان و زمین را و همچنین ملائکه و دیگر آفریدگانت را که در زمین و آسمان مسکن داده‌ای در این روز و این ساعت و این شب و این جایگاه که من در آن قرار دارم به اینکه گواهی می‌دهم خدایی هستی که جز تو خدایی نیست بر پا دارنده عدل، عادل در حکم، مهربان به بندگان و دارنده سلطنت و پادشاهی و رحیم بر تمام خلق هستی. (۲۲) و شهادت می‌دهم که محمد بنده و فرستاده و برگزیده تو از میان آفریدگان تو است آن که رسالت را بر عهده‌اش گذاشتی و او آن را به خوبی به انجام رساند و او را به خیر خواهی امتش فرمان دادی پس برای آنان خیر خواهی نمود. (۲۳) بارالها پس بر محمد و آلش درود فرست بیش از آنچه که بر هر یک از دیگر آفریدگانت درود فرستاده‌ای و از سوی ما بهترین چیزی را که به یکی از بندگان داده‌ای به او بده، و از جانب ما برترین و گرمیترین پاداشی را که به هر یک از پیامبرانت از جانب امتش داده‌ای به او عنایت فرما. (۲۴) زیرا تویی بسیار بخشنده نعمت بزرگ، و بخشاینده گناه‌سترگ، و تو از هر مهربانی مهربانتری. پس بر محمد و آلش که پاکیزگان و پاکان و نیکوکاران و سر آمد تمام برگزیدگانند درود فرست.

دعای هفتم:

دعای او به هنگامی که برای وی مهمی دست می‌داد

یا رنجی فرود می‌آمد و به وقت اندوه»

(۱) ای آنکه گره هر سخنی بدست او گشوده شود، و ای آنکه تندی سختیها بدست او می‌شکند، ای آنکه راه بیرون شدن از تنگی و رفتن به سوی آسایش از او خواسته شود.

(٢) ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ الصَّعَابُ، وَ تَسَيَّبَتْ بِأَطْفِكَ الْأَشْبَابُ، وَ جَرَى
بِقُدْرَتِكَ الْقَضَاءُ، وَ مَضَتْ عَلَى إِرَادَتِكَ الْأَشْيَاءُ. (٣) فَهِيَ
بِمَشِيَّتِكَ دُونَ قَوْلِكَ مُؤْتَمِرَةٌ، وَ بِإِرَادَتِكَ دُونَ نَهْيِكَ مُتَزَجِرَةٌ.
(٤) أَنْتَ الْمَدْعُوُّ لِلْمُهْمَاتِ، وَ أَنْتَ الْمَفْرَعُ فِي الْمُلِمَاتِ، لَا يَنْدَفِعُ
مِنْهَا إِلَّا مَا دَفَعْتَ، وَ لَا يَنْكَشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا كَشَفْتَ (٥) وَ قَدْ نَزَلَ
بِي يَا رَبِّ مَا قَدْ تَكَادَنِي ثِقْلُهُ، وَ أَلَمَّ بِي مَا قَدْ بَهَظَنِي حَمْلُهُ.
(٦) وَ بِقُدْرَتِكَ أَوْرَدْتَهُ عَلَيَّ وَ بِسُلْطَانِكَ وَجَّهْتَهُ إِلَيَّ. (٧) فَلَا
مُضْدِرَ لِمَا أَوْرَدْتَ، وَ لَا ضَارِفَ لِمَا وَجَّهْتَ، وَ لَا فَاتِحَ لِمَا أَغْلَقْتَ،
وَ لَا مُغْلِقَ لِمَا فَتَحْتَ، وَ لَا مُيَسِّرَ لِمَا عَسَّرتَ، وَ لَا نَاصِرَ لِمَنْ
خَذَلْتَ. (٨) فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ افْتَحْ لِي يَا رَبِّ بَابَ الْفَرَجِ
بِطَوْلِكَ، وَ اكْسِرْ عَنِّي سُلْطَانَ الْهَمِّ بِحَوْلِكَ، وَ أَنْلِنِي حُسْنَ النَّظَرِ
فِيهَا شَكْوَتُ، وَ أذِقْنِي حَلَاوَةَ الصُّنْعِ فِيمَا سَأَلْتُ، وَ هَبْ لِي مِنْ
لَدُنْكَ رَحْمَةً وَ فَرَجاً هَنِيباً، وَ اجْعَلْ لِي مِنْ عِنْدِكَ مُخْرَجاً وَ حَيّاً.
(٩) وَ لَا تَشْغَلْنِي بِالْإِهْتِمَامِ عَنِ تَعَاهُدِ فُرُوضِكَ، وَ اسْتِعْمَالِ
سُنَّتِكَ. (١٠) فَقَدْ ضِيقْتُ لِمَا نَزَلَ بِي يَا رَبِّ ذُرْعاً، وَ امْتَلَأْتُ بِحَمْلِ
مَا حَدَثَ عَلَيَّ هَمّاً، وَ أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى كَشْفِ مَا مُنِيتُ بِهِ، وَ دَفْعِ
مَا وَقَعْتُ فِيهِ، فَافْعَلْ بِي ذَلِكَ وَ إِنْ لَمْ أَسْتَوْجِبْهُ مِنْكَ، يَا ذَا الْعَرْشِ
الْعَظِيمِ.

(۲) دشواریها به لطف تو آسان گردد، و اسباب هرکاری به لطف تو سبب شوند، و قضا به قدرتت جریان گیرد، و همه چیز به اراده تو روان شود.

(۳) تنها به خواست تو بی آنکه فرمان دهی همه چیز فرمان برد، و هر چیز محض ارادهات بی آنکه نهی کنی از کار باز ایستد.

(۴) در تمام دشواریها تو را می خوانند، و در گرفتاریها به تو پناه می آورند، غیر از بلایی که تو دفع کنی بلایی دور نشود و غیر از آن گرفتاری که تو برطرف کنی، هیچ گرفتاری برطرف نشود.

(۵) الهی، بلایی بر من فرود آمده که سختی و سنگینی آن مرا در هم شکسته و گرفتاریهایی بر من رو آورده که تحملش مرا درمانده ساخته است.

(۶) و آن را تو از باب قدرتت بر من وارد کرده‌ای، و به اقتدار خود متوجه من نموده‌ای.

(۷) پس چیزی را که تو آورده‌ای کسی نبرد، و آنچه تو فرستاده‌ای دیگری بازنگرداند و بسته تو را کسی نگشاید و چیزی را که تو بگشایی دیگری نبندد، و آنچه را تو دشوار نموده‌ای کسی آسان نکند، و آن را که تو ذلیل کرده‌ای یاوری نباشد.

(۸) پس بر محمد و آلش درود فرست، و به رحمتت -الها- در آسایش را به رویم بازکن، و به قدرتت سلطنت غم را در زندگیم درهم بشکن، و به من در موردی که از آن شکوه دارم با دیده عنایت و احسانت بنگر، و به من در مورد درخواستم شیرینی اجابت بچشان، و از سوی خودت رحمت و گشایش دلخواه نصیبم فرما، و برایم نجات و خلاصی سریع از گرفتاریها مقرر کن

(۹) و مرا به خاطر غم و اندوه از رعایت و اجبات و به کار بستن مستحبات خود باز مدار.

(۱۰) پس ای پروردگار به خاطر آنچه به من رسیده بی تاب و توان شده‌ام، و بخاطر آنچه در زندگیم رخ داده پُر از اندوه گشته‌ام و تو، به رفع گرفتاریهایم و رفع آنچه در آن در افتاده‌ام توانایی، پس آن گرفتاری را از من دور کن، گرچه از جانب تو شایسته آن نیستم، ای صاحب عرش عظیم.

(٨)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِسْتِعَاذَةِ مِنْ
الْمَكَارِهِ وَسَيِّئِ الْأَخْلَاقِ وَمَذَامِّ الْأَفْعَالِ:

(١) اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَيْبَانَ الْحَرِصِ، وَسَوْرَةَ الْغَضَبِ،
وَغَلْبَةَ الْحَسَدِ، وَضَعْفِ الصَّبْرِ، وَقِلَّةِ الْقَنَاعَةِ، وَشَكَاةِ الْخُلُقِ،
وَإِلْحَاحِ الشَّهْوَةِ، وَمَلَكَةِ الْحَمِيَّةِ (٢) وَمُتَابَعَةِ الْهَوَى، وَمُخَالَفَةِ
الْهُدَى، وَسِنَةِ الْغَفْلَةِ، وَتَغَاطِي الْكُلْفَةِ، وَإِثَارِ الْبَاطِلِ عَلَى
الْحَقِّ، وَالْإِضْرَارِ عَلَى الْمَأْتَمِّ، وَاسْتِضْغَارِ الْمَعْصِيَةِ، وَاسْتِكْبَارِ
الطَّاعَةِ. (٣) وَمُتَبَاهَاتِ الْمُكْتَرِبِينَ، وَالْإِزْرَاءِ بِالْمُقْلِبِينَ،
وَسُوءِ الْوِلَايَةِ لِمَنْ تَحْتَ أَيْدِينَا، وَتَرْكِ الشُّكْرِ لِمَنْ اضْطَمَعَ
الْغَارِقَةُ عِنْدَنَا (٤) أَوْ أَنْ نَغْضُدَ ظَالِمًا، أَوْ نَحْذُلَ مَلْهُوفًا، أَوْ
نُرُومَ مَا لَيْسَ لَنَا بِحَقٍّ، أَوْ نَقُولَ فِي الْعِلْمِ بِغَيْرِ عِلْمٍ (٥) وَنَعُوذُ
بِكَ أَنْ نَنْطَوِيَ عَلَى غِشِّ أَحَدٍ، وَأَنْ نُعْجِبَ بِأَعْمَالِنَا، وَنَمُدَّ
فِي أَمَالِنَا (٦) وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ السَّرِيرَةِ، وَاحْتِقَارِ الصَّغِيرَةِ،
وَأَنْ يَسْتَحْوِذَ عَلَيْنَا الشَّيْطَانُ، أَوْ يَنْكُبَنَا الزَّمَانُ، أَوْ يَتَهَضَّمَنَا
السُّلْطَانُ (٧) وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ تَنَاوُلِ الْإِسْرَافِ، وَمِنْ فَقْدَانِ
الْكَفَافِ (٨) وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ، وَمِنْ الْفَقْرِ إِلَى
الْأَكْفَاءِ، وَمِنْ مَعِيشَةٍ فِي شِدَّةٍ، وَمِيتَةٍ عَلَى غَيْرِ عُدَّةٍ.

دعای هشتم:

پناه بردن به خدا از سختیها
و اخلاق ناپسند و کردار نکوهیده

(۱) پروردگارا به تو پناه می‌برم از هیجان حرص و آرزو شدت خشم و چیرگی حسد و سستی صبر و کمی قناعت و بدی اخلاق و افراط در شهوت و ملکهٔ عصیّت (طرفداری از باطل)

(۲) و (به تو پناه می‌برم) از پیروی هوس و مخالفت هدایت و خواب غفلت و انجام کارهای سخت و مقدم داشتن باطل بر حق و اصرار کردن بر گناه و کوچک شمردن معصیت و سنگین دانستن طاعت و بندگی

(۳) و (به تو پناه می‌برم) از فخر فروشی ثروتمندان و خوار و کوچک شمردن نیازمندان و بد رفتاری با زیردستانمان و ناسپاسی نسبت به کسی که به ما نیکی کرده است.

(۴) و (به تو پناه می‌برم) از اینکه به ستمگری کمک کنیم یا اینکه ستم‌دیده‌ای را خوار گردانیم یا آنچه حق ما نیست بخواهیم یا دربارهٔ علم از روی نادانی سخن بگوییم.

(۵) و به تو پناه می‌بریم از اینکه قصد غش و خیانت به کسی را در سر بپرورانیم و با اعمالمان به عجب و خودپسندی گرفتار شویم و آرزوهایمان را دراز کنیم.

(۶) و به تو پناه می‌بریم از باطن و سیرت زشت و کوچک شمردن گناه کوچک، و از اینکه شیطان بر ما چیره شود یا روزگار ما را بدبخت کند یا پادشاه بر ما ستم نماید.

(۷) و به تو پناه می‌بریم از اقدام بر اسراف و از نیافتن روزی به اندازهٔ نیاز.

(۸) و به تو پناه می‌بریم از سرزنش دشمنان و از احتیاج به هموعان و از زندگی در سختی و از مرگ بدون آمادگی (بدون توشه)

(٩) وَ نَعُوذُ بِكَ مِنَ الْحَسْرَةِ الْعُظْمَى، وَ الْمُصِيبَةِ الْكُبْرَى، وَ أَشَقَى
الشَّقَاءِ، وَ سُوءِ الْمَأْبِ، وَ حِرْمَانِ الثَّوَابِ، وَ حُلُولِ الْعِقَابِ (١٠) اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ، وَ اَعِزَّنِيْ مِنْ كُلِّ ذٰلِكَ بِرَحْمَتِكَ وَ جَمِيعِ
الْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ.

﴿٩﴾

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْاِسْتِثْنَاءِ
إِلَى طَلَبِ الْمَغْفِرَةِ مِنْ اللّٰهِ جَلَّ جَلَالُهُ:

(١) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ، وَ صَيِّرْنَا اِلَى مَحَبُّوبِكَ مِنَ التَّوْبَةِ،
وَ اَزِلْنَا عَنْ مَكْرُوهِكَ مِنَ الْاَضْرَارِ (٢) اَللّٰهُمَّ وَ مَتَى وَ قَفْنَا بَيْنَ نَقْصِيْنَ
فِي دِيْنٍ اَوْ دُنْيَا، فَاَوْقِعِ النَّقْصَ بِاَسْرَعِهِمَا فَنَاءً، وَ اجْعَلِ
التَّوْبَةَ فِيْ اَطْوَلِهِمَا بَقَاءً (٣) وَ اِذَا هَمَمْنَا بِهَمِّيْنِ يُرْضِيْكَ اَحَدُهُمَا عَنَّا،
وَ يُسْخِطُكَ الْاٰخَرُ عَلَيْنَا، فَمِلْ بِنَا اِلَى مَا يُرْضِيْكَ عَنَّا، وَ اَوْهِنْ قُوَّتَنَا
عَمَّا يُسْخِطُكَ عَلَيْنَا (٤) وَ لَا تُخَلِّ فِيْ ذٰلِكَ بَيْنَ نَفْسِنَا وَ اَخْتِيَارِهَا،
فَانْهَآ مُخْتَارَةً لِلْبَاطِلِ الْاِمَّا وَ قَفْتِ، اَمَّارَةً بِالسُّوْءِ الْاِمَّا رَحِمْتَ
(٥) اَللّٰهُمَّ وَ اِنَّكَ مِنَ الضُّعْفِ خَلَقْتَنَا، وَ عَلٰى الْوَهْنِ بَنَيْتَنَا، وَ مِنْ مَّآءٍ
مَّهِيْنٍ اَبْتَدَأْتَنَا، فَلَا حَوْلَ لَنَا اِلَّا بِقُوَّتِكَ، وَ لَا قُوَّةَ لَنَا اِلَّا بِعَوْنِكَ
(٦) فَايِّدْنَا بِتَوْفِيْقِكَ، وَ سَدِّدْنَا بِتَسْدِيْدِكَ، وَ اَعْمِ اَبْصَارَ قُلُوْبِنَا عَمَّا
خَالَفَ مَحَبَّتَكَ، وَ لَا تَجْعَلْ لِيْشَيْءٍ مِنْ جَوَارِحِنَا نُفُوْذًا فِيْ مَعْصِيَّتِكَ

(۹) و به تو پناه می‌بریم از بزرگترین افسوس و بزرگترین مصیبت و بدترین بدبختی و فرجام بد و نومیدی از ثواب و در افتادن به کیفر.
 (۱۰) خدایا بر محمد و آل او درود فرست و به من و همه مردان و زنان با ایمان از آنچه گفته شد پناه ده، ای مهربانترین مهربانان.

دعای نهم:

درخواست آمرزش از خدا

(۱) خدایا بر محمد و آل او درود فرست و ما را به سوی توبه که محبوب تو است سوق ده و از اصرار بر آنچه نمی‌پسندی بازدار.

(۲) خدایا و آنگاه که بین دو نقص قرار گرفتیم یکی در دین و یکی در دنیا، پس نقص را در آنکه زودتر می‌گذرد قرار ده و توبه را در آنکه مدت بقائش پایدارتر است مقرر فرما.

(۳) و آنگاه که بر دو امر تصمیم گیریم و همت گماریم که یکی تو را از ما خشنود می‌سازد و دیگری خشمگین می‌کند پس ما را به آنچه تو را خشنود می‌سازد متوجه کن. و توان ما را از آنچه سبب غضب تو می‌شود به سستی تبدیل کن.

(۴) و در چنین موردی (که بین خشنودی و غضب تو قرار می‌گیریم) نفس ما را به اختیار خودش وامگذار، زیرا نفس ما همواره باطل را برمی‌گزیند مگر آنجا که تو توفیق دهی، و همواره بر زستی فرمان می‌دهد مگر آنگاه که تو رحم فرمایی.

(۵) خدایا تو ما را از ناتوانی آفریده‌ای و بر سستی بنیانمان نهاده‌ای، و از آب بی‌ارزش آغازمان کرده‌ای، پس ما هیچ حرکتی جز با نیروی تو و هیچ توانی جز با یاری تو نداریم.

(۶) پس با توفیق خودت ما را تأیید کن، و در راه هدایت، استوارمان گردان و دیدگان دلهامان را از آنچه خلاف دوستی تو است کور کن. و هیچ یک از اندامهای ما را در راه معصیت قرار نده.

(٧) اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ هَمَسَاتِ قُلُوبِنَا، وَحَرَكَاتِ أَعْضَانِنَا وَلَمَحَاتِ أَعْيُنِنَا، وَلَهَجَتِ أَلْسِنَتِنَا فِي مُوجِبَاتِ ثَوَابِكَ حَتَّى لَا تَفُوتَنَا حَسَنَةٌ نَسْتَحِقُّ بِهَا جَزَاءَكَ، وَلَا تَبْقَى لَنَا سَيِّئَةٌ نَسْتَوْجِبُ بِهَا عِقَابَكَ.

﴿١٠﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
فِي اللَّجَأِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى:

(١) اللَّهُمَّ إِنْ تَشَأْتُمْ عَنَّا فَبِضْلِكَ، وَإِنْ تَشَأْ تُعَذِّبْنَا فَبِعَذْلِكَ
(٢) فَسَهِّلْ لَنَا عَفْوَكَ بِمَنِّكَ، وَاجْرُنَا مِنْ عَذَابِكَ بِتَجَاوُزِكَ، فَإِنَّهُ لَا طَاقَةَ لَنَا بِعَذْلِكَ، وَلَا نَجَاةَ لِأَحَدٍ مِنَّا دُونَ عَفْوِكَ (٣) يَا غَنِيَّ
الْأَغْنِيَاءِ، هَا، نَحْنُ عِبَادُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَأَنَا أَفْقَرُ الْفُقَرَاءِ إِلَيْكَ، فَاجْبُرْ فَاقْتِنَا بِوُسْعِكَ، وَلَا تَقْطَعْ رَجَاءَ نَابِمْنَعِكَ، فَتَكُونَ قَدْ أَشْقَيْتَ
مَنْ اسْتَسْعَدَبِكَ، وَحَرَمْتَ مَنْ اسْتَرْفَدَ فَضْلَكَ (٤) فَإِلَى مَنْ حِينِيذٍ
مُنْقَلَبْنَا عَنْكَ، وَإِلَى أَيْنَ مَذْهَبْنَا عَنْ بَابِكَ، سُبْحَانَكَ نَحْنُ
الْمُضْطَرُّونَ الَّذِينَ أَوْجَبَتْ إِجَابَتَهُمْ، وَأَهْلُ السُّوْءِ الَّذِينَ
وَعَدْتَ الْكَشْفَ عَنْهُمْ (٥) وَأَشْبَهُ الْأَشْيَاءِ بِمَشِيَّتِكَ، وَأَوْلَى
الْأُمُورِ بِكَ فِي عَظَمَتِكَ رَحْمَةً مَنْ اسْتَرْحَمَكَ، وَغَوْثٌ مَنْ اسْتَعَاثَ
بِكَ، فَارْحَمْ تَضَرُّعَنَا إِلَيْكَ، وَأَغْنِنَا إِذْ طَرَحْنَا أَنْفُسَنَا بَيْنَ يَدَيْكَ

(۷) خدایا پس بر محمد و آل او درود فرست و رازهای دل ما و حرکت اندامها و نگاههای پنهانی چشمها و سخنان زبانهامان را موجب ثواب خودت قرار ده تا کار نیکی که به وسیله آن سزاوار پاداش تو شویم از دست ندهیم. و کار بدی که به وسیله آن مستوجب کیفر تو شویم بر ایمان باقی نماند.

دعای دهم:

پناه آوردن به خداوند

(۱) خداوندا به خاطر فضل و احسانت اگر بخواهی ما را می‌بخشی، و به خاطر عدالت و دادگریت اگر بخواهی ما را عذاب می‌کنی.

(۲) پس بر ما منت گذار و بخششت را بر ما آسان فرما، و با گذشت خود ما را از کیفرت رهایی بخش، چه اینکه، ما نمی‌توانیم عدالت تو را تحمل کنیم و هیچ یک از ما بدون بخشش تو، راه نجاتی نداریم.

(۳) ای بی‌نیاز بی‌نیازان، اینک ما بندگان تو، در اختیار توایم و من نیازمندترین نیازمندان به توام، پس نیاز ما را با بی‌نیازی (و عطای بی‌منتهای) خویش بر طرف فرما، و امید ما را با منع (از رحمت) خود نومید مکن. زیرا، (اگر چنین کنی) بدبخت کرده‌ای کسی را که از تو نیکی خواسته، و محروم ساخته‌ای آن را که از فضل تو بخشش خواسته است.

(۴) پس در آن صورت (که به بدبختی و تیره روزی گرفتار شویم و از جانب تو محروم شویم) از پیشگاه تو رو به سوی که آوریم و از درگاه تو به کجا رویم؟ پاک و منزهی تو، ما همان بیچارگانی هستیم که اجابت آنها را واجب گردانیده‌ای، و همان بد حالانی هستیم که رفع گرفتاریشان را وعده داده‌ای.

(۵) شبیه‌ترین چیزها به مشیت تو و سزاوارترین کارها به ذات مقدس تو در عظمت و بزرگواریت، بذل رحمت و بخشش بر کسی است که از تو در خواست رحمت کرده است و فریاد رسی از کسی است که از تو فریاد رسی خواسته است. پس بر زاری و تضرع ما به درگاهت رحم کن، و چون خودمان را به تو سپرده‌ایم، بی‌نیازمان کن.

(٦) اللَّهُمَّ إِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ شَمِتَ بِنَا إِذْ شَايَعَنَاهُ عَلَى مَعْصِيَتِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تُشْمِئُهُ بِنَا بَعْدَ تَرْكِنَا إِيَّاهُ لَكَ، وَرَغَبْنَا عَنْهُ إِلَيْكَ.

(١١)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِخَوَاتِمِ الْخَيْرِ:

(١) يَا مَنْ ذِكْرُهُ شَرَفٌ لِلذَّاكِرِينَ، وَيَا مَنْ شُكْرُهُ فَوْزٌ لِلشَّاكِرِينَ، وَيَا مَنْ طَاعَتُهُ نَجَاةٌ لِلْمُطِيعِينَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاشْغَلْ قُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ عَنْ كُلِّ ذِكْرٍ، وَالسِّنِّتَا بِشُكْرِكَ عَنْ كُلِّ شُكْرٍ، وَجَوَارِحَنَا بِطَاعَتِكَ عَنْ كُلِّ طَاعَةٍ. (٢) فَإِنَّ قَدَّرْتَ لَنَا فَرَاغًا مِنْ شُغْلٍ فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَةٍ لَا تُدْرِكُنَا فِيهِ تَبِعَةٌ، وَلَا تَلْحَقُنَا فِيهِ سَمَةٌ، حَتَّى يَنْصَرِفَ عَنَّا كِتَابُ السَّيِّئَاتِ بِصَحِيفَةِ خَالِيَةٍ مِنْ ذِكْرِ سَيِّئَاتِنَا، وَيَتَوَلَّى كِتَابُ الْحَسَنَاتِ عَنَّا مُسْرُورِينَ بِمَا كَتَبُوا مِنْ حَسَنَاتِنَا (٣) وَإِذَا انْقَضَتْ أَيَّامُ حَيَاتِنَا، وَتَصَرَّمَتْ مُدَدُ أَعْمَارِنَا، وَاسْتَحْضَرْتَنَا دَعْوَتُكَ الَّتِي لَا بُدَّ مِنْهَا وَمِنْ إِجَابَتِهَا، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ خِتَامَ مَا تُخْصِي عَلَيْنَا كِتَابَةَ أَعْمَالِنَا تَوْبَةً مَقْبُولَةً لَا تُوقِفُنَا بَعْدَهَا عَلَى ذَنْبٍ اجْتَرَحْنَاهُ، وَلَا مَعْصِيَةٍ اقْتَرَفْنَاهَا. (٤) وَلَا تَكْشِفْ عَنَّا سِرًّا سَتَرْتَهُ عَلَى رُؤْسِ الْأَشْهَادِ، يَوْمَ تَبْلُو أَخْبَارَ عِبَادِكَ. (٥) إِنَّكَ رَحِيمٌ بِمَنْ دَعَاكَ، وَمُسْتَجِيبٌ لِمَنْ نَادَاكَ.

(۶) خدایا به خاطر آنکه در راه معصیت تو از شیطان پیروی کردیم، او ما را سرزنش کرد. پس بر محمد و آل او درود بفرست، و پس از آنکه به خاطر تو شیطان را ترک کردیم و از او روی برگرداندیم و به درگاه تو روی آوردیم، سرزنش و شماتت او را از ما دور کن.

دعای یازدهم:

دعا برای حُسن عاقبت

(۱) ای آنکه یاد او برای یاد کنندگان، شرافت است.

(۲) وای آنکه شکر و سپاس او، برای سپاسگزاران، رستگاری است، وای آنکه طاعت و فرمانبرداری او، برای اطاعت کنندگان و فرمانبرداران نجات و رهایی است. بر محمد و آل او درود فرست، و قلبهای ما را با یاد خودت از هر یادی بازدار، و زیانهای ما را با شکر خودت از هر شکری نگهدار و اندامهای ما را با طاعت خودت از هر طاعتی بازدار.

(۳) و اگر برای ما فراغتی از کارها مقدر فرموده‌ای آن را فراغت سالم قرار ده که در آن، گناهی ما را در نیابد و خستگی به ما رو نیاورد تا (فرشتگان و) نویسندگان بدیها با پرونده‌ای خالی از بیان گناهانمان از سوی ما برگردند و نویسندگان نیکیها به خاطر نیکیهایی که از ما نوشته‌اند شادمان شوند.

(۴) و هنگامیکه روزهای زندگانی ما سپری گردید و به تدریج مدّت عمرمان به پایان رسید و دعوت تو که چاره‌ای از پذیرفتنش نیست ما را احضار نمود، پس بر محمد و آل او درود فرست. و پایان آنچه نویسندگان اعمال ما، بر می‌شمارند توبه مقبول قرار ده تا پس از آن بر گناهی که مرتکب شده‌ایم و بر معصیتی که انجام داده‌ایم باز ننداری.

(۵) و روزی که خبرهای بندگان را می‌آزمایی، پوششی را که با آن اعمال ما را پوشانده‌ای در برابر دیدگان گواهان بر ندار.

(۶) همانا تو، نسبت به هر کسی که ترا بخواند مهربانی، و برای کسی که تو را ندا در دهد رواکننده‌ای.

﴿١٢﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِعْتِرَافِ
وَ طَلَبِ التَّوْبَةِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى:

(١) اللَّهُمَّ إِنَّهُ يَحْجُبُنِي عَنْ مَسْأَلَتِكَ خِلَالِ ثَلَاثٍ، وَ تَحْدُونِي
عَلَيْهَا خَلَّةٌ وَاحِدَةٌ: (٢) يَحْجُبُنِي أَمْرٌ أَمَرْتُ بِهِ فَأَبْطَأْتُ عَنْهُ،
وَنَهَيْتَنِي عَنْهُ فَأَسْرَعْتُ إِلَيْهِ، وَ نِعْمَةٌ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ فَقَصَّرْتُ
فِي شُكْرِهَا. (٣) وَ يَحْدُونِي عَلَى مَسْأَلَتِكَ تَفْضُّكَ عَلَيَّ مَنْ
أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ إِلَيْكَ، وَ وَقَدْ بَحَسْنِي ظَنَّةُ إِلَيْكَ، إِذْ جَمِيعُ إِحْسَانِكَ
تَفْضُّلٌ، وَ إِذْ كُلُّ نِعْمِكَ ائْتِدَاءٌ (٤) فَهَذَا أَنَا ذَا، يَا إِلَهِي، وَاقِفْ بِبَابِ
عِزِّكَ وَ قُوفِ الْمُسْتَسْلِمِ الذَّلِيلِ، وَ سَأَلْتُكَ عَلَى الْحَيَاءِ مِنِّي
سُؤَالَ الْبَائِسِ الْمُعِيبِ (٥) مُقِرُّ لَكَ بِأَنِّي لَمْ أَسْتَسْلِمْ وَ قَتَّ إِحْسَانِكَ
إِلَّا بِالْإِقْلَاعِ عَنْ عِضْيَانِكَ، وَ لَمْ أَحُلْ فِي الْحَالَاتِ كُلِّهَا مِنْ
امْتِنَانِكَ. (٦) فَهَلْ يَنْفَعُنِي، يَا إِلَهِي، إِقْرَارِي عِنْدَكَ بِسُوءِ
مَا اكْتَسَبْتُ؟ وَ هَلْ يُنْجِينِي مِنْكَ اعْتِرَافِي لَكَ بِقَبِيحِ مَا ارْتَكَبْتُ؟
أَمْ أَوْجَبْتَ لِي فِي مَقَامِي هَذَا سُخْطَكَ؟ أَمْ لَزِمَنِي فِي وَقْتِ دُعَايِ
مَقْتِكَ؟ (٧) سُبْحَانَكَ، لَا أَيْسُ مِنْكَ وَ قَدْ فَتَحْتَ لِي بَابَ التَّوْبَةِ إِلَيْكَ،
بَلْ أَقُولُ مَقَالَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ الظَّالِمِ لِنَفْسِهِ الْمُسْتَخِفِّ بِحُرْمَةِ رَبِّهِ.

دعای دوازدهم:

اعتراف به گناه و درخواست توبه

(۱) خدایا، سه خصلت مرا از سؤال به درگاهت منع می‌کند و یک خصلت مرا به آن وا می‌دارد.

(۲) امری که به آن فرمان دادی و من در انجام آن درنگ کردم و نهی که از آن جلوگیری کردم و من به سوی آن شتافتم، و نعمتی که به من ارزانی داشتی و من در سپاسگزاریش کوتاهی نمودم، مرا (از سؤال به درگاهت) باز می‌دارد.

(۳) و فضل و احسان تو بر کسی که رو به سوی تو کرده و با گمان نیک به سوی تو آمده است مرا به سؤال از درگاهت وا می‌دارد. زیرا، همه احسانهای تو، بخشش و تفضل است و همه نعمتهای تو ابتدایی است.

(۴) پس اینک، ای خدای من، من به درگاه گرامی تو بسان فرمانبردار خواری‌استاده‌ام و با شرمندگی همچون محتاج عیال‌مند در خواست می‌کنم.

(۵) اعتراف می‌کنم به اینکه جز با خودداری از معصیت تو در هنگام احسانت، تسلیم تو نشده‌ام و در هیچ حالی بدون منت و احسان تو نبوده‌ام.

(۶) پس ای پروردگار من، آیا اقرار من در پیشگاه تو به بدی آنچه انجام داده‌ام، سودی خواهد بخشید؟ و آیا اعتراف من در درگاهت به زشتی آنچه مرتکب شده‌ام نجاتم خواهد داد؟ یا آنکه در این مقام دشمنی خود را برایم فرض کرده‌ای؟ یا هنگام دعای من، دشمنی تو همراه من بوده است؟

(۷) پاک و منزهی، هرگز از تو نومید نمی‌شوم و حال آنکه تو در توبه را برویم گشوده‌ای، بلکه می‌گویم: گفتار بنده خواری که به خود ستم کرده و حرمت پروردگارش را کم شمرده است.

(٨) الَّذِي عَظُمَتْ ذُنُوبُهُ فَجَلَّتْ، وَادْبَرَتْ أَيَّامُهُ فَوَلَّتْ حَتَّى إِذَا رَأَى مُدَّةَ الْعَمَلِ قَدْ انْقَضَتْ وَغَايَةَ الْعُمْرِ قَدْ انْتَهَتْ، وَآيَقَنَ أَنَّهُ لَا مَحِيصَ لَهُ مِنْكَ، وَلَا مَهْرَبَ لَهُ عِنْدَكَ، تَلَقَّاكَ بِالْإِنَابَةِ، وَأَخْلَصَ لَكَ التَّوْبَةَ، فَقَامَ إِلَيْكَ بِقَلْبٍ طَاهِرٍ نَقِيٍّ، ثُمَّ دَعَاكَ بِصَوْتِ حَائِلٍ خَفِيٍّ. (٩) قَدْ تَطَّأْتَ لَكَ فَانْحَنِى، وَنَكَّسَ رَأْسَهُ فَانْتَنِى، قَدْ أَرَعَشْتَ خَشِيَّتَهُ رِجْلَيْهِ، وَغَرَّقْتَ دُمُوعَهُ خَدَّيْهِ، يَدْعُوكَ بِبَيِّنَاتِ الرَّاحِمِينَ، وَيَا أَرْحَمَ مِنَ انْتَابَةِ الْمُسْتَرْحِمُونَ، وَيَا أَعْطَفَ مِنَ أَطَافَ بِهِ الْمُسْتَغْفِرُونَ، وَيَا مَنْ عَفْوُهُ أَكْثَرُ مِنْ نِقْمَتِهِ، وَيَا مَنْ رِضَاؤُهُ أَوْفَرُ مِنْ سَخَطِهِ. (١٠) وَيَا مَنْ تَحَمَّدَ إِلَى خَلْقِهِ بِحُسْنِ التَّجَاوُزِ، وَيَا مَنْ عَوَّدَ عِبَادَهُ قَبُولَ الْإِنَابَةِ، وَيَا مَنْ اسْتَضَلَّحَ فَاسِدَهُمْ بِالتَّوْبَةِ وَيَا مَنْ رَضِيَ مِنْ فِعْلِهِمْ بِالْيَسِيرِ، وَمَنْ كَافَى قَلِيلَهُمْ بِالْكَثِيرِ، وَيَا مَنْ ضَمِنَ لَهُمْ إِجَابَةَ الدُّعَاءِ، وَيَا مَنْ وَعَدَهُمْ عَلَى نَفْسِهِ بِتَفْضُلِهِ حُسْنَ الْجَزَاءِ. (١١) مَا أَنَا بِأَعْصَى مِنْ عَصَاكَ فَغَفَرْتَ لِي، وَمَا أَنَا بِأَلْوَمَ مِنْ اعْتَذَرَ إِلَيْكَ فَقَبِلْتَ مِنْهُ، وَمَا أَنَا بِأَظْلَمَ مِنْ تَابَ إِلَيْكَ فَعُدْتَ عَلَيْهِ. (١٢) أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا تَوْبَةً نَادِمٍ عَلَى مَا فَرَطَ مِنْهُ، مُشْفِقٍ مِمَّا اجْتَمَعَ عَلَيْهِ، خَالِصِ الْحَيَاءِ مِمَّا وَقَعَ فِيهِ. (١٣) عَالِمٍ بِأَنَّ الْعَفْوَ عَنِ الذَّنْبِ الْعَظِيمِ لَا يَتَغَاظَمُكَ، وَأَنَّ التَّجَاوُزَ عَنِ الْإِثْمِ الْجَلِيلِ لَا يَسْتَضْعِبُكَ، وَأَنَّ احْتِمَالَ الْجِنَايَاتِ الْفَاحِشَةِ لَا يَتَكَادُكَ، وَأَنَّ أَحَبَّ عِبَادِكَ إِلَيْكَ مَنْ تَرَكَ الْإِسْتِكْبَارَ عَلَيْكَ، وَجَانِبَ الْأَضْرَارِ، وَلَزِمَ الْإِسْتِغْفَارَ. (١٤) وَأَنَا أَبْرءُ إِلَيْكَ مِنْ أَنْ أَسْتَكْبِرَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَصِرَّ، وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا قَصَّرْتُ فِيهِ، وَأَسْتَعِينُ بِكَ عَلَى مَا عَجَزْتُ عَنْهُ.

(۸) بنده ای که گناهانش بزرگ و رو به فزونی است و روزگارش به او پشت کرده و از او برگشته است. سرانجام ببیند زمان کار گذشته و عمر به پایان رسیده و یقین کند که در برابر تو چاره ای ندارد و گریزگاهی برایش نیست، به وسیله توبه به تو رو آورد و توبه را برای تو خالص کند، آنگاه با دلی پاک و پاکیزه به سوی تو برخیزد و با صدای تغییر یافته به آرامی تو را بخواند. (۹) در حالی که برای تو تواضع کرده و سر فرود آورده، و سر به زیر افکنده و کج شده و ترس پاهایش را به لرزه انداخته و اشک چهره اش را فرا گرفته است، ترا چنین می خواند: ای مهربانترین مهربانان و ای بخشنده ترین که رحمت جویان همواره رو به سوی او دارند. و ای مهربانترین کسی که آمرزش خواهان گرد او در طوافند. و ای آنکه بخشش او از کیفرش بیشتر است. و ای آنکه خشنودی او از خشمش افزونتر است. (۱۰) و ای آنکه با گذشت نیک خویش، سزاوار حمد و ثنای آفریدگان گردیده، و ای آنکه بندگان را به پذیرفتن توبه عادت داده، و ای آنکه گناه و تباهی بندگان را با توبه اصلاح کرده و ای آنکه با کار اندک ایشان خشنود گشته، و ای آنکه کار اندک بندگان را پاداش فراوان داده، و ای آنکه اجابت دعای ایشان را ضمانت کرده، و ای آنکه از روی احسان خویش وعده پاداش نیک به بندگان را داده (۱۱) من گناهکارتر از آنکه معصیت تو کرده و او را آمرزیده ای نیستم، و نکوهیده تر از کسی که به پیشگاه تو عذر تقصیر آورده و عذرش را پذیرفته ای نیستم، و ستمکارتر از کسی که به درگاه تو توبه کرده و به سوی او بازگشتی، نیستم (۱۲) در این مقام که هستم به سوی تو باز می گردم و توبه می کنم، توبه کسی که از کرده های خود پشیمان است، و از اندوخته های خود بیمناک است و از آنچه در آن گرفتار شده شرمنده است (۱۳) می داند که بخشش گناه بزرگ برای تو کار سنگینی نیست و گذشت از معصیت فراوان بر تو دشوار نیست، و تحمل جنایات زشت بر تو گران نمی باشد، و محبوبترین بندگان در پیشگاه تو کسی است که بر تو سرکشی نکند و از اصرار (برگناه) اجتناب ورزد، و همواره طلب آمرزش کند. (۱۴) من در پیشگاه تو از سرکشی بیزاری می جویم و از اینکه (در گناه و سرکشی) اصرار کنم به تو پناه می برم، و به خاطر کوتاهی و قصوری که روا داشتم از تو آمرزش می خواهم، و بر کارهایی (عبادات و طاعات) که از انجام آن ناتوانم از تو یاری می طلبم.

(١٥) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهَبْ لِي مَا يَجِبُ عَلَيَّ لَكَ،
 وَعَافِنِي مِمَّا اسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ، وَأَجِرْني مِمَّا يَخَافُهُ أَهْلُ الْإِسَاءَةِ،
 فَإِنَّكَ مَلِيٌّ بِالْعَفْوِ، مَرْجُوٌّ لِلْمَغْفِرَةِ، مَعْرُوفٌ بِالتَّجَاوُزِ، لَيْسَ
 لِحَاجَتِي مَطْلَبٌ سِوَاكَ، وَلَا لِذَنْبِي غَافِرٌ غَيْرُكَ، حَاشَاكَ (١٦) وَلَا
 أَخَافُ عَلَى نَفْسِي إِلَّا إِيَّاكَ، إِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ، صَلِّ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَقْضِ حَاجَتِي، وَأَنْجِجْ طَلِبَتِي، وَأَغْفِرْ
 ذَنْبِي، وَأَمِنْ خَوْفَ نَفْسِي، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَذَلِكَ عَلَيْكَ
 يَسِيرٌ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.



وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طَلَبِ
 الْحَوَائِجِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى:

(١) اللَّهُمَّ يَا مُسْتَهْيَ مَطْلَبِ الْحَاجَاتِ (٢) وَيَا مَنْ عِنْدَهُ نَيْلُ
 الطَّلِبَاتِ (٣) وَيَا مَنْ لَا يَبِيعُ نِعْمَهُ بِالْأَثْمَانِ (٤) وَيَا مَنْ
 لَا يُكَدِّرُ عَطَايَاهُ بِالْإِمْتِنَانِ (٥) وَيَا مَنْ يُسْتَعْنَى بِهِ وَلَا يُسْتَعْنَى
 عَنْهُ (٦) وَيَا مَنْ يُرْغَبُ إِلَيْهِ وَلَا يُرْغَبُ عَنْهُ (٧) وَيَا مَنْ لَا تُفْنَى
 حَزَائِنُهُ الْمَسَائِلُ (٨) وَيَا مَنْ لَا تُبَدَّلُ حِكْمَتُهُ الْوَسَائِلُ (٩) وَيَا
 مَنْ لَا تَنْقَطِعُ عَنْهُ حَوَائِجُ الْمُحْتَاجِينَ (١٠) وَيَا مَنْ لَا يُعْتَبِرُ دُعَاءُ
 الدَّاعِينَ. (١١) تَمَدَّحْتَ بِالْغِنَاءِ عَنِ خَلْقِكَ وَأَنْتَ أَهْلُ الْغِنَى عَنْهُمْ

(۱۵) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست، و آنچه از (حقوق) تو بر من واجب است بر من ببخش، و از آنچه از جانب تو سزاوار آنم مُعافم دار، و از آنچه زشت کاران از آن بیمناکند پناهم ده، زیرا تو می توانی ببخشی و آمرزش تو مورد امید است، تو به گذشت، شهرت داری، برای خواسته من، غیر از تو هیچ پاسخی نیست و برای گناه من، غیر از تو بخشنده ای نیست. تو از همه عیبها پاک و دور هستی.

(۱۶) و من بر خودم جز از تو نمی ترسم، زیرا تو شایسته آن هستی که از تو بترسند و سزاوار آن هستی که دیگران را ببخشایی، بر محمد و آل محمد درود فرست. و حاجتم را روا کن و خواسته ام را برآور و گناهم را ببخش، و مرا از ترس، ایمن گردان، زیرا تو به هر چیز توانایی بر آوردن آنچه خواستم بر تو آسان است. دعایم را مستجاب کن ای پروردگار جهانیان.



دعای سیزدهم:

درخواست حاجتها

- (۱) پروردگارا، ای منتهای در خواست حاجتها.
- (۲) و ای آنکه رسیدن به خواسته ها در پیشگاه اوست.
- (۳) و ای آنکه نعمتهای خویش را با قیمت نمی فروشد.
- (۴) و ای آنکه داده های خویش را با منت گزاردن تیره نمی کند.
- (۵) و ای آنکه می توان با او بی نیاز شد ولی هرگز نمی توان از او بی نیاز شد.
- (۶) و ای آنکه به او رو می آورند و از او روگردان نمی شوند.
- (۷) و ای آنکه گنجینه های او را در خواستها نابود نمی کند.
- (۸) و ای آنکه، اسباب و وسایل حکمت او را تغییر نمی دهد.
- (۹) و ای آنکه خواسته های نیازمندان از او قطع نمی شود.
- (۱۰) و ای آنکه دعای دعاکنندگان او را به زحمت نمی اندازد.
- (۱۱) خود را به بی نیازی از آفریدگانت ستوده ای و راستی سزاوار بی نیازی از آنها هستی.

(١٢) وَ نَسَبْتُهُمْ إِلَى الْفَقْرِ وَهُمْ أَهْلُ الْفَقْرِ إِلَيْكَ. (١٣) فَمَنْ حَاوَلَ سَدَّ خَلَّتِهِ مِنْ عِنْدِكَ، وَ رَامَ صَرْفَ الْفَقْرِ عَنْ نَفْسِهِ بِكَ فَقَدْ طَلَبَ حَاجَتَهُ فِي مَظَانِّهَا، وَ آتَى طَلِبَتَهُ مِنْ وَجْهِهَا. (١٤) وَ مَنْ تَوَجَّهَ بِحَاجَتِهِ إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ أَوْ جَعَلَهُ سَبَبَ نُجْحِهَا دُونَكَ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلْحِرْمَانِ، وَ اسْتَحَقَّ مِنْ عِنْدِكَ قَوْتَ الْإِحْسَانِ. (١٥) اَللَّهُمَّ وَلِيَّ إِلَيْكَ حَاجَةٌ قَدْ قَصَرَ عَنْهَا جُهْدِي، وَ تَقَطَّعَتْ دُونَهَا حِيلِي، وَ سَوَّلْتَ لِي نَفْسِي رَفَعَهَا إِلَى مَنْ يَرْفَعُ حَوَائِجَهُ إِلَيْكَ، وَ لَا يَسْتَعْنِي فِي طَلِبَاتِهِ عَنْكَ، وَ هِيَ زَلَّةٌ مِنْ زَلَلِ الْخَاطِئِينَ، وَ عَثْرَةٌ مِنْ عَثْرَاتِ الْمُذْنِبِينَ. (١٦) ثُمَّ انْتَبَهْتُ بِتَذَكِيرِكَ لِي مِنْ غَفْلَتِي، وَ نَهَضْتُ بِتَوْفِيقِكَ مِنْ زَلَّتِي، وَ رَجَعْتُ وَ نَكَصْتُ بِتَسَدِيدِكَ عَنْ عَثْرَتِي. (١٧) وَ قُلْتُ: سُبْحَانَ رَبِّي كَيْفَ يَسْأَلُ مُخْتَاجٌ مُخْتَاجًا؟ وَ أَنِي يَرْغَبُ مُغْدِمٌ إِلَى مُغْدِمٍ؟ (١٨) فَقَصَدْتُكَ، يَا إِلَهِي، بِالرَّغْبَةِ، وَ أَوْقَدْتُ عَلَيْكَ رَجَائِي بِالثِّقَةِ بِكَ. (١٩) وَ عَلِمْتُ أَنَّ كَثِيرَ مَا أَسْأَلُكَ يَسِيرٌ فِي وُجْدِكَ، وَ أَنَّ خَطِيرَ مَا أَسْتَوْهِبُكَ حَقِيرٌ فِي وُسْعِكَ، وَ أَنَّ كَرَمَكَ لَا يَضِيقُ عَنْ سُؤَالِ أَحَدٍ، وَ أَنَّ يَدَكَ بِالْعَطَايَا أَعْلَى مِنْ كُلِّ يَدٍ. (٢٠) اَللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اخْمِلْنِي بِكَرَمِكَ عَلَى التَّفَضُّلِ، وَ لَا تَحْمِلْنِي بِعَدْلِكَ عَلَى الْإِسْتِحْقَاقِ، فَمَا أَنَا بِأَوَّلِ رَاغِبٍ رَغِبَ إِلَيْكَ فَأَعْطَيْتَهُ وَ هُوَ يَسْتَحِقُّ الْمَنْعَ، وَ لَا بِأَوَّلِ سَائِلٍ سَأَلَكَ فَأَفْضَلْتَ عَلَيْهِ وَ هُوَ يَسْتَوْجِبُ الْحِرْمَانَ. (٢١) اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ كُنْ لِي دُعَائِي مُجِيبًا، وَ مِنْ نِدَائِي قَرِيبًا، وَ لِتَضْرُعِي رَاحِمًا، وَ لِصَوْتِي سَامِعًا. (٢٢) وَ لَا تَقْطَعْ رَجَائِي عَنْكَ، وَ لَا تَبْتِئْ سَبَبِي مِنْكَ، وَ لَا تُوجِّهْنِي فِي حَاجَتِي هَذِهِ وَ غَيْرِهَا إِلَى سِوَاكَ

(۱۲) آفریدگان را به فقر و تنگدستی نسبت داده‌ای و راستی آنها نیز شایسته
 احتیاج بسوی تو اند. (۱۳) پس، کسی که از درگاه تو بخواهد روزنه نیاز خود را
 ببندد و به وسیله تو بخواهد فقر را از خود بر طرف کند، محققاً خواسته خود را
 از جایگاه حقیقی اش طلب کرده است و از راه صحیح به خواسته اش رسیده
 است. (۱۴) و کسی که حاجت خود را به یکی از آفریدگانت عرضه کند یا او را
 سبب بر آمدن حاجت خود قرار دهد نه تو را بلکه به یقین، خود را محروم
 ساخته و مستحق از دست دادن احسان در پیشگاه تو گردیده است. (۱۵) خدایا
 من به درگاه تو حاجتی دارم که توانم به آن نمی‌رسد و در برابر آن بیچاره شده‌ام
 و نفس من چنین وانمود می‌کند که حاجتم را پیش کسی ببرم که او خود حاجتهایش
 را نزد تو می‌آورد و در خواسته‌هایش از تو بی‌نیاز نیست. و آنچه نفس وانمود
 می‌کند لغزشی است از لغزشهای خطاکاران و گناهی است از معصیتهای گناهکاران.
 (۱۶) سپس به خاطر آنکه مرا آگاه کردی از غفلت و فراموشی خویش، آگاه شدم
 و به واسطه توفیق تو از لغزشم بر خاستم و با راهنمایی تو از گناهم برگشتم
 (۱۷) و چنین گفتم: پاک و منزّه است پروردگار من، چگونه نیازمندی از نیازمندی
 در خواست می‌کند. و کجا فقیر و تنگدستی به فقیری بسان خود رو می‌آورد؟
 (۱۸) پس ای پروردگار من، من از روی رغبت آهنگ تو نموده‌ام و با اعتماد به تو
 امید بر تو بسته‌ام (۱۹) و دانسته‌ام که حتماً بیشترین چیزی را که از تو بخواهم در
 برابر دارائی و توان تو، اندک است و بزرگترین چیزی را که از تو طلب کنم در برابر
 گستره فیض و رحمت تو کوچک است. و البته، جود و بخشش تو از درخواست
 کسی کم نمی‌آورد و دست تو در بخششها از هر دستی برتر است. (۲۰) خدایا پس
 بر محمد و آل او درود فرست و با من به احسان و تفضلت رفتار کن و با من با
 عدالت و دادگریت به استحقاق رفتار مکن. چه اینکه من اول رو آورنده‌ای نیستم
 که به سوی تو رو آورده و با آنکه سزاوار منع است به او بخشش کرده‌ای و اول
 سائلی نیستم که از تو درخواست کرده و با آنکه سزاوار محرومیت بوده است به
 او احسان کرده‌ای. (۲۱) خدایا بر محمد و آل او درود فرست، و اجابت کننده
 دعایم باش و به ندایم نزدیک و به تضرع و زاریم مهربان و به صدایم شنوا باش.
 (۲۲) و امیدم را از خودت قطع نکن و دعایم را از درگاهت بر مگردان، و در این
 خواسته و غیر آن، گرایشم را به غیر خودت متوجه نکن

(٢٣) وَ تَوَلَّنِي بِنُجْحِ طَلِبَتِي وَ قَضَاءِ حَاجَتِي وَ نَيْلِ سُؤْلِي قَبْلَ زَوَالِي
عَنْ مَوْقِفِي هَذَا بِتَيْسِيرِكَ لِي الْعَسِيرِ وَ حُسْنِ تَقْدِيرِكَ لِي فِي
جَمِيعِ الْأُمُورِ (٢٤) وَ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ آلِهِ، صَلَوةً دَائِمَةً نَامِيَةً لَا
انْقِطَاعَ لِابْدِهَا وَ لَا مُنْتَهَى لِأَمَدِهَا، وَ اجْعَلْ ذَلِكَ عَوْنًا لِي وَ سَبَبًا
لِنَجَاحِ طَلِبَتِي، إِنَّكَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ. (٢٥) وَ مِنْ حَاجَتِي يَا رَبِّ كَذَا وَ كَذَا
[وَ تَذَكَّرْ حَاجَتَكَ ثُمَّ تَسْجُدْ وَ تَقُولُ فِي سُجُودِكَ:] فَضْلُكَ أَنَسَنِي،
وَ إِحْسَانُكَ دَلَّنِي، فَاسْأَلُكَ بِكَ وَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ، أَنْ لَا
تَرُدَّنِي خَائِبًا.

﴿ ١٤ ﴾
وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا اعْتَدَى
عَلَيْهِ أَوْ رَأَى مِنَ الظَّالِمِينَ مَا لَا يُحِبُّ:

(١) يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ أَنْبَاءُ الْمُتَظَلِّمِينَ (٢) وَيَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ
فِي قَسَصِهِمْ إِلَى شَهَادَاتِ الشَّاهِدِينَ. (٣) وَيَا مَنْ قَرُبَتْ
نُصْرَتُهُ مِنَ الْمَظْلُومِينَ (٤) وَيَا مَنْ بَعْدَ عَوْنُهُ عَنِ الظَّالِمِينَ
(٥) قَدْ عَلِمْتَ، يَا إِلَهِي، مَا نَالَنِي مِنْ فُلَانِ ابْنِ فُلَانٍ مِمَّا
حَظَرْتَ وَ انْتَهَكَهُ مِنِّي مِمَّا حَجَزْتَ عَلَيْهِ، بَطْرًا فِي نِعْمَتِكَ
عِنْدَهُ، وَ اغْتِرَارًا بِتَكْبِيرِكَ عَلَيْهِ. (٦) اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ
وَ آلِهِ، وَ خُذْ ظَالِمِي وَ عَدُوِّي عَنْ ظُلْمِي بِقُوَّتِكَ، وَ ائْتِنِي حُدَّةً
عَنِّي بِقُدْرَتِكَ، وَ اجْعَلْ لَهُ شُغْلًا فِيمَا يَلِيهِ، وَ عَجْزًا عَمَّا يُنَاوِيهِ

(۲۳) و مرا با برآوردن خواسته‌ام و روا کردن حاجتم و رسیدن به خواسته‌ام پیش از آنکه از این سرای فانی بروم با آسان کردن دشواری برایم و خوبی تقدیر تو در همه امور برایم، یاری و کفایت فرما.

(۲۴) و بر محمد و آل او درود فرست، درود همیشگی که رو به فزونی است و جاودانگیش پایان نپذیرد و فرجامش آخر نداشته باشد و آن را یاور من قرار داده و برای بر آمدن حاجتم وسیله بگردان. زیرا، تو دارای رحمت گسترده و بخشش بسیاری.

(۲۵) و از جمله حاجت من ای پروردگار من چنین و چنان است. [حاجت خود را ذکر می‌کنی آنگاه به سجده می‌روی و در سجده چنین می‌گویی:]
 فضل و بخشش تو مرا مأنوس کرده است و احسان تو مرا راهنمایی کرده، پس از تو می‌خواهم به بحق خودت و به حق محمد و آل او، (درودهای تو بر ایشان باد) که مرا نومید [و دست خالی] بر نگردانی.

دعای چهاردهم:

هنگام فرارسیدن ستم و زیان

- (۱) ای آنکه خبرهای شکوه کنندگان از ستم، بر او پنهان نیست.
- (۲) و ای آنکه در سرگذشت ستم دیدگان، نیازی به گواهی ندارد.
- (۳) و ای آنکه یاری او به ستم دیدگان نزدیک است.
- (۴) و ای آنکه یاری او از ستمگران دور است.
- (۵) ای پروردگار من، یقیناً تو می‌دانی آنچه از فلان، فرزند فلان به من رسیده است از آنچه تو نهی کرده‌ای و او نسبت به من در مورد همان چیزی که او را منع کرده‌ای هتک حرمت کرده است، این ستمها سرکشی در نعمت تو است که به او رسیده است و بی باکی از کیفرتو است.
- (۶) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست و با قدرت و توان بی‌انتهایت، ستم‌کننده و دشمن مرا از ستم بر من بازدار و با قدرت بی‌پایانت، تیغ ستمش را بر من، گنبد ساز، و او را به امور مربوط به خودش مشغول دار و از نیت بد یا دشمنی با من ناتوان گردان.

(٧) اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تُسَوِّغْ لَهُ ظُلْمِي، وَأَحْسِنْ عَلَيْهِ عَوْنِي، وَاعْصِمْنِي مِنْ مِثْلِ أَفْعَالِهِ، وَلَا تَجْعَلْنِي فِي مِثْلِ حَالِهِ

(٨) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعِدْنِي عَلَيْهِ عَدْوَى حَاضِرَةً، تَكُونُ مِنْ غَيْظِي بِهِ شِفَاءً، وَمِنْ حَنَقِي عَلَيْهِ وَفَاءً. (٩) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَعَوِّضْنِي مِنْ ظُلْمِهِ لِي عَفْوِكَ، وَأَبْدِلْنِي بِسُوءِ صَنِيعِهِ بِي رَحْمَتِكَ، فَكُلُّ مُكْرُوهِهِ جَلَلٌ دُونَ سَخَطِكَ، وَكُلُّ مَرْزُوقَةٍ سِوَاءٍ مَعَ مَوْجِدَتِكَ. (١٠) اللَّهُمَّ فَكَمَا كَرِهْتَ إِلَيَّ أَنْ أَظْلِمَ فِقْنِي مِنْ أَنْ أَظْلِمَ.

(١١) اللَّهُمَّ لَا أَشْكُو إِلَى أَحَدٍ سِوَاكَ، وَلَا أَسْتَعِينُ بِحَاكِمٍ غَيْرِكَ، حَاشَاكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَصَلِّ دُعَائِي بِالْإِجَابَةِ، وَأَقْرِنْ شِكَايَتِي بِالتَّغْيِيرِ. (١٢) اللَّهُمَّ لَا تَفْتِنِّي بِالتَّقْطُوطِ مِنْ انْصَافِكَ، وَلَا تَفْتِنَّهُ بِالْأَمْنِ مِنْ انْكَارِكَ، فَيَصِرَّ عَلَيَّ ظُلْمِي، وَيَحَاضِرُنِي بِحَقِّي، وَعَرَّفَهُ عَمَّا قَلِيلٍ مَا أَوْعَدْتَ الظَّالِمِينَ، وَعَرَّفْتَنِي مَا وَعَدْتَ مِنْ إِجَابَةِ الْمُضْطَرِّينَ.

(١٣) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَوَقِّفْنِي لِقَبُولِ مَا قَضَيْتَ لِي وَعَلَيَّ، وَرَضْنِي بِمَا أَخَذْتَ لِي وَمَنِي، وَاهْدِنِي لِلتِّي هِيَ أَقْوَمُ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا هُوَ أَسْلَمُ. (١٤) اللَّهُمَّ وَإِنْ كَانَتْ الْخَيْرَةُ لِي عِنْدَكَ فِي تَأْخِيرِ الْآخِذِ لِي وَتَرْكِ الْإِنْتِقَامِ مِمَّنْ ظَلَمَنِي إِلَى يَوْمِ الْفَضْلِ وَمَجْمَعِ الْخَصْمِ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَابْدِلْنِي مِنْكَ بِنِيَّةٍ صَادِقَةٍ وَصَبْرٍ دَائِمٍ

(١٥) وَأَعِدْنِي مِنْ سُوءِ الرَّغْبَةِ وَهَلَعِ أَهْلِ الْحِرْصِ، وَصَوِّرْ فِي قَلْبِي مِثَالَ مَا ادَّخَرْتَ لِي مِنْ ثَوَابِكَ، وَأَعِدِّتْ لِخَصْمِي مِنْ جَزَائِكَ وَعِقَابِكَ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ سَبَبًا لِقَنَاعَتِي بِمَا قَضَيْتَ، وَثِقْتِي بِمَا تَخَيَّرْتَ (١٦) آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

(۷) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست و به دشمن من، اجازه ستم کردن مده، و به خوبی مرا در برابرش کمک کن، و از انجام کارهایی همچون کارهای او نگهدار و در مثل حال او قرار مده. (۸) خدایا بر محمد و آل او درود فرست و در برابر دشمن یاریم کن آنسان که هم اکنون یاری تو خشمم را فرو نشاند و درد کینه و غضبم را شفا بخشد. و دادم را از دشمن بستاند.

(۹) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست و در عوض ستمی که دشمن به من کرده است بخشش و عفو را شامل حالم گردان، و بجای بدرفتاری او نسبت به من، رحمت را به من ارزانی دار، زیرا هر رنج و ناپسندی در برابر خشم تو ناچیز است و وجود و عدم هر بلا و مصیبتی جز قهر و غضب تو، یکسان است.

(۱۰) پروردگارا همچنانکه ستم کشی را برایم ناپسند قرار دادی، از اینکه به خلق ستم کنم مرا نگهدار (۱۱) خدایا به کسی جز تو شکوه نمی‌کنم و از هیچ حاکمی جز تو یاری نمی‌خواهم حاشاکه با وجود تو رو به غیر تو آم. پس بر محمد و آل او درود فرست، و دعایم را به اجابت رسان و شکوه‌ام را با تغییر و رفع آن همراه ساز (۱۲) خدایا مرا بانومیدی از عدل و انصاف خود آزمایش نکن، و دشمنم را با آسودگی از جهل و نادانی به (فرجام) خویش میازما، تا بر ستم کردن بر من اصرار ورزد و بر حقم دست یابد و بزودی آنچه به ستمگران وعده داده‌ای به او بنما و وعده‌ای که در مورد اجابت بیچارگان داده‌ای بر من آشکار کن. (۱۳) خداوند ابر محمد و آل او درود فرست و به من توفیق ده تا آنچه بر سود و زیانم مقدر نموده‌ای بپذیرم و به آنچه برای من و از من گرفته‌ای خوشنودم کن. و به بهترین راه راهنمایی کن، و به آنچه سالمتر است بگمارم. (۱۴) خدایا اگر خیر و نیکی من در این است که دست‌گیری از من را به تأخیر اندازی و انتقام را از کسی که بر من ستم کرده است تا فرا رسیدن روزی که حق و باطل از هم جدا می‌شوند و دشمنان گرد می‌آیند ترک کنی پس بر محمد و آل او درود فرست و به من با نیت درست و شکیبایی همیشگی کمک فرما. (۱۵) و از خواهش بد و حرص آزمندان، پناهم ده، و در دلم نمونه پاداشی که برایم اندوخته‌ای و کیفری که برای دشمنم آماده کرده‌ای ترسیم کن، و آن را وسیله قناعتم به آنچه مقدر فرموده‌ای و اطمینانم به آنچه برگزیده‌ای قرار ده. (۱۶) دعایم را مستجاب کن ای پروردگار جهانیان، زیرا، تو دارای احسان بزرگی و بر همه چیز توانا هستی.

(١٥)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا مَرِضَ
أَوْ نَزَلَ بِهِ كَرْبٌ أَوْ بَلِيَّةٌ:

(١) اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا لَمْ أَزَلْ أَتَصَرَّفُ فِيهِ مِنْ سَلَامَةٍ بَدَنِي،
وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَحْدَثْتَ بِي مِنْ عِلَّةٍ فِي جَسَدِي (٢) فَمَا أَدْرِي،
يَا إِلَهِي، أَيُّ الْحَالَيْنِ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ، وَ أَيُّ الْوَقْتَيْنِ أَوْلَى بِالْحَمْدِ لَكَ
(٣) أَوْ قَتُّ الصِّحَّةِ الَّتِي هَنَأْتَنِي فِيهَا طَيِّبَاتِ رِزْقِكَ، وَ نَشَّطْتَنِي بِهَا
لَا يَتَغَاءِ مَرْضَاتِكَ وَ فَضْلِكَ، وَ قَوَّيْتَنِي مَعَهَا عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ مِنْ
طَاعَتِكَ؟ (٤) أَمْ وَ قَتُّ الْعِلَّةِ الَّتِي مَحَضَّتَنِي بِهَا، وَ النُّعْمِ الَّتِي أَتَحَفَّنِي
بِهَا، تَخْفِيفاً لِمَا ثَقُلَ بِهِ عَلَيَّ ظَهْرِي مِنَ الْخَطِيئَاتِ، وَ تَطْهِيراً لِمَا
انْعَمَسْتُ فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ، وَ تَنْبِيهاً لِتَنَاوُلِ الثُّوبَةِ، وَ تَذْكِيراً لِمَحْوِ
الْحَوْبَةِ بِقَدِيمِ النُّعْمَةِ؟ (٥) وَ فِي خِلَالِ ذَلِكَ مَا كَتَبَ لِي الْكَاتِبَانِ مِنْ
زَكِيِّ الْأَعْمَالِ، مَا لَا قَلْبٌ فَكَّرَ فِيهِ، وَ لَا لِسَانٌ نَطَقَ بِهِ، وَ لَا جَارِحَةٌ
تَكَلَّفَتْهُ، بَلْ إِفْضَالاً مِنْكَ عَلَيَّ، وَ إِحْسَاناً مِنْ صَنِيعِكَ إِلَيَّ. (٦) اللَّهُمَّ
فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ حَبِّبْ إِلَيَّ مَا رَضَيْتَ لِي، وَ يَسِّرْ لِي مَا
أَخْلَلْتَ بِي، وَ طَهِّرْ نَفْسِي مِنْ دَنَسِ مَا أَسْلَفْتُ، وَ امْحُ عَنِّي شَرَّ مَا قَدَّمْتُ،
وَ أَوْجِدْ نِي خِلَاوَةَ الْعَافِيَةِ، وَ أذِقْنِي بَرْدَ السَّلَامَةِ، وَ اجْعَلْ مَخْرَجِي
عَنْ عِلَّتِي إِلَى عَفْوِكَ، وَ مَتَحَوَّلِي عَنْ صَرَغَتِي إِلَى تَجَاوُزِكَ، وَ خِلَاصِي
مِنْ كَرْبِي إِلَى رَوْحِكَ، وَ سَلَامَتِي مِنْ هَذِهِ الشَّدَّةِ إِلَى فَرَجِكَ

دعای پانزدهم:

دعا هنگام بیماری، اندوه و گرفتاری

- (۱) خدایا تو را سپاس بر سلامتی بدنم که همواره در آن بسر می‌برم، و تو را سپاس بر بیماری که در بدنم پدید آورده‌ای.
- (۲) پس، چه می‌دانم، ای خدای من، کدامیک از این دو حال من برای سپاسگزاری تو سزاوارتر است، و کدامیک از این دو وقت (سلامتی و بیماری) برای ستایش تو بهتر است.
- (۳) آیا هنگام سلامتی که در آن حال، روزیهای پاکیزه‌ات را برایم گوارا ساختی و برای بدست آوردن خشنودیت، نشاط و شادمانیم بخشیدی و با آن نعمتها بر طاعت خویش، توانایم کردی تا بر طاعتت موفق گردیدم؟
- (۴) یا اوقات مرض و بیماری که بواسطه آن، مرا از آلائش و کدورت گناهان پاک و پاکیزه نمودی و آن درد و رنجها نیز نعمتهایی بود که بر من هدیه کردی تا بارگناهان سنگین مرا بر دوشم سبک کنی و روح قدسی مرا از فرو رفتن در منجلاب گناهان پاک و مهذب گردانی و نیز برای توبه و انابه به درگاهت متذکرم فرمایی، تا سرانجام، گناهانم بواسطه نعمت و احسان قدیمت محو و نابود گردد.
- (۵) در خلال ایام بیماری دو فرشته نویسنده اعمال، در پرونده عملم، حسناتی بزرگ بنویسند که نه در قلب من خطور کرده و نه زبانت به آن گویا گشته و نه عملی به جوارح و اندام از من صادر شده بلکه به صرف فضل و احسان توبه من باشد.
- (۶) پس، پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست و آنچه برایم پسندیده‌ای محبوب من گردان، و آنچه بر من فرود، آورده‌ای (از مشکلات) برایم آسان فرما، و مرا از آلائش پلیدی گناهان پیشین پاک و پاکیزه فرما و اعمال بد گذشته‌ام را نابود کن و همچنان شیرینی و لذت تندرستی را بر من عطا فرما و آسایش سلامتی و عافیت را به من بچشان، و بیرون شدنم از بیماری را بسوی عفو و بخشش خود قرار ده، و بازگشت از لغزشگاه گناهان را به آمرزش و گذشتت قرار ده و از غم و اندوهم با رحمتت خلاصی بخش، و سلامتی‌ام از این سختی را به گشایشت قرار ده.

(٧) إِنَّكَ الْمُتَّفَضِّلُ بِالْإِحْسَانِ، الْمُتَطَوِّلُ بِالِامْتِنَانِ، الْوَهَّابُ الْكَرِيمُ،
ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

﴿١٦﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا اسْتَقَالَ مِنْ
ذُنُوبِهِ، أَوْ تَضَرَّعَ فِي طَلَبِ الْعَفْوِ عَنْ عُيُوبِهِ:

(١) اللَّهُمَّ يَا مَنْ بِرَحْمَتِهِ يَسْتَعِيثُ الْمُذْنِبُونَ (٢) وَيَا مَنْ إِلَى ذِكْرِ
إِحْسَانِهِ يَفْرَعُ الْمُضْطَرُّونَ (٣) وَيَا مَنْ لِخِيفَتِهِ يَسْتَجِبُ الْخَاطِئُونَ
(٤) يَا أُنْسَ كُلِّ مُسْتَوْحِشٍ غَرِيبٍ، وَيَا فَرَجَ كُلِّ مَكْرُوبٍ كَسِيبٍ،
وَيَا غَوْثَ كُلِّ مَخْذُولٍ فَرِيدٍ، وَيَا عَضُدَ كُلِّ مُخْتَاجٍ طَرِيدٍ (٥) أَنْتَ
الَّذِي وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا (٦) وَأَنْتَ الَّذِي جَعَلْتَ لِكُلِّ
مَخْلُوقٍ فِي نِعْمِكَ سَهْمًا (٧) وَأَنْتَ الَّذِي عَفْوَةٌ أَعْلَى مِنْ عِقَابِهِ
(٨) وَأَنْتَ الَّذِي تَسْعَى رَحْمَتُهُ أَمَامَ غَضَبِهِ. (٩) وَأَنْتَ الَّذِي
عَطَاؤُهُ أَكْثَرُ مِنْ مَنَعِهِ. (١٠) وَأَنْتَ الَّذِي اتَّسَعَ الْخَلَائِقُ كُلُّهُمْ
فِي وَسْعِهِ. (١١) وَأَنْتَ الَّذِي لَا يَرْغَبُ فِي جَزَاءٍ مِنْ أَعْطَاهُ. (١٢) وَأَنْتَ
الَّذِي لَا يُفْرِطُ فِي عِقَابٍ مِنْ عَصَاهُ. (١٣) يَا إِلَهِي، عَبْدُكَ
الَّذِي أَمَرْتَهُ بِالِدُّعَاءِ فَقَالَ: لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ، هَا أَنَا ذَا، يَا رَبِّ، مَطْرُوحٌ
بَيْنَ يَدَيْكَ. (١٤) أَنَا الَّذِي أَوْقَرْتِ الْخَطَايَا ظَهْرَهُ، وَأَنَا الَّذِي أَفْنَتِ
الذُّنُوبَ عُمْرَهُ، وَأَنَا الَّذِي بَجَهْلِهِ عَصَاكَ، وَلَمْ تَكُنْ أَهْلًا مِنْهُ لِذَلِكَ.

(۷) همانا تو خدایی هستی که بی اندازه احسان می کنی و نعمت بزرگ می بخشی، بسیار بخشنده بزرگوار هستی و صاحب عظمت و بزرگی می باشی.

دعای شانزدهم: طلب آمرزش

(۱) پروردگارا، ای آنکه گناهکاران به سبب رحمتش، فریاد رس می طلبند.
(۲) و ای آنکه بیچارگان بیاد احسان او فریاد و زاری می کنند.
(۳) و ای آنکه خطاکاران از ترس او با آه و ناله می گیرند.
(۴) ای آرام دلهای متوحش سرگردان، ای گشایش دلهای اندوهگین و شکسته، و ای فریادرس انسانهای خوار و تنها مانده، ای یاور هر نیازمند رانده شده.

(۵) تویی که به گستره علم و رحمت بر همه موجودات احاطه داری.
(۶) و تویی که برای هر آفریده ای، بهره ای در نعمتهایت قرار داده ای.
(۷) تویی که بخشش و عفویت از کیفرت برتر است.
(۸) تویی که رحمتت بر غضبت پیشی می گیرد.
(۹) و تویی که بخشش و فضیلت از منعت بیشتر است.
(۱۰) تویی که همه آفریدگان را از رحمت و اسعه خود، وسعت عطا کرده ای (و به همه مخلوقات، بهره کامل بخشیده ای)
(۱۱) تویی که از عطا و بخشش خود به خلق، پاداش نمی خواهی.
(۱۲) و تویی که در کیفر گناهکاران افراط (زیاده روی) نمی کنی.
(۱۳) و من ای خدا، بنده توام که او را به دعا امر فرمودی و او لبیک و سعیدیک گویان اظهار کرد که اینک منم، ای پروردگار بنده ای که در پیشگاهت به خاک ذلت و عبودیت افتاده.
(۱۴) منم آنکه خطاها بر پشتش بس سنگینی کرده است و منم آنکه عمرش در گناه فانی شده است. و منم آنکه با نادانی تو را نافرمانی کرده در حالی که تو شایسته نافرمانی او نبودی.

(١٥) هَلْ أَنْتَ، يَا إِلَهِي، رَاحِمٌ مَنْ دَعَاكَ فَأُبْلَغَ فِي الدُّعَاءِ؟ أَمْ أَنْتَ غَافِرٌ لِمَنْ بَكَكَ فَأَسْرَعَ فِي الْبُكَاءِ؟ أَمْ أَنْتَ مُتَجَاوِزٌ عَمَّنْ عَقَّرَكَ وَجْهَهُ تَذَلُّلاً؟ أَمْ أَنْتَ مُغْنٍ مَنْ شَكَأَ إِلَيْكَ، فَقَرَّهُ تَوَكُّلاً؟ (١٦) إِلَهِي لَا تُخَيِّبْ مَنْ لَا يَجِدُ مُعْطِياً غَيْرَكَ، وَلَا تَخْذُلْ مَنْ لَا يَسْتَعْنِي عِنْدَكَ بِأَحَدٍ دُونَكَ. (١٧) إِلَهِي فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تُعْرِضْ عَنِّي وَقَدْ أَقْبَلْتُ عَلَيْكَ، وَلَا تَحْرِمْنِي وَقَدْ رَغِبْتُ إِلَيْكَ، وَلَا تَجْبِهْنِي بِالرَّدِّ وَقَدْ انْتَصَبْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ. (١٨) أَنْتَ الَّذِي وَصَفْتَ نَفْسَكَ بِالرَّحْمَةِ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْحَمْنِي، وَأَنْتَ الَّذِي سَمَّيْتَ نَفْسَكَ بِالْعَفْوِ فَاغْفُ عَنِّي (١٩) قَدْ تَرَى، يَا إِلَهِي، فَيْضَ دَمْعِي مِنْ خَيْفَتِكَ، وَوَجِيبَ قَلْبِي مِنْ خَشْيَتِكَ، وَانْتِقَاضَ جَوَارِحِي مِنْ هَيْبَتِكَ (٢٠) كُلُّ ذَلِكَ حَيَاءً مِنْكَ لِسُوءِ عَمَلِي، وَلِذَلِكَ حَمَدَ صَوْتِي عَنِ الْجَارِ إِلَيْكَ، وَكَلَّ لِسَانِي عَنْ مُنَاجَاةِكَ. (٢١) يَا إِلَهِي فَلَكَ الْحَمْدُ فَكَمْ مِنْ عَائِبَةٍ سَتَرْتَهَا عَلَيَّ فَلَمْ تَفْضَحْنِي، وَكَمْ مِنْ ذَنْبٍ غَطَّيْتَهُ عَلَيَّ فَلَمْ تَشْهَرْنِي، وَكَمْ مِنْ شَائِبَةٍ أَلَمَّتْ بِهَا فَلَمْ تَهْتِكْ عَنِّي سِتْرَهَا، وَكَمْ مِنْ تَقْلُدْنِي مَكْرُوهَ سَنَارِهَا، وَكَمْ مِنْ تَبَدُّ سَوَاتِيهَا لِمَنْ يَلْتَمِسُ مَعَايِبِي مِنْ جِبْرِتِي، وَحَسَدَةَ نِعْمَتِكَ عِنْدِي (٢٢) ثُمَّ لَمْ يَنْهَنِي ذَلِكَ عَنْ أَنْ جَرَيْتُ إِلَى سُوءٍ مَا عَهَدْتَ مِنِّي! (٢٣) فَمَنْ أَجْهَلُ مِنِّي، يَا إِلَهِي، بِرُشْدِهِ؟ وَمَنْ أَغْفَلُ مِنِّي عَنْ حَظِّهِ؟ وَمَنْ أَبْعَدُ مِنِّي مِنْ اسْتِصْلَاحِ نَفْسِهِ حِينَ انْفَقَ مَا أَجْرَيْتَ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ فِيمَا نَهَيْتَنِي عَنْهُ مِنْ مَعْصِيَتِكَ؟ وَمَنْ أَبْعَدُ غَوْرًا فِي الْبَاطِلِ، وَأَشَدُّ إِقْدَامًا عَلَى السُّوءِ مِنِّي حِينَ أَقِفُ بَيْنَ دَعْوَتِكَ وَدَعْوَةِ الشَّيْطَانِ فَاتَّبِعُ دَعْوَتَهُ عَلَيَّ غَيْرِ عَمِيٍّ مِنِّي فِي مَعْرِفَةٍ بِهِ وَلَا نِسْيَانٍ مِنْ حِفْظِي لَهُ؟

(۱۵) اکنون، ای خدای من، آیا درباره کسی که به درگاهت دعا می کند ترحم خواهی کرد تا بر دعا بیفزایم؟ و آیا آن را که به درگاهت گریه کند می آمرزی تا بیشتر گریه کنم؟ آیا هر که را که با خواری در پیشگاه با عزّتت، روی خود به خاک ذلت بمالد می بخشی؟ و آن کس را که از فقر و پریشانی خود به حضرتت شکایت می کند و توکل و اعتمادش به تو است بی نیاز خواهی کرد؟ (۱۶) خدایا کسی را که جز تو بخشنده ای نمی یابد نومید مکن، و کسی را که از احدی جز تو بی نیازی نمی طلبد، نومید و خوار مگردان (۱۷) خدایا پس بر محمد و آل او درود فرست، و از من که به سوی تو رو آورده ام روی مگردان، و مرا که مشتاق و متضرع به درگاه توام از عنایتت محروم مفرما و اکنون که در پیشگاهت ایستاده ام دست ردّ بر پیشانیم مزن. (۱۸) تو آنیکه ذات پاک خود را به رحمت، و صف فرموده ای، بر محمد و آل او درود فرست، و به من رحم کن، تو آنی که خود را بخشنده نامیدی، پس مرا ببخش. (۱۹) ای خدای من، می بینی که اشک چشمم از ترس تو روان شده است و دلم از بیم عظمتت نگران گردیده و اندامم از بزرگی و عظمتت لرزان شده است (۲۰) همه اینها از شرمندگی از تو است به خاطر رفتار ناپسندم، و از همین رو است که صدایم از زاری و تضرع به درگاهت گرفته و زبانم از راز و نیاز با تو گنجد شده است. (۲۱) ای خدای من، شکر و سپاس برای تو است که چه بسیار عیبم را پوشاندی و رسوایم نکردی، و چه فراوان گناهم را پنهان کردی و مشهورم نساختی و چه بسیار زشتیها که انجام دادم و پرده مرا ندریدی و طوق زشتی آن را برگردنم نیفکندی، و بدیهای آن را بر همسایگانم که در جستجوی عیبهایم هستند و نیز بر حسودانی که از وجود نعمتهای تو در نزد من رشک می برند، آشکار نساختی (۲۲) اما، آن همه خوبیهای تو من را از انجام کارهای بدی که تو از من می دانی باز نداشت! (۲۳) معبود من، چه کسی از من نادانتر به رشد و رستگاری خود است؟ و چه کسی از من غافلتر از بهره و نیکبختی خود است؟ و چه کسی از من دورتر از اصلاح ذات خود است در حالی که روزی تو را در راه معصیت تو که مرا از آن نهی کرده ای صرف می کنم؟ و چه کسی از جهت غوطه وری در باطل از من دورتر است؟ و چه کسی از جهت ارتکاب بدیها از من سخت تر است که وقتی بین دعوت تو و دعوت شیطان قرار می گیرم دعوت شیطان را - نه از روی نابینایی در شناختم از او و نه از روی فراموشی او - می پذیرم؟

(٢٤) وَأَنَا حِينِيذٍ مُوقِنٌ بِأَنَّ مُنْتَهَى دَعْوَتِكَ إِلَى الْجَنَّةِ، وَ مُنْتَهَى دَعْوَتِي إِلَى النَّارِ. (٢٥) سُبْحَانَكَ!! مَا أَعْجَبَ مَا أَشْهَدُ بِهِ عَلَى نَفْسِي، وَأَعَدَّدُهُ مِنْ مَكْتُومِ أَمْرِي. (٢٦) وَأَعْجَبُ مِنْ ذَلِكَ أَنَا تُكَ عَنِّي، وَإِبْطَاؤُكَ عَنِّي مُعَاجَلَتِي، وَ لَيْسَ ذَلِكَ مِنْ كَرَمِي عَلَيْكَ، بَلْ تَانِيًا مِنْكَ لِي، وَ تَفْضُلًا مِنْكَ عَلَيَّ لِأَنَّ أَرْتَدِعَ عَنِّي مَعْصِيَتِكَ الْمُسْخِطَةَ، وَأَقْلَعُ عَنِّي سَيِّئَاتِي الْمُخْلِقَةَ، وَ لِأَنَّ عَفْوَكَ عَلَيَّ أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ عُقُوبَتِي (٢٧) بَلْ أَنَا، يَا إِلَهِي، أَكْثَرُ ذُنُوبًا، وَأَقْبَحُ أَثَارًا، وَ أَشْنَعُ أَفْعَالًا، وَ أَشَدُّ فِي الْبَاطِلِ تَهَوُّرًا، وَ أَضْعَفُ عِنْدَ طَاعَتِكَ تَيْقُظًا، وَ أَقَلُّ لِي وَعَيْدِكَ انْتِبَاهًا وَ ارْتِقَابًا مِنْ أَنْ أُحْصِيَ لَكَ عُيُوبِي، أَوْ أَقْدِرَ عَلَيَّ ذِكْرَ ذُنُوبِي. (٢٨) وَإِنَّمَا أُوبِخُ بِهَذَا نَفْسِي طَمَعًا فِي رَافِقِكَ الَّتِي بِهَا صَلَاحُ أَمْرِ الْمُذْنِبِينَ، وَ رَجَاءٌ لِرَحْمَتِكَ الَّتِي بِهَا فَكَأكَ رِقَابِ الْخَاطِئِينَ. (٢٩) اللَّهُمَّ وَ هَذِهِ رَقَبَتِي قَدْ أَرَقَّتْهَا الذُّنُوبُ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَعْتِقْهَا بِعَفْوِكَ، وَ هَذَا ظَهْرِي قَدْ أَثْقَلْتُهُ الْخَطَايَا، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ خَفِّفْ عَنْهُ بِمَنِّكَ (٣٠) يَا إِلَهِي لَوْ بَكَيْتُ إِلَيْكَ حَتَّى تَسْقُطَ أَشْفَارُ عَيْنِي، وَ انْتَحَبْتُ حَتَّى يَنْقَطِعَ صَوْتِي، وَ قُمْتُ لَكَ حَتَّى تَتَشَرَّ قَدَمَايَ، وَ رَكَعْتُ لَكَ حَتَّى يَنْخَلِعَ صُلْبِي، وَ سَجَدْتُ لَكَ حَتَّى تَتَفَقَّأَ حَدَقَتَايَ، وَ أَكَلْتُ تُرَابَ الْأَرْضِ طُولَ عُمْرِي، وَ شَرِبْتُ مَاءَ الرَّمَادِ آخِرَ دَهْرِي، وَ ذَكَرْتُكَ فِي خِلَالِ ذَلِكَ حَتَّى يَكِلَّ لِسَانِي، ثُمَّ لَمْ أَرْفَعْ طَرْفِي إِلَى أَفَاقِ السَّمَاءِ اسْتِحْيَاءً مِنْكَ مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَسِيَّةً وَاحِدَةً مِنْ سَيِّئَاتِي.

(۲۴) و من هم اکنون باور دارم که فرجام دعوت تو بهشت و پایان دعوت او آتش است.

(۲۵) پاک و منزّهی! چه شگفت آور است چیزی که بر خود گواهی می دهی، و از امور پنهانی خود می شمارم.

(۲۶) و شگفت تر از آن، بردباری تو درباره من و درنگ تو از تعجیل در کیفر من است، و این به خاطر گرامی بودن من نزد تو نیست، بلکه به خاطر مدارا و احسان تو بر من است تا از معصیت خشم آور تو خود داری کنم و از گناهان خوارکننده، دست بردارم و نیز به خاطر آن است که گذشتن تو از من به درگاهت از کیفر من محبوبتر است.

(۲۷) بلکه من، ای پروردگار من، گناهانی بیشتر و آثاری زشتتر و در باطل، بی باکی شدیدتر دارم و هنگام طاعت تو بیداریم کمتر است و برای وعده های تو، آگاهی و مراقبتم کمتر از آن است که عیبهای خود را برای تو بشمارم یا بتوانم گناهانم را بیاد آورم.

(۲۸) و فقط به خاطر طمع در مهربانی تو که اصلاح کارگناهکاران به آن است، خودم را با این سخنان توبیخ می کنم و نیز به خاطر امید به رحمت تو که نجات خطا کاران به آن است.

(۲۹) پروردگارا، و این گردن من است که گناهان، آن را باریک کرده است، پس بر محمد و آل او درود فرست، و با منت خود آن را سبک فرما.

(۳۰) ای خدای من، اگر به درگاهت بگیریم تا پلکهای چشمانم بیفتند و با آواز بلند ناله کنم تا صدایم قطع شود و در پیشگاه تو بایستم تا پاهایم ورم کنند، و در برابرت رکوع کنم تا استخوان پشتم از جا در آید و برای تو سجده کنم تا کاسه چشمانم بگودی رود و همه عمرم، خاک زمین بخورم و تا پایان روزگارم آب خاکستر بنوشم و در خلال اینها به ذکر تو مشغول شوم تا زبانم کند شود آنگاه به خاطر شرمندگی، چشم به اطراف آسمان بلند نکنم، با این کارها هرگز مستوجب از بین رفتن گناهی از گناهانم نمی شوم.

(٣١) وَإِنْ كُنْتَ تَغْفِرْ لِي حِينَ اسْتَوْجِبُ مَغْفِرَتَكَ، وَتَغْفُو عَنِّي حِينَ اسْتَحِقُّ عَفْوَكَ فَإِنَّ ذَلِكَ غَيْرُ وَاجِبٍ لِي بِاسْتِحْقَاقِي، وَلَا أَنَا أَهْلٌ لَهُ بِاسْتِجَابٍ، إِذْ كَانَ جَزَائِي مِنْكَ فِي أَوَّلِ مَا عَصَيْتُكَ النَّارَ، فَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَأَنْتَ غَيْرُ ظَالِمٍ لِي. (٣٢) إِلَهِي فَإِذَا قَدْ تَغَمَّدْتَنِي بِسِرِّكَ فَلَمْ تَفْضَحْنِي، وَتَأْنَيْتَنِي بِكَرَمِكَ فَلَمْ تُعَاجِلْنِي، وَحَلَمْتَ عَنِّي بِتَفْضُلِكَ فَلَمْ تُغَيِّرْ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ، وَلَمْ تُكَدِّرْ مَعْرُوفَكَ عِنْدِي، فَارْحَمْ طَوْلَ تَضَرُّعِي وَشِدَّةَ مَسْكَنتِي، وَسُوءَ مَوْقِفِي. (٣٣) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَقِنِي مِنَ الْمَعَاصِي، وَاسْتَعْمِلْنِي بِالطَّاعَةِ، وَارْزُقْنِي حُسْنَ الْإِنَابَةِ، وَطَهِّرْنِي بِالتَّوْبَةِ، وَآيِدْنِي بِالْعِصْمَةِ، وَاسْتَصْلِحْنِي بِالْعَافِيَةِ، وَادْقِنِي حَلَاوَةَ الْمَغْفِرَةِ، وَاجْعَلْنِي طَلِيقَ عَفْوِكَ، وَعَتِيقَ رَحْمَتِكَ، وَاكْتُبْ لِي أَمَانًا مِنْ سُخْطِكَ، وَبَشِّرْنِي بِذَلِكَ فِي الْعَاجِلِ دُونَ الْأَجْلِ، بِبُشْرَى أَعْرِفُهَا، وَعَرَّفْنِي فِيهِ عِلَامَةً أَتَّبِعُهَا. (٣٤) إِنَّ ذَلِكَ لَا يَضِيقُ عَلَيْكَ فِي وَسْعِكَ، وَلَا يَتَّكَادُكَ فِي قُدْرَتِكَ، وَلَا يَتَّصَعَّدُكَ فِي أَنَاتِكَ، وَلَا يُؤْدُكَ فِي جَزِيلِ هِبَاتِكَ الَّتِي دَلَّتْ عَلَيْهَا آيَاتُكَ، إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ، وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

﴿١٧﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا ذَكَرَ الشَّيْطَانَ
فَاسْتَعَاذَ مِنْهُ وَمِنْ عِدَاوَتِهِ وَكَيْدِهِ:

(١) اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ نَزَغَاتِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَكَيْدِهِ
وَمَكَائِدِهِ، وَمِنْ الشَّقَةِ بِأَمَانِيهِ وَمَوَاعِيِدِهِ وَغُرُورِهِ وَمَصَائِدِهِ.

(۳۱) و آنگاه که سزاوار آمرزش تو شوم اگر مرا بیامرزی، و آنگاه که شایسته بخشش تو شوم اگر مرا ببخشی، محققاً آن بخشش تو از روی استحقاق و شایستگی من واجب نشده است. زیرا، نخستین بار که تو را معصیت کردم، جزای من از جانب تو آتش بوده است. از این رو، اگر مرا کیفر نمایی به من ستم نکرده‌ای.

(۳۲) ای خدای من، و چون مرا با پرده خود پوشاندی و رسوایم نکردی، و با بخشش خود با من مدارا کردی و در کیفرم شتاب نمودی و با فضل و احسان خود نسبت به من بردباری کردی و نعمت را بر من تغییر ندادی و نیکی‌ات را نزد من تیره نساختی، پس، بر تضرع و زاری طولانی من و شدت فقر و تنگدستی من و بدی جایگاهم رحم کن.

(۳۳) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست، و مرا از گناهان نگهدار، و در طاعت خود بکارم گیر، و نیکی بازگشت از گناه را روزی ام فرما و به وسیله توبه پاکم کن، و با عصمت (ملکه خودداری از گناه) یاریم ده، و با عافیت و تندرستی کارم را اصلاح نما، و شیرینی آمرزش را به من بچشان، و مرا رها شده بخشش و آزاد شده رحمت قرار بده، و برایم ایمنی از خشم و غضبیت را بنویس و محتوم کن، و با آن در دنیا پیش از آخرت به من مرزده ده مرزده‌ای که آنرا بشناسم و در آن علامتی نشانم ده که آن را هویدا یابم.

(۳۴) به درستی که اجابت خواسته‌های من در برابر رحمت گسترده تو دشوار نیست. و تو را در قدرت بی‌پایانت و بردباری فراوانت به زحمت نمی‌افکند، و در بخششهای فراوانت که آیات تو بر آن دلالت دارد گران نمی‌افتد. زیرا، تو آنچه می‌خواهی انجام می‌دهی و به آنچه اراده کنی حکم می‌کنی. چونکه بر هر چیز توانایی.

دعای هفدهم:

پناه بردن به خدا از شیطان

(۱) خدایا، از وسوسه‌های شیطان رانده شده و از حيله و مکرهای گوناگون او، و از اطمینان به آرمان و وعده‌ها و فریب و دامهای او.

(٢) وَأَنْ يُطْمَعَ نَفْسُهُ فِي إِضْلَالِنَا عَنْ طَاعَتِكَ، وَامْتِهَانِنَا بِمَعْصِيَتِكَ،
 أَوْ أَنْ يَحْسُنَ عِنْدَنَا مَا حَسَنَ لَنَا، أَوْ أَنْ يَثْقُلَ عَلَيْنَا
 مَا كَرِهَ إِلَيْنَا. (٣) اَللّٰهُمَّ اِحْسَاةُ عَنَّا بِعِبَادَتِكَ، وَاكْتِبْهُ بِدُؤْبِنَا فِي
 مَحَبَّتِكَ، وَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ سِتْرًا لَا يَهْتِكُهُ، وَرَدْمًا مُضْمِتًا لَا يَفْتِكُهُ.
 (٤) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاشْغَلْهُ عَنَّا بِبَعْضِ اَعْدَائِكَ،
 وَاعْصِمْنَا مِنْهُ بِحُسْنِ رِعَايَتِكَ، وَاكْفِنَا خَشْرَهُ، وَوَلْنَا ظَهْرَهُ، وَاقْطَعْ
 عَنَّا اِثْرَهُ. (٥) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَامْتِعْنَا مِنَ الْهُدَى
 بِمِثْلِ ضَلَالَتِهِ، وَزَوِّدْنَا مِنَ التَّقْوَىٰ ضِدَّ غَوَايَتِهِ، وَاسْلُكْ بِنَا
 مِنَ التُّمَىٰ خِلَافَ سَبِيلِهِ مِنَ الرَّدَىٰ. (٦) اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْ لَهُ فِي قُلُوبِنَا
 مَدْخَلًا وَلَا تُوْطِنَنَّ لَهُ فِيْمَا لَدَيْنَا مَمْزِلًا. (٧) اَللّٰهُمَّ وَمَا سَوَّلَ لَنَا
 مِنْ بَاطِلٍ فَعَرَّفْنَاهُ، وَإِذَا عَرَّفْنَاهُ فَعِنَاهُ، وَبَصَّرْنَا مَا نُكَايِدُهُ بِهِ،
 وَالْهَمْنَا مَا نُعَدُّهُ لَهُ، وَاسْقِطْنَا عَنْ سِنَةِ الْغَفْلَةِ بِالرُّكُوعِ إِلَيْهِ،
 وَاحْسِنْ بِتَوْفِيقِكَ عَوْنَنَا عَلَيْهِ. (٨) اَللّٰهُمَّ وَاشْرِبْ قُلُوبَنَا اِنْكَارَ
 عَمَلِهِ، وَالطُّفْ لَنَا فِي نَقْضِ حِيلِهِ. (٩) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،
 وَحَوِّلْ سُلْطَانَهُ عَنَّا، وَاقْطَعْ رَجَاءَهُ مِنَّا، وَادْرَاهُ عَنِ الْوُجُوعِ بِنَا.
 (١٠) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ اَبَاءَنَا وَاُمَّهَاتِنَا وَاَوْلَادَنَا
 وَاهَالِيْنَا وَذَوِي اَرْحَامِنَا وَقَرَابَاتِنَا وَجِيرَانِنَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ
 مِنْهُ فِي حِرْزِ حَارِزٍ، وَحِصْنِ حَافِظٍ، وَكَهْفٍ مُنَاجٍ، وَالْبِسْهُمْ مِنْهُ
 جُنَّةً وَاقِيَةً، وَاعْطِهِمْ عَلَيْهِ اَسْلِحَةً مَاضِيَةً. (١١) اَللّٰهُمَّ وَاعْمَمْ بِذَلِكَ
 مَنْ شَهِدَ لَكَ بِالرُّبُوبِيَّةِ، وَاخْلَصَ لَكَ بِالْوَحْدَانِيَّةِ، وَعَادَاهُ لَكَ
 بِحَقِيْقَةِ الْعُبُوْدِيَّةِ، وَاسْتَظْهَرَ بِكَ عَلَيْهِ فِي مَعْرِفَةِ الْعُلُومِ الرَّبَّانِيَّةِ.

(۲) و از اینکه شیطان در گمراه کردن ما از طاعتت، و خوار کردن ما در معصیتت طمع کند، یا اینکه نیکو باشد نزد ما چیزی که او برای ما نیکو می‌نماید، یا اینکه بر ما سنگین آید چیزی که او در نظر ما بد جلوه داده است مصونمان دار. (۳) خدایا، به خاطر عبادت و بندگیت او را از ما دور کن و به خاطر تلاش ما، در محبتت، او را ذلیل فرما و میان ما و او پرده‌ای قرار ده که آن را ندرد و سدّ محکمی که آن را نشکنند. (۴) خدایا بر محمد و آل او درود فرست، و آنچنان کن که شیطان مطرود، بجای ما همواره با دشمنانت همدم و همنشین باشد. و با حُسن نگهداری و التفات ما را از شرّ او حفظ کن. و مکر او را از ما دور فرما و او را از ما رویگردان کن، و هرگونه وسوسه و مکر و حيله‌اش را از ما قطع فرما. (۵) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست و همان اندازه که او در گمراهی و شقاوت است ما را از هدایت بهره‌مند فرما، و بر خلاف گمراهی و اغوای او، ما را زاد و توشه تقوی عطا فرما و بر خلاف راه او که راه تباهی است ما را براه پرهیزگاری ببر. (۶) پروردگارا، شیطان را در دلهای ما جای مبخس و برای او در آنچه نزد ما است جایگاهی آماده نکن. (۷) پروردگارا باطلی را که برای ما می‌آراید به ما بشناسان، و چون آن را به ما شناساندی ما را از آن نگهدار، چشم ما را به چیزی که بتوانیم با آن، شیطان را بفریبیم بینا فرما، و به قلب ما الهام فرما که برای دور کردن او چیزی فراهم کنیم. و از خواب غفلت که میل به او را در خود دارد بیدارمان کن و با توفیق خود ما را به خوبی کمک کن که با وی بجنگیم (۸) پروردگارا، دلهای ما را با انکار محبت و طاعت شیطان آبیاری فرما و شکستن رشته‌های دام وی را به ما لطف کن. (۹) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست و سیطرت و سلطنت شیطان را از محیط زندگی ما بگردان و امیدش را برای همیشه از اغوای ما به نومیدی بدل کن، و او را از حرص به اغوای ما بازدار (۱۰) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست، و پدران و مادران و فرزندان و خویشاوندان و دوستان و آشنایان و همسایگان ما را از مردان و زنان اهل ایمان در جایی محکم و در قلعه‌ای نگهبان و در پناهگاهی باز دارنده از شر شیطان ایمن دار و بر آنها جوشنی نگهدارنده بپوشان که از شرّ تیرهای جانگزای شیطان درامان باشند و به دست آنها حربه‌ای بران عطا فرما.

(١٢) اللَّهُمَّ اخْلُ مَا عَقَدَ، وَافْتَقْ مَا رَتَقَ، وَافْسَحْ مَا دَبَّرَ، وَثَبِّطْهُ إِذَا
عَزَمَ، وَانْقُضْ مَا أَبْرَمَ. (١٣) اللَّهُمَّ وَاهِرِمْ جُنْدَهُ، وَابْطِلْ كَيْدَهُ وَاهْدِمْ
كَهْفَهُ، وَارْغِمِ أَنْفَهُ (١٤) اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي نَظْمِ أَعْدَائِهِ، وَاعْرِزْنَا عَنْ
عِدَادِ أَوْلِيَائِهِ، لَا تُطِيعُ لَهُ إِذَا اسْتَهْوَانَا، وَلَا نَسْتَجِيبُ لَهُ إِذَا دَعَانَا، نَأْمُرُ
بِمُنَاوَاتِهِ، مَنْ أَطَاعَ أَمْرَنَا، وَنَعِظُ عَنْ مُتَابَعَتِهِ مَنْ اتَّبَعَ زَجْرَنَا.
(١٥) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ وَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَعَلَى أَهْلِ
بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، وَاعِدْنَا وَ أَهْلِيْنَا وَ إِخْوَانَنَا وَ جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ
وَ الْمُؤْمِنَاتِ مِمَّا اسْتَعَدْنَا مِنْهُ، وَ أَجْرْنَا مِمَّا اسْتَجَرْنَا بِكَ مِنْ خَوْفِهِ
(١٦) وَ اسْمَعْ لَنَا مَا دَعَوْنَا بِهِ، وَ اعْطِنَا مَا أَعْفَلْنَا، وَ احْفَظْ لَنَا مَا نَسِينَا،
وَ صَيِّرْنَا بِذَلِكَ فِي دَرَجَاتِ الصَّالِحِينَ وَ مَرَاتِبِ الْمُؤْمِنِينَ، آمِينَ
رَبَّ الْعَالَمِينَ.

مرکز تحقیق و ترویج علوم و معارف اسلامی

(١٨)

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا دُفِعَ عَنْهُ
مَا يَحْذَرُ، أَوْ عَجَّلَ لَهُ مَطْلَبُهُ:

(١) اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ قَضَائِكَ، وَبِمَا صَرَفْتَ عَنِّي
مِنْ بَلَائِكَ، فَلَا تَجْعَلْ حَظِّي مِنْ رَحْمَتِكَ مَا عَجَّلْتَ لِي مِنْ عَافِيَتِكَ
فَأَكُونَ قَدْ شَقِيتُ بِمَا أَحْبَبْتُ وَ سَعِدَ غَيْرِي بِمَا كَرِهْتُ. (٢) وَإِنْ
يَكُنْ مَا ظَلَلْتُ فِيهِ أَوْبَتْ فِيهِ مِنْ هَذِهِ الْعَافِيَةِ بَيْنَ يَدَيِ بَلَاءٍ لَا يَنْقَطِعُ
وَ وِزْرِ لَا يَرْتَفِعُ فَقَدِّمْ لِي مَا أَحْرَزْتُ، وَ أَخْرَعْ عَنِّي مَا قَدَّمْتُ.

(۱۱) پروردگارا، این دعا را شامل حال کسی بگردان که به ربوبیت تو گواهی می دهد و بر یکتایی تو اخلاص دارد و با حقیقت بندگی برای تو به دشمنی با شیطان بر می خیزد و نیز بر دشمنی با او در آموختن معارف آسمانی از تو پشتیبانی می خواهد. (۱۲) پروردگارا، آن گره ها را که شیطان بسته است بگشای و دوخته هایش را از هم بشکاف و تدبیرش بگسل و عزمش را بر هم زن و آنچه بر پا کرده است فرو بشکن. (۱۳) پروردگارا، لشکریانش را مغلوب کن (جمعش را پریشان ساز) و نقشش را بر آب کن و پناهگاهش را ویران کن و بینی اش را به خاک فرومال. (۱۴) پروردگارا، ما را در صف دشمنان شیطان قرار ده و از شمار دوستانش بیرون کن تا از وسوسه ها و فریبهای او پیروی نکنیم و آنگاه که ما را فرا خواند اجابتش ننماییم، هر که از امر ما پیروی کند او را به دشمنی با شیطان فرمانش دهیم و کسی که نهی ما را بپذیرد از پیروی او بازش داریم. (۱۵) پروردگارا بر محمد خاتم پیامبران و سید رسولان و فرزندان طاهرینش درود بفرست و ما و قبیله ما و برادران ما و همه مردان و زنان اهل ایمان را از آنچه به تو پناه خواسته ایم و از آن همی ترسیم پناه ده. (۱۶) پروردگارا، دعای ما را بشنو و آنچه را غفلت کردیم به ما عطا فرما و آنچه را فراموش کردیم برای ما حفظ کن، و به وسیله آن ما را در ردیف پارسایان و اهل ایمان قرار ده. آمین یا رب العالمین.

دعای هجدهم:

برای شکرگزاری

(۱) پروردگارا، شکر و سپاس تو را به خاطر تقدیر نیکوی تو، و به خاطر بلایی که از من دور کردی، پس بهره مرا از رحمت بی منتهای خویش تنها عافیتی که هم اکنون بهره مندم ساختی قرار نده که این وضع دلخواه من مایه شقاوتم گردد و دیگران به خاطر آنچه مورد پسند من نیست خوشبخت شوند. (۲) و اگر این عافیت که اکنون نصیبم گردیده و در آن روز را به شب یا شب را به روز برده ام به عافیت اخروی من زیان رساند و مرا به بلایی جاوید ورنجی پایدار گرفتار سازد پس آنچه برایم به واپس انداختی پیش آور و آنچه را پیش انداخته ای، مؤخر کن.

(٣) فَغَيَّرَ كَثِيرٌ مَا عَاقَبْتُهُ الْفَنَاءَ، وَغَيَّرَ قَلِيلٌ مَا عَاقَبْتُهُ الْبَقَاءَ، وَصَلَّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.

﴿١٩﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ، عَلَيْهِ السَّلَامُ
عِنْدَ الْإِسْتِسْقَاءِ بَعْدَ الْجَدْبِ:

(١) اللَّهُمَّ اسْقِنَا الْغَيْثَ، وَانْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بِغَيْثِكَ الْمُعْدِقِ
مِنَ السَّحَابِ الْمُنْسَاقِ لِنَبَاتِ أَرْضِكَ الْمُونِقِ فِي جَمِيعِ الْأَفَاقِ.
(٢) وَآمِنُنْ عَلَيَّ عِبَادِكَ بِإِنْعَاقِ الثَّمَرَةِ، وَآخِي بِلَادِكَ بِبُلُوغِ
الزَّهْرَةِ، وَأَشْهَدْ مَلَائِكَتَكَ الْكِرَامَ السَّفَرَةَ بِسَقْيِ مِنْكَ نَافِعِ،
دَائِمِ غُزْرُهُ، وَاسِعِ دِرْرُهُ، وَابِلِ سَرِيعِ عَاجِلِ. (٣) تُخَيِّبُ بِهِ مَا قَدْ
مَاتَ، وَتَرُدُّ بِهِ مَا قَدْ فَاتَ وَتُخْرِجُ بِهِ مَا هُوَ آتٍ، وَتُوسِّعُ بِهِ
فِي الْأَقْوَاتِ، سَحَاباً مَتْرَاكِمًا هَنِيئاً مَرِيئاً طَبَقاً مُجَلْجَلاً، غَيْرَ مُلِثٍ
وَدَقُّهُ، وَلَا خُلْبٍ بَرَقُهُ. (٤) اللَّهُمَّ اسْقِنَا غَيْثاً مُغِيثاً مَرِيئاً مُرِيئاً
عَرِيضاً وَاسِعاً غَزِيْرًا، تَرُدُّ بِهِ النَّهِيضَ، وَتَجْبُرُ بِهِ الْمَهِيضَ (٥) اللَّهُمَّ
اسْقِنَا سَقِيًّا تُسِيلُ مِنْهُ الظُّرَابَ، وَتَمَلُّ مِنْهُ الْجِنَابَ، وَتُفَجِّرُ بِهِ
الْأَنْهَارَ، وَتُنْبِتُ بِهِ الْأَشْجَارَ، وَتُرَخِّصُ بِهِ الْأَشْعَارَ فِي جَمِيعِ
الْأَمْصَارِ، وَتَنْعَشُ بِهِ الْبَهَائِمَ وَالْخَلْقَ، وَتُكْمِلُ لَنَا بِهِ طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ،
وَ تُنْبِتُ لَنَا بِهِ الزَّرْعَ وَتُدِرُّ بِهِ الضَّرْعَ وَتَزِيدُنَا بِهِ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِنَا.

(۳) آنچه فناپذیرد هر چه بسیار باشد باز هم اندک است ولی آنچه جاویدان بماند هر قدر کم و ناچیز باشد همچنان بسیار است و صلّ علی محمد و آله.

دعای نوزدهم:

در طلب باران

(۱) پروردگارا، به ما از باران رحمت بچشان و ما را سیراب گردان، و سایه رحمت را با باران پر برکت خویش از ابری که برای رویاندن سبزه‌ها و گیاهان در همه آفاق گسترده است بگشای (۲) و بر بندگان منت گذار و میوه‌های باغها را به بار آور، و شهرهایت را با شکفته شدن غنچه‌های شکفته گلها و گیاهان، شاداب و زنده دار، و فرشتگان بزرگوارت را که سفیران تو اند شاهد و ناظر آن باران رحمت و سودمندت قرار بده، بارانی که همواره ببارد و فراگیر و دانه درشت باشد سخت و سریع و شتابان فرود آید.

(۳) خدایا، بارانی فرو فرست که سرزمینهای مرده‌مان را با آن زنده و سرسبز کنی و منفعتهایی که به خاطر قحطی و خشکسالی از دست داده‌ایم به ما بازگردانی، و از دل زمین گل و گیاه و میوه‌های گوناگون را بیرون آری، و روزیهای ما را فراوان کنی. آری، ای خدای بزرگ، ابری بر انگیز که روی هم انباشته باشد و خوشی و گوارائی به همراه آرد و گستره‌اش فراگیر و صدای رعد از آن شنیده شود، همیشه ببارد و برقیش فریبنده نباشد. (۴) پروردگارا، ما را از باران رحمت سیراب کن، بارانی که خشکسالی را بزدايد و گیاهان را برویاند، وسیع و گسترده و سرشار باشد. به وسیله آن گیاهان سرسبز و خرم سالهای گذشته را بازگردانی و گیاهان شکسته و پژمرده را با نشاط کنی و پرورش دهی. (۵) پروردگارا به ما آب را ارزانی دار، آبی که آنرا بر تل‌ها جاری سازی، و چاهها را پر گردانی و از آن، جویها جاری کنی و درختها برویانی و قیمتها را در همه شهرها کاهش دهی، و مایه شادابی و نشاط چهارپایان و آفریدگان را فراهم کنی و روزیهای پاکیزه را برای ما کامل گردانی و کشت ما را با آن برویانی و پستان چهارپایان را پر از شیر سازی، و توان بر توان ما بیفزایی.

(٦) اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ ظِلَّهُ عَلَيْنَا سَمُومًا، وَلَا تَجْعَلْ بَرْدَهُ عَلَيْنَا حُسُومًا،
وَلَا تَجْعَلْ صَوْبَهُ عَلَيْنَا رُجُومًا، وَلَا تَجْعَلْ مَاءَهُ عَلَيْنَا أُجَاجًا.
(٧) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنَا مِنْ بَرَكَاتِ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

﴿ ٢٠ ﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَكَارِمِ
الْأَخْلَاقِ وَمَرْضِيِّ الْأَفْعَالِ:

(١) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَبَلِّغْ بِإِيمَانِي أَكْمَلَ الْإِيمَانِ،
وَاجْعَلْ يَقِينِي أَفْضَلَ الْيَقِينِ، وَآتِهِ بِنَيْتِي إِلَى أَحْسَنِ النَّيَّاتِ،
وَاعْمَلِي إِلَى أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ. (٢) اللَّهُمَّ وَفِّرْ بِأُطْفُوكَ نَيْتِي، وَصَحِّحْ
بِمَا عِنْدَكَ يَقِينِي، وَاسْتَصْلِحْ بِقُدْرَتِكَ مَا فَسَدَ مِنِّي. (٣) اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاكْفِنِي مَا يَشْغَلُنِي الْإِهْتِمَامُ بِهِ، وَاسْتَعْمِلْنِي
بِمَا تَسَأَلُنِي غَدًا عَنْهُ، وَاسْتَفْرِغْ أَيَّامِي فِيمَا خَلَقْتَنِي لَهُ، وَاعْنِينِي
وَأَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِكَ، وَلَا تَفْتِنِّي بِالنَّظَرِ، وَأَعِزَّنِي وَلَا تَبْتَلِيَنِي
بِالْكِبَرِ، وَعَبِّدْنِي لَكَ وَلَا تُفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ، وَاجْرِ لِلنَّاسِ
عَلَى يَدَيِ الْخَيْرِ وَلَا تَمَحِّقْهُ بِالْمَنِّ، وَهَبْ لِي مَعَالِيَ الْأَخْلَاقِ،
وَاعْصِمْنِي مِنَ السَّفْحْرِ. (٤) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،
وَلَا تَرْفَعْنِي فِي النَّاسِ دَرَجَةً إِلَّا حَطَطْتَنِي عِنْدَ نَفْسِي مِثْلَهَا، وَلَا
تُخْدِثْ لِي عِزًّا ظَاهِرًا إِلَّا أَحَدَّثْتَ لِي ذِلَّةً بَاطِنَةً عِنْدَ نَفْسِي بِقَدَرِهَا.

(۶) پروردگارا، سایه آن ابر را بر ما گرم مگردان و سردیش را بر ما شوم نساز و بارش آن را مایه عذاب ما قرار نده و آبش را شور نکن.
 (۷) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست و به ما از برکات آسمانها و زمین روزی عطا کن، زیرا، تو بر هر چیزی توانایی.

دعای بیستم:

درخواست توفیق از خدا

(۱) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست، و ایمانم را به کاملترین درجه ایمان برسان و یقینم را بهترین یقین قرار ده، و فرجام نیتم را بهترین نیتها بگردان و عملم را به بهترین اعمال برسان.

(۲) پروردگارا، با لطف خودت نیتم را نیکوگردان، و یقینم را با رحمت بی پایان از گزند انحراف، مصون دار، و با قدرت بی انتهایت، هر عمل فاسدی که از من سر زده است اصلاح فرما.

(۳) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست و اموری را که اهتمام به آنها مشغولم می کند کفایت فرما و مرا بکاری که فردای قیامت از من در خواست می کنی و ادا کن و در ایام عمرم فراغتی بخش تا بکاری که برای آنم آفریده ای پردازم و بی نیازم کن و به من روزی وسیع عطا فرما و عزت ببخش و گرفتار فکر و خود پسندی نکن و به عبادت خالص مشغولم دار و عبادتم را با عجب و غرور باطل نکن و کارهای خیر برای مردم را بدست من اجراء کن و کار خیرم را با منت گذاردن ضایع و نابود نکن، و مرا به بالاترین زیورها و ارزشهای اخلاق، آراسته کن. و مرا از فخر مصون دار.

(۴) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست و با هر اندازه ای که میان مردم مرا مرتبت می بخشی پیش خودم به همان مقدار خوارم کن، و هر عزت ظاهری که برایم پدیدار می سازی بهمان اندازه پیش تقسم برای من خواری باطنی پدید آور.

(٥) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ مَتَّعْنِيْ بِهٰدِيٍّ صَالِحٍ لَا اَسْتَبْدِلُ بِهٖ، وَ طَرِيْقَةً حَقًّا لَا اَزِيْغُ عَنْهَا، وَ نِيَّةً رُّشِدًا لَا اَشْكُ فِيْهَا، وَ عَمَّرْنِيْ مَا كَانَ عُمُرِيْ بِذَلَّةٍ فِيْ طَاعَتِكَ، فَاِذَا كَانَ عُمُرِيْ مَرْتَعًا لِلسَّيْطَانِ فَاَقْبِضْنِيْ اِلَيْكَ قَبْلَ اَنْ يَنْسَبِقَ مَقْتِكَ اِلَيَّْ، اَوْ يَسْتَحْكِمَ غَضَبَكَ عَلَيَّ. (٦) اَللّٰهُمَّ لَا تَدْعُ خَصْلَةً تُغَابُ مِنِّيْ اِلَّا اَصْلَحْتَهَا، وَ لَا عَائِبَةً اَوْتُبُ بِهَا اِلَّا حَسَنْتَهَا، وَ لَا اَكْرُوْمَةً فِيَّ نَاقِصَةً اِلَّا اَتَمَمْتَهَا. (٧) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَبْدِلْنِيْ مِنْ بَعْضَةِ اَهْلِ الشَّنَانِ الْمَحَبَّةِ، وَ مِنْ حَسَدِ اَهْلِ الْبَغْيِ الْمَوَدَّةِ، وَ مِنْ ظَنَّةِ اَهْلِ الصَّلَاحِ الثَّقَّةِ، وَ مِنْ عَدَاوَةِ الْاَدْنِيْنَ الْوَلَايَةِ، وَ مِنْ عُقُوْقِ ذَوِي الْاَرْحَامِ الْمَبْرَّةِ، وَ مِنْ خِذْلَانِ الْاَقْرَبِيْنَ النُّصْرَةِ، وَ مِنْ حُبِّ الْمُدَارِيْنَ تَضْحِيحِ الْمِقَّةِ، وَ مِنْ رَدِّ الْمُلَابِسِيْنَ كَرَمِ الْعِشْرَةِ، وَ مِنْ مَرَارَةِ خَوْفِ الظَّالِمِيْنَ حَلَاوَةِ الْاَمْنَةِ. (٨) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِهِ، وَ اجْعَلْ لِيْ يَدًا عَلٰى مَنْ ظَلَمَنِيْ، وَ لِسَانًا عَلٰى مَنْ خَاصَمَنِيْ، وَ ظَفْرًا يَمُنُّ عَانِدَنِيْ، وَ هَبْ لِيْ مَكْرًا عَلٰى مَنْ كَايَدَنِيْ، وَ قُدْرَةً عَلٰى مَنْ اضْطَهَدَنِيْ، وَ تَكْذِيْبًا لِمَنْ قَصَبَنِيْ، وَ سَلَامَةً مِمَّنْ تَوَعَّدَنِيْ، وَ وَفْقِيْ لِمَنْ سَدَّدَنِيْ، وَ مُتَابَعَةً مِّنْ اَرْشَدَنِيْ. (٩) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِهِ، وَ سَدِّدْنِيْ لِاَنَّ اُعَارِضَ مَنْ غَشَّنِيْ بِالنُّضْحِ، وَ اَجْزِيْ مَنْ هَجَرَنِيْ بِالْبِرِّ، وَ اُثِيْبَ مَنْ حَرَمَنِيْ بِالْبَذْلِ، وَ اُكْفِيْ مَنْ قَطَعَنِيْ بِالصَّلَةِ، وَ اُخَالِفَ مَنْ اغْتَابَنِيْ اِلَى حُسْنِ الذِّكْرِ، وَ اَنْ اَشْكُرَ الْحَسَنَةَ، وَ اُغْضِيْ عَنِ السَّيِّئَةِ.

(۵) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست و چنان کن که از هدایت شایسته بهره مند شوم و آن را با هیچ چیز عوض نکنم و از راه حق بهره مند گردم و از آن بیرون نروم، و به نیت درست دست یابم و در آن شک نکنم، و تا هنگامی که عمرم در راه طاعت تو می‌گذرد به من عمر بده و آنگاه که عمرم چراگاه شیطان شود، پیش از آنکه دشمنی سخت تو به من رو آورد یا خشم تو محکم و پایدار گردد جانم را بگیر. (۶) پروردگارا، هیچ خصلتی را که مردم زشت بدانند در من نگذار مگر آنکه اصلاحش کنی، و هیچ عادت ناپسندی را که مردم سرزنش کنند باقی نگذار مگر آنکه نیکش سازی، و هیچ خوی پسندیده‌ای را در من ناقص نگذار مگر آنکه کاملش کنی. (۷) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست، و دشمنی سخت دشمنان را درباره من به دوستی تبدیل کن و حسد و بدخواهی سرکشان را به محبت تغییر ده و بدگمانی صالحان را به اطمینان و دشمنی نزدیکان را به دوستی و بد رفتاری خویشان را به خوش رفتاری و خوار کردن نزدیکان را به یاری، و دوستی مدارا کنندگان را به دوستی واقعی و رفتارهای اهانت آمیز را به آمیزش نیک و تلخی ترس از ستمگران را به شیرینی ایمنی مبدل فرما. (۸) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست و در برابر کسی که به من ستم کرده توانایی بخش و در برابر کسی که با من بحث و مخاصمه کند، حجت و برهان بده، و در برابر کسی که با من عناد و کینه بورزد پیروزی عطا کن، و به من در برابر کسی که درباره‌ام حيله کند مکر و چاره ببخش، و در برابر کسی که بر من چیره شود توانایی بده و در برابر کسی که به من دشنام دهد تکذیب عطا کن، و در برابر آنکه مرا بترساند، تندرستی ببخش و به من توفیق ده تا از کسی که مرا به راه راست هدایت کند و به ارشاد و راهنمایی همت گمارد پیروی کنم. (۹) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست و به من کمک کن تا با کسی که با من غش کرده است با نصیحت و درستی رفتار کنم و پاداش کسی را که از من دوری گزیده است به نیکی بدهم، و کسی که مرا نومید کرده با بذل و بخشش جبران کنم، و با کسی که از من بریده، با پیوستن رویا رویی نمایم، و از کسی که از من غیبت نموده به نیکی یاد کنم، و نیز توفیقم ده تا نیکی را سپاس گویم و از بدی چشم پوشم.

(١٠) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَحَلِّئِي بِحِلْيَةِ الصَّالِحِينَ، وَالْبِسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي بَسْطِ الْعَدْلِ، وَكَظْمِ الْغَيْظِ، وَإِطْفَاءِ النَّارِ، وَضَمِّ أَهْلِ الْفُرْقَةِ، وَإِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ، وَإِفْشَاءِ الْغَارِفَةِ، وَسَثْرِ الْغَائِبَةِ، وَلِبْنِ الْعَرِيكَةِ، وَخَفْضِ الْجَنَاحِ، وَحُسْنِ السَّيْرِ، وَسُكُونِ الرِّيحِ، وَطِيبِ الْمُخَالَفَةِ، وَالسَّبْقِ إِلَى الْفَضِيلَةِ، وَإِثَارِ التَّفَضُّلِ، وَتَرْكِ التَّغْيِيرِ، وَالْإِفْضَالِ عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحِقِّ، وَالْقَوْلِ بِالْحَقِّ وَإِنْ عَزَّ، وَاسْتِقْلَالَ الْخَيْرِ وَإِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِي وَفِعْلِي، وَاسْتِكْثَارِ الشَّرِّ وَإِنْ قَلَّ مِنْ قَوْلِي وَفِعْلِي، وَاكْمَلْ ذَلِكَ لِي بِدَوَامِ الطَّاعَةِ، وَكُزُومِ الْجَمَاعَةِ، وَرَفْضِ أَهْلِ الْبِدْعِ، وَمُسْتَعْمِلِ الرَّأْيِ الْمُخْتَرَعِ. (١١) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ أَوْسَعَ رِزْقِكَ عَلَيَّ إِذَا كَبِهْتُ، وَأَقْوَى قُوَّتِكَ فِيَّ إِذَا نَصَبْتُ، وَلَا تَبْلِيْنِي بِالْكَسَلِ عَنْ عِبَادَتِكَ، وَلَا الْعَمَى عَنْ سَبِيلِكَ، وَلَا بِالتَّعَرُّضِ لِخِلَافِ مَحَبَّتِكَ، وَلَا مُجَامَعَةِ مَنْ تَفَرَّقَ عَنْكَ، وَلَا مُفَارَقَةِ مَنْ اجْتَمَعَ إِلَيْكَ. (١٢) اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَصُولُ بِكَ عِنْدَ الضَّرُورَةِ، وَأَسْأَلُكَ عِنْدَ الْحَاجَةِ، وَاتَّضَرَّعُ إِلَيْكَ عِنْدَ الْمَسْكَنَةِ، وَلَا تَفْتِنِّي بِالِاسْتِغَانَةِ بِغَيْرِكَ إِذَا اضْطَرَّرْتُ، وَلَا بِالْخُضُوعِ لِسُؤَالِ غَيْرِكَ إِذَا افْتَقَرْتُ، وَلَا بِالتَّضَرُّعِ إِلَى مَنْ دُونِكَ إِذَا رَهَبْتُ، فَاسْتَحِقَّ بِذَلِكَ خِذْلَانِكَ وَمَنْعَكَ وَإِعْرَاضَكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (١٣) اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقَى الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي مِنَ التَّمَنِّيِّ وَالتَّظَنِّيِّ وَالْحَسَدِ ذِكْرًا لِعَظَمَتِكَ، وَتَفَكُّرًا فِي قُدْرَتِكَ، وَتَذْيِيرًا عَلَى عَدُوِّكَ، وَمَا أَجْرِي عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظَةٍ فَحْشٍ أَوْ هُجْرٍ أَوْ شَمِّ عَرِضٍ أَوْ شَهَادَةٍ بَاطِلٍ أَوْ اغْتِيَابٍ مُؤْمِنٍ غَائِبٍ أَوْ سَبِّ حَاضِرٍ

(۱۰) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست، و مرا به زینت صالحان آراسته فرما و زیور پرهیزکاران را به من بپوشان تا در گسترده عدل و فرونشاندن خشم، و خاموش کردن آتش کینه، و پیوند دل‌های پراکنده و اصلاح و آشتی برقرار کردن میان مردم و فاش کردن نیکیها و پوشاندن زشتیها و عیبها، و نرم خوئی و تواضع و خوش سیرتی و استوار گامی، و معاشرت نیک، پیشتازی به سوی نیکیها و برگزیدن احسان و تفضل و ترک سرزنش، و ترک همکاری با نااهلان و به حق سخن گفتن هر چند که سخت باشد، کم دانستن نیکی در گفتار و کردار هر چند که بسیار باشد، و زیاد شمردن بدی در گفتار و کردار هر چند که کم باشد، شایسته زیبایی و آراستگی صالحان گردم، و همه اینها را که با اطاعت مداوم و همراهی با جماعت و رها کردن بدعت گزاران و آنان که رأی و نظر اختراع شده بکار گیرند، کامل بفرما.

(۱۱) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست و بیشترین روزیت را به هنگام پیری که بر سنین عمرم افزوده می شود برابم قرار بده و نیرومندترین تواناییت را آنگاه که به رنج و زحمت در افتم به من ارزانی دار، و مرا با سستی در بندگی و کوری و گمراهی از راه مستقیم خودت آزمایش مکن و هرگز مرا در معرض حرمان محبت قرار نده و با آمیختن با کسانی که از تو دوری گزیده‌اند و نیز با جدا شدن از کسانی که به سوی تو جمع شده‌اند گرفتارم مفرما.

(۱۲) پروردگارا، بگذار با نیروی تو بر شدائد حمله آورم و دست نیاز به سوی تو بگشایم و پیشانی تضرع و مسکنت بر آستان تو به خاک مالم، و مگذار به هنگام اضطراب دست نیاز به سوی دیگران دراز کنم و مگذار به هنگام احتیاج برای غیر تو از روی فروتنی خواهش کنم و نیز نپسند به موقع ترس، به درگاه غیر تو زاری نمایم که بدینسان سزاوار خواری و منع تو باشم و مستحق قهر و روی گرداندن تو گردم، ای بخشنده‌ترین بخشنندگان.

(۱۳) پروردگارا، بجای آنچه شیطان از دروغ و گمان و رشک در دل من می افکند چنان کن که از عظمت تو یاد کنم و به توانایی تو بیندیشم و بر ضد دشمنان تو تدبیر نمایم، و بجای دشنام و ناسزا یا عیب جوئی و عیب گوئی یا گواهی دادن باطل یا غیبت کردن برادر مؤمن و یا ناسزا گفتن به برادر حاضر

وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ، وَاعْتِرَاقًا فِي الشَّنَاءِ عَلَيْكَ،
 وَذَهَابًا فِي تَمَجِيدِكَ، وَشُكْرًا لِنِعْمَتِكَ، وَاعْتِرَافًا بِإِحْسَانِكَ،
 وَإِحْصَاءً لِمِنَّكَ. (١٤) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا أَظْلَمَنَّ
 وَأَنْتَ مُطِيقٌ لِلدَّفْعِ عَنِّي، وَلَا أَظْلِمَنَّ وَأَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى الْقَبْضِ
 مِنِّي، وَلَا أَضِلَّنَّ وَقَدْ أَمَكَّنْتَنِي هِدَايَتِي، وَلَا أَفْتَقِرَنَّ وَمِنْ عِنْدِكَ
 وَسُئِي، وَلَا أَطْغَيْنَنَّ وَمِنْ عِنْدِكَ وَجُدِي. (١٥) اللَّهُمَّ إِلَى مَغْفِرَتِكَ
 وَقَدْتُ، وَإِلَى عَفْوِكَ قَصَدْتُ، وَإِلَى تَجَاوُزِكَ اشْتَقْتُ، وَبِفَضْلِكَ
 وَثِقْتُ، وَلَيْسَ عِنْدِي مَا يُوجِبُ لِي مَغْفِرَتَكَ، وَلَا فِي عَمَلِي مَا
 اسْتَحِقُّ بِهِ عَفْوَكَ، وَمَالِي بَعْدَ أَنْ حَكَمْتُ عَلَى نَفْسِي إِلَّا فَضْلَكَ،
 فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ. (١٦) اللَّهُمَّ وَأَنْطِقْنِي بِالْهُدَى،
 وَالْهَمْنِي التَّقْوَى، وَوَقِّنِي لِتِلْكَ الَّتِي هِيَ أَرْكَى، وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا هُوَ
 أَرْضَى. (١٧) اللَّهُمَّ اسْأَلُكَ بِبِطْرِيكَ الْمَثَلِي، وَاجْعَلْنِي عَلَى مِثْلِكَ
 أَمُوتُ وَأَحْيِي. (١٨) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَمَتَّعْنِي بِالِاقْتِصَادِ،
 وَاجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ السَّدَادِ، وَمِنْ أَدَلَّةِ الرَّشَادِ، وَمِنْ صَالِحِ الْعِبَادِ،
 وَارْزُقْنِي فَوْزَ الْمَعَادِ، وَسَلَامَةَ الْمِرْضَادِ. (١٩) اللَّهُمَّ خُذْ لِنَفْسِكَ مِنْ
 نَفْسِي مَا يُخَلِّصُهَا، وَأَبْقِ لِنَفْسِي مِنْ نَفْسِي مَا يُصْلِحُهَا، فَإِنَّ نَفْسِي
 هَالِكَةٌ أَوْ تَقْصِمُهَا. (٢٠) اللَّهُمَّ أَنْتَ عُدَّتِي إِنْ حَزِنْتُ، وَأَنْتَ مُتَّجِعِي إِنْ
 حُرِمْتُ، وَبِكَ اسْتِغَاثَتِي إِنْ كَرِهْتُ، وَعِنْدَكَ مِمَّا فَاتَ خَلْفًا، وَلِي مَا
 فَسَدَ صِلَاحًا، وَفِيمَا أَنْكَرْتَ تَغْيِيرًا، فَاثْنُ عَلَيَّ قَبْلَ الْبَلَاءِ
 بِالْغَافِيَةِ، وَقَبْلَ الطَّلَبِ بِالْجِدَّةِ، وَقَبْلَ الضَّلَالِ بِالرَّشَادِ، وَاكْفِنِي مَوْتَةَ
 مَعْرَةَ الْعِبَادِ، وَهَبْ لِي أَمْنًا يَوْمَ الْمَعَادِ، وَامْنِحْنِي حُسْنَ الْإِرْشَادِ.

و چیزهایی شبیه آن، بر زبانم میپاسگویی تو و ستایش فراوان تو و حرکت در راه بزرگ شمردن تو و شکر نعمتهای فراوان تو و اعتراف به نیکی تو و بر شمردن نعمتهایت را جاری کن. (۱۴) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست، و مگذار که بر من ستم رود در حالی که تو بر جلوگیری از ستم توانایی، و نیز روا مدار که من ستم کنم در حالی که تو می توانی مرا از ستم بازداری و تا راه هدایت تو باز است نپسند که در گمراهی بمانم، و نخواه که من نیازمند شوم در حالی که وسعت زندگیم از جانب تو است. و تا دارائیم از سوی تو است مرا از طغیان و عصیان بازدار. (۱۵) پروردگارا، به گذشت و آمرزش تو روی کرده و اشتیاق دارم و به سوی بخشش تو آهنگ کرده‌ام و به گذشت تو اشتیاق دارم و به احسان و نیکی تو اعتماد آورده‌ام ولی دستم از آنچه موجب آمرزش تو گردد نهی است و در کردم هیچ چیزی که به موجب آن، مستحق بخشش تو گردم وجود ندارد. و بعد از آنکه خویشان بر ضد خویش گواهی داده‌ام، جز به فضل تو امیدی ندارم. پس بر محمد و آل او درود فرست و فضل و احسانت را بر من فرو فرست. (۱۶) پروردگارا، زبانم را به هدایت گویا کن و به قلبم تقوی را الهام فرما، و بر آنچه پاکتر و پسندیده‌تر است توفیق ده، و مرا به سوی آن فضیلت که رضایت ترا بیشتر تأمین کند بگمار. (۱۷) پروردگارا، مرا به بهترین راه ببر، و انسان قرارم ده که بر دین تو بمیرم و زنده گردم، (۱۸) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست، و مرا از میانه روی بهره‌مندگردان، و در صف رستگاران و راهنمایان بخیر و نیکی قرارم ده و از بندگان شایسته به حسابم آور و رستگاری در قیامت و نجات و سلامتی از دوزخ را روزیم فرما (۱۹) پروردگارا، به خاطر رضای خویش آنچه مایهٔ رهاییم شود از من بگیر، و برای من از خودم چیزی را بجای گذار که صلاح نفسم باشد، زیرا نفس من هلاک خواهد شد مگر آنکه تو آنرا مصون داری و در پناه عصمت تو قرار گیرد. (۲۰) پروردگارا، آنگاه که اندوهناک شوم، تو مایهٔ سامان و خشنودی منی، و آنگاه که محروم و نومید گردم، فریاد رس و امید تویی، و آنگاه که گرفتاری به من رو آورد، فریاد رسم تویی آنچه از دست ما بدر رود تو باز خواهیم یافت. و آنچه به فساد گراییده است نزد تو صلاح و سازگاری خواهد یافت و در آنچه زشت شمرده‌ای تغییرش به دست تو است، پس، پیش از گرفتاری، بر من عافیت و تندرستی ببخش، و پیش از خواستن، حاجت روا کن و پیش از گمراهی، راهنمایمان گردان، و مرا از عیب جویی بندگان کفایت فرما، و ایمنی و راحتی روز قیامت را بر من ببخشای و به من خوبی ارشاد و راهنمایی کردن را عطا فرما.

(٢١) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَادْرَأ عَنِّي بِلُطْفِكَ، وَاغْذِنِي
بِنِعْمَتِكَ، وَأَصْلِحْ لِي بِكَرَمِكَ، وَدَاوِنِي بِصُنْعِكَ، وَأَظِلَّنِي فِي
ذَرَاكَ، وَجَلِّئْنِي رِضَاكَ، وَوَفِّقْنِي إِذَا اشْتَكَلْتُ عَلَى الْأُمُورِ لِأَهْدَاهَا،
وَإِذَا تَشَابَهَتْ الْأَعْمَالُ لِأَرْكَأَهَا، وَإِذَا تَنَا قَضَتِ الْمِثْلُ لِأَرْضَاهَا.

(٢٢) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَوَجِّنِي بِالْكِفَايَةِ، وَسُئِنِي
حُسْنَ الْوِلَايَةِ، وَهَبْ لِي صِدْقَ الْهِدَايَةِ، وَلَا تَفْتِنِي بِالسَّعَةِ،
وَامْنِحْنِي حُسْنَ الدَّعَةِ، وَلَا تَجْعَلْ عَيْشِي كَدًّا كَدًّا، وَلَا تَرُدَّ
دُعَائِي عَلَيَّ رَدًّا، فَإِنِّي لَا أَجْعَلُ لَكَ ضِدًّا، وَلَا أَدْعُو مَعَكَ نِدًّا.

(٢٣) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَامْنَعْنِي مِنَ السَّرْفِ، وَحَصِّنْ
رِزْقِي مِنَ التَّلَفِ، وَوَفِّزْ مَلَكَتِي بِالْبَرَكَاتِ فِيهِ، وَأَصِبْ بِي سَبِيلَ
الْهِدَايَةِ لِلْبِرِّ فِيمَا أَنْفَقُ مِنْهُ. (٢٤) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،
وَاكْفِنِي مَوْنَةَ الْاِكْتِسَابِ، وَارْزُقْنِي مِنْ غَيْرِ اِحْتِسَابٍ، فَلَا أَشْتَغِلْ

عَنْ عِبَادَتِكَ بِالطَّلَبِ، وَلَا أَحْتَمِلْ إِضْرَ تَبِعَاتِ الْمَكْسَبِ. (٢٥) اللَّهُمَّ
فَاطِبْنِي بِقُدْرَتِكَ مَا أَطْلُبُ، وَاجْرُنِي بِعِزَّتِكَ مِمَّا أَرْهَبُ. (٢٦) اللَّهُمَّ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَصُنْ وَجْهِي بِالْيَسَارِ، وَلَا تَبْتَدِلْ جَاهِي
بِالِاقْتَارِ فَاسْتَرْزِقْ أَهْلَ رِزْقِكَ، وَاسْتَعِطِي شِرَارَ خَلْقِكَ، فَاقْتِنِ بِحَمْدِ
مَنْ أَعْطَانِي، وَأَبْتَلِي بِذَمِّ مَنْ مَنَعْنِي، وَأَنْتَ مِنْ دُونِهِمْ وَلِيُّ الْأَعْطَاءِ
وَالْمَنْعِ. (٢٧) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنِي صِحَّةً فِي عِبَادَةِ،

وَفِرَاغًا فِي زَهَادَةِ، وَعِلْمًا فِي اسْتِعْمَالِ، وَوَرَعًا فِي إِجْمَالِ.
(٢٨) اللَّهُمَّ أَخْتِمْ بِعَفْوِكَ أَجْلِي، وَحَقِّقْ فِي رَجَائِ رَحْمَتِكَ أَمَلِي،
وَسَهِّلْ لِي بُلُوعَ رِضَاكَ سُبُلِي، وَحَسِّنْ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي عَمَلِي.

(۲۱) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست و به لطف خویش، پیشامدهای بد را از من دور کن، به نعمت خویش مرا پرورش ده، و به کرم و بخشش خویش مرا اصلاح کن و به صنع و رحمت خویش دردم را درمان فرما، و در سایه رحمت بی پایانت مرا جای ده و خوشنودیت را شامل حالم گردان، و چون کارها به هم در پیچند، درست‌ترین آنها را بر من بنمایان، و آنگاه که اعمال با یکدیگر مشتبه شوند به پاکیزه‌ترین آنها هدایت فرما و وقتی اقوام و مذاهب، روی در روی یکدیگر شوند به حمایت و پیروی از پسندیده‌ترین آنها توفیقم ده. (۲۲) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست، و تاج و دیهیم بی نیازی و قناعت را بر سرم بگذار و مرا با زیبایی ولایت در کارهایی که به آن قیام می‌کنم بیارای، و به من، صداقت در هدایت عطا فرما، و به فتنه ثروت و فراخی گرفتارم نکن، و زندگی آسوده و آرامش خاطر به من ارزانی دار، و زندگی را بر من دشوار مساز، و دعایم را به سوی من بازگردان زیرا، من آن بنده مخلصی هستم که برای تو شریکی قرار نمی‌دهم و با تو ماندی را نمی‌خوانم. (۲۳) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست و مرا از زیاده روی بازدار، و روزی‌ام را از زیان و تلف ایمن دار و به دارائیم برکت ده، و مرا به خاطر آنچه از دارائیم به نیکی انفاق می‌کنم به راه هدایت و رستگاری برسان. (۲۴) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست، و تلاش معاش را بر من آسان گردان و بی حساب روزیم ده تا از بندگی تو به خاطر بدست آوردن روزی باز نمانم، و پیامدهای ناگوار کسب را تحمل نکنم. (۲۵) پروردگارا، به قدرت کامله‌ات خواسته‌هایم را برآور، و به عزت و چیرگی از آنچه می‌ترسم پناهم ده. (۲۶) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست و آبرویم را در میان مردم نگهدار، ارزشم را با نیازمندی به خلق، کم نکن تا از روزی خوارانت روزی بخواهم، و دست نیاز به سوی آفریدگان پست و شریرت دراز کنم و بستایش آنکه به من چیزی بخشیده گرفتار شوم و به نکوهش کسی که مرا منع کرده است مبتلاگردم، در حالی که بخشیدن و بخشیدن بدست تو است و تو ولی آنی، نه ایشان. (۲۷) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست، و تندرستی در عبادت را به من ارزانی دار و نیز فراغت و آسایش در زهد را و علم با عمل و پرهیزکاری همراه با میانه روی را روزی من فرما. (۲۸) پروردگارا، روزگارم را با عفو و بخشش خویش به انجام رسان، و آرزویم را در امید به رحمت خویش محقق ساز، و راههایم را برای رسیدن به خوشنودیت آسان فرما، و در همه حالات، عمل‌ام را نیکو گردان.

(٢٩) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَنَبِّهْنِي لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْغَفْلَةِ،
وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ الْمُهَلَّةِ، وَانْهَجْ لِي إِلَى مَحَبَّتِكَ سَبِيلًا
سَهْلَةً، أَكْمِلْ لِي بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (٣٠) اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ قَبْلَهُ، وَأَنْتَ مُصَلِّ عَلَى
أَحَدٍ بَعْدَهُ، وَأَتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنِي بِرَحْمَتِكَ
عَذَابَ النَّارِ.

(٢١)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا حَزَنَهُ
أَمْرٌ وَأَهَمَّتْهُ الْخَطَايَا:

(١) اللَّهُمَّ يَا كَافِيَ الْفَرْدِ الضَّعِيفِ، وَوَاقِيَ الْأَمْرِ الْمَخُوفِ، أَفْرَدْتَنِي
الْخَطَايَا فَلَا صَاحِبَ مَعِيَ، وَضَعَفْتُ عَنْ غَضَبِكَ فَلَا مُؤَيِّدَ لِي،
وَأَشْرَفْتُ عَلَى خَوْفِ لِقَائِكَ فَلَا مُسَكِّنَ لِرَوْعَتِي (٢) وَمَنْ يُؤْمِنِي
مِنْكَ وَأَنْتَ أَخَفْتَنِي، وَمَنْ يُسَاعِدُنِي وَأَنْتَ أَفْرَدْتَنِي، وَمَنْ
يُقَوِّبُنِي وَأَنْتَ أَضَعَفْتَنِي؟ (٣) لَا يُجِيرُ، يَا إِلَهِي، إِلَّا رَبُّ عَلَى
مَرْبُوبٍ، وَلَا يُؤْمِنُ إِلَّا غَالِبٌ عَلَى مَغْلُوبٍ، وَلَا يُعِينُ إِلَّا طَالِبٌ عَلَى
مَطْلُوبٍ. (٤) وَبِيَدِكَ، يَا إِلَهِي، جَمِيعُ ذَلِكَ السَّبَبِ، وَالْإِنِّكَ الْمَفْرُوقُ
الْمَهْرَبُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْزِ هَرَبِي، وَأَنْجِحْ مَطْلَبِي.

(۲۹) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست و در اوقات فراموشی و غفلت، برای یاد خودت بیدارم کن و در ایام مهلت (زندگی دنیا) بکار بندگی وادارم کن، و مرا به سوی محبت خویش در راهی هموار و آسان ببر، و با محبت خودت، خیر دنیا و آخرت را برایم کامل فرما.

(۳۰) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست همچون بهترین درودی که پیش از او بر کسی از آفریدگان خود فرستادی و پس از او بر کسی خواهی فرستاد. و به ما در دنیا و آخرت نیکی عطا فرما، و با رحمت و اسعادت مرا از عذاب آتش نگهدار.

دعای بیست و یکم:

هنگام اندوه و نگرانی از گناه

(۱) پروردگارا، ای کفایت کننده فرد ناتوان، و ای نگهدارنده امر و حشمتناک، گناهانم مرا بی کس و تنها کرده است و هیچ یار و همراهی جز تو ندارم، و از خشم و غضب تو، ناتوان شده‌ام و کسی که از من پشتیبانی کند جز تو نیست، و می‌دانم که به زودی به سوی تو باز خواهم گشت و از لقای تو می‌ترسم و در هر اسام و هیچ تسکین دهنده‌ای برای ترسم وجود ندارد.

(۲) و کیست که از تو ایمن‌ام سازد در حالی که تو مرا ترسانده‌ای، و کیست مرا یاری دهد هنگامی که تو مرا بی کس و تنها گذارده‌ای، و کیست به من توانایی بخشد در جایی که تو مرا ناتوان ساخته‌ای؟

(۳) ای خدای من، جز پروردگار، پرورده خود را پناه نمی‌دهد، و جز چیره و غالب، شکست خورده را ایمنی نمی‌بخشد. و جز جوینده و طالب، مطلوب را یاری نمی‌کند.

(۴) ای خدای من، همه آن اسباب بدست توانای تو است، و فرار و گریز به سوی تو است، پس بر محمد و آل او درود فرست، بدرگاه خویش پناهم ده و آرزویم را بر آور.

(٥) اللَّهُمَّ إِنَّكَ إِنْ صَرَفْتَ عَنِّي وَجْهَكَ الْكَرِيمَ أَوْ مَنَعْتَنِي فَضْلَكَ الْجَسِيمَ أَوْ حَظَرْتَ عَلَيَّ رِزْقَكَ أَوْ قَطَعْتَ عَنِّي سَبِيلَكَ لَمْ أَجِدِ السَّبِيلَ إِلَى شَيْءٍ مِنْ أَمَلِي غَيْرِكَ، وَلَمْ أَقْدِرْ عَلَى مَا عِنْدَكَ بِمَعُونَةِ سِوَاكَ، فَإِنِّي عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ، نَاصِيَتِي بِيَدِكَ. (٦) لَا أَمْرَ لِي مَعَ أَمْرِكَ، مَاضٍ فِي حُكْمِكَ، عَدْلٌ فِي قَضَاؤِكَ، وَلَا قُوَّةَ لِي عَلَى الْخُرُوجِ مِنْ سُلْطَانِكَ، وَلَا اسْتَطِيْعُ مُجَاوِزَةَ قُدْرَتِكَ، وَلَا اسْتَمِيلُ هَوَاكَ، وَلَا أَبْلُغُ رِضَاكَ، وَلَا أَنَالُ مَا عِنْدَكَ إِلَّا بِطَاعَتِكَ وَبِفَضْلِ رَحْمَتِكَ. (٧) إِلَهِي أَصْبَحْتُ وَأَمْسَيْتُ عَبْدًا دَاخِرًا لَكَ، لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا بِكَ، أَشْهَدُ بِذَلِكَ عَلَى نَفْسِي، وَأَعْتَرِفُ بِضَعْفِ قُوَّتِي وَقِلَّةِ حِيلَتِي، فَانْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي، وَتَمِّمْ لِي مَا آتَيْتَنِي، فَإِنِّي عَبْدُكَ الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ الضَّعِيفُ الضَّرِيرُ الْحَقِيرُ الْمُهِينُ الْفَقِيرُ الْخَائِفُ الْمُسْتَجِيرُ.

(٨) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تَجْعَلْنِي نَاسِيًا لِذِكْرِكَ فِيمَا أَوْلَيْتَنِي، وَلَا غَافِلًا لِإِحْسَانِكَ فِيمَا أَبْلَيْتَنِي، وَلَا آيسًا مِنْ إِجَابَتِكَ لِي وَإِنْ أَبْطَأَتْ عَنِّي، فِي سَرَّاءٍ كُنْتُ أَوْ ضَرَّاءٍ، أَوْ شِدَّةٍ أَوْ رَخَاءٍ، أَوْ عَافِيَةٍ أَوْ بَلَاءٍ، أَوْ بُؤْسٍ أَوْ نَعْمَاءٍ، أَوْ جِدَّةٍ أَوْ لَأْوَاءٍ، أَوْ فَقْرٍ أَوْ غِنَى.

(٩) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ ثَنَائِي عَلَيْكَ، وَمَدْحِي إِيَّاكَ، وَحَمْدِي لَكَ فِي كُلِّ خَالَتِي حَتَّى لَا أَفْرَحَ بِمَا آتَيْتَنِي مِنَ الدُّنْيَا، وَلَا أَحْزَنَ عَلَى مَا مَنَعْتَنِي فِيهَا، وَأَشْعِرْ قَلْبِي تَقْوَاكَ، وَاسْتَعْمِلْ بَدَنِي فِيمَا تَقْبَلُهُ مِنِّي، وَاشْغَلْ بِطَاعَتِكَ نَفْسِي عَنْ كُلِّ مَا يَرِدُ عَلَيَّ حَتَّى لَا أَحِبُّ شَيْئًا مِنْ سُخْطِكَ، وَلَا أَسْخَطُ شَيْئًا مِنْ رِضَاكَ. (١٠) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَفَرِّغْ قَلْبِي لِمَحَبَّتِكَ، وَاشْغَلْهُ بِذِكْرِكَ، وَانْعَشْهُ

(۵) پروردگارا، اگر روی کریم خویش را از من برگردانی یا از فضل و احسان بزرگ محروم داری یا روزیت را بر من دریغ نمایی، یا اگر وسیله و سبب رحمتت را از من قطع کنی جز تو راهی به سوی چیزی از آرزویم نمی یابم، و توان رسیدن به آنچه نزد تو است به کمک غیر تو ندارم، زیرا، من بندهٔ تو و در مشقت توام، موی پیشانی من در دست توانای تو است. (۶) برای من هیچ امری با بودن فرمان تو نیست. فرمان تو دربارهٔ من جاری است و قضا و قدر تو دربارهٔ من عین عدالت است، و من توانایی بیرون رفتن از سلطنت تو را ندارم، و نمی توانم از حیطة قدرت تو فراتر روم، و نیز نمی توانم محبت و دوستی تو را متوجه خود کنم، و به خشنودیت نمی رسم، و به آنچه نزد تو است جز با اطاعت و فرمانبرداری و فزونی رحمتت نمی رسم.

(۷) پروردگارا، من، شب را بروز می آورم و روز را به شب می رسانم در حالی که بندهٔ خوار توام، نمی توانم جز با کمک تو نفعی به خویشتم برسانم و ضرری را از خویشتم دور کنم دربارهٔ خودم با آنچه گفتم گواهی میدهم و به ناتوانی و بیچارگی خویشتم اعتراف می کنم، پس تو ای خدای بزرگ! آنچه را به من وعده داده ای وفا کن و نعمتهایی را که به من ارزانی داشته ای بکمال و تمام برسان، زیرا، من، بندهٔ بی چیز فروتن، ناتوان، بدحال، کوچک، خوار، فقیر، ترسان و پناهندهٔ تو هستم.

(۸) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست، و نگذار که یاد تو از یاد برم و نعمتهای تو را فراموش کنم و نپسند که از احسان تو در مورد آنچه به من بخشیده ای غفلت کنم، و روا مدار که از روا ساختن و اجابت تو نسبت به خودم هر چند دیرتر مرا دریابد نومید شوم خواه در آسایش باشم و خواه در رنج، خواه در سختی و خواه در خوشگذرانی، در تندرستی باشم یا در گرفتاری و بیماری، نیازمند و بد حال باشم یا در نعمت، خواه در توانگری باشم و خواه در درویشی، نیازمند باشم یا بی نیاز

(۹) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست، و چنان کن که سپاس و ستایشم ویژهٔ تو باشد و تنها تو را نیایش کنم و تنها به سپاسگزاری تو در همهٔ احوال لب بگشایم، تا به آنچه از دنیا به من داده ای شاد نشوم و بر آنچه از آن بازم داشته ای و از کف داده ام اندوهگین نگردم، در دلم پرهیزکاری از خودت را الهام کن و بدنم را در آنچه مقبول تو است بکارگمار و نفس مرا از هر چه به من رو آورد به طاعت خویش مشغول ساز تا آنچه تو را به خشم می افکند دوست نداشته باشم و آنچه رضای تو را تأمین کند متفوق ندارم. (۱۰) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست و قلب مرا از هر چه جز

بِخَوْفِكَ وَبِالْوَجَلِ مِنْكَ، وَقَوِّهِ بِالرَّغْبَةِ إِلَيْكَ، وَآمِلْهُ إِلَى طَاعَتِكَ،
 وَاجْرِ بِهِ فِي أَحَبِّ السُّبُلِ إِلَيْكَ، وَذَلِّلْهُ بِالرَّغْبَةِ فِيمَا عِنْدَكَ أَيَّامَ
 حَيَاتِي كُلِّهَا. (١١) وَاجْعَلْ تَقْوَاكَ مِنَ الدُّنْيَا زَادِي، وَإِلَى رَحْمَتِكَ
 رِخْلَتِي، وَفِي مَرْضَاتِكَ مَدْخَلِي، وَاجْعَلْ فِي جَنَّتِكَ مَثْوَايَ، وَهَبْ لِي
 قُوَّةً أَحْتَمِلُ بِهَا جَمِيعَ مَرْضَاتِكَ، وَاجْعَلْ فِرَارِي إِلَيْكَ، وَرَعْبَتِي فِيمَا
 عِنْدَكَ، وَالْبَسْ قَلْبِي الْوَحْشَةَ مِنْ شِرَارِ خَلْقِكَ، وَهَبْ لِي الْإِنْسَ بِكَ
 وَبِأَوْلِيَانِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ. (١٢) وَلَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَلَا كَافِرٍ عَلَيَّ مِنَّةً،
 وَلَا لَهْ عِنْدِي يَدًا، وَلَا بِي إِلَيْهِمْ حَاجَةً، بَلْ اجْعَلْ سُكُونَ قَلْبِي وَأُنْسَ
 نَفْسِي وَاسْتِغْنَائِي وَكِفَايَتِي بِكَ وَبِخِيَارِ خَلْقِكَ. (١٣) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنِي لَهُمْ قَرِينًا، وَاجْعَلْنِي لَهُمْ نَصِيرًا، وَامْتِنْ عَلَيَّ
 بِشَوْقِي إِلَيْكَ، وَبِالْعَمَلِ لَكَ بِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ
 قَدِيرٌ، وَذَلِكَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ.

(٢٢)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ الشُّدَّةِ
 وَالْجُهْدِ وَتَعَسَّرِ الْأُمُورِ:

(١) اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ كَلَّفْتَنِي مِنْ نَفْسِي مَا اَنْتَ اَمْلِكُ بِهِ مِنِّي، وَقَدَّرْتَكَ عَلَيْهِ
 وَعَلَيَّ اَغْلَبُ مِنْ قُدْرَتِي، فَاَعْطِنِي مِنْ نَفْسِي مَا يُرْضِيكَ عَنِّي، وَخُذْ
 لِنَفْسِكَ رِضَاهَا مِنْ نَفْسِي فِي عَافِيَةٍ.

محبت تو است خالی کن، و بباد خود مشغول گردان و از خوف و ترس خویش بلند مرتبه و بیدارش ساز و با رغبت و عشق به سوی خویش توانایش کن، و به طاعت خویش روی آورنما، و در خوشایندترین راههای به سوی خودت روانه اش فرما، و با رغبت و اشتیاق در آنچه نزد تو است در همه روزهای زندگیم رام و خوارش کن.

(۱۱) خدای من، چنان کن که تقوای تو توشه من از دنیا باشد. و سفر من به سوی رحمت و واسعة تو گردد و در خشنودیت مرا داخل کن، و جایگاهم را در بهشت قرار بده و به من توانی عنایت فرما تا با آن همه خوشنودی تو را بدست آورم. گریزم را بسوی خودت و اشتیاق و خواهشم را به آنچه نزد تو است قرار ده. خدای من، بر قامت دلم، از آفریدگان بد و شریرت، لباس ترس بپوشان و بر من دوستی و انس با خودت و با دوستان و اهل طاعتت را ارزانی دار.

(۱۲) پروا مدار آنان که معصیت تو می کنند و تو را به یکتایی نمی پرسند بر من منت گذارند و بر من دستی داشته باشند، و نخواه که من دست نیاز به سوی آنها بگشایم، بلکه چنان کن که آرامش دل و الفت جان و بی نیازی و کفایتم به تو و نیکان خلق تو بسته باشد. مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

(۱۳) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست و مرا همنشین آنها قرارم ده و لیاقت یاری آنها نصیب کن و با شوق و دل باختگی به سوی خودت و با انجام آنچه دوست داری و خوشنود می گردی بر من منت گزار، زیرا تو بر هر چیز توانایی و خواسته من برای تو آسان است.

دعای بیست و دوم:

هنگام سختی و رنج

(۱) پروردگارا، تو به چیزی مرا مکلف فرموده ای که خود به انجام آن از من تواناتری، و توانایی تو بر آن و بر من بیشتر از توانایی من است. پس، آنچه تو را از من خشنود می کند به من عطا فرما در حال عافیت و تندرستی از من خشنود باش.

(٢) اللَّهُمَّ لَا طَاقَةَ لِي بِالْجَهْدِ، وَلَا صَبْرًا لِي عَلَى الْبَلَاءِ، وَلَا قُوَّةَ لِي عَلَى الْفَقْرِ، فَلَا تَحْظُرْ عَلَيَّ رِزْقِي، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى خَلْقِكَ، بَلْ تَفَرِّدْ بِحَاجَتِي، وَتَوَلَّ كِفَايَتِي. (٣) وَانْظُرْ إِلَيَّ وَانْظُرْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي، فَإِنَّكَ إِنْ وَكَلْتَنِي إِلَى نَفْسِي عَجَزْتُ عَنْهَا وَلَمْ أَقِمْ مَا فِيهِ مَصْلَحَتُهَا، وَإِنْ وَكَلْتَنِي إِلَى خَلْقِكَ تَجَهَّمُونِي، وَإِنْ أَلَجَّاتَنِي إِلَى قَرَابَتِي حَرَمُونِي، وَإِنْ أَعْطَوْا أَعْطَوْا قَلِيلًا نَكِدًا، وَمَنُّوا عَلَيَّ طَوِيلًا، وَذَمُّوا كَثِيرًا. (٤) فَبِفَضْلِكَ، اللَّهُمَّ، فَأَغْنِنِي، وَبِعِظَمَتِكَ فَأَنْعَشْنِي، وَبِسَعَتِكَ فَأَبْسُطْ يَدِي، وَبِمَا عِنْدَكَ فَكَفِّنِي. (٥) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَخَلِّصْنِي مِنَ الْحَسَدِ، وَاحْصُرْنِي عَنِ الذُّنُوبِ، وَوَرِّعْنِي عَنِ الْمَحَارِمِ، وَلَا تُجَرِّثْنِي عَلَى الْمَعَاصِي، وَاجْعَلْ هَوَايَ عِنْدَكَ، وَرِضَايَ فِيمَا يَرِدُ عَلَيَّ مِنْكَ، وَبَارِكْ لِي فِيمَا رَزَقْتَنِي وَفِيمَا خَوَّلْتَنِي وَفِيمَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ، وَاجْعَلْنِي فِي كُلِّ حَالَتِي مَحْفُوظًا مَكْلُوءًا مَسْشُورًا مَمْنُوعًا مُعَاذًا مُجَارًا. (٦) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاقْضِ عَنِّي كُلَّ مَا أَلْزَمْتَنِيهِ وَفَرَضْتَهُ عَلَيَّ لَكَ فِي وَجْهِ مِنْ وَجُوهِ طَاعَتِكَ أَوْ لِخَلْقٍ مِنْ خَلْقِكَ وَإِنْ ضَعُفَ عَن ذَلِكَ بَدَنِي، وَوَهِنَتْ عَنْهُ قُوَّتِي، وَلَمْ تَنْلُهُ مَقْدَرَتِي، وَلَمْ يَسْغُهُ مَالِي وَلَا ذَاتُ يَدِي، ذَكَرْتُهُ أَوْ نَسِيتُهُ. (٧) هُوَ، يَا رَبِّ، مِمَّا قَدْ أَحْصَيْتَهُ عَلَيَّ وَاعْتَقَلْتَهُ أَنَا مِنْ نَفْسِي، فَادِّهِ عَنِّي مِنْ جَزِيلِ عَطِيَّتِكَ وَكَثِيرِ مَا عِنْدَكَ، فَإِنَّكَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ، حَتَّى لَا يَبْقَى عَلَيَّ شَيْءٌ مِنْهُ تُرِيدُ أَنْ تُقَاصِنِي بِهِ مِنْ حَسَنَاتِي، أَوْ تُضَاعِفَ بِهِ مِنْ سَيِّئَاتِي يَوْمَ الْقَاكِ يَا رَبِّ. (٨) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنِي الرَّغْبَةَ فِي الْعَمَلِ لَكَ لِأَخْرَتِي حَتَّى أَعْرِفَ صِدْقَ ذَلِكَ مِنْ قَلْبِي، وَحَتَّى

(۲) پروردگارا، بر رنجها و مشقتها توانایی ندارم و بر گرفتاری و بلا، بردبار و شکیبیا نیستم و در فقر و تنگدستی ناتوانم، پس، روزیم را از من دریغ مدار و مرا به خلق خویش وامگذار، بلکه خود به تنهایی خواسته‌ام را بر آور و امورم را کفایت کن (۳) و به سوی من نظر کن و در همه کارهایم به من نظر نما، زیرا، اگر مرا بخود واگذاری از انجام آن کارها ناتوان خواهم شد و به آنچه مصلحتم در آن است همت نمی‌گمارم، و اگر مرا به خلق خویش واگذاری با ترشرویی به من بنگرند. و اگر مرا به خویشانم واگذاری از مساعدت، محروم و نومید کنند. و اگر ببخشند، اندک و ناگوار ببخشند و منت فراوان بگذارند و نکوهش بسیار روا دارند. (۴) پس به فضل و احسان خویش، ای پروردگار من، بی‌نیازم گردان و به بزرگی خویش، مرتبه‌ام بالا بر، و به قدرت کامله‌ات، دستم را بگشای (گره از کار فرو بسته من باز کن) و به آنچه نزد تو است بی‌نیازم کن. (۵) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست و مرا از نکبت رشک پرهان و از آلائش گناهان باز دار، و از حرامها پرهیزگام فرما و بر گناهان، جرأت مده، و چنان کن که میل و خواهشم نزد تو باشد و خشنودیم در چیزی باشد که از جانب تو بر من می‌رسد. و ای خدای من، در آنچه روزیم کرده‌ای و آنچه به من بخشیده‌ای و احسان کرده‌ای، برکت و فزونی قرار ده، و مرا در همه حالات، محفوظ دار و عیبها و زشتیهایم در پرده، پنهان ساز، و از ناگواریهای عالم نگاهم دار و در جوار رحمت پناهم ده. (۶) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست، و مرا در انجام تکالیفی که بر من الزام کرده‌ای موفق بدار، هر چند بدنم از انجام آن، چه برای خود و چه برای آفریده‌ای از آفریدگانت ناتوان باشد و نیرویم از بجا آوردنش سستی نشان دهد. و توانم به حد آن نرسد و سرمایه و دستیارم گنجایش آن را نداشته باشد، خواه آن را بیاد داشته یا فراموش کرده باشم. (۷) ای پروردگار من، آن تکلیف از تکالیفی است که تو بر من واجب شمرده‌ای و من از روی غفلت آن را انجام نداده‌ام، پس، به خاطر عطای بزرگ و فراوانی آنچه در خزانه رحمت وجود دارد انجام آن را از جانب من بعهده گیر، زیرا، تو توانگر بخشنده‌ای. آری، ای پروردگار بزرگ چنین کن تا در روزی که با تو ملاقات می‌کنم هیچ چیزی نباشد که بخواهی به خاطر آن، نیکبهایم را کم کنی یا بر بدیهایم بیفزایی. (۸) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست و برای آخرتم شوق و رغبت در عمل برای تو را

يَكُونُ الْغَالِبُ عَلَيَّ الزُّهْدَ فِي دُنْيَايَ، وَحَتَّى أَعْمَلَ الْحَسَنَاتِ شَوْقًا،
وَأَمِنَ مِنَ السَّيِّئَاتِ فَرَقًا وَخَوْفًا، وَهَبْ لِي نُورًا أَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ،
وَأَهْتَدِي بِهِ فِي الظُّلُمَاتِ، وَاسْتَصِيءُ بِهِ مِنَ الشَّكِّ وَالشُّبُهَاتِ
(٩) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارزُقْنِي خَوْفَ غَمِّ الْوَعِيدِ، وَشَوْقَ
ثَوَابِ الْمَوْعُودِ حَتَّى أَجِدَ لَذَّةَ مَا أَدْعُوكَ لَهُ، وَكَأَبَةَ مَا اسْتَجِيرُ بِكَ مِنْهُ
(١٠) اللَّهُمَّ قَدْ تَعَلَّمْتُ مَا يُضِلُّحُنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي فَكُنْ بِحَوَائِجِي
حَفِيظًا. (١١) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارزُقْنِي الْحَقَّ عِنْدَ
تَقْصِيرِي فِي الشُّكْرِ لَكَ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فِي الْيُسْرِ وَالْعُسْرِ وَالصُّحَّةِ
وَالسَّقَمِ، حَتَّى أَتَعَرَّفَ مِنْ نَفْسِي رُوحَ الرِّضَا وَطَمَآنِينَةَ النَّفْسِ مِنِّي
بِمَا يَجِبُ لَكَ فِيمَا يَحْدُثُ فِي خَالِ الْخَوْفِ وَالْأَمْنِ وَالرِّضَا وَالسُّخْطِ
وَالضَّرِّ وَالنَّفْعِ. (١٢) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارزُقْنِي سَلَامَةَ
الصَّدْرِ مِنَ الْحَسَدِ حَتَّى لَا أَحْسَدَ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ عَلَيَّ شَيْءٍ مِنْ
فَضْلِكَ، وَحَتَّى لَا أَرَى نِعْمَةً مِنْ نِعَمِكَ عَلَيَّ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فِي دِينٍ أَوْ
دُنْيَا أَوْ عَافِيَةٍ أَوْ تَقْوَى أَوْ سَعَةٍ أَوْ رَخَاءٍ إِلَّا رَجَوْتُ لِنَفْسِي أَفْضَلَ ذَلِكَ
بِكَ وَمِنْكَ وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ. (١٣) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،
وَارزُقْنِي التَّحَفُّظَ مِنَ الْخَطَايَا، وَالْإِحْتِرَاسَ مِنَ الزَّلَلِ فِي الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ فِي خَالِ الرِّضَا وَالغَضَبِ، حَتَّى أَكُونَ بِمَا يَرُدُّ عَلَيَّ مِنْهُمَا
بِمَنْزِلَةٍ سَوَاءٍ، غَامِلًا بِطَاعَتِكَ، مُؤَثِّرًا لِرِضَاكَ عَلَيَّ مَا سِوَاهُمَا فِي
الْأَوْلِيَاءِ وَالْأَعْدَاءِ، حَتَّى يَأْمَنَ عَدُوِّي مِنْ ظُلْمِي وَجَوْرِي، وَيَأْسَى
وَلِيِّي مِنْ مِثْلِي وَانْحِطَاطِ هَوَايَ (١٤) وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَدْعُوكَ مُخْلِصًا
فِي الرَّخَاءِ دُعَاءَ الْمُخْلِصِينَ الْمُضْطَرِّينَ لَكَ فِي الدُّعَاءِ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ.

روزیم فرما تا نور صدق و صفای عملم را در قلب خویش مشاهده کنم و تا آنکه بی‌رغبتی و زهد در دنیا بر من چیره گردد و از روی اشتیاق کارهای نیک انجام دهم، و به خاطر بیم و ترس از تو، از کردار زشت ایمن و آسوده باشم، و به من نوری عنایت فرما که (فراراهم را روشن کند و) با آن در میان مردم راه بروم، و در تاریکیها راه را از چاه باز شناسم و از شک و اشتباه روشنی یافته و ایمن باشم. (۹) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست، و ترس و اندوه از سرانجام سخت و اشتیاق به پاداشی که وعده داده‌ای روزیم فرما تا لذت چیزی را که تو را برای آن می‌خوانم و ماتم چیزی که از آن به تو پناه می‌برم در ذائقه خویش ادراک کنم. (۱۰) خدایا، تو صلاح امر دنیا و آخرت را خوب می‌دانی، پس، به خواسته‌هایم با مهربانی نظر کن.

(۱۱) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست. (۱۲) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست و آنگاه که در سپاسگزاری از تو به خاطر نعمتهایی که در آسایش و سختی و تندرستی و بیماری بر من ارزانی داشته‌ای کوتاهی ورزم حق‌شناسی را روزیم فرما، تا شادی رضا و آرامش قلب خود را در ادای وظیفه نسبت به تو در حال ترس و ایمنی و خشنودی و خشم، و سود و زیان دریابم. (۱۳) پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست و به سینه‌ام از بیماری حسد سلامتی بخش تا به هیچ‌یک از آفریدگانت بر نعمتی که از روی فضل و بخشش عطا می‌کنی رشک نبر و تا آنکه هیچ‌یک از نعمتهای تو را در دین یا دنیا، تندرستی یا پرهیزگاری، گشایش یا آسایش بر هیچ‌یک از بندگانت نبینم مگر آنکه بهتر از آن را به لطف تو و از سوی تو آرزو کنم ای خدای بی‌شریک. (۱۴) خداوندا بر محمد و آل او درود فرست و به من خودداری از گناهان و دوری از لغزشها را در دنیا و آخرت و در حال خشنودی و خشم ارزانی دار تا حالت در رویکرد هر یک از آن دو یکسان باشد و به طاعت تو مشغول باشم و در حقّ دوستان و دشمنان، خشنودی تو را بر غیر خشنودی و طاعت تو برگزینم تا دشمنم از ستم من ایمن باشد و دوستم از خواسته و رویکرد هوای نفسم نومید گردد. (۱۵) و مرا از کسانی قرار ده که تو را در حال خوشی و آسایش بسان درماندگان مخلص می‌خوانند، همانا تو ستوده و بزرگواری.

(٢٣)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا سَأَلَ
اللَّهَ الْعَافِيَةَ وَشَكَرَهَا:

(١) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَابْسِنِي عَافِيَتِكَ، وَجَلِّنِي
عَافِيَتِكَ، وَخَصَّنِي بِعَافِيَتِكَ، وَأَكْرِمْنِي بِعَافِيَتِكَ، وَأَغْنِنِي
بِعَافِيَتِكَ، وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَافِيَتِكَ، وَهَبْ لِي عَافِيَتَكَ وَأَفْرِشْنِي
عَافِيَتَكَ، وَأَصْلِحْ لِي عَافِيَتَكَ، وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَ عَافِيَتِكَ
فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (٢) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَعَافِنِي عَافِيَةً
كَافِيَةً شَافِيَةً عَالِيَةً نَامِيَةً، عَافِيَةً تُؤَلِّدُنِي فِي بَدَنِي الْعَافِيَةَ، عَافِيَةَ الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ. (٣) وَآمِنُنِي عَلَيَّ بِالصِّحَّةِ وَالْأَمْنِ وَالسَّلَامَةِ فِي دِينِي
وَبَدَنِي، وَابْصِيرَةَ فِي قَلْبِي، وَالتَّفَاضُلِ فِي أُمُورِي، وَالْخَشْيَةَ لَكَ،
وَالْخَوْفَ مِنْكَ، وَالثُّقَّةَ عَلَيَّ مَا أَمَرْتَنِي بِهِ مِنْ طَاعَتِكَ، وَالْاجْتِنَابَ
لِمَا نَهَيْتَنِي عَنْهُ مِنْ مَعْصِيَتِكَ. (٤) اللَّهُمَّ وَآمِنُنِي عَلَيَّ بِالْحَجِّ
وَالْعُمْرَةِ، وَزِيَارَةِ قَبْرِ رَسُولِكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ
عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ، وَآلِ رَسُولِكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي
فِي عَامِي هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ مَقْبُولًا مَشْكُورًا،
مَذْكُورًا لَدَيْكَ، مَذْخُورًا عِنْدَكَ. (٥) وَأَنْطِقْ بِحَمْدِكَ وَشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ
وَحُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْكَ لِلسَّانِي، وَاشْرَحْ لِمَرَأْسِدِ دِينِكَ قَلْبِي.

دعای بیست و سوم:

دعای آن حضرت در طلب عافیت و شکر آن

(۱) خداوندا بر محمد و آلش درود فرست، و لباس عافیت بر من بپوشان و مرا به عافیت فرو بر، و به عافیت نگه دار، و به عافیت گرامیم دار، و به عافیت بی نیازم کن، و عافیت را بر من صدقه ده، و به من عافیت ببخش، و برایم بستر عافیت بگستر، و امر عافیت را برایم از هر جهت اصلاح کن، و در دنیا و آخرت بین من و عافیت جدایی مینداز.

(۲) خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و مرا عافیت بخش عافیتی کامل و شفا بخش و برتر و روزافزون، عافیتی که در بدنم عافیت تولید کند و در یک کلمه: عافیت دنیا و آخرت.

(۳) و بر من منت گذار به تندرستی و امنیت و سلامت در دین و بدن، و بصیرت در دل، پیشرفت در کارها، و هراس و بیم از تو، و توان و قدرت بر انجام طاعتی که مرا به آن فرمان داده‌ای و دوری و پرهیز از نافرمانیت که مرا از آن باز داشته‌ای.

(۴) خداوندا بر من منت گذار که موفق به حج و عمره و زیارت قبر رسالت و آل او که درودت بر همه آنان باد - گردم، همیشه تا وقتی که مرا در دنیا زنده می‌داری، در امسال و همه سال، و آن عبادات را پذیرفته و مایه پاداش و منظور نظر و ذخیره‌ام نزد خود قرار ده.

(۵) و زیانم را به حمد و شکر و یاد و ستایش جمیلت گویا کن، و قلبم را برای پذیرش هدایتهای دینت گشاده ساز.

(٦) وَأَعِزَّنِي وَذَرِّتِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، وَمِنْ شَرِّ السَّامَةِ
وَالْهَامَةِ وَالْعَامَةِ وَاللَّامَةِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ
سُلْطَانٍ عَنِيدٍ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ مَثْرَفٍ حَفِيدٍ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ضَعِيفٍ
وَشَدِيدٍ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَرِيفٍ وَوَضِيعٍ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ،
وَمِنْ شَرِّ كُلِّ قَرِيبٍ وَبَعِيدٍ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لِرَسُولِكَ وَ لِأَهْلِ
بَيْتِهِ حَرْبًا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ أَخَذْتَ بِنَاصِيَتِهَا،
إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. (٧) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَمَنْ
أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي، وَادْحَرْ عَنِّي مَكْرَهُ، وَادْرَأ عَنِّي شَرَّهُ،
وَرُدِّ كَيْدَهُ فِي نَحْرِهِ. (٨) وَاجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى تُغْمِيَ عَنِّي
بَصْرَهُ، وَتُصِمَّ عَن ذِكْرِي سَمْعَهُ، وَتُثْقَلَ دُونَ إِحْطَارِي قَلْبَهُ،
وَ تُخْرَسَ عَنِّي لِسَانُهُ، وَتُقْمَعَ رَأْسُهُ، وَتُذِلَّ عِزُّهُ، وَتَكُسرَ جَبْرُوتُهُ،
وَ تُذِلَّ رَقَبَتُهُ، وَتَفْسَحَ كِبْرَتُهُ، وَتُؤْمِنَنِي مِنْ جَمِيعِ ضَرِّهِ وَشَرِّهِ وَغَمِّهِ
وَ هَمِّهِ وَ لَمَزِهِ وَ حَسَدِهِ وَ عِدَاوَتِهِ وَ حَبَائِلِهِ وَ مَصَائِدِهِ وَ رَجْلِهِ
وَ خَيْلِهِ، إِنَّكَ عَزِيزٌ قَدِيرٌ.

﴿ ٢٤ ﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَبَوَيْهِ
عَلَيْهِمَا السَّلَامُ:

(١) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ،
وَ اخْصُصْهُمْ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ سَلَامِكَ.

(۶) و مرا و فرزندانم را از شیطان رانده شده و از شر جانوران زهردار غیر کشنده و زهردار کشنده، و سایر جانوران و چشم زخم، و از شر هر شیطان سرکش و از شر هر پادشاه ستمگر، و از شر هر خوشگذران ناز پرورده سرکش، و از شر هر ضعیف و قوی، و از شر هر عالی مقام و فرومایه، و از شر هر کوچک و بزرگ، و از شر هر نزدیک و دور، و از شر هر کسی از جن و انس که به جنگ پیامبرت و اهل بیتش شتافته و از شر هر جنبده‌ای که مسخر قدرت توست پناه ده، زیرا که تو در سلطنت بر صراط راست و عدلی.

(۷) بار خدایا بر محمد و آلش درود فرست، و هر که درباره من اندیشه بد داشته باشد او را از من بگردان، و نیرنگش را از من دور کن و شرش را از من بازدار، و مکرش را به خودش برگردان.

(۸) و سدّی در مقابلش بپاکن که چشمش را از دیدن من کور، و گوشش را از شنیدن یاد من کرسازی، و دلش را هنگام باد من قفل نمایی، و زبانش را از گفتگو درباره من لال سازی، و سرش را به گرز ذلت بکوبی، و عزتش را به ذلت بدل کنی، و بزرگیش را بشکنی، و گردنش را به خواری فرود آوری، و کبریائیش را برهم زنی، و مرا از همه زیان و بدی و طعن و غیبت و عیب جوئی و حسد و دشمنی و بندها و دامها و پیاده‌ها و سواره‌های او ایمن سازی، زیرا که تو غالب غیر مغلوب و دارای توانایی بی‌نهایتی.

دعای بیست و چهارم:

دعای آن حضرت برای پدر و مادرش که بر آنان درود باد

(۱) خداوندا بر محمد بنده و فرستاده‌ات و بر خاندان پاکش درود فرست، و آنان را به بهترین درودها و رحمت و برکات و سلام خود اختصاص بفرما.

(٢) وَ اخْصِصِ اللَّهُمَّ وَالِدِي بِالْكَرَامَةِ لَدَيْكَ، وَالصَّلَاةَ مِنْكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (٣) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَالْهَمْنِي عِلْمَ مَا يَجِبُ لهُمَا عَلَى الْإِهَامَا، وَاجْمَعْ لِي عِلْمَ ذَلِكَ كُلِّهِ تَمَامًا، ثُمَّ اسْتَعْمِلْنِي بِمَا تُلْهِمُنِي مِنْهُ، وَوَقِّفْنِي لِلتَّفُؤُذِ فِيمَا تُبْصِرُنِي مِنْ عِلْمِهِ حَتَّى لَا يَفُوتَنِي اسْتِعْمَالُ شَيْءٍ عِلْمْتَنِيهِ، وَلَا تَثْقُلَ أَرْكَانِي عَنِ الْحَفُوفِ فِيمَا الْهَمْتَنِيهِ (٤) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا شَرَّفْتَنَا بِهِ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَمَا أَوْجَبْتَ لَنَا الْحَقَّ عَلَى الْخَلْقِ بِسَبَبِهِ. (٥) اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَهَابُهُمَا هَيْبَةَ السُّلْطَانِ الْعُسُوفِ، وَابْرُهُمَا بِرَّ الْأُمِّ الرَّؤُوفِ، وَاجْعَلْ طَاعَتِي لَوَالِدِي وَبِرِّي بِهِمَا أَقْرَ لِعَيْنِي مِنْ رَقْدَةِ الْوَسْنَانِ، وَائْتَلِجْ لِي صَدْرِي مِنْ شَرِبَةِ الظُّلْمَانِ حَتَّى أُوثِرَ عَلَى هَوَايَ هَوَاهُمَا، وَأُقَدِّمَ عَلَى رِضَايَ رِضَاهُمَا وَاسْتَكْبِرَ بِرَّهُمَا بِي وَإِنْ قَلَّ، وَاسْتَقِلَّ بِسَرِّي بِهِمَا وَإِنْ كَثُرَ. (٦) اللَّهُمَّ خَفِّضْ لهُمَا صَوْتِي، وَاطْبُ لهُمَا كَلَامِي، وَالِنْ لهُمَا عَرِيكِي، وَاعْظِفْ عَلَيْهِمَا قَلْبِي، وَصَيِّرْنِي بِهِمَا رَفِيقًا، وَعَلَيْهِمَا شَفِيقًا. (٧) اللَّهُمَّ اشْكُرْ لهُمَا تَرْبِيَّتِي، وَاثْبِتْهُمَا عَلَيَّ تَكْرِمَتِي، وَاحْفَظْ لهُمَا مَا حَفِظَاهُ مِنِّي فِي صِغَرِي. (٨) اللَّهُمَّ وَمَا مَسَّهُمَا مِنِّي مِنْ أَدَى، أَوْ خَلَصَ إِلَيْهِمَا عَنِّي مِنْ مَكْرُوهِ، أَوْ ضَاعَ قِبَلِي لهُمَا مِنْ حَقٍّ فَاجْعَلْهُ حِطَّةً لِدُنُوبِهِمَا، وَعُلُوءًا فِي دَرَجَاتِهِمَا، وَزِيَادَةً فِي حَسَنَاتِهِمَا، يَا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ بِأَضْعَافِهَا مِنَ الْحَسَنَاتِ. (٩) اللَّهُمَّ وَمَا تَعَدَّ يَا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ قَوْلٍ، أَوْ أَشْرَفَا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ فِعْلٍ، أَوْ ضَيَّعَا لِي مِنْ حَقٍّ، أَوْ قَصَّرَا بِي عَنْهُ مِنْ وَاجِبٍ فَقَدْ وَهَبْتُهُ لهُمَا، وَجُدْتُ بِهِ عَلَيْهِمَا وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ فِي وَضْعِ تَبِعْتِهِ عَنْهُمَا، فَإِنِّي لَا أَتَهُمُهُمَا عَلَى نَفْسِي، وَلَا أَسْتَبْطِئُهُمَا فِي بَرِّي، وَلَا أَكْرَهُ مَا تَوَلَّيَاهُ مِنْ أَمْرِي يَا رَبِّ.

(۲) الهی پدر و مادرم را به کرامت نزد خود و درود از سوی خود ممتاز کن. ای مهربانترین مهربانان. (۳) خداوندا بر محمد و آلش درود فرست، و دانستن آنچه در باره ایشان بر من لازم است به من الهام کن، و آموختن همه آن واجبات را بی کم و کاست برایم فراهم نما، آنگاه مرا به آنچه در این زمینه الهام کرده‌ای بکارگیر، و توفیقم ده تا نسبت به آنچه به من بصیرت می‌دهی اقدام کنم، تا بکار بستن چیزی از آنچه به من تعلیم داده‌ای از دستم نرود و از خدمتی که به من الهام فرموده‌ای احساس سنگینی نکند. (۴) خداوندا بر محمد و آلش درود فرست همانطور که ما را به وجودش شرافت بخشیدی و بر محمد و آلش درود فرست آن سان که به سبب آن حضرت برای ما حقی بر عهده مردم واجب نمودی. (۵) خداوندا چنان کن که از هیبت پدر و مادرم بسان هیبت سلطان خودکامه بیمناک باشم، و به هر دو چون مادری مهربان نیکی نمایم، و اطاعت از آنان و خوشرفتاری با آنان را در نظرم از لذت خواب در چشم خواب آلود شیرینتر و برای سینه‌ام از شربت گوارا در ذائقه تشنه گوارا تر گردان، تا خواسته ایشان را بر خواسته خود ترجیح دهم، و خرسندی آنان را بر خرسندی خود مقدم دارم، و خوبی ایشان در باره خود هر چند اندک باشد زیاده بینم، و نیکی خود را درباره ایشان هر چند بسیار باشد کم شمارم. (۶) خداوندا، صدایم را در محضر آنان ملایم کن، و گفتارم را بر آنان خوشایند فرما، و خویم را نسبت به آنان نرم کن، و قلبم را بر آنها مهربان ساز، و مرا نسبت به هر دو خوشرفتار و دلسوز قرار ده. (۷) خداوندا به آنها به پاس تربیت من جزای نیکو عنایت فرما و در مقابل آنکه مرا گرامی داشتند جزای خیر عطا فرما، و هر رنجی را در کودکی نسبت به من تحمل کرده‌اند در حق ایشان منظور کن. (۸) خداوندا اگر از جانب من آزاری به آنان رسیده یا از من کار ناخوشایندی دیده‌اند یا حقی از آنان بوسیله من از بین رفته همه را موجب پاک شدن آنان از گناهانشان و مایه رفعت مقامشان و افزونی حسناتشان قرار ده، ای که بدیها را با چندین برابر به خوبی تبدیل می‌کشی. (۹) الهی اگر در گفتار با من از اندازه بیرون رفته‌اند یا در عملی نسبت به من زیاده روی نموده‌اند یا حقی را از من ضایع کرده‌اند یا از وظیفه پدری و مادری در باره من کوتاهی نموده‌اند، من این حق خود را به آنان بخشیدم و آنرا مایه احسان بر آنها قرار دادم و از تو می‌خواهم که وزر و وبال آنرا از دوش آنان برداری زیرا که من نسبت به خود، آنان را متهم نمی‌کنم و آنان را در مهربانی در حق خودم سهل انگار نمی‌دانم و از آنچه درباره‌ام انجام داده‌اند ناراضی نیستم ای پروردگار من.

(١٠) فَهُمَا أَوْجَبُ حَقًّا عَلَيَّ، وَاقْدَمُ إِحْسَانًا إِلَيَّ، وَاعْظَمُ مِنَّةً لَدَيَّ
 مِنْ أَنْ أَقَاصَهُمَا بِعَدْلِ، أَوْ أُجَازِيَهُمَا عَلَيَّ مِثْلٍ، أَيْنَ إِذَا - يَا إِلَهِي -
 طَوَّلُ شُغْلِهِمَا بِتَرْبِيَّتِي؟! وَ أَيْنَ شِدَّةُ تَعَبِهِمَا فِي حِرَاسَتِي؟! وَ أَيْنَ
 اقْتَارُهُمَا عَلَيَّ أَنْفُسَهُمَا لِلتَّوَسُّعَةِ عَلَيَّ؟! (١١) هَيْهَاتَ مَا يَسْتَوْفِيَانِ
 مِنِّي حَقَّهُمَا، وَلَا أُدْرِكُ مَا يَجِبُ عَلَيَّ لَهُمَا، وَلَا أَنَابِقَاضِ وَظِيْفَةَ
 خِدْمَتِهِمَا، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاعْنِي يَا خَيْرَ مَنْ اسْتُعِينَ بِهِ،
 وَوَفَّقْنِي يَا أَهْدَى مَنْ رُغِبَ إِلَيْهِ، وَلَا تَجْعَلْنِي فِي أَهْلِ الْعُقُوقِ
 لِلْأَبَاءِ وَ الْأُمَّهَاتِ يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ.
 (١٢) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ، وَ اخْصُصْ أَبَوَيَّ بِأَفْضَلِ
 مَا خَصَّصْتَ بِهِ آبَاءَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ وَ أُمَّهَاتِهِمْ، يَا أَرْحَمَ
 الرَّاحِمِينَ. (١٣) اللَّهُمَّ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَهُمَا فِي أَذْبَارِ صَلَوَاتِي،
 وَ فِي إِنَاءِ لَيْلِي، وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِ نَهَارِي.
 (١٤) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ اغْفِرْ لِي بِدُعَائِي لَهُمَا، وَ اغْفِرْ
 لَهُمَا بِبِرِّهِمَا بِي مَغْفِرَةً حَثْمًا، وَ أَرْضَ عَنْهُمَا بِشَفَاعَتِي لَهُمَا
 رِضًى عَزْمًا، وَ بَلِّغُهُمَا بِالْكَرَامَةِ مَوَاطِنَ السَّلَامَةِ. (١٥) اللَّهُمَّ
 وَ إِنِ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ لَهُمَا فَشَفِّعْهُمَا فِيَّ، وَ إِنِ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ
 لِي فَشَفِّعْنِي فِيهِمَا حَتَّى نَجْتَمِعَ بِرَأْفَتِكَ فِي دَارِ كَرَامَتِكَ وَ مَحَلِّ
 مَغْفِرَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، وَ الْمَنَّ الْقَدِيمِ، وَ أَنْتَ
 أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.

(۱۰) زیرا رعایت حق آنان بر من واجبتر، و احسانشان نسبت به من دیرینتر و نعمتشان بر من بیشتر از آن است که آنان را از روی عدل قصاص کنم، یا نسبت به ایشان مانند آنچه نموده‌اند رفتار کنم، الهی اگر چنین کنم پس روزگار مدیدی که در تربیت من سپری کرده‌اند، ورنجهای زیادی که در نگاهداری من تحمّل نموده‌اند و آن همه که بر خود تنگ گرفتند تا به زندگی من گشایش بخشند چه می‌شود؟

(۱۱) بعید است که پدر و مادرم بتوانند حق خود را از من بستانند و من نمی‌توانم حقوقی را که از آنها بر عهده دارم تدارک نمایم و وظیفه خدمت آنان را انجام دهم، پس بر محمد و آلش درود فرست، و مرا یاری ده ای بهترین کسی که از تو یاری جویند، و مرا توفیق ده ای راهنماینده تر کسی که به او روی می‌آورند، و در آن روز که همه بدون آنکه بر آنان ستم رود جزا می‌بینند مرا در زمره آنان که عاق پدر و مادرند قرار مده.

(۱۲) خداوندا بر محمد و آل او و نسل او درود فرست، و پدر و مادرم را به بهترین چیزی که پدران و مادران بندگان با ایمانت را به آن امتیاز داده‌ای مخصوص گردان، ای مهربانترین مهربانان.

(۱۳) خداوندا یاد آنان را در پس نمازهایم، و در اوقات شبم و در ساعات روزم از صفحه قلبم مزدای.

(۱۴) خداوندا بر محمد و آلش درود فرست و مرا به برکت دعایی که برای آنان دارم بیامرز، و آنان را بخاطر خوبیهایی که در حق من داشته‌اند مشمول آمرزش حتمی خود قرار ده و به شفاعت و میانجیگری من از آنان بطور مسلم خشنود شو و آنان را با کرامت به سر منزل مقصودشان در بهشت برین برسان.

(۱۵) خداوندا اگر پدر و مادرم را پیش از من آمرزیدی پس ایشان را شفیع من قرار ده، و اگر مرا پیش از آنان مورد آمرزش خود قرار دادی پس مرا شفیع ایشان بنما، تا در پرتو مهربانیت در سرای کرامت، و جایگاه مغفرت و رحمتت گرد آئیم، زیرا که تو صاحب فضل بزرگ و نعمت دیرین هستی و تو مهربانترین مهربانانی.

﴿٢٥﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَوْلَدِهِ
عَلَيْهِمُ السَّلَامُ:

(١) اللَّهُمَّ وَمَنْ عَلَى بَقَاءِ وُلْدِي وَبِإِصْلَاحِهِمْ لِي وَبِامْتِنَاعِي
بِهِمْ. (٢) إِلَهِي أَمِدُّ لِي فِي أَعْمَارِهِمْ، وَزِدْ لِي فِي أَجَالِهِمْ،
وَرَبِّ لِي صَغِيرَهُمْ، وَقَوِّ لِي ضَعْفَهُمْ، وَأَصِحِّ لِي أَبْدَانَهُمْ
وَأَدْيَانَهُمْ وَأَخْلَاقَهُمْ، وَعَافِهِمْ فِي أَنْفُسِهِمْ وَفِي جَوَارِهِمْ
وَفِي كُلِّ مَا عُنِيتَ بِهِ مِنْ أَمْرِهِمْ، وَأَذِرْ لِي وَعَلَى يَدِي
أَرْزَاقَهُمْ. (٣) وَاجْعَلْهُمْ أَبْرَاراً أَتْقِيَاءَ بُصْرَاءَ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ
لَكَ، وَلَا وِلْيَاتِكَ مُحِبِّينَ مُنَاصِحِينَ، وَلِجَمِيعِ أَعْدَائِكَ مُغَانِدِينَ
وَمُبْغِضِينَ، آمِينَ. (٤) اللَّهُمَّ اشْدُدْ بِهِمْ عَضُدِي، وَأَقِمْ بِهِمْ
أَوْدِي، وَكَثِّرْ بِهِمْ عَدَدِي، وَزَيِّنْ بِهِمْ مَحْضَرِي، وَأَخِي بِهِمْ
ذِكْرِي، وَاكْفِنِي بِهِمْ فِي غَيْبِي، وَأَعِنِّي بِهِمْ عَلَى حَاجَتِي، وَاجْعَلْهُمْ
لِي مُحِبِّينَ، وَعَلَى حَدِيثِ مُقْبِلِينَ مُسْتَقِيمِينَ لِي، مُطِيعِينَ غَيْرَ
عَاصِينَ وَلَا عَاقِبِينَ وَلَا مُخَالِفِينَ وَلَا خَاطِبِينَ. (٥) وَأَعِنِّي عَلَى
تَرْبِيَّتِهِمْ وَتَأْدِيبِهِمْ وَبِرِّهِمْ، وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ مَعَهُمْ أَوْلَاداً ذُكُوراً،
وَاجْعَلْ ذَلِكَ خَيْراً لِي، وَاجْعَلْهُمْ لِي عَوْناً عَلَى مَا سَأَلْتُكَ.

دعای بیست و پنجم:

دعای آن حضرت درباره فرزندانش که بر آنان درود باد

(۱) خداوندا با بقای فرزندانم و با شایسته نمودن ایشان برای من و با برخوردارگی من از آنان، بر من منت گذار.

(۲) خداوندا عمر آنان را برابرم طولانی گردان، و ایام زندگیشان را برای من بیفزا و خردسالشان را برابرم تربیت کن و ناتوانشان را برابرم نیرو ده و بدنهای و دین و اخلاقشان را برابرم به سلامت دار، و به آنان در جان و اعضاء و هر کارشان که برابرم مهم است عافیت بخش و برای من و به دست من روزی آنان را وسعت ده.

(۳) و آنان را نیکوکارانی با تقوا، و صاحبان بصیرت و شنوای حق و مطیع خودگردان و نسبت به اولیاء خود عاشق و خیر خواه، و نسبت به دشمنان دشمن و کینه توز قرار ده، الهی دعایم را اجابت فرما.

(۴) خداوندا بازویم را با وجودشان نیرومند، و اختلال امورم را با آنان اصلاح و دودمانم را به سبب آنان بسیار، و مجلسم را با وجودشان آراسته و یادم را با آنان زنده دار و کارم را در نبودم بوسیله آنان کفایت کن و بدست آنان در بر آمدن نیازم یاریم کن آنان را دوستان من قرار ده و بر من عطف و مهربان ساز و رویشان را به سوی من و براه مستقیم من بدار تا از من اطاعت کنند و روی در نافرمانی من ننهند و نسبت به من نافرمانی و بدی و مخالفت و خطا نداشته باشند.

(۵) و مرا در تربیت و خوبی کردن به آنها یاری فرما و با عنایت خود علاوه بر آنان بر من فرزندان ذکور دیگر نیز عطا فرما و در این کار برابرم خیر قرار ده و آنان را بر آنچه از تو می خواهم یار و یاور قرار ده.

(٦) وَأَعَذَّنِي وَذَرَّيْتِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، فَإِنَّكَ خَلَقْتَنَا وَآمَرْتَنَا وَنَهَيْتَنَا وَرَغَبْتَنَا فِي ثَوَابِ مَا آمَرْتَنَا وَرَهَبْتَنَا عِقَابَهُ، وَجَعَلْتَ لَنَا عَدُوًّا يَكِيدُنَا، سَلَطْتَهُ مِنَّا عَلَى مَا لَمْ تُسَلِّطْنَا عَلَيْهِ مِنْهُ، أَسَكَّنْتَهُ صُدُورَنَا، وَاجْرَيْتَهُ مَجَارِيَ دِمَائِنَا، لَا يَعْقِلُ إِنْ عَقَلْنَا، وَلَا يَنْسَى إِنْ نَسِينَا، يَوْمِنَا عِقَابِكَ، وَيُخَوِّفُنَا بِغَيْرِكَ. (٧) إِنْ هَمَمْنَا بِفَاحِشَةٍ شَجَعْنَا عَلَيْهَا، وَإِنْ هَمَمْنَا بِعَمَلٍ صَالِحٍ تَبَطَّنَا عَنْهُ، يَتَعَرَّضُ لَنَا بِالشَّهَوَاتِ، وَيَنْصِبُ لَنَا بِالشُّبُهَاتِ، إِنْ وَعَدْنَا كَذِبًا، وَإِنْ مَتَّانًا أَخْلَفْنَا، وَإِلَّا تَصْرِفُ عَنَّا كَيْدَهُ يُضِلَّنَا، وَإِلَّا تَقِنَا خِبَالَهُ يَسْتَزِلَّنَا. (٨) اللَّهُمَّ فَاقْهَرُ سُلْطَانَهُ عَنَّا بِسُلْطَانِكَ حَتَّى تَحْبِسَهُ عَنَّا بِكَثْرَةِ الدُّعَاءِ لَكَ فَتُصْبِحَ مِنْ كَيْدِهِ فِي الْمَعْصُومِينَ بِكَ. (٩) اللَّهُمَّ أَعْظِي كُلَّ سُؤْلِي، وَاقْضِ لِي حَوَائِجِي، وَلَا تَمْنَعْنِي الْإِجَابَةَ وَقَدْ ضَمِنْتَهَا لِي، وَلَا تَحْجُبْ دُعَائِي عَنْكَ وَقَدْ آمَرْتَنِي بِهِ، وَأَمُنْ عَلَيَّ بِكُلِّ مَا يُصْلِحُنِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي مَا ذَكَرْتُ مِنْهُ وَمَا نَسِيتُ، أَوْ أَظْهَرْتُ أَوْ أَخْفَيْتُ أَوْ أَعْلَنْتُ أَوْ أَسْرَرْتُ. (١٠) وَاجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ بِسُؤَالِي إِيَّاكَ، الْمُتَّجِحِينَ بِالطَّلَبِ إِلَيْكَ غَيْرِ الْمَمْنُوعِينَ بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ. (١١) الْمُعَوَّدِينَ بِالتَّعَوُّذِ بِكَ، الرَّابِحِينَ فِي التَّجَارَةِ عَلَيْكَ، الْمُجَارِينَ بِعِزِّكَ، الْمُوسِعَ عَلَيْهِمُ الرِّزْقَ الْخَلَالَ مِنْ فَضْلِكَ، الْوَاسِعَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، الْمُعَزِّينَ مِنَ الذُّلِّ بِكَ، وَالْمُجَارِينَ مِنَ الظُّلْمِ بِعَدْلِكَ، وَالْمُعَافَيْنَ مِنَ الْبَلَاءِ بِرَحْمَتِكَ، وَالْمُعْنَيْنَ مِنَ الْفَقْرِ بِغِنَاكَ، وَالْمَعْصُومِينَ مِنَ الذُّنُوبِ وَالزَّلَلِ وَالْخَطَايَا بِتَقْوَاكَ، وَالْمُؤَقِّقِينَ لِخَيْرِ وَالرُّشْدِ وَالصَّوَابِ بِطَاعَتِكَ، وَالْمُحَالِ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الذُّنُوبِ بِقُدْرَتِكَ، التَّارِكِينَ لِكُلِّ مَعْصِيَتِكَ، السَّاكِنِينَ فِي جِوَارِكَ.

(۶) و مرا و فرزندانم را از شرّ شیطان رانده شده حفظ کن، زیرا تو ما را آفریده‌ای و به ما امر و نهی فرموده‌ای و در اجر اطاعت از امر خود تشویق کرده‌ای و به ارتکاب نهی خود با عذاب تهدیدمان نموده‌ای و برای ما دشمنی قرار داده‌ای که با ما نیرنگ می‌کند و به او تسلطی داده‌ای که ما به اندازه او سلطه‌ای نداریم او را در دل‌های ما جای داده‌ای و در شهربانهای خونمان روانه کرده‌ای اگر ما از او غفلت کنیم او از ما غافل نمی‌شود و اگر فراموشش کنیم او ما را فراموش نخواهد کرد ما را از عقاب تو ایمن می‌سازد و از غیر تو می‌ترساند. (۷) چون به کار زشت همت کنیم ما را به آن دلیر می‌نماید و چون به عمل صالح رو آوریم ما را از آن باز می‌دارد با شهوات در جستجوی ماست و با شبهات، برای ما دام می‌گسترده اگر به ما وعده دهد دورغ گوید و اگر ما را به نویدی دلخوش کند تخلف می‌کند ای خدای بزرگ اگر تو حيله و نیرنگش را از ما نگردانی ما را گمراه می‌کند و اگر از فساد او نگاهمان نداری ما را دچار لغزش می‌سازد. (۸) خداوند تسلط او را با سلطنت خودت از ما دور کن تا با دعای فراوان ما او را از ما بازداری تا در پناهت از نیرنگ او در زمره بی‌گناهان قرار گیریم. (۹) خداوند تمام خواسته‌هایم را عطا کن و حوائج ما را بر آور، مرا از اجابت دعا ممنوع نکن که تو خود استجابت دعا را برایم تضمین کرده‌ای و دعایم را از خودت محبوب مساز که تو خود مرا به دعا فرمان داده‌ای، ای خدای بزرگ بر من با هر چه که در این جهان و آن جهان باعث اصلاح حال من شود منت گذار خواه آن را یاد آور شده خواه فراموش کرده باشم اظهار کرده یا پوشیده باشم آشکارا در خواست کرده باشم یا در پنهانی. (۱۰) و در تمام این جهات به سبب تقاضایی که تنها از تو دارم مرا از کسانی که کار خود به اصلاح آورند قرار ده آنان که به درخواستشان از تو در شمار کامیابان در آمدند و به خاطر اعتماد بر تو از لطف محروم نشدند. (۱۱) از آن گروه که به پناه آوردن به تو خو کرده و از سوداگری با تو سود سرشار بردند آنان که در پناه عزت جای گرفتند و به جود و کرمت از فضل واسع تو روزی حلال وسیع یافتند و به عنایت تو از خواری به عزت رسیده و از ستم در پناه عدل تو زندگی می‌کنند و به رحمتت از بلا رهیده و به بی‌نیازی تو از فقر و نداری به توانگری رسیده‌اند و به حفظ تو از گناهان و لغزشها و خطاها در امان مانده و در سایه طاعتت به خیر و رشد و ثواب موفق گردیده‌اند و به قدرت تو میان آنان و گناهان حایلی ایجاد شده و هر گونه نافرمانی تو را رها کرده و در جوار رحمتت ساکن شده‌اند.

(١٢) اللَّهُمَّ أَعْطِنَا جَمِيعَ ذَلِكَ بِتَوْفِيقِكَ وَرَحْمَتِكَ، وَاعِدْنَا مِنْ عَذَابِ
السَّعِيرِ، وَأَعْطِ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ
وَالْمُؤْمِنَاتِ مِثْلَ الَّذِي سَأَلْتِكَ لِنَفْسِي وَلِوَلَدِي فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا
وَاجِلِ الْآخِرَةِ، إِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ سَمِيعٌ عَلِيمٌ عَفُورٌ رَوْفٌ رَحِيمٌ.
(١٣) وَاتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.

﴿٢٦﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِجِيرَانِهِ
وَأَوْلِيَانِهِ إِذَا ذَكَرَهُمْ:

(١) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَوَلَّى فِي جِيرَانِي وَمَوَالِي
الْعَارِفِينَ بِحَقِّنَا، وَالْمُنَابِذِينَ لِأَعْدَائِنَا بِأَفْضَلِ وَلَايَتِكَ. (٢) وَوَقِّفْهُمْ
لِاقَامَةِ سُنَّتِكَ، وَالْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ آدَبِكَ فِي إِزْفَاقِ ضَعِيفِهِمْ، وَسَدِّ
خَلَّتِهِمْ، وَعِيَادَةِ مَرِيضِهِمْ، وَهِدَايَةِ مُسْتَرَشِدِهِمْ، وَمُنَاصَحَةِ
مُسْتَشِيرِهِمْ، وَتَعَهُّدِ قَادِمِهِمْ، وَكِثْمَانِ أَسْرَارِهِمْ، وَسِتْرِ عَوْرَاتِهِمْ،
وَنُصْرَةِ مَظْلُومِهِمْ، وَحُسْنِ مُوَاسَاتِهِمْ بِالْمَاعُونَ، وَالْعَوْدِ عَلَيْهِمْ
بِالْجِدَّةِ وَالْإِفْضَالِ، وَإِعْطَاءِ مَا يَجِبُ لَهُمْ قَبْلَ السُّؤَالِ (٣) وَاجْعَلْنِي
اللَّهُمَّ أَجْزَى بِالْإِحْسَانِ مُسَيِّئُهُمْ، وَأَعْرِضْ بِالتَّجَاوُزِ عَنْ ظَالِمِهِمْ،
وَاسْتَعْمِلْ حُسْنَ الظَّنِّ فِي كَافَتِهِمْ، وَاتَوَلَّى بِالْبِرِّ عَامَّتَهُمْ، وَأَعْضُ
بَصْرِي عَنْهُمْ عِفَّةً، وَأَلِينُ جَانِبِي لَهُمْ تَوَاضَعًا، وَأَرِقُّ عَلَى أَهْلِ الْبَلَاءِ

(۱۲) خداوندا همه این امور را به توفیق و رحمت خودت به ما عطا فرما و ما را از عذاب دوزخ پناه ده و به مقام مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان همه آنچه را که برای خود و فرزندان از تو خواستم در این جهان فانی و در آخرت باقی عنایت کن که تو نزدیک و اجابت کننده و شنوا و دانا و عفو کننده و آمرزنده و دلسوز و مهربان هستی.

(۱۳) و ما را در دنیا حسنه و در آخرت حسنه مرحمت فرما و از عذاب جهنم حفظ کن.

دعای بیست و ششم: درباره همسایگان و دوستانش

(۱) بار خدایا بر محمد و آلش درود فرست و مرا در مورد رعایت حق همسایگان و دوستانم که به حق ما معرفت دارند و با دشمنان ما در ستیزند به بهترین صورت یاری فرما. *مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی*

(۲) و ایشان را برای به پا داشتن سنت خود و بکار گرفتن آداب نیکویت در ارفاق به ضعیفان و بر آوردن حاجت آنان و عیادت بیماران و هدایت راهجویان و خیرخواهی نسبت به مشورت کنندگان و دیدار نمودن از مسافران برگشته به وطن و پنهان داشتن راز مردمان و پوشاندن عیوب ایشان و یاری دادن به ستم دیدگان و حسن مواسات در مایحتاج زندگی با آنان و دریغ نورزیدن از پیشکش و بخشش فراوان و عطا کردن آنچه برای آنان ضروری است، پیش از درخواست موفق فرما.

(۳) بار خدایا مرا توفیق ده که پاداش بدکارشان با احسان دهم و از ستمکارشان باگذشت و بخشش صرف نظر کنم و نسبت به همه آنان با گمان نیک رفتار کنم و با همه آنان به نیکی رفتار کنم و چشم از خطای آنان عقیقانه بپوشم و از باب فروتنی با ایشان نرم باشم و بر بلادیدگان آنان از روی رحمت رقت آورم و در نبودشان دوستی و محبت خود را بر آنان فراوان سازم و از سر اخلاص دوام

مِنْهُمْ رَحْمَةً، وَأَسِرْ لَهُمْ بِالْغَيْبِ مَوَدَّةً، وَأَحِبُّ بَقَاءَ النُّعْمَةِ عِنْدَهُمْ نُصْحًا،
وَأُوجِبْ لَهُمْ مَا أُوجِبُ لِخَاصَّتِي، وَأَزْعِ لَهُمْ مَا أَزْعِي لِخَاصَّتِي.
(٤) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنِي مِثْلَ ذَلِكَ مِنْهُمْ، وَاجْعَلْ
لِي أَوْفَى الْحُظُوظِ فِيمَا عِنْدَهُمْ، وَزِدْهُمْ بَصِيرَةً فِي حَقِّي، وَمَعْرِفَةً
بِفَضْلِي حَتَّى يَسْعَدُوا بِي وَاسْعَدَ بِهِمْ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

(٢٧)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَهْلِ الثُّغُورِ:

(١) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَحَصِّنْ ثُغُورَ الْمُسْلِمِينَ بِعِزَّتِكَ،
وَإَيْدِ حُمَاتِهَا بِقُوَّتِكَ، وَأَسْبِغْ عَطَايَاهُمْ مِنْ جِدَّتِكَ. (٢) اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَكَثِّرْ عِدَّتَهُمْ، وَاشْحِذْ أَسْلِحَتَهُمْ، وَاحْرُسْ
حُوزَتَهُمْ، وَامْنَعْ حَوْمَتَهُمْ، وَالْفَجَمْعَهُمْ، وَدَبِّرْ أَمْرَهُمْ، وَوَاتِرِ بَيْنَ
مِيرِهِمْ، وَتَوَحَّدْ بِكِفَايَةِ مُؤَنِهِمْ، وَاعْضُدْهُمْ بِالنَّصْرِ، وَاعْنَهُمْ بِالصَّبْرِ،
وَاطْفُفْ لَهُمْ فِي الْمَكْرِ. (٣) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَعَرَّفْهُمْ مَا
يَجْهَلُونَ، وَعَلَّمْهُمْ مَا لَا يَعْلَمُونَ، وَبَصِّرْهُمْ مَا لَا يُبْصِرُونَ. (٤) اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْسِهِمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذِكْرَ دُنْيَاهُمْ
الْخَدَاعَةِ الْغُرُورِ، وَامْحُ عَنْ قُلُوبِهِمْ خَطَرَاتِ السَّالِ الْفِتُونِ،
وَاجْعَلِ الْجَنَّةَ نَصَبَ أَعْيُنِهِمْ، وَكُوحَ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِيهَا
مِنْ مَسَاكِنِ الْخُلْدِ وَمَنَارِلِ الْكِرَامَةِ وَالْحُورِ الْحِسَانِ وَالْأَنْهَارِ

نعمت آنان را آرزو کنم و هر چه را برای خویشان خود لازم می‌دانم در حق آنان لازم بدانم و آنچه را برای نزدیکان خود رعایت می‌کنم برای آنان نیز رعایت نمایم.

(۴) خداوندا بر محمد و آل او درود فرست و بر من نیز چنین رفتاری را از سوی آنان نصیب فرما و برایم از بیشترین بهره‌ها و نیکی‌هایی که نزد آنان است قرار ده و بصیرت آنان در حق من و معرفتشان را به فضل من زیاد کن تا به وسیله من اهل سعادت شوند و من نیز به سبب آنان سعادت‌مند شوم خداوندا دعایم را مستجاب فرما.

دعای بیست و هفتم:

دعای آن حضرت برای مرز داران

(۱) بار الها بر محمد و آلش درود فرست و سرحدات و مرزهای مسلمانان را به عزّت پاس دار و نگهبانان مرزها را به قوّت تأیید کن و عطایای ایشان را به توانگری بی‌پایانت سرشار ساز.

(۲) بار خدایا بر محمد و آلش درود فرست و بر شمار ایشان بیفزا و اسلحه و جنگ افزارشان را برائی ده و از قلمرو آنان محافظت فرما و جوانب جبهه آنان را محکم و نفوذ ناپذیر گردان و جمع آنان را یکدل و هماهنگ ساز و کارشان را روبراه کن و آذوقه‌شان را پیاپی برسان و خود به تنهایی مؤونه آنان را کفایت فرما و به نصرت خود تقویتشان فرما و به صبر یاریشان ده و بر آنها در چاره جوئیها مهربان باش.

(۳) بار خدایا بر محمد و آلش درود فرست و به آنان آنچه نمی‌دانند بیاموز و از آنچه بی‌خبرند آگاهشان ساز و به آنچه بینش ندارند بینش عطا کن.

(۴) بار خدایا بر محمد و آلش درود فرست و به هنگام برخورد با دشمن، دنیای دلفریب را از خاطرشان ببر و اندیشه‌های مال و دارائی فتنه‌انگیز را از دلهاشان محو کن و بهشت را نصب العین آنان قرار ده و در برابر دیدگانشان آنچه که در بهشت فراهم آورده‌ای از مساکن ابدی و منازل کرامت و حوریان زیبا روی

الْمُطْرَدَةَ بِأَنْوَاعِ الْأَشْرِبَةِ وَالْأَشْجَارِ الْمُتَدَلِّيَةِ بِصُنُوفِ الثَّمَرِ حَتَّى
 لَا يَهُمُّ أَحَدٌ مِنْهُمْ بِالْأَذْبَارِ، وَلَا يُحَدِّثُ نَفْسَهُ عَنْ قِرْنِهِ بِفِرَارٍ.
 (٥) اللَّهُمَّ افْلُلْ بِذَلِكَ عَدُوَّهُمْ، وَاقْلِمْ عَنْهُمْ أَظْفَارَهُمْ، وَفَرِّقْ
 بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ أَسْلِحَتِهِمْ، وَاخْلَعْ وَثَائِقَ أَفْئِدَتِهِمْ، وَبَاعِدْ بَيْنَهُمْ
 وَبَيْنَ أَرْوَادَتِهِمْ، وَحَيِّرْهُمْ فِي سُئُلِهِمْ، وَضَلِّلْهُمْ عَنْ وَجْهِهِمْ،
 وَاقْطَعْ عَنْهُمْ الْمَدَدَ، وَانْقُصْ مِنْهُمْ الْعَدَدَ، وَامْلَأْ أَفْئِدَتَهُمُ الرُّعْبَ،
 وَاقْبِضْ أَيْدِيَهُمْ عَنِ الْبَسْطِ، وَاخْزِمِ أَلْسِنَتَهُمْ عَنِ النُّطْقِ، وَشَرِّدْ
 بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ وَنَكِّلْ بِهِمْ مَنْ وَرَاءَهُمْ، وَاقْطَعْ بِخَزْيِهِمْ أَطْمَاعَ
 مَنْ بَعْدَهُمْ. (٦) اللَّهُمَّ عَقِّمْ أَرْحَامَ نِسَائِهِمْ، وَبَيِّسْ أَضْلَابَ رِجَالِهِمْ،
 وَاقْطَعْ نَسْلَ دَوَابِّهِمْ وَأَنْعَامِهِمْ، لَا تَأْذَنَ لِسَمَائِهِمْ فِي قَطْرِ،
 وَلَا لِأَرْضِهِمْ فِي نَبَاتٍ. (٧) اللَّهُمَّ وَقُوْ بِذَلِكَ مِحَالِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ،
 وَحَصِّنْ بِهِ دِيَارَهُمْ، وَتَمْرِبْ أَمْوَالَهُمْ، وَفَرِّغْهُمْ عَنْ مُحَارَبَتِهِمْ
 لِعِبَادَتِكَ، وَعَنْ مُنَابَذَتِهِمْ لِلْخَلْوَةِ بِكَ حَتَّى لَا يُعْبَدَ فِي بَقَاعِ الْأَرْضِ
 غَيْرُكَ، وَلَا تُعَفَّرَ لِأَحَدٍ مِنْهُمْ جَبْهَةٌ دُونِكَ. (٨) اللَّهُمَّ اغْرُبْ كُلَّ
 نَاحِيَةٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَلَى مَنْ يَبْزَأُهُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، وَآمِدْهُمْ
 بِمَلَائِكَةٍ مِنْ عِنْدِكَ مُرَدِّفِينَ حَتَّى يَكْشِفُوهُمْ إِلَى مُنْقَطِعِ الثَّرَابِ قَتْلًا
 فِي أَرْضِكَ وَأَسْرًا، أَوْ يُقَرُّوا بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ
 لَا شَرِيكَ لَكَ. (٩) اللَّهُمَّ وَاعْمَمْ بِذَلِكَ أَعْدَاءَكَ فِي أَقْطَارِ الْبِلَادِ
 مِنَ الْهِنْدِ وَالرُّومِ وَالتُّرْكِ وَالْخَزَرِ وَالْحَبَشِ وَالنُّوبَةِ وَالزَّنْجِ
 وَالسَّقَالِبَةِ وَالدِّيَالِمَةِ وَسَائِرِ أُمَّمِ الشُّرْكِ، الَّذِينَ تَخْفَى أَسْمَاؤُهُمْ
 وَصِفَاتُهُمْ، وَقَدْ أَحْصَيْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ، وَأَشْرَفْتَ عَلَيْهِمْ بِقُدْرَتِكَ.

و نهرهای روان با آشامیدنهای رنگارنگ و درختانی بارور با میوه‌های گوناگون جلوه ده تا هیچ کدام از آنان آهنگ پشت کردن به دشمن ننماید و فکرگریز از هم‌آورد را از خاطر نگذارند.

(۵) بار خدایا بدین وسیله دشمنانشان را درهم شکن و چیره‌گی دشمن را نسبت به آنان نابود کن و بین دشمن و جنگ افزارشان جدایی افکن و بندهای دلشان را بگسل و میان دشمن و ره توشه آنان جدایی انداز و در راهها سرگردانشان کن و از مقصد گمراهشان ساز و کمک و مدد را از آنان قطع فرما و از شمار آنها بکاه و دلشان را پر از رعب و وحشت کن و دستشان را از انجام فعالیت گسترده کوتاه کن و زبانشان را از سخن بر علیه آنان قطع فرما و با شکست دشمن، جمع پشت سر ایشان را متفرق کن و بواسطه شکست اینان، پیروانشان را از ادامه جنگ باز دار و باخواری و زبونی آنها، طمع کسانی را که پس از آنها می‌آیند قطع فرما.

(۶) بار خدایا زنانشان را از بارداری عقیم کن و صلب مردانشان را خشک فرما و نسل چهارپایان و گاو و گوسفندشان را قطع کن، به آسمانشان اجازه باریدن و به زمینشان اذن روئیدن مده. (۷) الهی بدانچه از تو خواستم قدرت و تدبیر اسلامیان را نیرو بخش و شهرهایشان را در دژ مستحکم قرار ده و اموالشان را فزونی ده و خاطرشان را از جنگ با دشمن برای بندگی خودت و از کارزار با آنان برای خلوت و راز و نیاز با خودت آسوده کن تا در سراسر زمین تو جز تو را نپرستند و احدی از آنان جز برای تو صورت به خاک نسایند. (۸) بار خدایا به وسیله مسلمانان در هر ناحیه با مشرکانی که در برابر آنانند مبارزه کن و برایشان از جانب خود با صفوف پیایی از فرشتگان مدد فرست تا دشمنان را به دورترین نقطه زمین رانده و شرشان را با کشتن و اسارت آنان از سر مردم بردارند یا اینکه به وحدانیت تو که برایت هم‌تا و شریکی نیست اقرار نمایند.

(۹) بار خدایا همه دشمنانت را به این سرنوشت گرفتار کن در هر سرزمینی که باشند چه در هند و روم و ترکستان و خزر و حبشه و نوبه و زنگبار و سرزمین سقالبه و دیلمان و دیگر طوائف مشرکین که نام و نشانشان بر ما معلوم نیست و تو به علم خود شمارشان را می‌دانی و به قدرت خود برایشان اشراف داری.

(١٠) اللَّهُمَّ اشْغَلِ الْمُشْرِكِينَ بِالْمُشْرِكِينَ عَنْ تَنَاوُلِ أَطْرَافِ
 الْمُسْلِمِينَ، وَخُذْهُمْ بِالنَّقْصِ عَنْ تَنْقُصِهِمْ، وَثَبِّطْهُمْ بِالْفُرْقَةِ
 عَنِ الْإِحْتِشَادِ عَلَيْهِمْ. (١١) اللَّهُمَّ أَخْلِ قُلُوبَهُمْ مِنَ الْأَمَنَةِ، وَابْدَأْهُمْ
 مِنَ الْقُوَّةِ، وَادَّهِلْ قُلُوبَهُمْ عَنِ الْإِحْتِيَالِ، وَأَوْهِنِ أَرْكَانَهُمْ عَنِ
 مُنَازَلَةِ الرِّجَالِ، وَجَبِّئْهُمْ عَنِ مُقَارَعَةِ الْأَبْطَالِ، وَابْعَثْ عَلَيْهِمْ
 جُنْدًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ بِبَاسٍ مِنْ بَاسِكَ كَفِعْلِكَ يَوْمَ بَدْرٍ، تَقْطَعُ بِهِ
 دَابِرَهُمْ وَتَخْصُدُ بِهِ شَوْكَتَهُمْ، وَتُفَرِّقُ بِهِ عَدَدَهُمْ. (١٢) اللَّهُمَّ
 وَامْرِجْ مِيَاهَهُمْ بِالْوَبَاءِ، وَأَطْعِمْتَهُمْ بِالْأَدْوَاءِ، وَارْمِ بِبِلَادِهِمْ
 بِالْخُسُوفِ، وَالْحَاحَّ عَلَيْهَا بِالْقُدُوفِ، وَافْرَعْهَا بِالْمُحُولِ،
 وَاجْعَلْ مِيرَهُمْ فِي أَحْصَ أَرْضِكَ وَابْعِدْهَا عَنْهُمْ، وَامْنَعْ حُصُونَهَا
 مِنْهُمْ، أَصِيبْهُمْ بِالْجُوعِ الْمُقِيمِ وَالسُّقْمِ الْأَلِيمِ. (١٣) اللَّهُمَّ وَائِمَّا
 غَارَ غَزَاهُمْ مِنْ أَهْلِ مِلَّتِكَ، أَوْ مُجَاهِدٍ جَاهَدَهُمْ مِنْ أَتْبَاعِ سُنَّتِكَ
 لِيَكُونَ دِينُكَ الْأَعْلَى وَحِزْبُكَ الْأَقْوَى وَحَظُّكَ الْأَوْفَى فَلَقَهُ
 الْيُسْرَ، وَهَيَّئْ لَهُ الْأَمْرَ، وَتَوَلَّهُ بِالنُّجْحِ، وَتَخَيَّرْ لَهُ الْأَضْحَابَ،
 وَاسْتَقْوِ لَهُ، الظَّهْرَ، وَأَسْبِغْ عَلَيْهِ فِي النَّفَقَةِ، وَمَتَّعْهُ بِالنَّشَاطِ،
 وَأَطْفِ عَنهُ حَرَارَةَ الشَّوْقِ، وَأَجِرْهُ مِنْ غَمِّ الْوَحْشَةِ، وَأَنْسِ بِهِ
 ذِكْرَ الْأَهْلِ وَالْوَالِدِ. (١٤) وَأَثِرْ لَهُ حُسْنَ النَّيَّةِ، وَتَوَلَّهُ بِالْغَافِيَةِ،
 وَأَضْحِبْهُ السَّلَامَةَ، وَأَغْفِ مِنْ الْجُبْنِ، وَالْهَمَّهُ الْجُرْأَةَ،
 وَارْزُقْهُ الشَّدَّةَ، وَأَيِّدْهُ بِالنُّصْرَةِ، وَعَلِّمَهُ السَّيْرَ وَالسُّنْنَ،
 وَسَدِّدْهُ فِي الْحُكْمِ، وَأَعْرِزْ عَنهُ الرِّيَاءَ، وَخَلِّصْهُ مِنَ السُّمْعَةِ،
 وَاجْعَلْ فِكْرَهُ وَذِكْرَهُ وَظَعْنَهُ وَإِقَامَتَهُ، فِيكَ وَلَكَ.

(۱۰) بار خدایا مشرکان را با گرفتار شدن به خویش از دستیابی بر سرزمینهای مسلمانان بازدار و آنان را با کاستن عددشان از کاستن مسلمین بازدار و رشته اتحادشان را با تفرقه بگسل تا از همدستی علیه مسلمانان بازمانند.

(۱۱) خدایا دلهاشان را از آرامش و بدنهایشان را از توانایی بی بهره کن و دلهاشان را از چاره جویی غافل ساز و اعضائشان را در هموردی با مردان مسلمان سست گردان و از زد و خورد با دلیرمردان اسلام در دلشان هراس افکن و سپاهی از ملائکهات را برای ترس و عذاب بر آنان برانگیز چنانکه روز بدر چنین کردی و بدینسان بنیانشان را بر کنی و شوکتشان را ریشه کن سازی و جمعیتشان را پراکنده نمایی.

(۱۲) بار خدایا آب آشامیدنی آنان را به وبا و خوراکشان را به بیماریها مخلوط کن و شهرهایشان را در زمین فرو بر و پیوسته بر آنان سنگ بباران و به قحطی و خشکسالی دچارشان ساز و آذوقه آنان را در بی برکت ترین و دورترین نقاط زمین قرار ده و دژهای آن زمین را از حفاظت آنان بازدار و گرسنگی دائم و بیماری دردناک به آنان برسان.

(۱۳) خدایا هر رزمنده از اهل آیین تو که با آنان برخورد کند و هر مجاهد از پیروان سنت تو که با آنان جهاد نماید تا دین تو برتری یابد و حزب تو نیرومندتر شود و بهره دوستان تو در اعتلای دینت افزون گردد پس آسانی نصیبش کن و کار را بر او سهل فرما و رستگاری او را تو خود بر عهده گیر و برایش همنشینان نیکو برگزین و پشت وی را قوی کن و در آمدش را فراوان گردان و او را از نشاط و خرّمی کامیاب ساز و آتش شوق و آرزو را در دلش فرو نشان و او را از غم و وحشت تنهایی پناه ده یاد همسر و فرزندان را از دلش بیرون کن.

(۱۴) و نیت نیکو را برایش برگزین و عافیتش را خودت به عهده گیر و سلامت را ره توشه اش قرار ده و او را از ترس معاف دار و به او جرأت ده و نیرومندی را روزیش کن و به نصرت خود تأییدش فرما و سیره و سنن اسلامی را به او تعلیم کن و در داوری محکم و پایدارش گردان و ربا را از او دور کن و از عشق به شهرت و آوازه رهاییش بخش و فکر و ذکر و مسافرت و اقامتش را در راه خود و برای خود قرار ده.

(١٥) فَإِذَا صَافَ عَدُوَّكَ وَ عَدُوَّهُ فَقَلِّلْهُمْ فِي عَيْنِهِ، وَ صَغِّرْ شَأْنَهُمْ فِي قَلْبِهِ، وَ أَدِلْ لَهُ مِنْهُمْ، وَ لَا تُدِلَّهُمْ مِنْهُ، فَإِنْ خَتَمْتَ لَهُ بِالسَّعَادَةِ، وَ قَضَيْتَ لَهُ بِالشَّهَادَةِ فَبَعْدَ أَنْ يَجْتَاحَ عَدُوَّكَ بِالْقَتْلِ، وَ بَعْدَ أَنْ يَجْهَدَ بِهِمُ الْآسْرُ، وَ بَعْدَ أَنْ تَأْمَنَ أَطْرَافُ الْمُسْلِمِينَ، وَ بَعْدَ أَنْ يُوَلِّيَ عَدُوَّكَ مُدْبِرِينَ. (١٦) اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَارِيًّا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ، أَوْ تَعَهَّدَ خَالِفِيهِ فِي غَيْبَتِهِ، أَوْ أَعَانَهُ بِطَائِفَةٍ مِنْ مَالِهِ، أَوْ أَمَدَّهُ بِعِتَادٍ، أَوْ شَحَذَهُ عَلَى جِهَادٍ، أَوْ اتَّبَعَهُ فِي وَجْهِهِ دَعْوَةً، أَوْ رَعَى لَهُ مِنْ وَرَائِهِ حُرْمَةً، فَاجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَ زَنًا بِوِزْنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلِ، وَ عَوِّضْهُ مِنْ فِعْلِهِ عَوِّضًا حَاضِرًا يَتَعَجَّلُ بِهِ نَفْعَ مَا قَدَّمَ وَ سُرُورَ مَا أَتَى بِهِ، إِلَى أَنْ يَنْتَهِيَ بِهِ الْوَقْتُ إِلَى مَا أَجْرَيْتَ لَهُ مِنْ فَضْلِكَ، وَ أَعَدَدْتَ لَهُ مِنْ كَرَامَتِكَ. (١٧) اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ أَهَمَّهُ أَمْرُ الْإِسْلَامِ، وَ أَحْزَنَهُ تَحَرُّبُ أَهْلِ الشَّرْكِ عَلَيْهِمْ فَنَوَى غَزْوِي، أَوْ هَمَّ بِجِهَادٍ فَقَعَدَ بِهِ ضَعْفٌ، أَوْ أَبْطَأَتْ بِهِ فَاقَةٌ، أَوْ آخَرَهُ عَنْهُ حَادِثٌ، أَوْ عَرَضَ لَهُ دُونَ إِرَادَتِهِ مَانِعٌ فَكَتُبْ اسْمَهُ فِي الْعَابِدِينَ، وَ أَوْجِبْ لَهُ ثَوَابَ الْمُجَاهِدِينَ، وَ اجْعَلْهُ فِي نِظَامِ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ. (١٨) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، صَلَوةً عَالِيَةً عَلَى الصَّلَوَاتِ، مُشْرِفَةً فَوْقَ التَّحِيَّاتِ، صَلَوةً لَا يَنْتَهِي أَمَدُهَا، وَ لَا يَنْقَطِعُ عَدَدُهَا كَاتِمٌ مَا مَضَى مِنْ صَلَوَاتِكَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ، إِنَّكَ الْمَنَّانُ الْحَمِيدُ الْمُبْدِي الْمُعِيدُ الْفَعَالُ لِمَا تُرِيدُ.

(۱۵) و وقتی که با دشمنانت که دشمن او نیز هستند به مصاف ایستد، شمار ایشان را در چشم او اندک نمای و شأن و مقامشان را در دل او کوچک ساز و او را بر دشمنان پیروزی غنایت فرما و دشمن را بر او پیروز مساز و اگر زندگی او را به نیکبختی پایان دادی و شهادت را سرنوشت او ساختی شهادتش را وقتی قرار ده که دشمنت را ریشه کن ساخته و اسارت، آنان را به رنج و تعب افکنده و اطراف مرزهای مسلمین امنیت یافته و دشمنت هزیمت کرده باشد.

(۱۶) بار خدایا به وقتی که جنگجو در میدان جنگ است و مرزدار به مرزداری مشغول است هر مسلمانی را که به امور خانه آنها رسیدگی کند یا در نبود او به کفالت خانواده اش برخیزد یا او را به قسمتی از مال خود یاری دهد یا او را به ساز و برگ جنگ کمک رساند یا همت او را به نبرد با دشمن برانگیزد یا در حضور او در باره اش دعای خیر کند یا حرمتش را در نبود وی رعایت کند به او نیز اجر همان رزمنده را همسنگ آن عنایت کن و عمل او را پاداشی نقد عطا فرما که بدون درنگ سود خیری را که پیشاپیش فرستاده و شادی خاطر که نتیجه کار اوست در همین دنیا به چنگ آورد تا آنکه فرارسد زمان فضل و پاداشی که بر او روا داشته‌ای و کرامتی که برای او آماده ساخته‌ای.

(۱۷) بار خدایا هر مسلمانی که امر اسلام او را مهم آید و از اجتماع اهل شرک در برابر ملت اسلام اندوهگین شود تا جایی که قصد جنگ کند یا آهنگ جهاد نماید ولی ضعف و ناتوانی او را خانه نشین کند یا تنگدستی کارش را کند سازد یا پیشامدی تصمیم او را به تأخیر اندازد یا در برابر اراده اش مانعی قرار گیرد پس نامش را در زمره عابدان بنگار و ثواب مجاهدان را بر او حتمی گردان و وی را در زمره شهیدان و صالحان قرار ده.

(۱۸) بار خدایا بر محمد که بنده و فرستاده توست و بر آتش درود فرست درودی برتر از درودها و بالاتر از تحیت‌ها درودی که زمانش پایان نپذیرد و رشته شمار آن قطع نگردد مانند کاملترین درودهایی که در روزگاران گذشته به هر یک از اولیائت نثار فرمودی چرا که تو عطا بخش ستوده‌ای، آغاز کننده و بازگرداننده‌ای و تویی که هر چه اراده فرمایی انجام دهی.

(٢٨)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مُتَفَرِّعاً
إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

(١) اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَخْلَصْتُ بِاِثْقَاعِيْ اِلَيْكَ (٢) وَاَقْبَلْتُ بِكُلِّيْ عَلَيْكَ
(٣) وَصَرَفْتُ وَجْهِيْ عَمَّنْ يَخْتَّاجُ اِلَيَّ رِفْدِكَ (٤) وَقَلْبْتُ مَسْأَلَتِيْ
عَمَّنْ لَمْ يَسْتَعْنِ عَن فَضْلِكَ (٥) وَرَاَيْتُ اَنَّ طَلَبَ الْمُحْتَاجِ اِلَى
الْمُحْتَاجِ سَفَهُ مِنْ رَاْيِهِ وَضَلَّةٌ مِنْ عَقْلِهِ. (٦) فَكَمْ قَدْ رَاَيْتُ - يَا
اِلٰهِيْ - مِنْ اُنَاسٍ طَلَبُوا الْعِزَّ بِغَيْرِكَ فَذَلُّوا، وَرَامُوا الثَّرْوَةَ مِنْ سِوَاكَ
فَاَفْتَقَرُوا، وَخَاوَلُوا الْاِرْتِفَاعَ فَاتَّضَعُوا. (٧) فَصَحَّ بِمُعَايِنَةِ اَمْثَالِهِمْ
حَازِمٌ وَفَقَّهُ اِعْتِبَارُهُ، وَارْشَدَهُ اِلَى طَرِيْقِ صَوَابِهِ اِخْتِيَارُهُ. (٨) فَاَنْتَ
يَا مَوْلَايَ دُونَ كُلِّ مَسْئُوْلٍ مَوْضِعُ مَسْأَلَتِيْ، وَدُونَ كُلِّ مَطْلُوْبٍ اِلَيْهِ
وَلِيٌّ حَاجَتِيْ (٩) اَنْتَ الْمَخْصُوْصُ قَبْلَ كُلِّ مَدْعُوٍّ بِدَعْوَتِيْ، لَا
يَشْرَكَكَ اَحَدٌ فِي رَجَائِيْ، وَلَا يَتَّفِقُ اَحَدٌ مَعَكَ فِي دُعَائِيْ، وَلَا يَنْظِمُهُ
وَإِيَّاكَ نِدَائِيْ (١٠) لَكَ - يَا اِلٰهِيْ - وَخَدَائِيَّةُ الْعَدَدِ، وَمَلَكَةُ الْقُدْرَةِ
الصَّمَدِ، وَفَضِيْلَةُ الْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ، وَدَرَجَةُ الْعُلُوِّ وَالرَّفْعَةِ. (١١) وَمَنْ
سِوَاكَ مَرْحُوْمٌ فِي عُمْرِهِ، مَغْلُوْبٌ عَلَى اَمْرِهِ، مَقْهُوْرٌ عَلَى شَأْنِهِ،
مُخْتَلِفٌ الْاَحَالَاتِ، مُتَنَقِّلٌ فِي الصِّفَاتِ (١٢) فَتَعَالَيْتَ عَنِ الْاَشْبَاهِ
وَالْاَضْدَادِ، وَتَكَبَّرْتَ عَنِ الْاَمْثَالِ وَالْاَنْدَادِ، فَسُبْحَانَكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ.

دعای بیست و هشتم:

به وقت پناه بردن به خدای عزوجل

- (۱) بار خدایا من با انقطاع از غیر و پیوستنم به تو خود را از هر شائبه‌ای خالص کرده‌ام.
- (۲) و با تمام وجود به تو رو آورده‌ام.
- (۳) و از آنکه نیازمند به عطای توست روی گردانده‌ام.
- (۴) و در خواست خود را از کسی که از فضل تو بی‌نیاز نیست گردانده‌ام
- (۵) و دانستم که حاجت خواستن محتاج از محتاج دیگر به خاطر سبک‌رایی و گمراهی عقل اوست.
- (۶) چه بسیار مردم را دیده‌ام که از غیر تو عزت خواستند و خوار شدند و از غیر تو ثروت طلبیدند و تهیدست گشتند و در طلب بلندی و مقام برآمدند و پست شدند.
- (۷) پس انسان دوراندیش بدیدن امثال ایشان بر راه راست رود و پندگرفتنش مایهٔ توفیق او شود و این انتخاب او را به راه صواب رهنمون گردد.
- (۸) پس ای مولای من، مرجع خواهش من تویی نه هیچ مسؤل دیگر. و برآورندهٔ نیازم تویی نه هرکس که از او طلب و خواهش می‌شود.
- (۹) پیش از آنکه کسی را بخوانم فقط تو را می‌خوانم، احدی در چشم انداز امید من با تو شریک نیست و در دعای من هیچ کس با تو رقیب نمی‌باشد و ندای من کسی را با تو همسنگ و برابر نمی‌کند.
- (۱۰) الهی وحدانیت و یگانگی و ملکهٔ قدرت بی‌نیاز و فضیلت توان و قوت و بلندپایگی و رفعت شایستهٔ تو است.
- (۱۱) و ماسوای تو در همهٔ عمر خود نیازمند رحمت تو و در کار خویش عاجز و مغلوب و در امور خود ناتوان است و حالاتش گوناگون و صفاتش ناپایدار است.
- (۱۲) پس تو برتر از آنی که همانند و همتایی داشته باشی و بزرگتر از آنی که همسان و همتایی برای تو باشد. پس پاک و منزهی معبودی جز تو نیست.

﴿٢٩﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قُتِرَ عَلَيْهِ الرِّزْقُ:

(١) اللَّهُمَّ إِنَّكَ ابْتَلَيْتَنَا فِي أَرْزَاقِنَا بِسُوءِ الظَّنِّ، وَفِي أَجَالِنَا بِطُولِ
الْأَمَلِ حَتَّى التَّمَسْنَا أَرْزَاقَكَ مِنْ عِنْدِ الْمَرْزُوقِينَ، وَطَمِعْنَا بِأَمَالِنَا فِي
أَعْمَارِ الْمُعَمَّرِينَ. (٢) فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهَبْ لَنَا يَقِينًا صَادِقًا
تَكْفِينًا بِهِ مِنْ مَوْوَنَةِ الطَّلَبِ، وَالْهَمْنَا ثِقَةً خَالِصَةً تُغْفِينَا بِهَا مِنْ شِدَّةِ
النَّصَبِ (٣) وَاجْعَلْ مَا صَرَخْتَ بِهِ مِنْ عِدَّتِكَ فِي وَحْيِكَ، وَاتَّبَعْتَهُ مِنْ
قَسَمِكَ فِي كِتَابِكَ، قَاطِعًا لَاهْتِمَامِنَا بِالرِّزْقِ الَّذِي تَكَفَّلْتَ بِهِ، وَحَسْمًا
لِلِاشْتِغَالِ بِمَا ضَمِنْتَ الْكِفَايَةَ لَهُ (٤) فَقُلْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ الْأَصْدَقُ،
وَأَقْسَمْتَ وَقَسَمِكَ الْأَبْرُ الْأَوْفَى: وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ.
(٥) ثُمَّ قُلْتَ فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ.

﴿٣٠﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمَعُونَةِ
عَلَى قَضَاءِ الدِّينِ:

(١) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهَبْ لِي الْعَافِيَةَ مِنْ دَيْنٍ تُخَلِّقُ بِهِ
وَجْهِي، وَيَحَارُ فِيهِ ذِهْنِي، وَيَتَشَعَّبُ لَهُ فِكْرِي، وَيَطُولُ بِمُمَارَسَتِهِ شُغْلِي

دُعَاؤُهُ إِذَا قُتِرَ عَلَيْهِ الرِّزْقُ

دعای بیست و نهم:

وقتی که روزی بر او تنگ می‌شد

(۱) بار خدایا ما را در روزیهایمان به بدگمانی و در مدت زندگی به آرزوهای دراز آزموده‌ای تا اینکه روزیهای تو را از روزی خواران خواستیم و به آرزوهای خود در عمر کهنسالان طمع بستیم.

(۲) پس بر محمد و آلش درود فرست و به ما یقینی راسخ بخش که بدان وسیله از رنج خواستن آسوده‌مان کنی و آرامشی خاص در دل ما انداز تا به آن از شدت و خستگی رنج معافمان داری.

(۳) و آنچه در وحی خود آشکارا وعده داده‌ای و از پی آن در کتابت سوگند یاد کرده‌ای وسیله‌ای قرار ده تا ما را از دویدن دنبال آن روزی که رساندنش را برای ما کفالت نموده‌ای باز دارد و نسبت به آنچه ضامن کفایت آن گشته‌ای، مانع پریشانی خاطر ما شود.

(۴) پس چنین گفته‌ای و گفته تو حق و راست‌ترین است و سوگند خوردی و سوگندت راست‌ترین و رساترین است «و روزی شما و آنچه به شما وعده داده شده در آسمان است».

(۵) سپس گفته‌ای «پس به پروردگار آسمان و زمین سوگند همان گونه که شما سخن می‌گویید این سخن حق است».

دعای سی‌ام:

در یاری خواستن از خدا برای پرداخت وام

(۱) بارالها بر محمد و آلش درود فرست و مرا برهان از وامی که آبرویم را بریزد و ذهنم را پریشان کند و اندیشه‌ام را پراکنده سازد و کارم در چاره آن طول کشد.

(٢) وَأَعُوذُ بِكَ، يَا رَبِّ، مِنْ هَمِّ الدِّينِ وَفِكْرِهِ، وَشُغْلِ الدِّينِ وَسَهَرِهِ،
فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَعِزَّنِي مِنْهُ، وَأَسْتَجِيرُ بِكَ، يَا رَبِّ، مِنْ ذَلَّتِهِ
فِي الْحَيَاةِ، وَمِنْ تَبِعْتِهِ بَعْدَ الْوَفَاةِ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَجِرْنِي
مِنْهُ بِوَسْعِ فَاضِلٍ أَوْ كِفَافٍ وَاصِلٍ. (٣) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،
وَاحْبِبْنِي عَنِ السَّرَفِ وَالْإِزْدِيَادِ، وَقَوْمِنِي بِالْبَدَلِ وَالْإِقْتِصَادِ،
وَعَلِّمْنِي حُسْنَ التَّقْدِيرِ، وَاقْبِضْنِي بِلُطْفِكَ عَنِ التَّبْدِيرِ، وَأَجِرْ مِنْ
أَسْبَابِ الْحَلَالِ أَرْزَاقِي، وَوَجِّهْ فِي أَبْوَابِ الْبِرِّ انْتِقَاقِي، وَارْزُقْنِي
مِنَ الْمَالِ مَا يُحَدِّثُ لِي مَخِيلَةً أَوْ تَأْدِيًّا إِلَى بَغْيٍ أَوْ مَا أَتَعَقَّبُ مِنْهُ
طُغْيَانًا. (٤) اَللّٰهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ صُحْبَةَ الْفُقَرَاءِ، وَأَعِنِّي عَلَى صُحْبَتِهِمْ
بِحُسْنِ الصَّبْرِ (٥) وَمَا زَوَيْتَ عَنِّي مِنْ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْفَانِيَةِ فَادْخِرْهُ لِي
فِي خَزَائِنِكَ الْبَاقِيَةِ (٦) وَاجْعَلْ مَا خَوَّلْتَنِي مِنْ حُطَامِهَا، وَعَجَّلْتَ لِي
مِنْ مَتَاعِهَا بُلْغَةً إِلَى جِوَارِكِ وَوُضْلَةً إِلَى قُرْبِكَ وَذَرِيعَةً إِلَى جَنَّتِكَ،
إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ.

﴿٣١﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي ذِكْرِ
التَّوْبَةِ وَطَلَبِهَا:

(١) اَللّٰهُمَّ يَا مَنْ لَا يَصِفُهُ نَعْتُ الْوَاصِفِينَ (٢) وَيَا مَنْ لَا يُجَاوِزُهُ
رَجَاءُ الرَّاجِينَ (٣) وَيَا مَنْ لَا يَضِيعُ لَدَيْهِ أَجْرُ الْمُحْسِنِينَ

- (۲) ای پروردگرم از غصه و ام و اندیشه در آن و از دلی مشغول به مسأله قرض و بیخوابیش به تو پناه می برم. پس بر محمد و آلش درود فرست و مرا از زحمت و مشقت و ام پناه ده - ای پروردگار من - از ذلت قرض در این چند روز زندگی و از وبال آن پس از مرگ به تو پناه می برم پس بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا به ثروت بسیار یا زندگی توأم با کفاف که همیشه باشد از آن پناه ده.
- (۳) بار خدایا بر محمد و آلش درود فرست و مرا از اسراف و زیاده روی باز دار و در بخشش و میانه روی استوار دار و روش نیکو در زندگی را به من بیاموز و مرا به لطف خود از ولخرجی حفظ کن و روزیم را از راههای حلال جاری ساز و خرج کردن مالم را در کارهای نیک قرار ده و ثروتی که مرا به کبر و خودبینی آلوده کند یا به ستم بکشانند یا از مرز عبادت و ادب درگذرانند از من دور کن.
- (۴) بار خدایا رفاقت و همنشینی با فقیران را محبوب من قرار ده و در نشست و برخاست با آنان مرا به صبر نیکو یاری فرما.
- (۵) و آنچه را از کالای نابود شدنی دنیا از من گرفتی همان را در گنجینه های همیشگی برایم اندوخته کن.
- (۶) و آنچه از توشه ناچیز دنیا به من داده ای و هر متاعی از آن که در همین دنیا به من عطا فرموده ای وسیله رسیدن به جوار خود و پیوستن به مقام قرب و سبب رسیدن به بهشت قرار ده زیرا که تو صاحب فضل بزرگ و بخشنده بزرگواری.

دعای سی و یکم:

در ذکر توبه و درخواست توفیق آن از پروردگار

- (۱) بار خدایا ای کسی که توصیف و صف کنندگان، تو را وصف نمی کند.
- (۲) و ای کسی که امید امیدواران از او فراتر نمی رود.
- (۳) و ای کسی که پاداش نیکوکاران نزد او تباه نمی شود.

(٤) وَيَا مَنْ هُوَ مُنْتَهَى خَوْفِ الْعَابِدِينَ. (٥) وَيَا مَنْ هُوَ غَايَةُ خَشْيَةِ الْمُتَّقِينَ (٦) هَذَا مَقَامٌ مَنْ تَدَاوَلَتْهُ أَيْدِي الذُّنُوبِ، وَقَادَتْهُ أَرْمَةٌ الْخَطَايَا، وَاسْتَحْوَذَ عَلَيْهِ الشَّيْطَانُ، فَقَصَرَ عَمَّا أَمَرَتْ بِهِ تَفْرِيطًا، وَتَعَاطَى مَا نَهَيْتَ عَنْهُ تَغْرِيبًا. (٧) كَالْجَاهِلِ بِقُدْرَتِكَ عَلَيْهِ، أَوْ كَالْمُنْكَرِ فَضْلَ إِحْسَانِكَ إِلَيْهِ حَتَّى إِذَا انْفَتَحَ لَهُ بَصَرُ الْهُدَى، وَتَقَشَّعَتْ عَنْهُ سَحَابَاتُ الْعَمَى، أَحْصَى مَا ظَلَمَ بِهِ نَفْسَهُ، وَفَكَرَ فِيمَا خَالَفَ بِهِ رَبَّهُ، فَرَأَى كَبِيرَ عِضْيَانِهِ كَبِيرًا وَجَلِيلَ مُخَالَفَتِهِ جَلِيلًا. (٨) فَأَقْبَلَ نَحْوَكَ مُؤَمَّلًا لَكَ مُسْتَحْيِيًا مِنْكَ، وَوَجَّهَ رَغْبَتَهُ إِلَيْكَ ثِقَةً بِكَ، فَأَمَكَ بِطَمَعِهِ يَقِينًا، وَقَصَدَكَ بِخَوْفِهِ إِخْلَاصًا، قَدْ خَلَا طَمَعُهُ مِنْ كُلِّ مَطْمُوعٍ فِيهِ غَيْرِكَ، وَأَفْرَخَ رَوْعَهُ مِنْ كُلِّ مَحْذُورٍ مِنْهُ سِوَاكَ. (٩) فَمَثَلَ بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَضَرِّعًا، وَغَمَّضَ بَصَرَهُ إِلَى الْأَرْضِ مُتَخَشِّعًا، وَطَاطَأَ رَأْسَهُ لِعِزَّتِكَ مُسْتَذِلًّا، وَابْتَكَّ مِنْ سِرِّهِ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنْهُ خُضُوعًا، وَعَدَّدَ مِنْ ذُنُوبِهِ مَا أَنْتَ أَحْصَى لَهَا خُشُوعًا، وَاسْتَغَاثَ بِكَ مِنْ عَظِيمٍ مَا وَقَعَ بِهِ فِي عِلْمِكَ وَقَبِيحٍ مَا فَضَحَهُ فِي حُكْمِكَ: مِنْ ذُنُوبٍ أَدْبَرَتْ لَذَاتِهَا فَذَهَبَتْ، وَأَقَامَتْ تَبِعَاتِهَا فَلَزِمَتْ. (١٠) لَا يُنْكَرُ - يَا إِلَهِي - عَدْلَكَ إِنْ عَاقَبْتَهُ، وَلَا يَسْتَعْظِمُ عَفْوَكَ إِنْ عَفَوْتَ عَنْهُ وَرَحِمْتَهُ، لِأَنَّكَ الرَّبُّ الْكَرِيمُ الَّذِي لَا يَتَغَاظَمُهُ غُفْرَانُ الذَّنْبِ الْعَظِيمِ (١١) اللَّهُمَّ فَهَذَا أَنَا إِذَا قَدِّجْتِكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ فِيمَا أَمَرْتَ بِهِ مِنَ الدُّعَاءِ، مُسْتَجِرًّا وَعَدَدَكَ فِيمَا وَعَدْتَهُ مِنْ الْإِجَابَةِ، إِذْ تَقُولُ: أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ. (١٢) اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَالْقَنِي بِمَغْفِرَتِكَ كَمَا لَقَيْتَكَ بِإِقْرَارِي، وَارْفَعْنِي عَنْ مَصَارِعِ الذُّنُوبِ كَمَا وَضَعْتَ لَكَ نَفْسِي، وَاسْتُرْنِي بِسِتْرِكَ كَمَا تَأَيَّنْتَنِي عَنِ الْإِنْتِقَامِ مِنِّي.

(۴) وای آنکه ترس عبادت‌کنندگان به او منتهی شود. (۵) وای آنکه نهایت بیم پرهیزکاران او است. (۶) این جایگاه کسی است که بازیچه دست گناهان قرار گرفته و مهارهای خطاها او را کشیده‌اند و شیطان بر او چیره گشته از این جهت در اجرای امر تو کوتاهی ورزیده و از سرنادانی و غرور به آنچه از آن نهی کردی جامه عمل پوشیده است. (۷) مانند کسی که به قدرت تو بر خود ناآگاه است و یا فضل و احسانت را درباره خویش انکار می‌کند تا چون دیده هدایتش گشوده شود و ابرهای کوری از برابرش برطرف گردد، ستمهایی که بر خود نموده بشمرد و در اموری که با خدای خود مخالفت کرده بیندیشد آنگاه بزرگی گنااهش را ببیند و به عظمت مخالفتش پی ببرد. (۸) پس در حالی که دل به امید تو بسته و از حضرتت شرمسار است به سوی تو رو آورده و از روی اطمینان به تو با شوق و رغبت متوجه تو شده و از روی یقین با طمع خود آهنگ تو نموده و از روی اخلاص با توشه ترس قصد تو کرده در حالی که جز تو به احدی طمع نداشته و از هیچ چیز غیر تو نمی‌ترسد. (۹) پس در حضورت با حال زاری ایستاده و دیده‌اش را از روی فروتنی به زمین دوخته و در برابر عزت تو با خواری سر به زیر افکنده و از سر فروتنی رازی را که تو بهتر از او بدان آگاهی برایت آشکار ساخته و از سر گناهان خود را که حضرتت به شمار آنها آگاهتری بر شمرده و از مهلکه‌ای بزرگ که بر علمت گذشته و از کار زشتی که به فرمان تو او را رسوا کرده، به تو پناه آورده گناهایی که لذتهایش سپری شده ولی پیامدهای زیانبخشش بجای مانده است. (۱۰) الهی اگر این بنده را عقوبت کنی عدل و داد تو را انکار نمی‌کند و اگر از وی بگذری و بر او رحمت آوری عفو تو را عظیم نشمرد زیرا که تو خدای کریمی هستی که عفو گناه بزرگ در نظرت بزرگ نیست.

(۱۱) بار خدایا اینک منم که در پیشگاهت مطیع و سر به فرمان آمده‌ام در اینکه خود بما گفתי که تو را بخوانیم، اکنون وفای به وعده‌ای را که در مورد اجابت خواسته‌ام داده‌ای از تو می‌خواهم. زیرا که فرموده‌ای «مرا بخوانید تا خواسته شما را اجابت کنم» (۱۲) بار خدایا پس بر محمد و آلش درود فرست و با آمرزش خود به من رو آور چنانکه من با اعتراف بر گناه به تو رو آوردم و مرا از لغزشگاههای گناهان برگیر چنانکه در برابر تو پستی گزیدم و مرا در پرده خود ببوشان چنانکه در انتقام از من درنگ فرمودی.

(١٣) اللَّهُمَّ وَثَبْتُ فِي طَاعَتِكَ نَيْتِي، وَ أَحْكَمَ فِي عِبَادَتِكَ بَصِيرَتِي،
 وَ وَفَّقَنِي مِنَ الْأَعْمَالِ لِمَا تَغْسِلُ بِهِ دَنَسَ الْخَطَايَا عَنِّي، وَ تَوْفَّقَنِي
 عَلَى مِلَّتِكَ وَ مِلَّةِ نَبِيِّكَ: مُحَمَّدٍ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - إِذَا تَوْفَّقَيْتَنِي.
 (١٤) اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا مِنْ كَبَائِرِ ذُنُوبِي
 وَ صَغَائِرِهَا، وَ بَوَاطِنِ سَيِّئَاتِي وَ ظَوَاهِرِهَا، وَ سَوَالِفِ زَلَاتِي
 وَ حَوَادِثِهَا، تَوْبَةً مَنْ لَا يُحَدِّثُ نَفْسَهُ بِمَعْصِيَةٍ، وَ لَا يُضْمِرُ أَنْ يَعُودَ فِي
 خَطِيئَةٍ (١٥) وَ قَدْ قُلْتُ - يَا إِلَهِي - فِي مُحْكَمِ كِتَابِكَ: إِنَّكَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ
 عَنْ عِبَادِكَ، وَ تَغْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ، وَ تُحِبُّ التَّوَّابِينَ، فَاقْبَلْ تَوْبَتِي كَمَا
 وَعَدْتَ، وَ اغْفُ عَنِ سَيِّئَاتِي كَمَا ضَمَنْتَ، وَ أَوْجِبْ لِي مَحَبَّتَكَ كَمَا
 شَرَطْتَ (١٦) وَ لَكَ - يَا رَبِّ - شَرْطِي إِلَّا أَعُودَ فِي مَكْرُوهِكَ، وَ ضَمَانِي
 أَنْ لَا أَرْجِعَ فِي مَذْمُومِكَ، وَ عَهْدِي أَنْ أَهْجُرَ جَمِيعَ مَعَاصِيكَ.
 (١٧) اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْلَمُ بِمَا عَمِلْتُ فَاعْفِرْ لِي مَا عَلِمْتَ، وَ اصْرِفْني
 بِقُدْرَتِكَ إِلَى مَا أَحْبَبْتَ. (١٨) اللَّهُمَّ وَ عَلَيَّ تَبِعَاتٌ قَدْ حَفِظْتُهُنَّ،
 وَ تَبِعَاتٌ قَدْ نَسِيتُهُنَّ، وَ كُلُّهُنَّ بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَ عِلْمِكَ الَّذِي
 لَا يَنْسَى، فَعَوِّضْ مِنْهَا أَهْلَهَا، وَ اخْطُطْ عَنِّي وَزْرَهَا، وَ خَفِّفْ عَنِّي ثِقْلَهَا،
 وَ اعْصِمْنِي مِنْ أَنْ أَقَارِفَ مِثْلَهَا. (١٩) اللَّهُمَّ وَ إِنَّهُ لَا وَفَاءَ لِي بِالتَّوْبَةِ
 إِلَّا بِعِصْمَتِكَ، وَ لَا اسْتِمْسَاكَ بِي عَنِ الْخَطَايَا إِلَّا عَنْ قُوَّتِكَ، فَقَوِّنِي
 بِقُوَّةِ كَافِيَةٍ، وَ تَوَلَّنِي بِعِصْمَةِ مَانِعَةٍ. (٢٠) اللَّهُمَّ أَيُّمَا عَبْدٍ تَابَ إِلَيْكَ
 وَ هُوَ فِي عِلْمِ الْعَيْبِ عِنْدَكَ فَاسِخٌ لِتَوْبَتِهِ، وَ عَائِدٌ فِي ذَنْبِهِ وَ خَطِيئَتِهِ،
 فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَكُونَ كَذَلِكَ، فَاجْعَلْ تَوْبَتِي هَذِهِ تَوْبَةً لَا أَحْتَاجُ
 بَعْدَهَا إِلَى تَوْبَةٍ، تَوْبَةً مُوجِبَةً لِمَحْوِ مَا سَلَفَ، وَ السَّلَامَةَ فِيمَا بَقِيَ.

(۱۳) بار الها نیتم را در طاعتت استوار کن و بینشم را در بندگیت پابرجا فرما و مرا به اعمالی موفق کن که به سبب آن چرک گناهان را از من بشویی و هنگام خروج از دنیا مرا بر آیین خود و پیامبرت محمد ﷺ بمیران.

(۱۴) بار الها در این موقعیتی که دارم از گناهان بزرگ و کوچکم و از گناهان پوشیده و آشکارم و از لغزشهای گذشته و تازه‌ام به سویت باز می‌گردم مانند توبه کسی که خیال گناه در درونش نگذرد و اندیشه بازگشت به گناه را به خاطرش راه ندهد. (۱۵) و تو خود ای پروردگار من در کتاب محکمت فرموده‌ای که توبه را از بندگان می‌پذیری و از زشتی گناهان درمی‌گذری و توبه کنندگان را دوست داری پس بر اساس وعده خود توبه‌ام را بپذیر و همانطور که ضمانت نموده‌ای از گناهانم بگذر و چنانکه شرط فرموده‌ای محبتت را بر من لازم فرما. (۱۶) و من هم تعهد می‌کنم که به آنچه پسند تو نیست بر نگردم و ضمانت می‌نمایم که به کاری که مورد نکوهش توست باز نگردم و پیمان می‌بندم که از تمام گناهان دوری کنم. (۱۷) بار خدا یا تو به آنچه من انجام داده‌ام آگاهتری پس بر من ببخش و بیامرز آنچه را از من خبر داری و مرا با قدرت خود به سوی آنچه دوست داری متوجه ساز. (۱۸) خداوند! گرفتاریهایی بر دو شتم سنگینی نمی‌کند که آنها را به یاد دارم و گرفتاریهایی نیز هست که فراموش کرده‌ام و همه آنها در برابر دیده توست که به خواب نمی‌رود و نزد علم توست که در آن فرمواشی راه ندارد پس در مقابل آن گرفتاریها به صاحبانش عوض بده و گرانی آن را از من دور کن و سنگینی آن را از دوش من بردار و مرا از نزدیک شدن و انجام مانند آن باز دار.

(۱۹) الهی جز با حفظ تو قدرت وفای به توبه خود ندارم و جز به قوت تو توان خودداری از گناهان ندارم پس مرا با نیروی کافی تقویت کن و خود عهده‌دار نیروی باز دارنده از گناهانم باش.

(۲۰) الهی هر بنده‌ای که به سویت باز گردد و حضرتت به علم غیبی که داری می‌دانی که او توبه شکن و باز گردنده به گناه و خطای خویش است پس من به تو پناه می‌برم از آنکه چنین باشم اینک این توبه مرا چنان توبه‌ای قرار ده که پس از آن نیازمند توبه‌ای دیگر نباشم توبه‌ای که سبب نابودی گناهان گذشته و ایمنی از گناه در بقیه ایام عمر باشد.

(٢١) اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ مِنْ جَهْلِي، وَأَسْتَوْهِبُكَ سُوءَ فِعْلِي،
فَاضْمُنِّي إِلَى كَنَفِ رَحْمَتِكَ تَطَوُّلاً، وَاسْتُرْنِي بِسِتْرِ عَافِيَتِكَ
تَفَضُّلاً. (٢٢) اللَّهُمَّ وَإِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ كُلِّ مَا خَالَفَ إِرَادَتَكَ،
أَوْ زَالَ عَنْ مَحَبَّتِكَ مِنْ خَطَرَاتِ قَلْبِي، وَلَحْظَاتِ عَيْنِي، وَحِكَايَاتِ
لِسَانِي، تَوْبَةً تَسْلَمُ بِهَا كُلُّ جَارِحَةٍ عَلَى حِيَالِهَا مِنْ تَبِعَاتِكَ، وَتَأْمَنُ
مِمَّا يَخَافُ الْمُعْتَدُونَ مِنَ الْيَمِّ سَطَوَاتِكَ. (٢٣) اللَّهُمَّ فَارْحَمْ وَخَدِّتِي
بَيْنَ يَدَيْكَ، وَوَجِبْ قَلْبِي مِنْ خَشْيَتِكَ، وَاضْطِرَابِ أَرْكَانِي مِنْ
هَيْبَتِكَ، فَقَدْ أَقَامْتَنِي - يَا رَبِّ - ذُنُوبِي مَقَامَ الْخِزْيِ بِفِنَائِكَ، فَإِنْ
سَكَتُ لَمْ يَنْطِقْ عَنِّي أَحَدٌ، وَإِنْ شَفَعْتُ فَلَسْتُ بِأَهْلِ الشَّفَاعَةِ.
(٢٤) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَشَفِّعْ فِي خَطَايَايَ كَرَمَكَ، وَعُدْ
عَلَى سَيِّئَاتِي بِعَفْوِكَ، وَلَا تَجْزِنِي جَزَائِي مِنْ عُقُوبَتِكَ، وَابْسُطْ
عَلَيَّ طَوْلَكَ، وَجَلِّلْنِي بِبِسْرِكَ، وَأَفْعَلْ بِي فِعْلَ عَزِيزٍ تَضَرَّعَ إِلَيْهِ
عَبْدٌ ذَلِيلٌ فَرَحِمَهُ، أَوْ غَنِيٌّ تَعَرَّضَ لَهُ عَبْدٌ فَقِيرٌ فَنَعَشَهُ. (٢٥) اللَّهُمَّ
لَا خَفِيرَ لِي مِنْكَ فَلْيَخْفِرْنِي عِزُّكَ، وَلَا شَفِيعَ لِي إِلَيْكَ فَلْيَشْفَعْ لِي
فَضْلُكَ، وَقَدْ أَوْجَلْتَنِي خَطَايَايَ فَلْيُؤْمِنِّي عَفْوُكَ. (٢٦) فَمَا كُلُّ مَا
نَطَقْتُ بِهِ عَنْ جَهْلِ مَنِّي بِسُوءِ أَثْرِي، وَلَا نِسْيَانٍ لِمَا سَبَقَ مِنْ ذَمِيمِ
فِعْلِي، لَكِنْ لِتَسْمَعَ سَمَاؤُكَ وَمَنْ فِيهَا وَارْضُكَ وَمَنْ عَلَيْهَا مَا
أَظْهَرْتُ لَكَ مِنَ النَّدَمِ، وَلَجَأْتُ إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ التَّوْبَةِ. (٢٧) فَلَعَلَّ بَعْضَهُمْ
بِرَحْمَتِكَ يَرْحَمُنِي لِسُوءِ مَوْقِفِي، أَوْ تُدْرِكُهُ الرَّقَّةُ عَلَيَّ لِسُوءِ حَالِي
فَيُنَالَنِي مِنْهُ بِدَعْوَةٍ هِيَ أَسْمَعُ لَدَيْكَ مِنْ دُعَائِي، أَوْ شَفَاعَةٍ أَوْ كَدِّ
عِنْدَكَ مِنْ شَفَاعَتِي تَكُونُ بِهَا نَجَاتِي مِنْ غَضَبِكَ وَفُوزَتِي بِرِضَاكَ.

(۲۱) خداوندا از نادانی خود از پیشگاهت عذر می خواهم و درباره کردار بدم از تو بخشش می طلبم پس از روی احسان مرا در پناه رحمت خویش در آور و از راه تفضل لباس عافیت بر من بپوشان. (۲۲) الهی و از هر چه مخالف خواست تو بوده یا از گردونه محبت تو بیرون می برد از خاطراتی که در قلبم گذشته و نگاههای چشمم و گفتارهای زبانم چنان توبه ای می کنم که هر یک از اندامم به سهم خود از کیفیت سالم ماند و از انتقام و قهری که بیدادگران از آن می هراسند ایمن گردد.

(۲۳) الهی بر تنهاییم در پیشگاهت و تپیدن قلبم از ترست و لرزه اندامم از هیبت رحم کن زیرا گناهانم - ای پروردگار من - مرا در جای رسوایی و خواری در پیشگاهت نشانده پس اگر سکوت کنم کسی از جانب من سخن نمی گوید و اگر شفیع و میانجی بطلبم سزاوار شفاعت نیستم.

(۲۴) بار خدایا بر محمد و آلش درود فرست و بزرگواریت را درباره خطاهایم شفیع من فرما و گناهانم را با گذشت خود بر من ببخش و جزایم را از عقوبت خود قرار مده و دامان احسانت را بر من بگستر و مرا در پرده عفو بپوشان و با من بسان نیرومندی رفتار کن که بنده ای ذلیل بازاری به درگاهش رفته و او بروی ترحم نموده یا بسان رفتار ثروتمندی رفتار کن که فقیری سر راهش نشسته و او از وی دستگیری نموده. (۲۵) بار الها مرا از (کیفر) تو پناه دهنده ای نیست پس باید عزت توانائیت پناهم دهد و برای من شفיעی به سوی تو نیست پس باید فضل و احسان تو شفیعم شود و گناهانم مرا ترسانیده است، پس باید (گذشتت) مرا ایمن سازد. (۲۶) پس آنچه بر زبان آوردم از روی نادانی به کردار زشتم و در اثر فراموشی کارهای بد گذشته ام نیست بلکه برای آن است که آسمان تو و هر که در آن است و زمین تو و هر که بر روی آن است پشیمانی را که برای تو آشکار کردم و توبه ای را که به سبب آن به تو پناه بردم بشنوند. (۲۷) تا شاید برخی از آنان در سایه رحمتت بر جایگاه بدم رحم کند یا بر پریشان حالیم بر من رقت آورد آنگاه دعایی به حال من کند که از دعای خود من نزد تو به اجابت نزدیکتر باشد یا شفاعتی نماید که از شفاعت خودم نزد تو استوارتر باشد و رهاییم از خشم تو و دستیابیم به خشنودیت در آن باشد.

(٢٨) اللَّهُمَّ إِنْ يَكُنِ النَّدَمُ تَوْبَةً إِلَيْكَ فَانَا أَنْدَمُ النَّادِمِينَ، وَإِنْ يَكُنِ
 التَّرُكُ لِمَعْصِيَتِكَ إِنْابَةً فَانَا أَوَّلُ الْمُتَّيِبِينَ، وَإِنْ يَكُنِ الْإِسْتِغْفَارُ حِطَّةً
 لِلذُّنُوبِ فَإِنِّي لَكَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ. (٢٩) اللَّهُمَّ فَكَمَا أَمَرْتَ بِالتَّوْبَةِ،
 وَضَمِنْتَ الْقَبُولَ، وَحَثَّيْتَ عَلَى الدُّعَاءِ، وَوَعَدْتَ الْإِجَابَةَ، فَصَلِّ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاقْبَلْ تَوْبَتِي، وَلَا تَرْجِعْنِي مَرْجِعَ الْخَيْبَةِ مِنْ
 رَحْمَتِكَ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَابُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ، وَالرَّحِيمُ لِلْخَاطِئِينَ
 الْمُتَّيِبِينَ. (٣٠) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَمَا هَدَيْتَنَاهُ، وَصَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَمَا اسْتَنْقَذْتَنَاهُ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَوةً تُشْفَعُ
 لَنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَيَوْمَ الْفَاقَةِ إِلَيْكَ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَهُوَ
 عَلَيْكَ يَسِيرٌ.



مركز تحفة كويت (٣٢) م

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ الْفَرَاغِ مِنْ
 صَلَوةِ اللَّيْلِ لِنَفْسِهِ فِي الْإِعْتِرَافِ بِالذَّنْبِ:

(١) اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمُلْكِ الْمُتَابِدِ بِالْخُلُودِ (٢) وَالسُّلْطَانِ الْمُتَمَتِّعِ بِغَيْرِ
 جُنُودٍ وَلَا أَعْوَانٍ. (٣) وَالْعِزِّ الْبَاقِي عَلَى مَرَّ الدُّهُورِ وَخَوَالِي الْأَعْوَامِ
 وَمَوَاضِي الْأَزْمَانِ وَالْأَيَّامِ (٤) عَزَّ سُلْطَانُكَ عِزًّا لَا حَدَّ لَهُ بِأَوْلِيَّتِهِ، وَلَا
 مُنْتَهَى لَهُ بِأَخْرِيَّتِهِ (٥) وَاسْتَعْلَى مُلْكُكَ عَلَوةً سَقَطَتْ الْأَشْيَاءُ دُونَ بُلُوغِ
 أَمْدِهِ (٦) وَلَا يَبْلُغُ أَدْنَى مَا اسْتَأَثَرْتَ بِهِ مِنْ ذَلِكَ أَقْصَى نَعْتِ النَّاعِتِينَ.

(۲۸) الهی اگر پشیمانی در پیشگاه حضرتت توبه است پس من از همه پشیمان ترم و اگر ترک گناه توبه محسوب می شود پس نخستین توبه کننده منم و اگر استغفار سبب ریختن گناهان است پس من در برابرت از استغفار کنندگانم.

(۲۹) بار الها همان گونه که به توبه و بازگشت فرمان دادی و پذیرش آن را ضمانت فرمودی و بر دعا ترغیب نمودی و نسبت به آن وعده اجابت دادی پس بر محمد و آلش درود فرست و توبه ام را بپذیر و از رحمتت با نومیدی باز مگردان زیرا که حضرتت بر گناهکاران بخشنده ای و بر خطا پیشگان که از صمیم دل به تو باز می گردند مهربانی.

(۳۰) بار الها بر محمد و آلش درود فرست همچنان که بوسیله او ما را هدایت فرمودی و بر محمد و آلش درود فرست همچنان که به سبب او ما را رهایی کرامت کردی و بر محمد و آلش درود فرست، درودی که در قیامت و در روز نیاز به تو از ما شفاعت کند زیرا تو بر هر چیز توانایی و آن بر تو سهل و آسان است.



مركز دعای سی و دوم: شب

پس از نماز شب

- (۱) خدایا، ای صاحب سلطنت جاوید و ابدی.
- (۲) و ای سلطان مقتدر بدون لشکر و پشتیبان.
- (۳) و ای عزیزی که در گذر روزگار و گذشت سالها و سپری شدن آزمان و ایام همچنان باقی و پایداری.
- (۴) سلطنت تو برخوردار از چنان عزتی است که نه ابتدای آن حدی دارد و نه منتهای آن معلوم است.
- (۵) و مقام پادشاهی تو چنان عالی است که همه چیز پیش از وصل به آن مقام، عاجز و ناتوان می شود.
- (۶) و نهایت توصیف و صف کنندگان، به پایین ترین درجه مقام و مرتبت اختصاصی تو نمی رسد.

(٧) ضَلَّتْ فِيكَ الصِّفَاتُ، وَتَفَسَّخَتْ دُونَكَ النُّعُوتُ، وَحَارَتْ فِي
 كِبْرِيَاثِكَ لَطَائِفُ الْأَوْهَامِ (٨) كَذَلِكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَوَّلُ فِي أَوْلِيَّتِكَ،
 وَعَلَى ذَلِكَ أَنْتَ دَائِمٌ لَا تَزُولُ (٩) وَأَنَا الْعَبْدُ الضَّعِيفُ عَمَلًا، الْجَسِيمُ
 أَمَلًا، خَرَجْتُ مِنْ يَدَيِ أَسْبَابِ الْوُصَلَاتِ إِلَّا مَا وَصَلَهُ رَحْمَتُكَ،
 وَتَقَطَّعْتَ عَنِّي عِصْمَ الْأَمْالِ إِلَّا مَا أَنَا مُعْتَصِمٌ بِهِ مِنْ عَفْوِكَ (١٠) قَلَّ
 عِنْدِي مَا أَعْتَدْتُ بِهِ مِنْ طَاعَتِكَ، وَكَثُرَ عَلَيَّ مَا أَبَوَّءُ بِهِ مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَلَنْ
 يَضِيقَ عَلَيْكَ عَفْوٌ عَنْ عَبْدِكَ وَإِنْ أَسَاءَ، فَاعْفُ عَنِّي. (١١) اللَّهُمَّ وَقَدْ
 أَشْرَفَ عَلَيَّ خَفَايَا الْأَعْمَالِ عِلْمُكَ، وَانْكَشَفَ كُلُّ مَسْتُورٍ دُونَ خُبْرِكَ،
 وَلَا تَنْطَوِي عَنْكَ دَقَائِقُ الْأُمُورِ، وَلَا تَغْرُبُ عَنْكَ غَيِّبَاتُ السَّرَائِرِ
 (١٢) وَقَدْ اسْتَحْوَذَ عَلَيَّ عَدُوُّكَ الَّذِي اسْتَنْظَرَكَ لِعَفْوَايَتِي فَأَنْظَرْتَهُ،
 وَاسْتَمَهَلَكَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ لِإِضْلَالِي فَأَمَهَلْتَهُ. (١٣) فَأَوْقَعَنِي وَقَدْ
 هَرَبْتُ إِلَيْكَ مِنْ صَغَائِرِ ذُنُوبٍ مُؤَبِّقَةٍ، وَكِبَائِرِ أَعْمَالٍ مُرْدِيَةٍ حَتَّى
 إِذَا قَارَفْتُ مَعْصِيَتِكَ، وَاسْتَوْجِبْتُ بِسُوءِ سَعْيِي سَخَطَتِكَ، فَتَلَ عَنِّي
 عِذَارَ غَدْرِهِ، وَتَلَقَّانِي بِكَلِمَةٍ كُفْرِهِ، وَتَوَلَّى الْبِرَاءَةَ مِنِّي، وَأَدْبَرَ
 مُوَلِيًّا عَنِّي، فَأَصْحَرَنِي لِغَضَبِكَ فَرِيدًا، وَأَخْرَجَنِي إِلَى فِنَاءِ نَقِمَتِكَ
 طَرِيدًا. (١٤) لَا شَفِيعَ يَشْفَعُ لِي إِلَيْكَ، وَلَا خَفِيرٌ يُؤْمِنِي عَلَيْكَ، وَلَا
 حِصْنٌ يَحْجُبُنِي عَنْكَ، وَلَا مَلَاذُ الْجَأْلِ إِلَيْهِ مِنْكَ. (١٥) فَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ
 بِكَ، وَمَحَلُّ الْمُعْتَرِفِ لَكَ، فَلَا يَضِيقَنَّ عَنِّي فَضْلُكَ، وَلَا يَقْصُرَنَّ
 دُونِي عَفْوُكَ، وَلَا أَكُنْ أَخِيْبَ عِبَادِكَ التَّائِبِينَ، وَلَا أَقْنَطَ وُقُودِكَ
 الْأَمِلِينَ، وَاعْفِرْ لِي، إِنَّكَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ. (١٦) اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَمَرْتَنِي
 فَتَرَكْتُ، وَنَهَيْتَنِي فَرَكِبْتُ، وَسَوَّلَ لِي الْخَطَاءَ خَاطِرُ السُّوءِ فَفَرَّطْتُ.

(۷) اوصاف در تو گم شده‌اند و صفتها در نزد تو درهم ریخته‌اند و اذهان ظریف در بزرگی تو حیران‌اند (۸) و این چنین است که تو خدائی هستی که در اول بودن، اولی و در این ویژگی، دائم و جاویدی و هرگز زوال نمی‌پذیری (۹) و من بنده‌ای هستم که در عمل ضعیفم و اما امل و آرزویم بزرگ است، اسباب وصول به سعادت از دست من خارج شده مگر آنچه رحمت تو به دست من رسانیده است. ورشته‌های آرزوها از من گسیخته شده مگر آنچه من بدان چنگ انداخته‌ام که همان عفو و بخشش توست (۱۰) آنچه از طاعت که بتوانم آن را به حساب آورم، در نزد من اندک است و آنچه که بدان باز می‌گردم یعنی معصیت و نافرمانی تو، زیاد است و بر تو سخت و دشوار نیست که بنده‌ات را - گر چه بد کرده باشد - ببخشی، پس اینک از من درگذر (۱۱) خداوندا علم تو بر اعمال پنهان ما اشراف دارد و در نزد آگاهی تو، هر پنهانی، آشکار است، و جزئیات امور هرگز بر تو مخفی نیست و مخفیات سریره‌ها هرگز برای تو مغفول نیست. (۱۲) و بر من غالب آمده دشمن تو (شیطان) که برای گمراه نمودنم از تو مهلت خواست و تو به او مهلت دادی، و تا روز قیامت برای اضلال من فرصت طلبید و تو به او فرصت دادی. (۱۳) و او - در حالیکه من از گناهان کوچکِ هلاکت آور و از اعمال بزرگی بستی آور به سوی تو می‌گریختم - مرا مغلوب نمود. همینکه به معصیت تو نزدیک شدم و در اثر کردار بد خود، مستوجب خشم تو گشتم، عنان مکر و فریبش را از من گردانید و با سخن کفر آمیز با من زویرو شد و از من تبری جست و به من پشت نمود و روی برتافت و سپس مرا در بیابان ضلالت برای خشم تو تنها گذاشت و بی‌کس و یگانه، مرا به دیار نعمت فرستاد. (۱۴) در حالیکه نه شفیع هستی که برای من در نزد تو شفاعت نماید و نه هشدار دهنده‌ای که مرا در نزد تو ایمن گرداند و نه حصار محکمی که حاجب بین من و تو باشد و نه پناهی در کار است که از خشم تو به او رو کنم. (۱۵) این است مقام کسی که به تو پناه آورده و جایگاه کسی که در برابر تو اعتراف می‌کند. پس نباید فضل تو از من دریغ آید و عفو تو شامل حال من نگردد، و من محرومترین بندگان تائب تو و مأیوس‌ترین آرزومندان نزد تو باشم، و مرا ببخش، که تو بهترین آمرزندگانانی. (۱۶) خدایا تو مرا امر کردی و من آن را ترک کردم، و نهی کردی و من مرتکب آن شدم. و فکر نادرست، خطا را برای من جلوه داد و من کوتاهی و تقصیر کردم.

(١٧) وَلَا اسْتَشْهِدُ عَلَى صِيَامِي نَهَاراً، وَلَا اسْتَجِيرُ بِتَهْجُدِي لَيْلاً، وَلَا تُشْنِي عَلَيَّ بِأَحْيَائِهَا سُنَّةٌ حَاشَى فُرُوضِكَ الَّتِي مَن ضَيَّعَهَا هَلَكَ.

(١٨) وَ لَسْتُ اتَّوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَضْلِ نَافِلَةٍ مَعَ كَثِيرٍ مَّا أَغْفَلْتُ مِّنْ وَظَائِفِ فُرُوضِكَ، وَ تَعَدَّيْتُ عَن مَقَامَاتِ حُدُودِكَ إِلَى حُرْمَاتِ انْتِهَاجِهَا، وَ كَبَائِرِ ذُنُوبِ اجْتِرَاحِهَا، كَانَتْ عَافِيَتُكَ لِي مِّنْ فَضَائِحِهَا سِثْرًا.

(١٩) وَ هَذَا مَقَامٌ مِّنْ اسْتَحْيَا لِنَفْسِهِ مِنْكَ، وَ سَخِطَ عَلَيْهَا، وَ رَضِيَ عَنْكَ، فَتَلَقَّاكَ بِنَفْسٍ خَاشِعَةٍ، وَ رَقَبَةٍ خَاضِعَةٍ، وَ ظَهْرٍ مُثْقَلٍ مِّنْ الْخَطَايَا وَاقِفًا بَيْنَ الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ وَ الرَّهْبَةِ مِنْكَ. (٢٠) وَ أَنْتَ أَوْلَى مِّنْ رَجَاءِ، وَ أَحَقُّ مِّنْ خَشْيَةٍ وَ اتِّقَاءِ، فَاعْطِنِي يَا رَبِّ مَا رَجَوْتُ، وَ امْنِي مَا خَدِرْتُ، وَ عُدْ عَلَيَّ بِعَائِدَةِ رَحْمَتِكَ، إِنَّكَ أَكْرَمُ الْمَسْئُولِينَ. (٢١) اللَّهُمَّ وَ إِذْ سَتَرْتَنِي بِعَفْوِكَ، وَ تَعَمَّدْتَنِي بِفَضْلِكَ فِي دَارِ الْفَنَاءِ بِحَضْرَةِ الْأَكْفَاءِ، فَاجِرْنِي مِّنْ قَضِيحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، وَ الرُّسُلِ الْمُكْرَمِينَ، وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ، مِّنْ جَارٍ كُنْتُ أَكَاتِمُهُ سَيِّئَاتِي، وَ مِّنْ ذِي رَحِمٍ كُنْتُ أَحْتَشِمُ مِنْهُ فِي سِرِّيَّاتِي. (٢٢) لَمْ أَثِقْ بِهِمْ رَبِّ فِي السِّرِّ عَلَيَّ، وَ وَثِقْتُ بِكَ رَبِّ فِي الْمَغْفِرَةِ لِي، وَ أَنْتَ أَوْلَى مِّنْ وَثِقَ بِهِ، وَ اعْطَى مِّنْ رُغْبِ إِلَيْهِ، وَ أَرَأْفُ مِّنْ اسْتَرْحِمَ، فَارْحَمْنِي. (٢٣) اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ حَدَرْتَنِي مَاءَ مَهِينًا مِّنْ صُلْبِ مُتَضَائِقِ الْعِظَامِ، حَرَجِ الْمَسَالِكِ إِلَى رَحِمِ ضَيْقَةِ سَتْرَتِهَا بِالْحُجُبِ، تُصَرِّفُنِي خَالًا عَن خَالٍ حَتَّى انْتَهَيْتَ بِي إِلَى تَمَامِ الصُّورَةِ، وَ اثْبَتْتَ فِي الْجَوَارِحِ كَمَا نَعَتَّ فِي كِتَابِكَ: نُطْفَةٌ ثُمَّ عَلَقَةٌ ثُمَّ مُضْغَةٌ ثُمَّ عَظْمًا ثُمَّ كَسَوْتَ الْعِظَامَ لَحْمًا، ثُمَّ انشأتني خَلْقًا آخَرَ كَمَا سِئْتُ.

(۱۷) و من هیچ روزی را بر روزه گیریم، گواه نمی گیرم و هیچ شبی را پناه شب زنده داری خود سراغ ندارم و هیچ سنت مستحبی مرا تحسین نمی کند که آن را احیاء کرده باشم، مگر واجبات تو که هر کس آنها را زیر پا گذارد، هلاک می شود. (۱۸) و من هرگز با فضیلت نافله به تو متوسل نمی شوم، در حالیکه غفلت من درباره واجبات تو زیاد است و من از حدود تو تجاوز کرده، محرماتی را مرتکب شده‌ام و گناهان کبیره‌ای را انجام داده‌ام که مصون داشتن من از رسواییهای آنها توسط تو، برای من پوششی است. (۱۹) و این مقام کسی است که از خودش در نزد تو شرمنده شده و بر خویش، خشمگین و از تو راضی و خشنود است و از این رو با روحی خاشع و گردنی خاضع و پستی سنگین از بار خطاها، با تو روبرو شده، در حالیکه بر سر دو راهی امید به تو و هراس از تو ایستاده است. (۲۰) و تویی شایسته‌ترین کسی که باو امید داشته و سزاوارترین کسی که باید از او بترسد و بپرهیزد. پس بار پروردگارا، آنچه امید دارم به من عطا کن و از آنچه می ترسم، حفظ نما، و با رحمت خود به من بازگرد، زیرا تو بهترین در خواست شدگانی. (۲۱) بار خدایا، تو که در حضور همانندهایم در دار دنیا با عفو مرا پوشاندی و فضیلت را شامل حال من گردانیدی، پس در آخرت نیز مرا از رسواییهای قیامت - در حضور گواهان یعنی فرشتگان مقرب و رسولان مکرم و شهدا و صالحان مثل همسایه‌ای که گناهانم را از او پنهان می کردم و خویشاوندی که در کارهای مخفیانه خود از او شرم داشتم - حفظ فرما. (۲۲) خدایا من در حفظ و پوشانیدن اسرارم، اعتمادی به آنها (نزدیکان) ندارم ولی در آمرزش گناهانم به تو اعتماد نموده‌ام، و تو شایسته‌ترین فرد مورد وثوقی و بخشنده‌ترین فرد مورد رغبتی و رثوف‌ترین شخصی هستی که از او طلب رحمت می شود، پس بر من رحم کن. (۲۳) خداوندا، تو کسی هستی که مرا - در آن هنگام که نطفه ناچیزی بودم - از صلب پدر که استخوانهایی در هم فرو رفته و راههایی تنگ است به تنگای رحم مادر که آن را با حجابهایی پوشانیده‌ای منتقل کردی، در حالیکه مرا از حالتی به حالت دیگر در می آوردی تا اینکه صورت مرا کامل گردانیدی و در پیکر من اعضاء و جوارح قرار دادی، بدانگونه که در کتابت قرآن توصیف فرموده‌ای: نخست نطفه و سپس علقه (خون بسته) و مُضغه (پاره گوشت) و استخوان و سپس استخوان را با گوشت پوشانیدی و نهایتاً مرا خلقتی ویژه دادی آن گونه که خود خواستی.

(٢٤) حَتَّى إِذَا اخْتَبْتُ إِلَى رِزْقِكَ، وَ لَمْ أَسْتَعْنِ عَنْ غِيَاثِ فَضْلِكَ،
 جَعَلْتَ لِي قُوَّتًا مِنْ فَضْلِ طَعَامٍ وَ شَرَابٍ أَجْرِيَّتُهُ لِامْتِكَ الَّتِي أَسْكَنْتَنِي
 جَوْفَهَا، وَ أَوْدَعْتَنِي قَرَارَ رَحِمِهَا. (٢٥) وَ لَوْ تَكَلَّنِي يَا رَبِّ فِي تِلْكَ
 الْحَالَاتِ إِلَى حَوْلِي، أَوْ تَضَطَّرَّنِي إِلَى قُوَّتِي لَكَانَ الْحَوْلُ عَنِّي
 مُعْتَزِلًا، وَ لَكَانَتْ الْقُوَّةُ مِنِّي بَعِيدَةً. (٢٦) فَغَدَوْتَنِي بِفَضْلِكَ غِذَاءَ الْبَرِّ
 اللَّطِيفِ، تَفَعَّلُ ذَلِكَ بِي تَطَوُّلاً عَلَيَّ إِلَى غَايَتِي هَذِهِ، لَا أَعْدَمُ بَرِّكَ، وَ لَا
 يُبْطِئُ بِي حُسْنُ صَنِيعِكَ، وَ لَا تَتَأَكَّدُ مَعَ ذَلِكَ ثِقَتِي فَاتَفَرَّغَ لِمَا هُوَ
 أَحْظَى لِي عِنْدَكَ. (٢٧) قَدْ مَلَكَ الشَّيْطَانُ عِنَانِي فِي سُوءِ الظَّنِّ وَ ضَعْفِ
 الْيَقِينِ، فَأَنَا أَشْكُو سُوءَ مُجَاوَرَتِهِ لِي، وَ طَاعَةَ نَفْسِي لَهُ، وَ أَسْتَعْصِمُكَ
 مِنْ مَلَكَتِهِ، وَ أَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ فِي صَرْفِ كَيْدِهِ عَنِّي. (٢٨) وَ أَسْأَلُكَ فِي أَنْ
 تُسَهِّلَ لِي رِزْقِي سَيْبًا، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى ائْتِدَائِكَ بِالنَّعْمِ الْجِسَامِ،
 وَ الْهَامِكِ الشُّكْرِ عَلَى الْإِحْسَانِ وَ الْإِنْعَامِ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ،
 وَ سَهِّلْ عَلَيَّ رِزْقِي، وَ أَنْ تُفَنِّعَنِي بِتَقْدِيرِكَ لِي، وَ أَنْ تُرْضِيَنِي بِحِصَّتِي
 فِيمَا قَسَمْتَ لِي، وَ أَنْ تَجْعَلَ مَا ذَهَبَ مِنْ جِسْمِي وَ عُمْرِي فِي سَبِيلِ
 طَاعَتِكَ، إِنَّكَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ. (٢٩) اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ تَغَلَّظَتْ
 بِهَا عَلَى مَنْ عَصَاكَ، وَ تَوَعَّدَتْ بِهَا مَنْ صَدَفَ عَنْ رِضَاكَ، وَ مِنْ نَارٍ
 نُورُهَا ظُلْمَةٌ، وَ هَيْئَتُهَا أَلِيمٌ، وَ بَعِيدُهَا قَرِيبٌ، وَ مِنْ نَارٍ يَأْكُلُ بَعْضُهَا
 بَعْضًا، وَ يَصُولُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ. (٣٠) وَ مِنْ نَارٍ تَذَرُّ الْعِظَامَ رَمِيمًا،
 وَ تَسْقِي أَهْلَهَا حَمِيمًا، وَ مِنْ نَارٍ لَا تُبْقِي عَلَيَّ مِنْ تَضَرَّعِ إِلَيْهَا، وَ لَا تَرْحَمُ
 مَنْ اسْتَغْطَفَهَا، وَ لَا تَقْدِرُ عَلَى التَّخْفِيفِ عَمَّنْ خَشَعَ لَهَا وَ اسْتَسَلَّمَ إِلَيْهَا
 تَلْقَى سُكَّانَهَا بِأَحْرَّ مَا لَدَيْهَا مِنَ الْإِيمِ الْتِكَالِ وَ شَدِيدِ الْوَبَالِ

(۲۴) تا اینکه چون من به رزق تو محتاج بوده‌ام و هرگز از یاری و فضل تو بی‌نیاز نبوده‌ام، برای من از فضل طعام و شراب، غذایی قرار دادی و آن را در اندرون کنیز خودت (مادر) جای دادی و در جایگاه رحم او به ودیعت نهادی. (۲۵) پروردگارا اگر در این حالات مرا به توان خودم و امی گذاشتی و مرا به قدرت خودم مضطر می‌ساختی، قطعاً نیرو و توان از من سلب می‌شد و توانائی از من دور می‌گشت. (۲۶) پس تو مرا از ره احسان همانند یک نیکوکار مهربان، غذا دادی و این کار را همچنان تا این زمان که هستم از باب کرم انجام می‌دهی. من هرگز نیکی تو را از یاد نمی‌برم، و زیبایی رفتار تو در حق من هیچگاه اندک نمی‌شود. با این همه، اطمینان من به تو راسختر نمی‌شود که خود را برای انجام آنچه نزد تو برای من پر بهره‌تر است مهیا سازم. (۲۷) شیطان زمام مرا در سوءظن و ضعف یقین بدست گرفته، و از بدی مجاورت شیطان با من و پیروی نفسم از وی به تو شکایت می‌کنم و از سلطه او به دامن تو چنگ می‌زنم (۲۸) و به سوی تو ناله می‌کنم که راه رزق مرا آسان کنی. پس حمد و سپاس از آن توست در برابر نعمتهای زیادی که در ابتدا به من عطا کردی و در برابر سپاس و شکری که به خاطر احسان و انعامت به من الهام فرمودی پس بر حضرت محمد ﷺ و آل او درود فرست و رزق را بر من آسان فرما و مرا در آنچه برایم مقدر ساخته‌ای قانع کن و در آنچه قسمت من قرار داده‌ای راضی‌ام گردان و آنچه از جسم و عمرم گذشته است را در راه طاعت خودت قرار ده که تو بهترین روزی دهندگانی. (۲۹) خدایا من به تو پناه می‌آورم از آتشی که آن را بر عاصیان سخت گرفته‌ای و به آن وعید داده‌ای کسانی را که روی از رضایت تو برتابند. و از آتشی که نورش، ظلمت است و آسانش، دردناک و دورش، نزدیک است. و از آتشی که بعضی شعله‌های آن، دیگر شعله‌ها را می‌بلعد و پاره‌ای بر پاره دیگر حمله می‌برد. (۳۰) و از آتشی که استخوانها را پودر می‌کند و بر اهل آتش، نوشابه‌ای گداخته می‌نوشاند. و از آتشی که هرگز باقی نمی‌گذارد کسانی را که به سوی آن تضرع می‌کنند و رحم نمی‌آورد بر کسانی که از آن طلب عطف دارند و قدرت ندارد که تخفیفی قائل شود در حق کسی که در آن خاشع است و تسلیم آن شده است. آتشی که با ساکنان خود با دردناکترین آنچه دارد بر خورد می‌کند یعنی با انتقام دردآور و ابتلاء شدید.

(٣١) وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عِقَابِهَا الْفَاغِرَةِ أَفْوَاهُهَا، وَحَيَاتِهَا الصَّالِقَةَ
بَانِيَابِهَا، وَشَرَابِهَا الَّذِي يَقَطَعُ أَمْعَاءَ وَأَفِيدَةَ سُكَّانِهَا، وَيَنْزِعُ قُلُوبَهُمْ،
وَاسْتَهْدِيكَ لِمَا بَاعَدَ مِنْهَا، وَآخَرَ عَنْهَا. (٣٢) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ، وَاجْزِنِي مِنْهَا بِفَضْلِ رَحْمَتِكَ، وَأَقْلِنِي عَثْرَاتِي بِحُسْنِ إِقَالَتِكَ،
وَلَا تُخْذِلْنِي يَا خَيْرَ الْمُجِيرِينَ (٣٣) اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَقِي الْكَرِيهَةَ، وَتُعْطِي
الْحَسَنَةَ، وَتَفْعَلُ مَا تُرِيدُ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (٣٤) اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، إِذَا ذُكِرَ الْأَبْرَارُ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، مَا اخْتَلَفَ
اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، صَلَوةً لَا يَنْقَطِعُ مَدَدُهَا، وَلَا يُحْصَى عَدَدُهَا، صَلَوةً
تَشْحَنُ الْهَوَاءَ، وَتَمَلَأُ الْأَرْضَ وَالسَّمَاءَ. (٣٥) صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ حَتَّى
يَرْضَى، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَعْدَ الرِّضَا، صَلَوةً لَا حَدَّ لَهَا وَلَا
مُنْتَهَى، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

مرکز تحقیق و ترویج علوم و معارف
(٣٣)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِسْتِخَارَةِ:

(١) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاقْضِ
لِي بِالْخَيْرَةِ (٢) وَالْهَمْنَا مَعْرِفَةَ الْإِخْتِيَارِ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ ذَرْبَةً
إِلَى الرِّضَا بِمَا قَضَيْتَ لَنَا وَالتَّسْلِيمِ لِمَا حَكَمْتَ فَارِحْ عَنَّا
رَيْبَ الْإِزْتِيَابِ، وَآيِدْنَا بِيَقِينِ الْمُخْلِصِينَ. (٣) وَلَا تَسْمُنَا عَجْزَ
الْمَعْرِفَةِ عَمَّا تَخَيَّرْتَ فَتَنْعِطَ قَدْرُكَ، وَنَكْرَةَ مَوْضِعِ رِضَاكَ، وَنَجْنَحَ
إِلَى الَّتِي هِيَ أَبْعَدُ مِنْ حُسْنِ الْعَاقِبَةِ، وَأَقْرَبُ إِلَى ضِدِّ الْعَافِيَةِ

(۳۱) و به تو پناه می‌برم از عقرب‌های دوزخ که برای آزار دوزخیان دهان باز کرده‌اند، و از مارهای جهنّم که با نیش‌هایشان بر جهنمیان حمله می‌برند و از نوشیدنیهای آن که امعاء و احشاء ساکنان دوزخ را در هم می‌ریزد و دل‌هایشان را می‌درد. و من از تو هدایت می‌طلبم در امری که آتش را از من دور کند و عقاب را تأخیر اندازد.

(۳۲) خدایا بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و به فضل و رحمت مرا از دوزخ حفظ فرما. و به حُسن گذشت خود، از خطاهای من درگذر و مرا خوار مگردان، ای بهترین پناهان.

(۳۳) تویی که از زشتیها باز می‌داری زیباییها را عطا می‌کنی و آنچه اراده کنی انجام می‌دهی، و تو بر هر چیز توانایی.

(۳۴) خداوند آنجا که از نیکان یاد می‌شود و مادام که شب و روز در کارند، بر محمد ﷺ و آل او درود فرست، درودی که ابتدا آن هرگز قطع نشود و عدد آن قابل شمارش نباشد. درودی که فضا را پر کند و زمین و آسمان را فراگیرد.

(۳۵) درود بر رسول خدا ﷺ تا آنجا که راضی شود و درود بر او و آل او پس از رضایت، درودی که حد و منتهایی برایش نباشد، ای مهربانترین مهربانان.

دعای سی‌وسوم:

هنگام استخاره

- (۱) پروردگارا من به علم و آگاهی از تو طلب خیر می‌کنم پس بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و در حق من به خیر و سعادت حکم فرما
- (۲) و به ما شناخت خیر را الهام نما و این را طریقی به سوی رضا به مقررات و تسلیم در آنچه حکم می‌کنی قرار بده. پس زنگار شک را از ما دور کن و ما را با یقین اهل اخلاص، تأیید فرما. (۳) و ما را به عجز از شناخت آنچه به عنوان خیر در نظر گرفته‌ای، گرفتار مساز که در نتیجه ما قدر تو را نشناسیم و در موارد رضای تو، اکراه داشته باشیم و تمایل پیدا کنیم به چیزی که از نیکویی عاقبت دورتر است و به ضد عافیت و سلامت، نزدیکتر.

(٤) حَبَّبَ إِلَيْنَا مَا نَكْرَهُ مِنْ قَضَائِكَ، وَ سَهَّلَ عَلَيْنَا مَا نَسْتَضَعِبُ مِنْ
 حُكْمِكَ (٥) وَ أَلْهَمْنَا الْإِنْقِيَادَ لِمَا أَوْرَدْتَ عَلَيْنَا مِنْ مَشِيئَتِكَ حَتَّى
 لَا نُحِبَّ تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ، وَلَا تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ، وَلَا نَكْرَهُ مَا أَحْبَبْتَ،
 وَلَا نَتَخَيَّرَ مَا كَرِهْتَ. (٦) وَ اخْتِمَ لَنَا بِأَلْتِي هِيَ أَحْمَدُ عَاقِبَةً، وَ أَكْرَمُ
 مَصِيرًا، إِنَّكَ تُفِيدُ الْكَرِيمَةَ، وَ تُغْفِي الْجَسِيمَةَ، وَ تَفْعَلُ مَا تُرِيدُ،
 وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

﴿ ٣٤ ﴾

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا ابْتُلِيَ
 أَوْ رَأَى مُبْتَلًى بِفَضِيحَةٍ بِذَنْبٍ:

(١) اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى سِرِّكَ بَعْدَ عِلْمِكَ، وَ مُعَافَاتِكَ بَعْدَ خُبْرِكَ،
 فَكُنَّا قَدْ اقْتَرَفَ الْعَاقِبَةَ فَلَمْ تَشْهَرُهُ، وَ ارْتَكَبَ الْفَاحِشَةَ فَلَمْ تَفْضَحْهُ،
 وَ تَسْتَرَّ بِالْمَسَاوِي فَلَمْ تَدُلُّ عَلَيْهِ. (٢) كَمْ نَهَى لَكَ قَدْ آتَيْنَاهُ، وَ أَمْرٍ
 قَدْ وَقَفْتَنَا عَلَيْهِ فَتَعَدَّيْنَاهُ، وَ سَيِّئَةٍ اكْتَسَبْنَاهَا، وَ خَطِيئَةٍ ارْتَكَبْنَاهَا،
 كُنْتَ الْمُطَّلِعَ عَلَيْهَا دُونَ النَّظِيرِينَ، وَ الْقَادِرَ عَلَىٰ إِعْلَانِهَا فَوْقَ
 الْقَادِرِينَ، كَانَتْ عَافِيَتُكَ لَنَا حِجَابًا دُونَ أَبْصَارِهِمْ، وَ رَدْمًا دُونَ
 أَسْمَاعِهِمْ (٣) فَاجْعَلْ مَا سَتَرْتَ مِنَ الْعَوْرَةِ، وَ أَخْفَيْتَ مِنَ الدَّخِيلَةِ،
 وَ اعْظَا لَنَا، وَ زَاجِرًا عَنِ سُوءِ الْخُلُقِ، وَ اقْتِرَافِ الْخَطِيئَةِ، وَ سَعْيًا
 إِلَى التَّوْبَةِ الْمَاحِيَةِ، وَ الطَّرِيقِ الْمَحْمُودَةِ (٤) وَ قَرِّبِ الْوَقْتَ فِيهِ،
 وَ لَا تَسْمُنَا الْغَفْلَةَ عَنْكَ، إِنَّا إِلَيْكَ رَاغِبُونَ، وَ مِنْ الذُّنُوبِ تَائِبُونَ.

- (۴) خدایا آنچه را از احکامت که از پذیرش آن اکراه داریم در نزد ما محبوب کن و آنچه را که ما سخت و دشوار می‌شماریم، بر ما آسان فرما.
- (۵) و به ما انقیاد در برابر خواست خود را الهام نما تا اینکه ما تأخیر آنچه را تو در آن تعجیل داری طلب نکنیم و نیز تعجیل آنچه را تو بتأخیر انداخته‌ای، نخواهیم و آنچه را تو دوست می‌داری، ما مکروه ندانیم و آنچه را دوست نمی‌داری، اختیار نکنیم.
- (۶) خاتمه کار ما را شایسته‌ترین عاقبتها و شریفترین سرانجام‌ها قرار بده. زیرا توئی که کرامت می‌دهی و بزرگی عطا می‌کنی و آنچه اراده کنی انجام می‌دهی و تو بر هر کاری توانایی.

دعای سی و چهارم:

هنگام مشاهده رسوایی گناهکاران

- (۱) خدایا شکر تو را سزااست در خطا پریشیت بعد از علمت، و در گذشتت بعد از آگاهیست. هر یک از ما به گناه و خطا نزدیک شده، اما تو او را شهرة عام و خاص نکرده‌ای، و مرتکب کار ناپسند شده اما تو او را مفتضح ننموده‌ای و گناهان را همچون پوشش خود قرار داده اما تو بر گناهان او کسی را راهنمایی نکرده‌ای.
- (۲) چه بسیار از نهی‌های تو را ما مرتکب شدیم و چه بسیار از او امر تو که ما را بر آنها آگاه ساختی اما نافرمانی کردیم. و چه بسیار گناهان که آنها را اکتساب کردیم و چه بسا خطاها که مرتکب شدیم. و تو بر آنها مطلع بودی اما ناظرین دیگر نمی‌دیدند، و تو برتر از همه قدرتمندان، می‌توانستی آنها را اعلان کنی. عفو و گذشتت تو حجابی است که چشمان دیگران خطاهای ما را نبیند و مانعی است که گوش آنها نشنود.
- (۳) پس آنچه را از زشتیهای ما که پوشانیده‌ای و از کمبودها که پنهان داشته‌ای، پندی برای ما و مانعی از سوء خلق و فرو افتادن در خطا قرار ده و باعثی برای تلاش در جهت توبه محو کننده گناهان و راه نیکوی سعادت مقرر فرما. (۴) و زمان این بازگشت را نزدیک فرما و ما را به غفلت از خودت گرفتار مساز. ما به سوی تو راغب و از گناهان تائب هستیم.

(٥) وَصَلِّ عَلَى خَيْرَتِكَ اللَّهُمَّ مِنْ خَلْقِكَ: مُحَمَّدٍ وَعِثْرَتِهِ الصُّفْوَةِ
مِنْ بَرِيَّتِكَ الطَّاهِرِينَ، وَاجْعَلْنَا لَهُمْ سَامِعِينَ وَ مُطِيعِينَ كَمَا
أَمَرْتَ.

﴿٣٥﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي
الرِّضَا إِذَا نَظَرَ إِلَى أَصْحَابِ الدُّنْيَا:

(١) الْحَمْدُ لِلَّهِ رَضِيَ بِحُكْمِ اللَّهِ، شَهِدْتُ أَنَّ اللَّهَ قَسَمَ مَعَاشَ عِبَادِهِ
بِالْعَدْلِ، وَ أَخَذَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ بِالْفَضْلِ (٢) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ، وَ لَا تَفْتِنِّي بِمَا أَعْطَيْتَهُمْ، وَ لَا تَفْسِتُهُمْ بِمَا مَنَعْتَنِي فَأَحْسُدَ خَلْقَكَ،
وَ أَعْمَطَ حُكْمَكَ. (٣) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ طَيِّبْ بِقَضَائِكَ
نَفْسِي، وَ وَسِّعْ بِمَوَاقِعِ حُكْمِكَ صَدْرِي، وَ هَبْ لِي الثِّقَّةَ لِأَقْرَبِ مَعَهَا بَانَ
قَضَاءَكَ لَمْ يَجْرِ إِلَّا بِالْخَيْرَةِ، وَ اجْعَلْ شُكْرِي لَكَ عَلَى مَا زَوَيْتَ عَنِّي
أَوْفَرَ مِنْ شُكْرِي إِيَّاكَ عَلَى مَا خَوَّلْتَنِي (٤) وَ اعْصِمْنِي مِنْ أَنْ أَظُنَّ
بِذِي عَدَمِ خَسَاسَةٍ، أَوْ أَظُنَّ بِصَاحِبِ ثُرْوَةٍ فَضْلًا، فَإِنَّ الشَّرِيفَ مَنْ
شَرَفَتْهُ طَاعَتُكَ، وَ الْعَزِيزَ مَنْ أَعَزَّتْهُ عِبَادَتُكَ (٥) فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ، وَ مَتَّعْنَا بِثُرْوَةٍ لَا تَنْفَدُ، وَ أَيْدِنَا بِعِزٍّ لَا يُفْقَدُ، وَ اسْرَحْنَا فِي مُلْكِ
الْأَبَدِ، إِنَّكَ الْوَاحِدُ الْوَاحِدُ الصَّمَدُ، الَّذِي لَمْ تَلِدْ وَ لَمْ تُوَلَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَكَ
كُفُوًّا أَحَدٌ.

(۵) خدایا بر بندگان خوبت درود فرست یعنی بر پیامبر و عترت برگزیده او که پاک و مطهرند. و ما را سامع و مطیع آنها قرار ده همانگونه که خود امر کرده‌ای.

دعای سی و پنجم: در مقام رضا و خشنودی

- (۱) ستایش و سپاس از آن خدائی است که راضی به قضای او هستم. گواهی میدهم که خداوند روزی بندگان خویش را بر اساس عدالت تقسیم کرده است و نسبت به جمیع مخلوقاتش فضل و بخشش دارد.
- (۲) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست و مرا به آنچه به دیگران داده‌ای مفتون و شیفته مساز و آنان را به آنچه از من منع کرده‌ای مبتلا مکن که در نتیجه من به خلق تو حسد برم و نسبت به حکم تو خشمگین گردم.
- (۳) خداوندا بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او درود فرست و اندرون مرا نسبت به حکم خویش پاک گردان و سینه مرا در موارد احکام خود فراخ ساز و به من اطمینانی عطا کن که اقرار کنم قضای تو جز بر نیکی‌ها جاری نمی‌شود. و شکرم را در آنچه از من منع کرده‌ای بیشتر کن از سپاسم در آنچه به من عطا فرموده‌ای.
- (۴) و مرا حفظ کن که نسبت به فقیران گمان خفت و خواری نزنم و با نسبت به ثروتمندان گمان فضل و برتری نبرم. شرافتمند کسی است که طاعت تو او را شرافت بخشد و عزیز کسی است که بندگی تو به او عزت دهد.
- (۵) پس بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او درود فرست و ما را از ثروتی بر خوردار ساز که پایان نپذیرد و با عزتی تأییدمان فرما که از دست نرود و ما را در ملک ابدی رها ساز، که توئی آن یکتا و بی همتا و بی نیازی که نه فرزند دارد و نه فرزند کسی می‌باشد و برای او هرگز همتا و نمونه‌ای نیست.

(٣٦)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا نَظَرَ إِلَى
السَّحَابِ وَالْبَرْقِ وَ سَمِعَ صَوْتَ الرَّعْدِ:

(١) اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَيْنِ آيَاتِنِ مِنْ آيَاتِكَ، وَ هَذَيْنِ عَوْنَانِ مِنْ أَعْوَانِكَ،
يَبْشِرَانِ طَاعَتَكَ بِرَحْمَةٍ نَافِعَةٍ أَوْ نِقْمَةٍ ضَارَّةٍ، فَلَا تُمَطِّرْنَا بِهِمَا
مَطَرَ السَّوْءِ، وَلَا تُلْبِسْنَا بِهِمَا لِبَاسَ الْبَلَاءِ. (٢) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ أَنْزِلْ عَلَيْنَا نَفْعَ هَذِهِ السَّحَابِ وَبَرَكَاتِهَا، وَ اصْرِفْ
عَنَّا أَذَاهَا وَ مَضَرَّتَهَا، وَ لَا تُصِيبْنَا فِيهَا بَاقَةٌ، وَ لَا تُرْسِلْ عَلَيَّ مَعَايِشِنَا
عَاهَةً. (٣) اللَّهُمَّ وَ إِنْ كُنْتَ بَعَثْتَهَا نِقْمَةً وَ أَرْسَلْتَهَا سَخِطَةً فَإِنَّا
نَسْتَجِيرُكَ مِنْ غَضَبِكَ، وَ نَسْتَهْلُ إِلَيْكَ فِي سُؤَالِ عَفْوِكَ، فَمِلْ
بِالْغَضَبِ إِلَى الْمُشْرِكِينَ، وَ أَدِرْ رَحِي نِقْمَتِكَ عَلَى الْمُلْحِدِينَ.
(٤) اللَّهُمَّ أَذْهَبْ مَحَلَّ بِلَادِنَا بِسُقْيَاكَ، وَ أَخْرِجْ وَحَرَ صُدُورِنَا
بِرِزْقِكَ، وَ لَا تَشْغَلْنَا عَنْكَ بِغَيْرِكَ، وَ لَا تَقْطَعْ عَنَّا كَافِتِنَا مَادَّةَ بَرِّكَ،
فَإِنَّ الْغِنَى مَنْ أَعْنَيْتَ، وَ إِنْ السَّالِمَ مَنْ وَقَيْتَ (٥) مَا عِنْدَ أَحَدٍ
دُونِكَ دِفَاعٌ، وَ لَا بِأَحَدٍ عَن سَطْوَتِكَ امْتِنَاعٌ، تَحْكُمُ بِمَا شِئْتَ عَلَيَّ
مَنْ شِئْتَ، وَ تَقْضِي بِمَا أَرَدْتَ فِيمَنْ أَرَدْتَ (٦) فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ
مَا وَقَيْتَنَا مِنَ الْبَلَاءِ، وَ لَكَ الشُّكْرُ عَلَيَّ مَا خَوَّلْتَنَا مِنَ النِّعْمَاءِ،
حَمْدًا يُخَلِّفُ حَمْدَ الْحَامِدِينَ وَ رَأَاهُ، حَمْدًا يَمْلَأُ أَرْضَهُ وَ سَمَاءَهُ

دعای سی و ششم:

به هنگام مشاهده ابر و رعد و برق

(۱) خداوندا این دو پدیده، دو نشانه از نشانه‌های تو و دو یاور از یاوران تو هستند که تحت اطاعت تو، یا موجب رحمت نافع می‌باشند و یا اسباب قهر مضر. پس بر ما بوسیله این دو باران سوء مریز و با آن دو، لباس بلا بر ما مپوشان.

(۲) خداوندا بر محمد و آل او درود فرست و نفع و برکت این ابرها را بر ما نازل کن و اذیت و مضرت آنها را از ما دور کن و با آنها بر ما آفتی مرسان و به معیشت ما ضرری متوجه مساز.

(۳) خداوندا اگر این ابرها را برای نعمت و از روی غضب فرستاده‌ای، ما از خشمت به سوی خودت پناه می‌آوریم و در در خواست بخشش به سوی خودت تضرع می‌کنیم، پس غضبت را به سوی مشرکین متوجه کن و چرخه نعمت را به جانب مُلجِدین بگردان.

(۴) خدایا خشکی سرزمینهای ما را به سقایت و آبیاری خودت زائل گردان و عقده دل ما را به رزق و روزیت بگشای و ما را به غیر خود مشغول مساز و رشته احسانت را از جمع ما قطع مفرما. زیرا بی‌نیاز کسی است که تو او را بی‌نیاز سازی و سالم کسی است که تو او را حفظ کنی.

(۵) غیر از تو کسی توانائی دفاع ندارد و هیچ کس از سلطه و قهر تو قدرت امتناع ندارد. بر هر کس که بخواهی به آنچه می‌خواهی حکم می‌کنی و آنچه را اراده فرمائی در حق هر کس که بخواهی، صادر می‌کنی.

(۶) پس حمد و سپاس مر توراست در بلاهائی که ما را از آنها محفوظ داشتی و شکر و ستایش تو را سزاست در نعمتهائی که به ما عطا فرمودی. حمدی که سپاس سپاسگزاران دیگر را پشت سر اندازد، حمدی که زمین و آسمان الهی را پر سازد.

(٧) إِنَّكَ الْمَنَّانُ بِجَسِيمِ الْمِنَّةِ، الْوَهَّابُ لِعَظِيمِ النَّعْمِ، الْقَابِلُ يَسِيرِ
الْحَمْدِ، الشَّاكِرُ قَلِيلِ الشُّكْرِ، الْمُحْسِنُ الْمُجْمِلُ ذُو الطَّوْلِ، لَا إِلَهَ إِلَّا
أَنْتَ، إِلَيْكَ الْمَصِيرُ.

﴿٣٧﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا اعْتَرَفَ
بِالتَّقْصِيرِ عَنْ تَأْدِيَةِ الشُّكْرِ:

(١) اللَّهُمَّ إِنَّ أَحَدًا لَا يَبْلُغُ مِنْ شُكْرِكَ غَايَةَ إِلَّا حَصَلَ عَلَيْهِ
مِنْ إِحْسَانِكَ مَا يُلْزِمُهُ شُكْرًا (٢) وَلَا يَبْلُغُ مَبْلَغًا مِنْ طَاعَتِكَ
وَإِنْ اجْتَهَدَ إِلَّا كَانَ مُقْصِرًا دُونَ اسْتِحْقَاقِكَ بِفَضْلِكَ (٣) فَاشْكُرْ
عِبَادَكَ عَاجِزٌ عَنْ شُكْرِكَ، وَاعْبُدْهُمْ مُقْصِرٌ عَنْ طَاعَتِكَ (٤) لَا يَجِبُ
لِأَحَدٍ أَنْ تَغْفِرَ لَهُ بِاسْتِحْقَاقِهِ، وَلَا أَنْ تَرْضَى عَنْهُ بِاسْتِجَابِهِ
(٥) فَمَنْ غَفَرْتَ لَهُ فَبِطَوْلِكَ، وَمَنْ رَضَيْتَ عَنْهُ فَبِفَضْلِكَ
(٦) تَشْكُرُ يَسِيرَ مَا شَكَرْتَهُ، وَتُثِيبُ عَلَى قَلِيلٍ مَا تُطَاعُ فِيهِ حَتَّى
كَانَ شُكْرُ عِبَادِكَ الَّذِي أَوْجَبْتَ عَلَيْهِ ثَوَابَهُمْ وَأَعْظَمْتَ عَنْهُ جَزَاءَهُمْ
أَمْرٌ مَلَكَوا اسْتِطَاعَةَ الْإِمْتِنَاعِ مِنْهُ دُونَكَ فَكَافَيْتَهُمْ، أَوْلَمْ يَكُنْ
سَبَبُهُ بِيَدِكَ فَجَازَيْتَهُمْ! (٧) بَلْ مَلَكَتْ - يَا إِلَهِي - أَمْرَهُمْ قَبْلَ أَنْ
يَمْلِكُوا عِبَادَتَكَ، وَأَعَدَدْتَ ثَوَابَهُمْ قَبْلَ أَنْ يُفِيضُوا فِي طَاعَتِكَ،
وَذَلِكَ أَنْ سُنَّتَكَ الْإِفْضَالُ، وَعَادَتَكَ الْإِحْسَانُ، وَسَبِيلَكَ الْعَفْوُ

(۷) همانا توئی که با موهبتهای بزرگ بر ما منت داری و نعمتهای عظیم را به ما عطا فرموده‌ای. توئی که سپاس اندک ما را می‌پذیری و شکر ناچیز ما را سپاس می‌گویی، صاحب احسان و نیکی و بخشش هستی. جز تو معبودی نیست و بازگشت همه به سوی توست.

دعای سی و هفتم:

در ناتوانی از اداء شکر الهی

- (۱) خداوندا هیچکس در سپاسگزاری از تو به نهایتی نمی‌رسد مگر اینکه از احسان تو چیزی به او می‌رسد که شکر دیگر را بر او لازم می‌کند.
- (۲) و در طاعت تو هر چقدر هم کسی بکوشد، به جایی نمی‌رسد جز آنکه نسبت به آنچه شایسته فضل توست، مقصر خواهد بود.
- (۳) پس شاکرترین بندگانت، عاجز از انجام سپاس توست و عابدترین آنان در طاعت تو مقصر است.
- (۴) آمرزش نسبت به هیچکس بر حسب استحقاقش، ضروری نیست و رضایت از احدی به لحاظ درخواستش لازم نمی‌باشد.
- (۵) پس هر که را ببخشی از مرحمت توست و هر که را مورد رضایت قرار دهی، از فضل توست.
- (۶) کارهای اندک از آنچه را می‌پسندی، مورد شکر قرار می‌دهی و بر طاعت کم، ثواب عطا می‌نمایی، گویا شکر بندگانت - که به خاطر آن به آنان ثواب می‌دهی و پاداششان را بیشتر از شکرشان عطا می‌کنی - امری است که خود می‌توانند در آن توفیق یابند و تو فقط پاداش می‌دهی و گویا سبب این شکر به دست تو نبوده و فقط جزایشان می‌دهی.
- (۷) حال آنکه (ای خدای من) قبل از آنکه آنان به عبادت تو پردازند، تو عهده‌دار امور آنان بوده‌ای و قبل از اینکه آنان در راه طاعت تو قدم بگذارند، ثوابشان را آماده ساخته‌ای زیرا سنت تو اعطا فضل و عادت تو احسان و سیره تو عفو و بخشش است.

(٨) فَكُلُّ الْبَرِيَّةِ مُعْتَرِفَةٌ بِأَنَّكَ غَيْرُ ظَالِمٍ لِمَنْ عَاقَبْتَ، وَ شَاهِدَةٌ بِأَنَّكَ مُتَّفَضِّلٌ عَلَى مَنْ عَافَيْتَ، وَ كُلُّ مُقِرٍّ عَلَى نَفْسِهِ بِالتَّقْصِيرِ عَمَّا اسْتَوْجَبْتَ

(٩) فَلَوْلَا أَنَّ الشَّيْطَانَ يَخْتَدِعُهُمْ عَنِ طَاعَتِكَ مَا عَصَاكَ عَاصٍ، وَ لَوْلَا أَنَّهُ صَوَّرَ لَهُمُ الْبَاطِلَ فِي مِثَالِ الْحَقِّ مَا ضَلَّ عَنْ طَرِيقِكَ ضَالٌّ

(١٠) فَسُبْحَانَكَ! مَا أَبَيَّنَ كَرَمَكَ فِي مُعَامَلَةٍ مِنْ أَطَاعِكَ أَوْ عَصَاكَ: تَشْكُرُ لِلْمُطِيعِ مَا أَنْتَ تَوَلَّيْتَهُ لَهُ، وَ تُعْلِي لِلْعَاصِي فِيمَا تَمْلِكُ مُعَاجِلَتَهُ فِيهِ.

(١١) أَعْطَيْتَ كُلًّا مِنْهُمَا مَا لَمْ يَجِبْ لَهُ، وَ تَفَضَّلْتَ عَلَى كُلِّ مِنْهُمَا بِمَا يَقْضُرُ عَمَلُهُ عَنْهُ. (١٢) وَ لَوْ كَافَاتِ الْمُطِيعَ عَلَى مَا أَنْتَ تَوَلَّيْتَهُ لَأَوْشَكَ أَنْ يَفْقَدَ ثَوَابَكَ، وَ أَنْ تَزُولَ عَنْهُ نِعْمَتُكَ، وَ لَكِنَّكَ بِكَرَمِكَ جَازَيْتَهُ عَلَى الْمُدَّةِ الْقَصِيرَةِ الْفَانِيَةِ بِالْمُدَّةِ الطَّوِيلَةِ الْخَالِدَةِ، وَ عَلَى الْغَايَةِ الْقَرِيبَةِ الزَّائِلَةِ بِالْغَايَةِ الْمَدِيدَةِ الْبَاقِيَةِ. (١٣) ثُمَّ لَمْ تَسْمَهُ الْقِصَاصَ فِيمَا أَكَلَ مِنْ رِزْقِكَ الَّذِي يَقْوَى بِهِ عَلَى طَاعَتِكَ، وَ لَمْ تَحْمِلْهُ عَلَى الْمُنَاقَشَاتِ فِي الْأَلَاتِ الَّتِي تَسَبَّبَ بِاسْتِعْمَالِهَا إِلَى مَغْفِرَتِكَ، وَ لَوْ فَعَلْتَ ذَلِكَ بِهِ لَذَهَبَ بِجَمِيعِ مَا كَدَحَ لَهُ وَ جَعَلَهُ مَاسَعَى فِيهِ جَزَاءً لِلصُّغْرَى مِنْ أَيْدِيكَ وَ مِنْكَ، وَ لَبَقِيَ رَهِينًا بَيْنَ يَدَيْكَ بِسَائِرِ نِعَمِكَ، فَمَتَى كَانَ يَسْتَحِقُّ شَيْئًا مِنْ ثَوَابِكَ؟ لَا! مَتَى؟! (١٤) هَذَا - يَا إِلَهِي - حَالُ مَنْ أَطَاعَكَ، وَ سَبِيلُ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ، فَأَمَّا الْعَاصِي أَمْرَكَ وَ الْمَوَاقِعُ نَهْيَكَ فَلَمْ تُعَاجِلْهُ بِنِقْمَتِكَ لَكِنِّي يَسْتَبْدِلُ بِحَالِهِ فِي مَعْصِيَتِكَ حَالِ الْإِنَابَةِ إِلَى طَاعَتِكَ، وَ لَقَدْ كَانَ يَسْتَحِقُّ فِي أَوَّلِ مَا هَمَّ بِعِصْيَانِكَ كُلَّ مَا أَعْدَدْتَ لِجَمِيعِ خَلْقِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ. (١٥) فَجَمِيعُ مَا أَخْرَتْ عَنْهُ مِنَ الْعَذَابِ وَ ابْطَاطِ بِهِ عَلَيْهِ مِنْ سَطَوَاتِ النِّقْمَةِ وَ الْعِقَابِ تَرْكٌ مِنْ حَقِّكَ، وَ رِضَى بِدُونِ وَاجِبِكَ

(۸) ولذا همگان معترفند که تو نسبت به آنکه عقوبتت می‌کنی ظالم نیستی. و همه گواهی می‌دهند که تو نسبت به آنکه او را می‌بخشی، با فضیلت رفتار می‌کنی، و هر کس به خود می‌نگرد، در انجام آنچه شایسته توست اقرار به تقصیر می‌کند (۹) اگر مکر و فریب شیطان نبود، هیچکس تو را عصیان نمی‌کرد و اگر شیطان باطل را در چهره حق جلوه نمی‌داد، هیچکس از راه تو منحرف نمی‌شد. (۱۰) پس منزهی تو! و چه روشن است بزرگواری تو در رفتار با کسی که از تو اطاعت کند و یا تو را عصیان نماید. در حق مطیع از آنچه خود برایش فراهم ساخته‌ای تشکر می‌کنی و در حق گناهکار، در آنچه می‌توانی به عقوبتت شتاب کنی، مهلت می‌دهی. (۱۱) به هر یک از مطیع و عاصی، چیزی عطا می‌کنی که برایش لازم نیست و به آنان عطایایی تفضل می‌کنی که عمل آنها کمتر از آن است (۱۲) و اگر در مورد اهل طاعت، نسبت به آنچه خود متولی آن بوده‌ای، به عدالت رفتار می‌کردی، چه بسا شخص ثواب تو را از دست می‌داد و نعمت تو از او زایل می‌شد. اما تو با کرم خود، او را با پاداش همیشگی در برابر اعمال ناچیز دنیای فانی جزا دادی و در برابر اهداف نزدیک و زوال پذیر دنیا، او را به نتایج طولانی و پایدار اخروی رساندی. (۱۳) و در مقابل آنچه از روزیهای تو استفاده کرده و بر طاعت تو توانایی یافته، باز خواست نموده‌ای و نسبت به ابزاری که با آنها از تو طلب غفران کرده، مناقشه و سخت‌گیری نکرده‌ای. و اگر چنین می‌کردی، همه آنچه برای آن زحمت کشیده و تلاش نموده به عنوان جزای لطف و منتی کوچک از سوی تو به حساب نمی‌آمد و همچنان در نزد تو نسبت به سایر نعمتها بدهکار بود. پس کی چنین بنده‌ای مستحق ثوابی از جانب توست؟! هرگز، هرگز! (۱۴) ای خدای من، این است حال کسی که مطیع توست و بندگی تو را دارد. و اما تو نسبت به کسی که امر تو را نافرمانی کرده و نهی تو را مرتکب شده نیز تعجیل در عذاب و گرفتاری نکرده‌ای تا او را از حال معصیت، به حال توبه و طاعت بازگردانی و حال آنکه او، در همان آغاز که قصد معصیت تو را نمود، استحقاق همه عقابهایی را که برای جمیع بندگان مهیا ساخته‌ای، داشت. (۱۵) پس همه عذابهایی که در حق او به تأخیر انداخته‌ای و همه بلاها و عقوبتهایی که در انجام آنها کندی کرده‌ای، حقی برای تو است که آن را ترک فرموده‌ای و خشنودیی است که بر تو لازم نبوده است.

(١٦٦) فَمَنْ أَكْرَمُ - يَا إِلَهِي - مِنْكَ، وَمَنْ أَشَقِي مِمَّنْ هَلَكَ عَلَيْكَ؟ لَأَمْ مَنْ؟ فَتَبَارَكْتَ أَنْ تُوصَفَ إِلَّا بِالْإِحْسَانِ، وَكَرُمْتَ أَنْ يُخَافَ مِنْكَ إِلَّا الْعَدْلُ، لَا يُخْشَى جَوْرُكَ عَلَى مَنْ عَصَاكَ، وَلَا يُخَافُ إِغْفَالُكَ ثَوَابَ مَنْ أَرْضَاكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهَبْ لِي أَمَلِي، وَزِدْنِي مِنْ هَذَاكَ مَا أَصِلُ بِهِ إِلَى التَّوْفِيقِ فِي عَمَلِي، إِنَّكَ مَنَّانٌ كَرِيمٌ.

﴿٣٨﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِعْتِذَارِ
مِنْ تَبِعَاتِ الْعِبَادِ وَمِنَ التَّقْصِيرِ فِي حُقُوقِهِمْ
وَ فِي فَكَاكِ رَقَبَتِهِ مِنَ النَّارِ:

مرکز تحقیق کتب و تفسیر علوم اسلامی

(١) اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ مِنْ مَظْلُومٍ ظَلِمَ بِحَضْرَتِي فَلَمْ أَنْصُرْهُ،
وَمِنْ مَعْرُوفٍ أَسَدَيْ إِلَى فَلَمْ أَشْكُرْهُ، وَمِنْ مُسِيئَةٍ اعْتَذَرَ إِلَيَّ فَلَمْ
أَعْذِرْهُ، وَمِنْ ذِي فَاقَةٍ سَأَلَنِي فَلَمْ أُوَثِّرْهُ، وَمِنْ حَقِّ ذِي حَقٍّ لَزِمَنِي
لِمُؤْمِنٍ فَلَمْ أُوَفِّرْهُ، وَمِنْ عَيْبٍ مُؤْمِنٍ ظَهَرَ لِي فَلَمْ أَسْتُرْهُ، وَمِنْ كُلِّ إِثْمٍ
عَرَضَ لِي فَلَمْ أَهْجُرْهُ. (٢) أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ - يَا إِلَهِي - مِنْهُنَّ وَمِنْ
نَظَائِرِهِنَّ اعْتِذَارَ نِدَامَةٍ يَكُونُ وَاعِظًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنْ أَشْبَاهِهِنَّ.
(٣) فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ نِدَامَتِي عَلَى مَا وَقَعْتُ فِيهِ مِنَ
الزَّلَّاتِ، وَعَزِّمِي عَلَى تَرْكِ مَا يَعْزِضُ لِي مِنَ السَّيِّئَاتِ، تَوْبَةً تُوجِبُ
لِي مَحَبَّتَكَ، يَا مُحِبَّ التَّوَابِينَ.

(۱۶) پس ای معبود من، چه کسی کریمتر از توست و چه کسی شقی‌تر از آن کس است که در مخالفت با تو به هلاکت افتد؟ آیا چه کسی؟! پس تو برتر از آنی که جز به احسان توصیف شوی و کریمتر از آنی که کسی جز از عدل تو بترسد. از ظلم تو بر کسی که تو را عصیان کند، ترسی نیست و از غفلت تو در ثواب دادن کسی که تو را خشنود سازد، هراسی نمی‌باشد. پس بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و آنچه آرزو دارم به من عطا فرما و از هدایتت چندان بر من افزون نما که توفیق عمل پیدا کنم، که تو صاحب منتهای فراوان و اهل کرامتی.

دعای سی‌وهشتم :

به هنگام کوتاهی در اداء حقوق بندگان خدا

(۱) خداوندا من از تو پوزش می‌خواهم دربارهٔ مظلومی که در حضور من مورد ستم واقع شده و من او را یاری نکرده‌ام. و خیری که در حق من انجام شده و من شکر آن را بجا نیاورده‌ام. و خطاکاری که از من عذر خواسته و من عذر او را نپذیرفته‌ام و بیچاره‌ای که از من چیزی طلب کرده و من به او نداده‌ام و حق صاحب حق مؤمنی که برگردن من آمده و آن را به کمال ادا نکرده‌ام و عیب مؤمنی که بر من آشکار گشته و من آن را نپوشانده‌ام و گناهی که از من سر زده و من آن را ترک نکرده‌ام.

(۲) ای معبود من، از درگاه تو عذر می‌خواهم نسبت به این گناهان و نظایر آنها، عذری که از روی پشیمانی است و برای من در امثال این گناهان که پیش می‌آیند، پندآموز است.

(۳) پس بر پیامبر ﷺ و آل او درود فرست و پشیمانی مرا در خطاهایی که انجام داده‌ام و تصمیم مرا بر ترک گناهانی که در آینده پیش می‌آیند، به منزلهٔ توبه‌ای قرار ده که موجب محبتت نسبت به من شود، ای کسی که توبه‌کنندگان را دوست می‌داری.

(٣٩)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طَلَبِ
الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ:

(١) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاكْسِرْ شَهْوَتِي عَنْ كُلِّ
مَحْرَمٍ، وَازْوِجْ حِرْصِي عَنْ كُلِّ مَأْتَمٍ، وَامْتَنِعْنِي عَنْ أَدَى كُلِّ مُؤْمِنٍ
وَمُؤْمِنَةٍ، وَمُسْلِمٍ وَمُسْلِمَةٍ. (٢) اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا عَبْدٍ نَالَ مِنِّي
مَا حَظَرْتَ عَلَيْهِ، وَانْتَهَكَ مِنِّي مَا حَجَرْتَ عَلَيْهِ، فَمَضَى بِظِلَامَتِي
مَيِّتًا، أَوْ حَصَلَتْ لِي قِبَلَهُ حَيَاتًا فَاغْفِرْ لَهُ مَا آلَمَ بِهِ مِنِّي، وَاعْفُ لَهُ عَمَّا
أَذْبَرَ بِهِ عَنِّي، وَ لَا تَقْفُهُ عَلَيَّ مَا أَرْتَكِبُ فِيَّ، وَ لَا تَكْشِفُهُ عَمَّا اكْتَسَبَ
بِي، وَ اجْعَلْ مَا سَمَّخْتُ بِهِ مِنَ الْعَفْوِ عَنْهُمْ، وَ تَبَرَّعْتُ بِهِ مِنَ الصَّدَقَةِ
عَلَيْهِمْ أَزْكَى صَدَقَاتِ الْمُتَصَدِّقِينَ، وَ أَعْلَى صَلَاتِ الْمُتَقَرِّبِينَ
(٣) وَ عَوِّضْنِي مِنْ عَفْوِي عَنْهُمْ عَفْوَكَ، وَ مِنْ دُعَائِي لَهُمْ رَحْمَتَكَ
حَتَّى يَسْعَدَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنَّا بِفَضْلِكَ، وَ يَنْجُو كُلُّ مِنَّا بِمَنَّكَ. (٤) اللَّهُمَّ
وَ أَيُّمَا عَبْدٍ مِنْ عِبِيدِكَ أَدْرَكَهُ مِنِّي دَرَكٌ، أَوْ مَسَّهُ مِنْ نَاحِيَّتِي أَدَى،
أَوْ لِحِقَّةُ بِي أَوْ بِسَبَبِي ظَلَمٌ فَفُتُّهُ بِحَقِّهِ، أَوْ سَبَقْتُهُ بِمَظْلَمَتِهِ، فَصَلِّ
عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَرْضِهِ عَنِّي مِنْ وَجْدِكَ، وَ أَوْفِهِ حَقَّهُ مِنْ
عِنْدِكَ (٥) ثُمَّ قِنِي مَا يُوجِبُ لَهُ حُكْمَكَ، وَ خَلِّصْنِي مِمَّا يَحْكُمُ بِهِ
عَدْلُكَ، فَإِنَّ قُوَّتِي لَا تَسْتَقِلُّ بِنِقْمَتِكَ، وَ إِنَّ طَاقَتِي لَا تَنْهَضُ بِسُخْطِكَ،
فَإِنَّكَ إِنْ تَكَافَيْتَنِي بِالْحَقِّ تُهْلِكُنِي، وَ إِنْ تَعَمَّدَنِي بِرَحْمَتِكَ تُؤَبِّقُنِي.

دعای سی و نهم:

در طلب بخشش و رحمت الهی

(۱) خداوندا بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او درود فرست و میل و شهوت مرا نسبت به هر حرامی درهم بشکن و حرص مرا نسبت به هر گناهی نابود کن و مرا از اذیت و آزار هر زن و مرد مؤمن و مسلمان باز بدار.

(۲) خدایا هر کس از بندگان را که از من به او ضرری رسیده که از آن منع کرده بودی و یا آبرویش را برده‌ام که تو آن را پوشیده بودی و اینک آن بنده از دنیا رفته و یا هنوز در دنیاست، بجای اذیتی که من به او رسانده‌ام، او را مورد عفو قرار ده و اگر من حقوقی به گردن او داشته‌ام و او پشت پا انداخته، از او درگذر. و او را فردای قیامت نسبت به آنچه در حق من کرده، متوقف ساز و پرده از خطاهایی که در مورد من انجام داده بر مدار. و گذشت مرا از او و صدقه‌ای را که به دلخواه خودم در حق وی می‌دهم، از پاکترین صدقات قرار ده و از بالاترین عطایای مقربین درگاهت محسوب فرما.

(۳) و در مقابل عفو من نسبت به گذشتگان، عفو و بخشش خودت را به من عطا فرما و در برابر دعای من در حق آنان، رحمت خودت را شامل حالم گردان، تا اینکه هر یک از ما با فضل تو به سعادت نایل آییم و با لطف و منت تو، به ساحل نجات برسیم.

(۴) خدایا هر بنده از بندگان که از من به او نقصی وارد شده و یا از جانب من آزاری دیده و یا توسط من ظلمی بر او شده و من حق او را ضایع کرده‌ام و یا در ستم، من بر او سبقت جسته‌ام، پس اینک بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او درود فرست و از فضل خود او را راضی گردان و از جانب خود حقش را عطا کن.

(۵) و مرا از آنچه حکم تو اقتضا می‌کند یعنی گرفتاری به مظلّمه او حفظ فرما و از آنچه مقتضای حکم عادلانه توست آزاد ساز. زیرا توان من تاب انتقام تو را ندارد و طاقت من نمی‌تواند خشم تو را تحمل کند. پس تو اگر بر اساس حق و عدالت با من رفتار کنی مرا به هلاکت می‌اندازی و اگر با رحمتت لباس مغفرت بر من نپوشی، مرا خوار و پست خواهی کرد.

(٦) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْهَبُكَ - يَا إِلَهِي - مَا لَا يُنْقِصُكَ بَدْلُهُ، وَاسْتَحْمِلْكَ
 مَا لَا يَبْهَظُكَ حَمْلُهُ. (٧) أَسْتَوْهَبُكَ - يَا إِلَهِي - نَفْسِي الَّتِي لَمْ تَخْلُقْهَا
 لِتَمْتَنَعَ بِهَا مِنْ سُوءٍ، أَوْ لِتَطَّرَقَ بِهَا إِلَى نَفْعٍ، وَلَكِنْ أَنْشَأْتَهَا إِثْبَاتًا
 لِقُدْرَتِكَ عَلَى مِثْلِهَا، وَاحْتِجَاجًا بِهَا عَلَى شَكْلِهَا. (٨) وَاسْتَحْمِلْكَ مِنْ
 ذُنُوبِي مَا قَدْ بَهَظَنِي حَمْلُهُ، وَاسْتَعِينُ بِكَ عَلَى مَا قَدْ فَدَحَنِي ثِقْلُهُ.
 (٩) فَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهَبْ لِنَفْسِي عَلَى ظُلْمِهَا نَفْسِي، وَوَكِّلْ
 رَحْمَتَكَ بِاحْتِمَالِ إِصْرِي، فَكَمْ قَدْ لَحِقَتْ رَحْمَتُكَ بِالْمُسِيئِينَ، وَكَمْ قَدْ
 شَمِلَ عَفْوُكَ الظَّالِمِينَ. (١٠) فَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنِي أُسْوَةً
 مَنْ قَدْ أَنْهَضْتَهُ بِتَجَاوُزِكَ عَنْ مَصَارِعِ الْخَاطِئِينَ، وَخَلَصْتَهُ
 بِتَوْفِيقِكَ مِنْ وَرَطَاتِ الْمُجْرِمِينَ، فَاصْبِحْ طَلِيقَ عَفْوِكَ مِنْ إِسَارِ
 سُخْطِكَ، وَعَتِيقَ صُنْعِكَ مِنْ وَثَاقِ عَذَابِكَ. (١١) إِنَّكَ أَنْ تَفْعَلَ ذَلِكَ - يَا
 إِلَهِي - تَفْعَلُهُ بِمَنْ لَا يَجْحَدُ اسْتِحْقَاقَ عَفْوِيَّتِكَ، وَلَا يُبْرِي نَفْسَهُ مِنْ
 اسْتِجَابِ نِقْمَتِكَ (١٢) تَفْعَلَ ذَلِكَ - يَا إِلَهِي - بِمَنْ خَوْفُهُ مِنْكَ أَكْثَرُ مِنْ
 طَمَعِهِ فِيكَ، وَبِمَنْ يَأْسُهُ مِنَ النَّجَاةِ أَوْ كَدُّ مِنْ رَجَائِهِ لِلْخَلَاصِ، لَا أَنْ
 يَكُونَ يَأْسُهُ قُتُوطًا، أَوْ أَنْ يَكُونَ طَمَعُهُ اغْتِرَارًا، بَلْ لِقَلَّةِ حَسَنَاتِهِ بَيْنَ
 سَيِّئَاتِهِ، وَضَعْفِ حُجَجِهِ فِي جَمِيعِ تَبِعَاتِهِ (١٣) فَأَمَّا أَنْتَ - يَا إِلَهِي -
 فَاهْلٌ أَنْ لَا يَغْتَرِّبَكَ الصِّدِّيقُونَ، وَلَا يَبْنَسَ مِنْكَ الْمُجْرِمُونَ، لِأَنَّكَ
 الرَّبُّ الْعَظِيمُ الَّذِي لَا يَمْنَعُ أَحَدًا فَضْلَهُ، وَلَا يَسْتَقْصِي مِنْ أَحَدٍ حَقَّهُ.
 (١٤) تَعَالَى ذِكْرُكَ عَنِ الْمَذْكُورِينَ، وَتَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ عَنِ
 الْمَنْسُوبِينَ، وَفَشَتْ نِعْمَتُكَ فِي جَمِيعِ الْمَخْلُوقِينَ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى
 ذَلِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

(۶) خداوندا، ای معبود من، از تو می‌طلبم مطلوبی را که بذل آن چیزی از تو نمی‌کاهد و از تو باری می‌خواهم که تحمل آن برای تو مشقتی ندارد.

(۷) خداوندا از درگاهت برای نفس ناطقه خود موهبت می‌طلبم، نفسی که آن را نیافریدی تا ضرری را از خود دور کنی و یا به نفعی برسی. بلکه آن را آفریدی تا اثبات کنی که قدرت بر آفرینش مثل آن را داری و تا نشان دهی که می‌توانی چنین موجودی را شکل و صورت بخشی (۸) و از تو درخواست می‌کنم که بارگناهان را که مرا بی‌تاب کرده از دوشم برداری و از تو باری می‌جویم در آنچه که سنگینی‌اش مرا گرفتار ساخته است. (۹) پس بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او درود فرست و ستمی را که من در حق خویش روا داشته‌ام بر من ببخش. و رحمت خویش را بر گذشت از گناهان من بکار گیر. پس چه بسیار از رحمت تو که شامل حال گناهکاران گردیده و چه بسیار از عفو و بخشش تو که به ستمکاران رسیده است (۱۰) پس بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او درود فرست و مرا نمونه‌ای قرار ده برای خطا کارانی که از آنها در گذشته‌ای و با توفیق خود آنها را از ورطه سقوط نجات داده‌ای و در نتیجه از اسارت غضب تو آزاد شدند و در قلمرو عفو تو داخل شدند و از محدوده عدل تو در آمدند و در گستره حلم تو جای گرفتند. (۱۱) ای خدای من، اگر تو با من چنین رفتار کنی، رفتار با کسی است که منکر استحقاق عقاب تو نیست و هرگز خودش را از استحقاق انتقام تو تبرئه نمی‌کند. (۱۲) آری ای خدای من، رفتار با کسی است که ترسش از تو بیش از طمعش در توست، و کسی که نومیدی‌اش از نجات، بیشتر از امیدش به رهایی است. البته نه به این خاطر که یأسش به درجه نومیدی کامل و یا طمعش به مرتبه غرور و غفلت رسیده باشد، بلکه به خاطر کمی نیکیهایش در کنار بدیهایش و به خاطر ضعف استدلالش در جمیع گناهانش. (۱۳) و اما تو ای معبود من، شایسته آنی که صدیقان به رحمت تو مغرور نشوند و خطا کاران از تو مأیوس نگردند، چرا که تو پروردگار بزرگی هستی که فضل خود را از احدی منع نمی‌کنی و حق خود را از کسی باز خواست نمی‌نمایی (۱۴) یاد تو از هر آنچه یاد می‌شود بالاتر است و نامهای تو از هر اسمی که به تو نسبت می‌دهند، مقدستر است. و نعمتهای تو در بین جمیع مخلوقات منتشر است. و ای پروردگار عالمیان، بر این نعمتها سپاس و شکر، تو را می‌سزد.

﴿٤٠﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا نُعِيَ
إِلَيْهِ مَيِّتٌ، أَوْ ذَكَرَ الْمَوْتَ:

(١) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاكْفِنَا طُولَ الْأَمَلِ، وَقَصِّرْهُ
عَنَّا بِصِدْقِ الْعَمَلِ حَتَّى لَا نُؤَمَّلَ اسْتِثْمَامَ سَاعَةٍ بَعْدَ سَاعَةٍ،
وَلَا اسْتِيفَاءَ يَوْمٍ بَعْدَ يَوْمٍ، وَلَا اتِّصَالَ نَفْسٍ بِنَفْسٍ، وَلَا لُحُوقَ
قَدَمٍ بِقَدَمٍ (٢) وَسَلِّمْنَا مِنْ غُرُورِهِ، وَآمِنَّا مِنْ شُرُورِهِ، وَانصِبِ
الْمَوْتَ بَيْنَ أَيْدِينَا نَضْبًا، وَلَا تَجْعَلْ ذِكْرَنَا لَهُ غِبًّا (٣) وَاجْعَلْ
لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا نَسْتَبْطِئُ مَعَهُ الْمَصِيرَ إِلَيْكَ، وَنَحْرِصُ
لَهُ عَلَى وَشِكِ اللَّحَاقِ بِكَ حَتَّى يَكُونَ الْمَوْتُ مَا نَسْنَا الَّذِي نَأْسُ
بِهِ، وَمَا لَقْنَا الَّذِي نَشْتَاقُ إِلَيْهِ، وَحَامَّتْنَا الَّتِي نُحِبُّ الدُّنُورَ مِنْهَا
(٤) فَإِذَا أوردته عَلَيْنَا وَانزَلته بِنَا فَاسْعِدْنَا بِهِ زَائِرًا، وَانْسِنَا
بِهِ قَادِمًا، وَلَا تُشَقِّنَا بِضِيافَتِهِ، وَلَا تُخزِنَا بِزِيَارَتِهِ، وَاجْعَلْهُ
بَابًا مِنْ أَبْوَابِ مَغْفِرَتِكَ، وَمِفْتَاحًا مِنْ مَفَاتِيحِ رَحْمَتِكَ (٥) آمِنَّا
مُهْتَدِينَ غَيْرَ ضَالِّينَ، طَائِعِينَ غَيْرَ مُسْتَكْرِهِينَ، تَائِبِينَ غَيْرَ عَاصِينَ
وَلَا مُصِرِّينَ، يَا ضَامِنَ جَزَاءِ الْمُحْسِنِينَ، وَمُسْتَضِلِّحَ عَمَلِ
الْمُفْسِدِينَ.

دعای چهارم:

به هنگام شنیدن خبر مرگ و در یاد مرگ

(۱) خداوندا بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و ما را از آرزوهای دراز باز دار و با عمل درست، آرزوهای ما را کوتاه کن تا اینکه ساعتی پس از ساعت دیگر را آرزو نکنیم و فردا را بعد از امروز، و حیاتی پس از این حیات و قدمی بعد از این قدم را انتظار نکشیم.

(۲) و ما را از غرور آرزوی دراز محافظت فرما و از شرور آن در امان نگهدار و مرگ را همواره در برابر ما نصب العین قرار ده و یاد مرگ را برای ما هرازگاهی قرار مده (بلکه همیشگی کن).

(۳) و از کارهای شایسته، عملی به ما عطا فرما که با آن به عنوان زاد و توشه به سوی تو سیر کنیم و به خاطر آن بر قُرب دیدار تو حریص گردیم، به گونه‌ای که مرگ، زمان انس ما باشد و موعد الفتنی باشد که به آن اشتیاق پیدا کنیم و پناهگاهی باشد که دوست داشته باشیم به آن نزدیک شویم.

(۴) پس هرگاه مرگ را بر ما فرود می‌آوری و آجل را بر ما نازل می‌کنی، ما را به زیارت آن سعادت‌مند گردان و ما را با او مأنوس کن و ما را در میهمانی مرگ شقاوت‌مند مساز و به دیدار مرگ ما را پست و خوار مگردان. و مرگ را بابی از ابواب آمرزش و کلیدی از کلیدهای رحمت خود مقرر بدان.

(۵) و ما را در حالیکه هدایت شده‌ایم، گمراه نیستیم، مطیع تویم، از دیدار تو کراهت نداریم، ناثب‌ایم، گناهکار نیستیم و برگناه اصرار نداریم، بمیران. ای ضمانت‌کننده پاداش نیکوکاران و ای اصلاح‌کننده اعمال تبه‌کاران.

﴿٤١﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طَلَبِ
السُّتْرِ وَالْوَقَايَةِ:

(١) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَافْرِشْنِي مِهَادَ كِرَامَتِكَ،
وَأُورِدْنِي مَشَارِعَ رَحْمَتِكَ، وَأَخْلِلْنِي بِخُبُوحَةِ جَنَّتِكَ، وَلَا تَسْمِنِي
بِالرَّدِّ عَنْكَ، وَلَا تَحْرِمْنِي بِالْخَيْبَةِ مِنْكَ. (٢) وَلَا تُقَاصِنِي بِمَا اجْتَرَحْتُ
وَلَا تُنَاقِشْنِي بِمَا اكْتَسَبْتُ، وَلَا تُبْرِزْ مَكْتُومِي، وَلَا تُكْشِفْ
مَسْتُورِي، وَلَا تَحْمِلْ عَلَيَّ مِيزَانَ الْإِنصَافِ عَلَيَّ، وَلَا تُغْلِنْ عَلَيَّ
عُيُونِ الْمَلَأِ خَبْرِي (٣) أَخْفِ عَنْهُمْ مَا يَكُونُ نَشْرُهُ عَلَيَّ غَارًا، وَاطْوِ
عَنْهُمْ مَا يُلْحِقُنِي عِنْدَكَ سُورًا (٤) شَرِّفْ دَرَجَتِي بِرِضْوَانِكَ، وَاكْمِلْ
كَرَامَتِي بِعُفْرَانِكَ، وَأَنْظِمْنِي فِي أَصْحَابِ الْيَمِينِ، وَوَجِّهْنِي فِي
مَسَالِكِ الْأَمِينِ، وَاجْعَلْنِي فِي فَوْجِ الْفَائِزِينَ، وَاعْمُرْ بِي مَجَالِسَ
الصَّالِحِينَ، أَمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

﴿٤٢﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ خَتْمِ الْقُرْآنِ:

(١) اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْتَنِي عَلَى خَتْمِ كِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَهُ نُورًا، وَجَعَلْتَهُ
مُهَيِّمًا عَلَيَّ كُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلْتَهُ، وَفَضَّلْتَهُ عَلَيَّ كُلِّ حَدِيثٍ قَصَصْتَهُ.

دعای چهل و یکم:

به هنگام در خواست خطا پوشی از خداوند

- (۱) خداوندا بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او درود فرست و مرا بر خوان کرامت خود مهمان کن و به سر چشمه های رحمتت وارد گردان و در وسط فردوس برینت جای ده و مرا از خود دور مکن و از درگاهت ناامید مساز.
- (۲) و به آنچه مرتکب شده ام از من تقاص مگیر و در اعمالم مناقشه مفرما. و آنچه پنهان کرده ام آشکار مساز و رازهای نا پیدایم را برملا مکن و عمل مرا با میزان انصاف سنجش منما و وضعیت مرا در برابر دیدگان همه مردم آشکار مساز.
- (۳) آنچه را که پخش شدنش برای من ننگ است از آنان مخفی بدار و آنچه را که موجب سر شکستگی من در نزد توست، پنهان فرما.
- (۴) با رضایت مندی خود درجات مرا بالا ببر و با آمرزش خود، کرامت مرا کامل گردان و مرا در زمره اصحاب یمین (شایستگان) قرار ده و مرا در راهی که اهل ایمان می روند، جهت ببخش و در گروه رستگاران قرار ده و مرا طوری بساز که مجالس صالحان با وجود من آباد گردد. دعایم را مستجاب گردان ای پروردگار عالیمان.

دعای چهل و دوم:

به هنگام ختم قرآن

- (۱) خداوندا تو مرا بر ختم قرآن که به عنوان نور نازل کرده ای یاری فرمودی. کتابی که آن را بر همه کتابهای دیگری که فرو فرستاده ای، سیطره بخشیدی و بر هر سخن دیگری که حکایت نموده ای برتری دادی.

(٢) وَفُرْقَاناً فَرَقْتَ بِهِ بَيْنَ حَلَالِكَ وَحَرَامِكَ، وَقُرْآنًا أَعْرَبْتَ بِهِ عَنْ شَرَائِعِ أَحْكَامِكَ وَكِتَاباً فَصَّلْتَهُ لِعِبَادِكَ تَفْصِيلاً، وَوَحِيّاً أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - تَنْزِيلاً. (٣) وَجَعَلْتَهُ نُوراً نَهْتَدِي مِنْ ظُلْمِ الضَّلَالَةِ وَالْجَهَالَةِ بِاتِّبَاعِهِ، وَشِفَاءً لِمَنْ أَنْصَتَ بِفَهْمِ التَّصَدِيقِ إِلَى اسْتِمَاعِهِ، وَمِيزَانٍ قَسَطٍ لَا يَحِيفُ عَنِ الْحَقِّ لِسَانَهُ، وَنُورَ هُدًى لَا يَطْفَأُ عَنِ الشَّاهِدِينَ بُرْهَانَهُ، وَعِلْمَ نَجَاةٍ لَا يَضِلُّ مَنْ أَمَّ قَصْدَ سُنَّتِهِ، وَلَا تَنَالُ أَيْدِي الْهَلَكَاتِ مَنْ تَعَلَّقَ بِعُرْوَةِ عِزْمَتِهِ. (٤) اَللّٰهُمَّ فَإِذَا أَفَدْتَنَا الْمَعُونَةَ عَلَى تِلَاوَتِهِ، وَسَهَّلْتَ جَوَاسِي السُّنَّتِنَا بِحُسْنِ عِبَارَتِهِ، فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَرْعَاهُ حَقَّ رِعَايَتِهِ، وَيَدِينُ لَكَ بِإِعْتِقَادِ التَّسْلِيمِ لِمُحْكَمِ آيَاتِهِ، وَيَفْرَعُ إِلَى الْإِقْرَارِ بِمُتَشَابِهِهِ، وَمُوضِحَاتِ بَيِّنَاتِهِ. (٥) اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - مُجَمَّلاً، وَالْهَمْتَهُ عِلْمَ عَجَائِبِهِ مُكَمَّلاً، وَوَرَّثْتَنَا عِلْمَهُ مُفَسَّراً، وَفَضَّلْتَنَا عَلَى مَنْ جَهِلَ عِلْمَهُ، وَقَوَّيْتَنَا عَلَيْهِ لِتَرْفَعَنَا فَوْقَ مَنْ لَمْ يُطِقْ حَمَلَهُ. (٦) اَللّٰهُمَّ فَكَمَا جَعَلْتَ قُلُوبَنَا لَهُ حَمَلَةً، وَعَرَفْتَنَا بِرَحْمَتِكَ شَرْفَهُ وَفَضْلَهُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْخَطِيبِ بِهِ، وَعَلَى آلِهِ الْخُزَّانِ لَهُ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَعْتَرِفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِكَ حَتَّى لَا يُغَارِضَنَا الشُّكُّ فِي تَصَدِيقِهِ، وَلَا يَخْتَلِجَنَا الزَّيْغُ عَنْ قَصْدِ طَرِيقِهِ. (٧) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَغْتَصِمُ بِحَبْلِهِ، وَيَأْوِي مِنَ الْمُتَشَابِهَاتِ إِلَى حِرْزِ مَعْقِلِهِ، وَيَسْكُنُ فِي ظِلِّ جَنَاحِهِ، وَيَهْتَدِي بِضَوْءِ صَبَاحِهِ، وَيَقْتَدِي بِتَبَلُّجِ إِسْفَارِهِ، وَيَسْتَضِيحُ بِمِصْبَاحِهِ، وَلَا يَلْتَمِسُ الْهُدَى فِي غَيْرِهِ.

(۲) کتابی که آن را جداکننده بین حلال و حرام قرار داده‌ای و قرآنی که با آن از احکام و شرایع خود سخن می‌گویی، و کتابی که آن را برای بندگانت به تفصیل بیان کرده‌ای و وحیی که آن را بر پیامبرت حضرت محمد ﷺ (که درود تو بر او و آل او باد) نازل کرده‌ای. (۳) و آن را همچون نوری فرا راه ما قرار دادی که با تبعیت از آن از تاریکیهای گمراهی و نادانی نجات یا بیم و شفا قرار دادی برای کسی که از سرفهم و اذعان به آن گوش فرا دهد. کتابی که میزان عدالت است و زیانش هرگز از حق باز نمی‌ایستد و نور هدایتی است که برهانش برای آنها که در آن بنگرند هرگز محو نمی‌شود. پرچم نجاتی است که اگر کسی قصد پیروی از آن را داشته باشد هرگز گمراه نمی‌شود. و هر کس که به ریسمان محکم آن چنگ بزند هرگز گرفتار هلاکت و بدبختی نخواهد شد. (۴) خدایا، پس اینک که ما را یاری نمودی تا آن را تلاوت کنیم و عبارات نیکوی آن را به زبان ما روان ساختی، ما را از آنان قرار ده که حق رعایت قرآن را بجا می‌آورند و با اعتقاد و تسلیم نسبت به آیات محکم آن، متدین به دین تو هستند و نسبت به متشابهات و آیات روشن قرآن، اقرار دارند. (۵) خداوند! تو قرآن را به صورت مجمل بر پیامبرت محمد (که درود خدا بر او و آل او باد) نازل کردی و علم به شگفتیهای آن را به نحو کامل به او الهام فرمودی و برای ما علم تفسیر شده آن را به ارث گذاشتی و ما را بر کسی که به قرآن جاهل است برتری دادی. و ما را نسبت به او قدرت بخشیدی تا مقام ما را رفیع‌تر از کسی گردانی که طاقت حمل قرآن را ندارد. (۶) خداوند! همانگونه که قلبهای ما را حامل قرآن قرار دادی و به رحمت خود ما را نسبت به شرافت و فضیلت قرآن واقف گردانیدی، پس بر محمد ﷺ که با قرآن سخن می‌گوید و بر آل پیامبر که خزانهدار قرآنند درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که اعتراف می‌کنند قرآن از جانب توست تا اینکه شک در تصدیق به آن بر ما عارض نشود و دل‌تنگی نسبت به پیمودن راه قرآن در قلب ما پدید نیاید. (۷) خداوند! بر محمد و آل او درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که به ریسمان او چنگ زده‌اند و در متشابهات، به پایگاه او پناه آورده‌اند و در سایه او مسکن گزیده‌اند و در پرتو طلوع او هدایت شده‌اند و به فروغ و روشنی او اقتدا کرده‌اند و از مشعل او، نور گرفته‌اند و از غیر او هدایت نمی‌طلبند.

(٨) اللَّهُمَّ وَكَمَا نَصَبْتَ بِهِ مُحَمَّدًا عَلَمًا لِلدَّلَالَةِ عَلَيْكَ، وَانْتَهَجْتَ بِهِ إِلَيْهِ سُبُلَ الرِّضَا إِلَيْكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلِ الْقُرْآنَ وَسِيلَةً لَنَا إِلَى أَشْرَفِ مَنَازِلِ الْكِرَامَةِ، وَسُلَّمًا نَعْرُجُ فِيهِ إِلَى مَحَلِّ السَّلَامَةِ، وَسَبَبًا نُجْزَى بِهِ النَّجَاةَ فِي عَرَصَةِ الْقِيَمَةِ، وَذَرِيعَةً نَقْدُمُ بِهَا عَلَى نَعِيمِ دَارِ الْمُقَامَةِ. (٩) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاحْطُطْ بِالْقُرْآنِ عَنَّا ثِقَلَ الْأَوْزَارِ، وَهَبْ لَنَا حُسْنَ شَمَائِلِ الْأَبْرَارِ، وَاقْفُ بِنَا أثارَ الَّذِينَ قَامُوا لَكَ بِهَ انَاءَ اللَّيْلِ وَاطْرَافِ النَّهَارِ حَتَّى تُطَهِّرَنَا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ يَتَطَهَّرُ بِهِ، وَتَقْفُو بِنَا أثارَ الَّذِينَ اسْتَضَاءُوا بِثُورِهِ، وَكَمْ يُلْهِمُهُمُ الْأَمَلُ عَنِ الْعَمَلِ فَيَقْطَعَهُمْ بِخُدَعِ غُرُورِهِ. (١٠) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِي ظِلْمِ اللَّيَالِي مُوَسِّئًا، وَمِنْ نَزَغَاتِ الشَّيْطَانِ وَخَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ حَارِسًا، وَلاَقْدَامِنَا عَنْ نَقْلِهَا إِلَى الْمَعَاصِي حَاطِسًا، وَلا لِسِتْنَانَا عَنِ الْخَوْضِ فِي الْبَاطِلِ مِنْ غَيْرِ مَا آفَةٌ مُخْرِسًا، وَلا جَوَارِحِنَا عَنْ اقْتِرَافِ الْإِثَامِ زَاجِرًا، وَلا مَا طَوَّتِ الْعُقْلَةُ عَنَّا مِنْ تَصَفُّحِ الْإِعْتِبَارِ نَاشِرًا، حَتَّى تُوصِلَ إِلَى قُلُوبِنَا فَهَمَّ عَجَائِبِهِ، وَزَوَاجِرِ أَمْثَالِهِ الَّتِي ضَعُفَتِ الْجِبَالُ الرَّوَاسِي عَلَى صَلَاتِهَا عَنْ إِحْتِمَالِهِ. (١١) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَادِّمْ بِالْقُرْآنِ صَلَاحَ ظَاهِرِنَا، وَاحْجُبْ بِهِ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ عَنْ صِحَّةِ ضَمَائِرِنَا، وَاغْسِلْ بِهِ دَرَنَ قُلُوبِنَا وَعَلَاقِقَ أَوْزَارِنَا، وَاجْمَعْ بِهِ مُتَشَشَرَ أُمُورِنَا، وَأَرْوِ بِهِ فِي مَوْقِفِ الْعَرَضِ عَلَيْكَ ظَمًا هَوَاجِرِنَا، وَاكْسُنَا بِهِ حُلَلَ الْإِيمَانِ يَوْمَ الْفَرَجِ الْأَكْبَرِ فِي نُشُورِنَا. (١٢) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْبُرْ بِالْقُرْآنِ خَلْتَنَا مِنْ عَدَمِ الْإِمْلَاقِ، وَسُقِ الْيَتَامَى بِهِ رَعْدَ

(۸) خدایا همانگونه که به وسیله قرآن، حضرت محمد ﷺ را نشانه‌ای برای راهیابی به سوی خودت نصب فرمودی و عترت طاهرینش را شاهراه رضایت خودت قرار دادی، پس بر او و خاندانش درود فرست و قرآن را برای ما همچون وسیله‌ای قرار ده که به شریفترین مراتب کرامت نایل آییم و آن را نردبانی ساز که با آن به جایگاه سلامت دست یابیم و وسیله‌ای فرارش ده که با آن در عرصه قیامت نجات یابیم و آن را راهی قرار ده که با گام نهادن در آن به نعمتهای دار جاوید دست یابیم. (۹) خداوندا بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و به وسیله قرآن، سنگینی بارگناه را از دوش ما کم کن و به ما خوبیهای صفات نیکان را عطا فرما و ما را پیرو کسانی گردان که در راه رضای تو نیمه‌های شب و در ساعات روز به تلاوت قرآن مشغول‌اند. تا از این طریق در پرتو طهارت قرآن ما را از هر پلیدی پاک گردانی و ما را دنباله‌رو کسانی سازی که از پرتو قرآن، نور گرفته‌اند و آرزوها آنان را از عمل صالح باز نداشته و گرفتار غرور و فریبتشان نساخته است.

(۱۰) خداوندا بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و در تاریکی‌های شب قرآن را مونس ما و حافظ ما از فریبه‌ها و وسوسه‌های شیطان قرار ده و به وسیله قرآن گامهای ما را از رفتن به سوی معاصی بازدار و زبانهای ما را از فرو غلطیدن در سخنان باطل - بدون تحمل ضرر و آفت - لال کن. و قرآن را وسیله‌ای برای بازداشتن اعضاء ما از فرورفتن در گناهان قرار بده و با آن پرده‌های غفلت دل ما را برای عبرت‌گیری باز کن، تا اینکه فهم شگفتیهای قرآن و پندگیری از حکمتها و مثالهای آن را بر دلهای ما عنایت فرمائی، مثالها و حکمتهایی که کوههای سخت و استوار از تحمل بار آنها عاجزاند. (۱۱) خداوندا بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و در پرتو قرآن، صلاح ظاهر ما را همیشگی کن و با قرآن، خطر وسوسه‌های شیطانی را از باطن سالم ما به دور دار و زنگارهای قلوب و دلبستگی‌های گناهان ما را با قرآن بشوی. و نابسامانیهای زندگی ما را با قرآن سامان بخش و در روز محشر و عرضه اعمال تشنگی دلهای ما را با قرآن سیراب کن و در روز سختی بزرگ (قیامت) در پناه قرآن بر ما لباس امنیت بپوشان.

(۱۲) خداوندا بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و کاستی و فقر ما را با قرآن جبران کن که تنگدستی بر ما غلبه نکند و اسباب خوشی و آسایش در

الْعَيْشِ وَخِصْبِ سَعَةِ الْأَرْزَاقِ، وَجَنَّبْنَا بِهِ الضَّرَائِبَ الْمَذْمُومَةَ
 وَمَدَانِيَ الْأَخْلَاقِ، وَاعْصَمْنَا بِهِ مِنْ هَوَاةِ الْكُفْرِ وَدَوَاعِي النِّفَاقِ حَتَّى
 يَكُونَ لَنَا فِي الْقِيَمَةِ إِلَى رِضْوَانِكَ وَجِنَانِكَ قَائِدًا، وَ لَنَا فِي الدُّنْيَا عَنْ
 سُخْطِكَ وَتَعَدِّي حُدُودِكَ ذَائِدًا، وَ لِمَا عِنْدَكَ بِتَحْلِيلِ حَلَالِهِ وَ تَحْرِيمِ
 حَرَامِهِ شَاهِدًا. (١٣) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ هَوِّنْ بِالْقُرْآنِ
 عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَيَّ أَنْفُسَنَا كَرْبَ السِّيَاقِ، وَ جَهْدَ الْآنِسِينَ، وَ تَرَادُفَ
 الْحَشَارِجِ إِذَا بَلَغَتِ النَّفُوسُ التَّرَاقِي، وَ قِيلَ مَنْ رَاقٍ؟ وَ تَجَلَّى مَلَكُ
 الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجُبِ الْغُيُوبِ، وَ رَمَاهَا عَنْ قَوْسِ الْمَنَانَا بِأَسْهُمِ
 وَخَشَةِ الْفِرَاقِ، وَ دَافَ لَهَا مِنْ دُعَافِ الْمَوْتِ كَأَسَاءِ مَسْمُومَةِ الْمَذَاقِ،
 وَ دَنَامَتَا إِلَى الْأَخِرَةِ رَحِيلٌ وَ انْطِلَاقٌ، وَ صَارَتِ الْأَعْمَالُ قَلَائِدَ
 فِي الْأَعْنَاقِ، وَ كَانَتِ الْقُبُورُ هِيَ الْمَأْوَى إِلَى مِيقَاتِ يَوْمِ التَّلَاقِ
 (١٤) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ بَارِكْ لَنَا فِي حُلُولِ دَارِ الْبَلَى،
 وَ طُولِ الْمُقَامَةِ بَيْنَ أَطْبَاقِ الثَّرَى، وَ اجْعَلِ الْقُبُورَ بَعْدَ فِرَاقِ الدُّنْيَا خَيْرَ
 مَنَازِلِنَا، وَ افْسَحْ لَنَا بِرَحْمَتِكَ فِي ضَيْقِ مَلَاحِدِنَا، وَ لَا تَفْضَحْنَا فِي
 حَاضِرِي الْقِيَمَةِ بِمُوقِفَاتِ اثَامِنَا. (١٥) وَ ارْحَمْ بِالْقُرْآنِ فِي مَوْقِفِ الْعَرَضِ
 عَلَيْكَ ذُلَّ مَقَامِنَا، وَ ثَبَّتْ بِهِ عِنْدَ اضْطِرَابِ جِسْرِ جَهَنَّمَ يَوْمَ الْمَجَازِ عَلَيْهَا
 زَلَلَ أَقْدَامِنَا، وَ نَوَّزْ بِهِ قَبْلَ الْبُعْثِ سُدْفَ قُبُورِنَا، وَ نَجِّنَا بِهِ مِنْ كُلِّ كَرْبٍ
 يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَ شَدَّ آتِدَ أَهْوَالِ يَوْمِ الطَّامَةِ (١٦) وَ بَيِّضْ وَجُوهَنَا يَوْمَ تَسْوَدُ
 وَجُوهُ الظَّالِمَةِ فِي يَوْمِ الْحَسْرَةِ وَ النَّدَامَةِ، وَ اجْعَلْ لَنَا فِي صُدُورِ
 الْمُؤْمِنِينَ وَدَا، وَ لَا تَجْعَلِ الْحَيَاةَ عَلَيْنَا نَكَدًا. (١٧) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ كَمَا بَلَغَ رِسَالَتَكَ، وَ صَدَعَ بِأَمْرِكَ، وَ نَصَحَ لِعِبَادِكَ.

معیشت و وسعت در رزق را برای ما فراهم ساز و ما را به وسیله قرآن از صفات نکوهیده و اخلاق ناپسند باز بدار و از فرو افتادن در سیاه چال کفر و نفاق محفوظ بدار تا اینکه قرآن در مسیر رضوان و بهشت تو در قیامت ما را راهنما باشد و در این دنیا نیز ما را از برانگیختن خشم خود و تعدی از مقررات باز بدارد و در نزد خودت شاهد باشد که ما حلال تو را حلال می دانیم و حرام تو را حرام می شماریم.

(۱۳) خداوندا بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و با قرآن در هنگام مرگ، سختی ارتحال و مشقت ناله و فریادهای پی در پی را آسان فرما: آن هنگام که جان به گلو رسد و گفته شود چه کسی است که روح را بالا برد؟ آن هنگام که ملک الموت برای قبض روح انسان از پرده غیب در آید و جان را از کمان مرگ با تیرهای وحشت فراق، نشانه رود و کاسه‌ای زهر آلود از شربت مرگ به ما بنوشاند و با ندایی و حرکتی ما را به سرای دیگر نزدیک کند، و اعمال و رفتارمان قلاده گردنمان شوند و قبرها تا روز حشر و دیدار، جایگاه ما گردند.

(۱۴) خداوندا بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و ورود ما را به خانه قبر و طول اقامتمان در زیر طبقات زمین را مبارک گردان و پس از مفارقت از دنیا، قبرها را بهترین منازل ما قرار ده. و با رحمت خود، تنگی لحد را به فراخی و وسعت مبدل فرما و ما را در عرصه قیامت به خاطر آثار زشت گناهانمان رسوا مکن. (۱۵) و به حق قرآن، در آن هنگام که اعمال بر تو عرضه می شود بر ذلت و پستی ما ترحم فرما. و در آن زمان که پُل دوزخ هنگام عبور لرزان می شود، قدمهای ما را محکم گردان، و به حق قرآن ما را از سختیهای روز قیامت و از شدت هراسهای آن روز نجات بخش (۱۶) و در آن روز که هنگام حسرت و پشیمانی ظالمان و ستمکاران است و روزی است که چهره آنان سیاه می گردد، صورت ما را سفید گردان. و در قلب مؤمنین نسبت به ما محبت و دوستی قرار ده و زندگی را بر ما سخت و ناگوار مساز.

(۱۷) خدایا: بر محمد که بنده و فرستاده توست درود فرست، چنانکه او به خوبی تبلیغ رسالت تو نمود و با ندای رسا امر تو را به مردم رسانید و بندگان را نصیحت فرمود.

(١٨) اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَبِيَّنَا - صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ - يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَقْرَبَ النَّبِيِّينَ مِنْكَ مَجْلِسًا، وَ أَمَكْنَهُمْ مِنْكَ شَفَاعَةً، وَ أَجَلَّهُمْ عِنْدَكَ قَدْرًا، وَ أَوْجَهَّهُمْ عِنْدَكَ جَاهًا. (١٩) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ شَرِّفْ بُنْيَانَهُ، وَ عَظِّمْ بُرْهَانَهُ، وَ ثَقِّلْ مِيزَانَهُ، وَ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ، وَ قَرِّبْ وَ سَيْلَتَهُ، وَ بَيِّضْ وَجْهَهُ، وَ آتِمْ نُورَهُ، وَ ارْفَعْ دَرَجَتَهُ (٢٠) وَ أَحِينَا عَلَى سُنَّتِهِ، وَ تَوَقَّنَا عَلَى مِلَّتِهِ وَ خُذِنَا مِنْهَا جَهَةً، وَ اسْلُكْ بِنَا سَبِيلَهُ، وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ طَاعَتِهِ، وَ احْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ، وَ أَوْرِدْنَا حَوْضَهُ، وَ اسْقِنَا بِكَاسِهِ (٢١) وَ صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَوةً تُبَلِّغُهُ بِهَا أَفْضَلَ مَا يَأْمُلُ مِنْ خَيْرِكَ وَ فَضْلِكَ وَ كَرَامَتِكَ، إِنَّكَ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ، وَ فَضْلٍ كَرِيمٍ. (٢٢) اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا بَلَغَ مِنْ رِسَالَاتِكَ، وَ آدَى مِنْ آيَاتِكَ، وَ نَصَحَ لِعِبَادِكَ، وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ، أَفْضَلَ مَا جَزَيْتَ أَحَدًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ الْمُصْطَفَيْنَ، وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

(٤٣)

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا نَظَرَ إِلَى الْهِلَالِ:

(١) أَيُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِيعُ، الدَّائِبُ السَّرِيعُ، الْمُتَرَدِّدُ فِي مَنَازِلِ التَّقْدِيرِ، الْمُتَصَرِّفُ فِي فَلَكَ التَّذْيِيرِ. (٢) أَمَنْتُ بِمَنْ تَوَرَّيْتُكَ الظُّلْمَ، وَ أَوْضَحَ بِكَ الْبُهْمَ، وَ جَعَلَكَ آيَةً مِنْ آيَاتِ مُلْكِهِ، وَ عَلَامَةً مِنْ عَلَامَاتِ

(۱۸) خدایا، جایگاه پیامبر ما را - که درود تو بر او و آل او باد - در روز قیامت، نزدیکتر به خودت از سایر انبیاء قرار ده و شفاعت او را از شفاعت سایرین، ممکن تر ساز و ارزش او را در نزد خودت بالاتر از آنان قرار ده و منزلت او را رفیعتر گردان.

(۱۹) خداوند ابر محمد ﷺ و آل او درود فرست و اساس کار او را شرافت بخش و برهان او را بزرگ بدار و میزان اعمالش را سنگین گردان و شفاعتش را قبول فرما و او را وسیله‌ای نزدیک به خودت قرار ده (تا به حضرتش توسل جویم) و صورتش را سفید و نورش را تام گردان و درجه‌اش را زفیع فرما.

(۲۰) و ما را بر سنت او زنده بدار و بر دین او بمیران و در آیین و طریقت او راهبرمان باش. ما را از پیروان او قرار ده و در زمره یاران او محشور فرما و ما را به حوض کوثر او وارد ساز و با جام او سیرابمان گردان.

(۲۱) و خداوند ابر محمد ﷺ و آل او درود فرست، درودی که با آن او را به بهترین آنچه آرزو دارد از خیر و فضل و کرامت نایل گردانی، زیرا تو دارای رحمت واسعه و فضل کریمانه‌ای.

(۲۲) خدایا به خاطر اینکه پیامبر ﷺ، رسالات تو را ابلاغ فرمود و آیات تو را به مردم رسانید و بندگانت را موعظه فرمود و در راه تو جهاد کرد، بهتر از جزایی که به احدی از فرشتگان مقرب و یا به پیامبران برگزیده‌ات داده‌ای به او عطا فرما. و سلام و رحمت و برکات خدا بر او و بر عترت پاک و مطهر او باد.

دعای چهل وسوم:

هنگام رؤیت هلال

(۱) ای (ماه) آفریده فرمانبردار، ای متحرک شتاب دار، ای رفت و شد کننده در جایگاههای مقدر شده و ای جابجا شونده در فلک نظم و تدبیر.

(۲) من ایمان دارم به خالق‌ی که با تو ظلمتها را روشن کرده و ابهامها را بر طرف نموده، و تو را نشانه‌ای از نشانه‌های قدرتت و علامتی از علامات

سُلْطَانِهِ، وَامْتَهَنَكَ بِالزِّيَادَةِ وَالثَّقَانِ، وَالتُّلُوعِ وَالْأُقُولِ،
وَالْإِنَارَةِ وَالْكَسُوفِ، فِي كُلِّ ذَلِكَ أَنْتَ لَهُ مُطِيعٌ، وَإِلَى
إِرَادَتِهِ سَرِيعٌ (٣) سُبْحَانَهُ مَا أَعْجَبَ مَا دَبَّرَ فِي أَمْرِكَ! وَالْطَّفَ
مَا صَنَعَ فِي شَأْنِكَ! جَعَلَكَ مِفْتَاحَ شَهْرِ حَادِثٍ لِأَمْرِ حَادِثٍ
(٤) فَاسْأَلُ اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكَ، وَخَالِقِي وَخَالِقَكَ، وَمُقَدِّرِي
وَمُقَدَّرَكَ، وَمُصَوِّرِي وَمُصَوِّرَكَ: أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،
وَأَنْ يَجْعَلَكَ هِلَالَ بَرَكَاتٍ لَا تَمَحُّهَا الْآيَامُ، وَطَهَارَةٍ لَا تُدْنِسُهَا
الْآثَامُ (٥) هِلَالَ أَمْنٍ مِنَ الْآفَاتِ، وَسَلَامَةٍ مِنَ السَّيِّئَاتِ، هِلَالَ
سَعْدٍ لَا نَحْسَ فِيهِ، وَيُؤْمِنُ لَا تُكَدِّ مَعَهُ، وَيُسِّرُ لَا يُمَارِجُهُ عُسْرٌ،
وَخَيْرٍ لَا يَشُوبُهُ شَرٌّ، هِلَالَ أَمْنٍ وَإِيمَانٍ وَنِعْمَةٍ وَإِحْسَانٍ وَسَلَامَةٍ
وَإِسْلَامٍ. (٦) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَرْضِي
مَنْ طَلَعَ عَلَيْهِ، وَأَزْكَى مَنْ نَظَرَ إِلَيْهِ، وَأَسْعَدَ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ،
وَوَفَّقْنَا فِيهِ لِلتَّوْبَةِ، وَاعْصِمْنَا فِيهِ مِنَ الْحَوْبَةِ، وَاحْفَظْنَا فِيهِ
مِنْ مُبَاشَرَةِ مَعْصِيَتِكَ (٧) وَأَوْزِعْنَا فِيهِ شُكْرَ نِعْمَتِكَ، وَالْبِسْنَافِيهِ
جُنْنَ الْغَافِيَةِ، وَاتَّمِمْ عَلَيْنَا بِاسْتِكْمَالِ طَاعَتِكَ فِيهِ الْمِنَّةَ، إِنَّكَ
الْمَتَّانُ الْحَمِيدُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ.

سلطنتش قرار داده و با زیادت و نقصان، طلوع و غروب، و فروغ و خاموشی تو را به کار گرفته است. در همه این امور مطیع خداوندی و به سوی آنچه او اراده کند می‌شتابی.

(۳) خدا پاک و منزّه است و چه شگفت‌آور است تدبیری که در مورد تو بکار بسته و چه ظریف و زیباست آنچه که در شأن تو انجام داده است: تو را کلید ماه نو برای کار نو قرار داده است.

(۴) پس از خدایی که ربّ من و ربّ توست، خالق من و خالق توست، تقدیر کننده امور من و توست، تصویرگر من و توست، می‌طلبیم که بر محمد ﷺ و عترت او درود فرستد و تو را هلال برکاتی قرار دهد که گذشت ایام آنها را از بین نبرد و هلال پاکی و طهارتی که گناهان آن را نابود نسازد.

(۵) هلال امنیّت از آفات و سلامت از گناهان، هلال سعادت است که در آن هیچ نحوست نباشد و خوشی که با آن هیچ امر ناگواری همراه نباشد، و آسانی که سختی در آن راه نیافته باشد و خیری که هرگز در آن شرّ دیده نشود. هلال امنیّت و ایمان، نعمت و احسان و سلامت و اسلام.

(۶) خداوند بر محمد ﷺ و آل او درود فرستد و ما را از رضایتمندترین افرادی قرار ده که این هلال بر آنان طلوع کرده و از پاکترین اشخاصی مقرر فرما که نظر بر ماه افکنده‌اند. و از سعادت‌مندترین انسانهایی محسوب فرما که در این ماه به عبادت تو مشغولند. و در این ماه به ما توفیق توبه عطا فرما و ما را از گناه محافظت کن و از ارتکاب معصیت مصون بدار.

(۷) و شکر نعمتهایت را به ما عنایت فرما و بر ما زره سلامتی و عافیت بپوشان و با توفیق کمال اطاعت، منتت را بر ما تمام گردان که همانا تو صاحب منت و ستوده‌ای. و درود خدا بر محمد ﷺ و عترت پاک و مطهر او باد.

(٤٤)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
إِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ:

(١) الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِحَمْدِهِ، وَجَعَلَنَا مِنْ أَهْلِهِ لِنَكُونَ لِإِحْسَانِهِ
مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلِيَجْزِيَنَا عَلَى ذَلِكَ جَزَاءَ الْمُحْسِنِينَ (٢) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي حَبَانَا بِدِينِهِ، وَاخْتَصَّنَا بِمِلَّتِهِ، وَسَبَّلَنَا فِي سُبُلِ إِحْسَانِهِ لِنَسْلُكَهَا
بِمَنَّةِ إِلَى رِضْوَانِهِ، حَمْدًا يَتَقَبَّلُهُ مِنَّا، وَيَرْضَى بِهِ عَنَّا (٣) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي جَعَلَ مِنْ تِلْكَ السُّبُلِ شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ، شَهْرَ الصِّيَامِ،
وَشَهْرَ الْإِسْلَامِ، وَشَهْرَ الطَّهْوَرِ، وَشَهْرَ التَّمْحِيصِ، وَشَهْرَ الْقِيَامِ الَّذِي
أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ، هُدًى لِّلنَّاسِ، وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ
(٤) فَأَبَانَ فَضِيلَتَهُ عَلَى سَائِرِ الشُّهُورِ بِمَا جَعَلَ لَهُ مِنَ الْحُرْمَاتِ
الْمَوْفُورَةِ، وَالْفَضَائِلِ الْمَشْهُورَةِ، فَحَرَّمَ فِيهِ مَا أَحَلَّ فِي غَيْرِهِ إِعْظَامًا،
وَحَبَّرَ فِيهِ الْمَطَاعِمَ وَالْمَشَارِبَ إِكْرَامًا، وَجَعَلَ لَهُ وَقْتًا بَيْنًا لَا يُجِزُّ
-بِحَلٍّ وَعَزٍّ- أَنْ يُقَدَّمَ قَبْلَهُ، وَلَا يَقْبَلُ أَنْ يُؤَخَّرَ عَنْهُ. (٥) ثُمَّ فَضَّلَ
لَيْلَةً وَاحِدَةً مِنْ لَيَالِيهِ عَلَى لَيَالِيِ أَلْفِ شَهْرٍ، وَسَمَّاَهَا لَيْلَةَ الْقَدْرِ،
تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ، دَائِمُ الْبَرَكَاتِ
إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ بِمَا أَحْكَمَ مِنْ قَضَائِهِ.

دعای چهل و چهارم: در آغاز ماه رمضان

(۱) شکر خداوندی را سزااست که ما را به حمد و ستایش خود هدایت فرمود و ما را از سپاسگزاران قرار داد تا نسبت به احسان او سپاس گوئیم و او به ما پاداش نیکوکاران را عطا فرماید.

(۲) و سپاس خداوندی را که ما را برای دین خود برگزید و آیینش را اختصاصاً به ما ارزانی داشت و ما را در طریق احسانش به پیش بُرد تا با لطف او به سوی رضوانش حرکت کنیم. ستایشی که آن را از ما قبول فرماید و با آن از ما خشنود گردد.

(۳) و ستایش خدایی را سزااست که یکی از راههای رضوانش را ماه خودش یعنی ماه رمضان قرار داد، ماه روزه، ماه اسلام، ماه طهارت، ماه پاکسازی درونی و ماه قیام، ماهی که در آن قرآن به عنوان کتاب راهنمایی مردم همراه با حجت‌های روشن هدایت و براهین جداکننده حق از باطل نازل شده است.

(۴) پس خداوند برتری ماه رمضان را بر دیگر ماهها از این راه نشان داده که در این ماه محرمات زیاد و فضیلت‌های آشکار و مشهوری مقرر شده است. و لذا از باب بزرگداشت این ماه، چیزهایی را که در دیگر ماهها حلال است، در ماه رمضان حرام شمرده و به خاطر تکریم آن، خوردنیها و نوشیدنیها را ممنوع فرموده است. و برای آن وقت خاصی مشخص کرده که نه اجازه می‌دهد در این وقت تقدیمی صورت گیرد و نه تأخیری.

(۵) و فضیلت یک شب از شبهای این ماه را بر فضیلت شبهای هزار ماه دیگر ترجیح داده و نام آن را شب قدر نهاد که در آن فرشتگان و جبرائیل در مورد هر امری با اجازه پروردگار نازل می‌شوند، شبی که تا طلوع سپیده شب سلامت است و هنگام نزول برکات همیشگی بر هر کس از بندگانش که بخواهد و آنچه که حکم و فرمانش اقتضا کند.

(٦) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَآلِهِنَا مَعْرِفَةَ فَضْلِهِ وَاجْلَالَ حُرْمَتِهِ، وَالتَّحْفُظَ مِمَّا حَظَرْتَ فِيهِ، وَاعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنِ مَعَاصِيكَ، وَاسْتِعْمَالِهَا فِيهِ بِمَا يُرْضِيكَ حَتَّى لَا نُضْغِيَ بِأَسْمَاعِنَا إِلَى لَعْوٍ، وَلَا نُسْرِعَ بِأَبْصَارِنَا إِلَى لَهْوٍ (٧) وَحَتَّى لَا نَبْسُطَ أَيْدِينَا إِلَى مَخْطُورٍ، وَلَا نَخْطُوَ بِأَقْدَامِنَا إِلَى مَخْجُورٍ، وَحَتَّى لَا تَعِيَ بَطُونُنَا إِلَّا مَا أَحَلَلْتَ، وَلَا تَنْطِقَ أَلْسِنَتُنَا إِلَّا بِمَا مَثَلْتَ، وَلَا تَتَكَلَّفَ إِلَّا مَا يُدْنِي مِنْ ثَوَابِكَ، وَلَا تَتَغَاطَى إِلَّا الَّذِي يَتَقَى مِنْ عِقَابِكَ، ثُمَّ خَلِّصْ ذَلِكَ كُلَّهُ مِنْ رِثَاءِ الْمُرَائِبِينَ، وَسُمْعَةِ الْمُسْمِعِينَ، لَا نَشْرِكُ فِيهِ أَحَدًا دُونَكَ، وَلَا نَبْتَغِي فِيهِ مُرَادًا سِوَاكَ. (٨) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاقِنَّا فِيهِ عَلَى مَوَاقِبِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ بِحُدُودِهَا الَّتِي حَدَّدْتَ، وَفُرُوضِهَا الَّتِي فَرَضْتَ، وَوُضَائِفِهَا الَّتِي وَظَّفْتَ، وَأَوْقَاتِهَا الَّتِي وَقَّتَ (٩) وَأَنْزَلْنَا فِيهَا مَثْرَةَ الْمُصِيبِينَ لِمَنَازِلِهَا، الْخَافِظِينَ لِأَرْكَانِهَا، الْمُؤَدِّينَ لَهَا فِي أَوْقَاتِهَا عَلَى مَا سَنَّهُ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ - صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فِي رُكُوعِهَا وَسُجُودِهَا وَجَمِيعِ فَوَاضِلِهَا عَلَى أَمِّ الطُّهُورِ وَأَسْبِغِهِ، وَأَبْيَنِ الْخُشُوعِ وَأَبْلَغِهِ. (١٠) وَوَقِّفْنَا فِيهِ لِأَنَّ نَصَلَ أَرْحَامِنَا بِالْبِرِّ وَالصَّلَةِ، وَأَنَّ نَتَّعَاهِدَ جِيرَانِنَا بِالْإِفْضَالِ وَالْعَطِيَّةِ، وَأَنَّ نُخَلِّصَ أَمْوَالِنَا مِنَ التَّبِعَاتِ، وَأَنَّ نُطَهِّرَهَا بِإِخْرَاجِ الزَّكَاةِ، وَأَنَّ نُرَاجِعَ مَنْ هَاجَرْنَا، وَأَنَّ نُصِيفَ مَنْ ظَلَمْنَا، وَأَنَّ نُسَالِمَ مَنْ عَادَانَا خَاشِي مَنْ عُوْدِي فِيكَ وَلكَ، فَإِنَّهُ الْعَدُوُّ الَّذِي لِأَنْوَالِيهِ، وَالْحِزْبُ الَّذِي لِأَنْصَافِيهِ. (١١) وَأَنَّ نَتَّقِرَبَ إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الزَّكَايَةِ بِمَا تُطَهِّرُنَا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ، وَتَعْفِصُنَا فِيهِ مِمَّا نَسْتَأْنِفُ

(۶) خداوندا بر محمد و آل او درود فرست و توفیق شناخت فضیلت این ماه و بزرگداشت حرمت آن و خودداری از آنچه در آن ممنوع فرموده‌ای را به ما الهام فرما. و ما را یاری کن که رمضان را روزه بگیریم با نگهداشتن اعضا و جوارح از ارتکاب گناهان و بکارگیری آنها در آنچه که موجب خشنودی تو می‌شود. تا با گوشمان به صداهای بیهوده گوش نکنیم و با دیدگانمان به سمت لهویات سرعت نگیریم. (۷) دست به سوی ممنوعی نبریم و قدم به سمت حرامی بر نداریم. و شکم ما پر نشود مگر از آنچه حلال فرموده‌ای و زبان ما چیزی نگوید مگر آنچه خود گفته‌ای. و خود را به زحمت نیاندازیم مگر در آنچه ما را به ثواب نزدیک می‌سازد و به چیزی نپردازیم مگر آنچه که ما را از عقاب تو مصون می‌دارد. پس تمام این امور را از ریاء و سُمعه (یعنی اینکه دوست داشته باشیم دیگران کارهای خوب ما را بشنوند و تعریف کنند) خالص گردان تا غیر از تو کسی را شریک نگیریم و در کارهایمان مرادی غیر از تو را بر نگزینیم.

(۸) خداوندا بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و ما را بر قیام به نماز در موافقت آن همراه با حدودی که برای آن مشخص فرموده‌ای و واجباتی که در آن مقرر نموده‌ای و وظیفه‌هایی که برای آن تعیین کرده‌ای و اوقاتی که برای آن در نظر گرفته‌ای، موفق بدار. (۹) و ما را در نماز از جمله کسانی قرار ده که به درجات آن رسیده، ارکان آن را حفظ و آن را در وقتش همانگونه که بنده و پیامبرت ﷺ سنت قرار داده ادا می‌کنند و رکوع و سجود و همه فضیلت‌های آن را در نهایت طهارت و پاکی و با کمال خشوع و فروتنی انجام می‌دهند. (۱۰) و ما را در این ماه مبارک توفیق ده که با کار نیک نسبت به خویشان خود صلهٔ رحم بجا آوریم و با فضل و بخشش با همسایگانمان رابطهٔ دوستی برقرار کنیم و اموال خود را از حرام پاک کنیم و آنها را با دادن زکاتها خالص نماییم. و از کسی که با ما قهر کرده، دیدار کنیم و نسبت به کسانی که بر ما ستم روا داشته‌اند، انصاف را رعایت نماییم و نسبت به دشمنانمان با مسالمت بر خورد کنیم، بجز آنها که در راه و به خاطر تو مورد عداوت ما هستند، اینان دشمنانی هستند که هرگز با آنها دوستی نمی‌کنیم و از حزبی هستند که هرگز با آنها صفا و یکرنگی نداریم. (۱۱) و به ما توفیق ده که در این ماه به سوی تو تقرّب جویم با اعمال شایسته‌ای که ما را از

مِنَ الْعُيُوبِ، حَتَّى لَا يُورِدَ عَلَيْكَ أَحَدٌ مِنْ مَلَائِكَتِكَ إِلَّا دُونَ
 مَا نُورِدُ مِنْ أَبْوَابِ الطَّاعَةِ لَكَ، وَأَنْوَاعِ الْقُرْبَةِ إِلَيْكَ. (١٢) اللَّهُمَّ
 إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الشَّهْرِ، وَبِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ مِنْ ابْتِدَائِهِ
 إِلَى وَقْتِ فَنَائِهِ: مِنْ مَلِكٍ قَرَّبْتَهُ، أَوْ نَبِيٍّ أَرْسَلْتَهُ، أَوْ عَبْدٍ ضَالِحٍ
 اخْتَصَصْتَهُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاهْلُنَا فِيهِ لِمَا وَعَدْتَ
 أَوْلِيَاءَكَ مِنْ كَرَامَتِكَ، وَأَوْجِبْ لَنَا فِيهِ مَا أَوْجَبْتَ لِأَهْلِ الْمُبَالَغَةِ
 فِي طَاعَتِكَ، وَاجْعَلْنَا فِي نَظْمٍ مَنْ اسْتَحَقَّ الرَّفِيعَ الْأَعْلَى بِرَحْمَتِكَ.
 (١٣) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَجَنِّبْنَا الْإِلْحَادَ فِي تَوْحِيدِكَ،
 وَالتَّقْصِيرَ فِي تَمَجِيدِكَ، وَالشُّكَّ فِي دِينِكَ، وَالْعَمَى عَنِ سَبِيلِكَ،
 وَالْإِغْفَالَ لِحُرْمَتِكَ، وَالْإِنْخِدَاعَ لِعَدْوِكَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ (١٤) اللَّهُمَّ
 صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَإِذَا كَانَ لَكَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ لَيَالِي شَهْرِنَا
 هَذَا رِقَابٌ يُغْتَقُّهَا عَفْوُكَ، أَوْ يَهْبِهَا صَفْحُكَ فَاجْعَلْ رِقَابَنَا مِنْ تِلْكَ
 الرِّقَابِ، وَاجْعَلْنَا لِشَهْرِنَا مِنْ خَيْرِ أَهْلِ وَأَصْحَابِ. (١٥) اللَّهُمَّ صَلِّ
 عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَامْحَقْ ذُنُوبَنَا مَعَ امْحَاقِ هِلَالِهِ، وَاسْلُخْ عَنَّا
 تَبِعَاتِنَا مَعَ انْسِلَاحِ أَيَّامِهِ حَتَّى يَنْقُضِيَ عَنَّا وَقَدْ صَفَيْتَنَا فِيهِ
 مِنَ الْخَطِيئَاتِ، وَأَخْلَصْتَنَا فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ. (١٦) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَإِنْ مَلْنَا فِيهِ فَعَدُّنَا، وَإِنْ زُعْنَا فِيهِ فَقَوَّمْنَا، وَإِنْ اشْتَمَلْ
 عَلَيْنَا عَدْوُكَ الشَّيْطَانُ فَاسْتَنْقِذْنَا مِنْهُ. (١٧) اللَّهُمَّ اشْحَنْهُ بِعِبَادَتِنَا
 إِيَّاكَ، وَزَيِّنْ أَوْقَاتَهُ بِطَاعَتِنَا لَكَ، وَأَعِنَّا فِي نَهَارِهِ عَلَيَّ صِيَامِهِ،
 وَفِي لَيْلِهِ عَلَيَّ الصَّلَاةِ وَالتَّضَرُّعِ إِلَيْكَ، وَالخُشُوعِ لَكَ، وَالدَّلَّةِ
 بَيْنَ يَدَيْكَ حَتَّى لَا يَشْهَدَ نَهَارُهُ عَلَيْنَا بِعَفْلَةٍ، وَلَا لَيْلُهُ بِسُفْرِيطٍ.

لوٹ گناہان پاک کنند و از اینکه دوباره عیوب و زشتیها را از سر گیریم، حفظ کنند. تا اینکه هیچ فرشته‌ای از فرشتگان مأمور بندگان، چیزی از گناهمان بر تو نیاورد مگر آنکه از طاعت و بندگی ما و تقرب به درگاہت، کمتر باشد.

(۱۲) خداوندا به حقّ این ماه و به حقّ کسی که از ابتداء تا انتهاء آن، به بندگی تو پرداخته مثل فرشته‌ای که او را مقرب درگاہت ساخته‌ای و یا پیغمبری که به رسالت مبعوث نموده‌ای و یا بنده شایسته‌ای که از خواصّ قرارش داده‌ای، از تو در خواست می‌کنم که بر محمد ﷺ و اهل بیت او درود فرست و ما را اهل کرامتهایی قرار ده که در این ماه به اولیائت وعده داده‌ای. و آنچه که در حقّ ساعیان در طاعت و بندگیت لازم کرده‌ای، در حقّ ما نیز واجب گردان و ما را در زمره کسانی قرار ده که در پر تو رحمت تو، شایستگی جایگاهی رفیع در نزد تو را بدست آورده‌اند. (۱۳) خدایا بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و ما را از انکار یکتایی خود و از کوتاهی در ستایشت و از تردید در دینت و از کوری نسبت به راهت و غفلت نسبت به حرمتت و فریب خوردن از دشمنت یعنی شیطان رانده شده، بدور دار. (۱۴) خداوندا بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و اگر در هر شب از شبهای این ماه، عفو تو باعث آزادی بندگانی می‌شود و گذشتت آنها را مورد بخشش قرار می‌دهد، پس ما را نیز از زمره همان بندگان قرار ده و ما را برای این ماه از بهترین شایستگان و اصحاب محسوب فرما. (۱۵) خدایا بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و با محو تدریجی هلال ماه رمضان، گناہان ما را نیز محو کن و با سپری شدن روزهای این ماه، زشتیها و پلیدیها را از جان ما بکن تا اینکه این ماه بگذرد در حالیکه در آن تو ما را از خطاها پاک و از گناہان پیراسته باشی.

(۱۶) خدایا بر محمد ﷺ و عترت او درود فرست و اگر در این ماه از راه راست منحرف شدیم ما را بازگردان و اگر به بیراهه رفتیم ما را مستقیم ساز و اگر دشمنت شیطان بر ما مستولی شد، ما را از چنگ او برهان.

(۱۷) بار خدایا این ماه را از بندگی ما به درگاه خودت، پر کن، و ساعات این ماه را با طاعتمان مزین فرما و در روزهایش بر روزه گرفتن یاریمان نما و در شبهایش به نماز و زاری بآستانت و فروتنی در پیشگاہت و خواری در بارگاہت کمکمان کن تا روز این ماه بر غفلت ما و شیش بر کوتاهی ما شهادت ندهند.

(١٨) اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنَا فِي سَائِرِ الشُّهُورِ وَالْأَيَّامِ كَذَلِكَ مَا عَمَّرْتَنَا،
 وَاجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا
 خَالِدُونَ، وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ، أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ
 رَاجِعُونَ، وَمِنَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ.
 (١٩) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، فِي كُلِّ وَقْتٍ وَكُلِّ أَوَانٍ وَعَلَىٰ كُلِّ
 حَالٍ عَدَدَ مَا صَلَّيْتَ عَلَىٰ مَنْ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ، وَأَضْعَافَ ذَلِكَ كُلَّهُ
 بِالْأَضْعَافِ الَّتِي لَا يُحْصِيهَا غَيْرُكَ، إِنَّكَ فَعَالٌ لِمَا تُرِيدُ.

﴿٤٥﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 فِي وِدَاعِ شَهْرِ رَمَضَانَ:

(١) اللَّهُمَّ يَا مَنْ لَا يَرْعَبُ فِي الْجَزَاءِ (٢) وَيَا مَنْ لَا يَسْنَدُ عَلَى
 الْعَطَاءِ (٣) وَيَا لَا يُكَافِي عَبْدَهُ عَلَى السَّوَاءِ. (٤) مِثْلِكَ ابْتِدَاءً،
 وَعَقُوكَ تَفْضُلًا، وَعُقُوبَتِكَ عَدْلًا، وَقَضَاؤُكَ خَيْرَةً (٥) إِنْ أُعْطِيتَ
 لَمْ تَسُبَّ عَطَاءَكَ بِمَنْ، وَإِنْ مَنَعْتَ لَمْ يَكُنْ مَنَعَكَ تَعَدِّيًا. (٦) تَشْكُرُ
 مَنْ شَكَرَكَ وَأَنْتَ الْهَمَّتُهُ شُكْرَكَ. (٧) وَتُكَافِي مَنْ حَمِدَكَ وَأَنْتَ
 عَلِمْتَهُ حَمْدَكَ. (٨) تَسْتُرُ عَلَىٰ مَنْ لَوْ شِئْتَ فَضَحْتَهُ، وَتَجُودُ عَلَىٰ
 مَنْ لَوْ شِئْتَ مَنَعْتَهُ، وَكِلَاهُمَا أَهْلٌ مِنْكَ لِلْفَضِيحَةِ وَالْمَنْعِ غَيْرَ أَنَّكَ
 بَنَيْتَ أَفْعَالَكَ عَلَى التَّفْضُلِ، وَأَجْرَيْتَ قُدْرَتَكَ عَلَى التَّجَاوُزِ.

(۱۸) خداوندا در دیگر ماهها و روزها نیز تا آن هنگام که به ما عمر می دهی، همچنین قرارمان ده و ما را از بندگان شایسته‌ات محسوب فرما؛ آنها که بهشت را به ارث می‌برند و در آن جاوید می‌مانند، و آنها که آنچه را می‌دهند، در حالی است که دلهاشان از یاد خدا ترسان است و به سوی پروردگارشان باز می‌گردند، و ما را از کسانی قرار ده که در امور خیر شتاب دارند و بر دیگران پیشی می‌گیرند.

(۱۹) خدایا بر محمد ﷺ و آل او درود فرست: در هر وقت و در هر زمان و در هر حالی. درودی به تعداد همه آنها که سلامشان داده‌ای و باز هم بیش از آن، به مقداری که غیر تو نمی‌تواند آن را شماره کند! همانا تو آنچه را اراده کنی، انجام می‌دهی.

دعای چهل و پنجم:

در وداع با ماه مبارک رمضان

- (۱) خداوندا ای آنکه میل به گرفتن پاداش نداری.
- (۲) و ای کسی که از عطا و بخشش پشیمان نیستی.
- (۳) و ای آنکه به بنده‌ات پاداش برابر نمی‌دهی.
- (۴) بخشش تو، ابتدایی است و گذشت تو از باب تفضل است و کيفرت عین عدل است و فرمانت، خیر و صلاح است.
- (۵) تو اگر چیزی ببخشی، همراه با منت نیست و اگر چیزی را ممنوع کنی، ظلم و ستم محسوب نمی‌شود.
- (۶) تو نسبت به آنکه شکر تو گوید، سپاسگزاری می‌کنی و حال آنکه خود شکرت را به او الهام نموده‌ای.
- (۷) و عوض می‌دهی به آنکه تو را بستاید و حال آنکه خود ستایش را به او آموخته‌ای.
- (۸) عیوب کسانی را می‌پوشانی که اگر می‌خواستی رسوایشان می‌ساختی. وجود تو شامل حال کسانی می‌شود که اگر بخواهی می‌توانی آنها را محروم کنی. و هر دو گروه فوق بحق، شایسته رسوایی و محرومیتند، اما این تویی که اساس کارت را بر تفضل نهاده‌ای و قدرت خود را در عفو و گذشت نشان می‌دهی.

(٩) وَ تَلَقَّيْتِ مَنْ عَصَاكَ بِالْحِلْمِ، وَ أَمَهَلْتِ مَنْ قَصَدَ لِنَفْسِهِ بِالظُّلْمِ،
تَسْتَنْظِرُهُمْ بِأَنَاتِكَ إِلَى الْإِنَابَةِ، وَ تَتْرُكُ مُعَاجَلَتَهُمْ إِلَى التَّوْبَةِ لِكَيْلَا
يَهْلِكَ عَلَيْكَ هَالِكُهُمْ، وَ لَا يَشْقَى بِبِنِعْمَتِكَ شَقِيَّهُمْ إِلَّا عَنِ طُولِ
الْإِعْذَارِ إِلَيْهِ، وَ بَعْدَ تَرَادُفِ الْحُجَّةِ عَلَيْهِ، كَرَمًا مِنْ عَفْوِكَ يَا كَرِيمُ،
وَ عَائِدَةً مِنْ عَطْفِكَ يَا حَلِيمُ. (١٠) أَنْتَ الَّذِي فَتَحْتَ لِعِبَادِكَ بَابًا
إِلَى عَفْوِكَ، وَ سَمَّيْتَهُ التَّوْبَةَ، وَ جَعَلْتَ عَلَى ذَلِكَ الْبَابِ دَلِيلًا مِنْ
وَخِيكَ لِئَلَّا يَضِلُّوا عَنْهُ، فَقُلْتَ - تَبَارَكَ اسْمُكَ - : تَوُّبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً
نَصُوحًا عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ يُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ. (١١) يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا
مَعَهُ، نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بَأْيَمَانِهِمْ، يَقُولُونَ: رَبَّنَا آتِنَا لَنَا
نُورَنَا، وَ اغْفِرْ لَنَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. فَمَا عُذْرُ مَنْ أَعْفَلَ
دُخُولَ ذَلِكَ الْمَنْزِلِ بَعْدَ فَتْحِ الْبَابِ وَ إِقَامَةِ الدَّلِيلِ؟! (١٢) وَ أَنْتَ
الَّذِي زِدْتَ فِي السَّوْمِ عَلَى نَفْسِكَ لِعِبَادِكَ، تُرِيدُ رَبِّحَهُمْ فِي
مُتَاجَرَتِهِمْ لَكَ، وَ فَوْزَهُمْ بِالْوَفَادَةِ عَلَيْكَ، وَ الزِّيَادَةَ مِنْكَ، فَقُلْتَ
- تَبَارَكَ اسْمُكَ وَ تَعَالَيْتِ - : مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا، وَ مَنْ
جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا. (١٣) وَ قُلْتَ: مِثْلُ الَّذِينَ يُسْفِقُونَ
أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمِثْلِ حَبَّةِ أَنْبَتِ سَبْعِ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ
حَبَّةٍ، وَ اللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ، وَ قُلْتَ: مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا
حَسَنًا فَيُضَاعِفُهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً. وَ مَا أَنْزَلْتَ مِنْ نِظَائِرِهِنَّ فِي الْقُرْآنِ
مِنْ تَضَاعِيفِ الْحَسَنَاتِ. (١٤) وَ أَنْتَ الَّذِي دَلَلْتَهُمْ بِقَوْلِكَ مِنْ غَيْبِكَ
وَ تَرْغِيْبِكَ الَّذِي فِيهِ حَظُّهُمْ عَلَى مَا لَوْ سَتَرْتَهُ عَنْهُمْ لَمْ تُدْرِكْهُ

(۹) با کسی که در برابر تو سرکشی می‌کند، با بردباری برخورد می‌کنی و به کسی که (با گناه) قصد ستم بر خویش دارد مهلت می‌دهی و آنان را تا لحظه رجوع و بازگشت، به مدارای خود و عده می‌دهی و تا زمان توبه از شتاب در عقاب آنان خودداری می‌کنی تا هلاکت هلاک شونده از جانب تو نباشد و آن کس که شقی است، با نعمت تو گرفتار شقاوت نشود، مگر پس از عذر بسیار و حاجتهای پی‌درپی و آشکار. و اینها هم از عفو توست ای کریم، و بهره‌ای است از مهربانی تو ای خدای بردبار. (۱۰) تویی که برای بندگان دری به سوی عفو گشوده‌ای و آن را «توبه» نام نهاده‌ای. و برای راهنمایی به سوی این در، راهنمایی و حیاتی گذاشته‌ای که هرگز آن را گم نکنند و خود - که نامت مبارک است - فرموده‌ای: به سوی خدا توبه کنید، توبه‌ای پاک و خالص، بدان امید که خداوند گناهان شما را بپوشاند و شما را در بهشتی داخل سازد که نهرها در آن جاری است. (۱۱) در روزی که خداوند پیامبر ﷺ و آنان را که به او ایمان آورده‌اند خوار نمی‌گرداند، نور آنان از پیش رو و از جانب راست آنان حرکت می‌کند (در حالیکه) آنان می‌گویند: ای پروردگار ما، نور ما را کامل گردان و ما را بیمارز، که تو بر هر کاری توانایی (۸، تحریم). پس عذر کسی که از این منزل غفلت کند - بعد از اینکه تو در آن را گشوده‌ای و برایش راهنما قرار داده‌ای - چیست؟ (۱۲) و تویی آنکه به نفع بندگان، زیاد خود را به مشقت و سختی می‌اندازی و دوست می‌داری که آنان در تجارت با تو سود ببرند و با وارد شدن بر تو و زیادت خواستن از تو رستگار شوند. و لذا تو خود - که نامت مبارک و بلند است - فرموده‌ای: هر کس کار نیکی انجام دهد، ده برابر اجر می‌برد و هر آن کس که کار ناپسندی مرتکب شود، جز به اندازه همان عمل مجازات نمی‌شود (۱۶۰، انعام). (۱۳) و نیز فرموده‌ای: مثل آنها که اموال خودشان را در راه خدا انفاق می‌کنند، مثل دانه‌ای است که هفت خوشه می‌رویاند و در هر خوشه‌ای صد دانه است و خداوند به هر کس که بخواهد چند برابر پاداش می‌دهد. (۲۶۱، بقره) و همچنین فرموده‌ای: کیست آن کس که به خدا قرض نیکو بدهد تا در نتیجه خدا به او چندین برابر عطا فرماید (۲۴۵، بقره) و نیز نظیر این سخنان که حسنات را چند برابر پاداش می‌دهی در قرآن نازل فرموده‌ای. (۱۴) و تویی آنکه با گفتارت بندگان را نسبت به عالم غیب راهنمایی کردی و با ترغیب

أَبْصَارُهُمْ، وَ لَمْ تَعِهْ أَسْمَاعُهُمْ، وَ لَمْ تَلْحَقْهُ أَوْهَامُهُمْ، فَقُلْتَ: اذْكُرُونِي
 اذْكُرْكُمْ، وَ اشْكُرُوا لِي وَ لَا تَكْفُرُونِ، وَ قُلْتَ: لِيِنَّ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ،
 وَ لِيِنَّ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ. (١٥) وَ قُلْتَ: ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ،
 إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ، فَسَمَّيْتَ
 دُعَاءَكَ عِبَادَةً، وَ تَرَكَهُ اسْتِكْبَاراً، وَ تَوَعَّدْتَ عَلَى تَرْكِهِ دُخُولَ
 جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ. (١٦) فَذَكَّرْوكَ بِمَنِّكَ، وَ شَكَرْوكَ بِفَضْلِكَ، وَ دَعَاكَ
 بِأَمْرِكَ، وَ تَصَدَّقُوا لَكَ طَلِباً لِمَزِيدِكَ، وَ فِيهَا كَانَتْ نَجَاتُهُمْ مِنْ
 غَضَبِكَ، وَ فَوْزُهُمْ بِرِضَاكَ. (١٧) وَ لَوْ دَلَّ مَخْلُوقٌ مَخْلُوقاً مِنْ نَفْسِهِ
 عَلَى مِثْلِ الَّذِي دَلَّتْ عَلَيْهِ عِبَادَتُكَ مِنْكَ كَانَ مَوْصُوفاً بِالْإِحْسَانِ،
 وَ مَنَعُوتاً بِالْإِمْتِنَانِ، وَ مَخْمُوداً بِكُلِّ لِسَانٍ، فَلَكَ الْحَمْدُ مَا وَجَدَ
 فِي حَمْدِكَ مَذْهَبٌ، وَ مَا بَقِيَ لِلْحَمْدِ لَفْظٌ تُحْمَدُ بِهِ، وَ مَعْنَى يَنْصَرِفُ
 إِلَيْهِ. (١٨) يَا مَنْ تَحَمَّدَ إِلَى عِبَادَتِهِ بِالْإِحْسَانِ وَ الْفَضْلِ، وَ عَمَّرَهُمْ
 بِالْمَنِّ وَ الطُّوْلِ، مَا أَفْشَى فِيْنَا نِعْمَتَكَ، وَ أَسْبَغَ عَلَيْنَا مِثْلَكَ،
 وَ أَخَصَّنَا بِبِرِّكَ! (١٩) هَدَيْتَنَا لِدِينِكَ الَّذِي اصْطَفَيْتَ، وَ مِلَّتِكَ الَّتِي
 ارْتَضَيْتَ، وَ سَبِيلَكَ الَّذِي سَهَّلْتَ، وَ بَصَّرْتَنَا الرُّؤْفَةَ لَدَيْكَ، وَ الْوُصُولَ
 إِلَى كَرَامَتِكَ (٢٠) اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ جَعَلْتَ مِنْ صَفَايَا تِلْكَ الْوُظَائِفِ،
 وَ خَصَائِصِ تِلْكَ الْفُرُوضِ شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي اخْتَصَصْتَهُ مِنْ سَائِرِ
 الشُّهُورِ، وَ تَخَيَّرْتَهُ مِنْ جَمِيعِ الْأَزْمِنَةِ وَ الدُّهُورِ، وَ أَثَرْتَهُ عَلَى
 كُلِّ أَوْقَاتِ السَّنَةِ بِمَا أَنْزَلْتَ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَ التُّورِ، وَ ضَاعَفْتَ
 فِيهِ مِنَ الْإِيمَانِ، وَ فَرَضْتَ فِيهِ مِنَ الصِّيَامِ، وَ رَغَبْتَ فِيهِ
 مِنَ الْقِيَامِ، وَ أَجَلَلْتَ فِيهِ مِنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ الَّتِي هِيَ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ.

و تشویق، آنان را به سویی بردی که از بهره کامل بر خوردار شوند. حقایقی را به آنان نشان دادی که اگر از آنان می پوشاندی، چشمانشان هرگز آنها را نمی دید و گوشه اشان نمی شنید و ذهن آنها بدان نمی رسید. و خودت فرمودی: ما را یاد کنید تا من نیز به یاد شما باشم و شکر مرا بجای آورید و کفران نکنید. و فرمودی: اگر شکر گزار باشید بر نعمتهای شما می افزایم و اگر کفران پیشه کنید، به راستی عذاب من شدید است. (۱۵) و تو فرمودی مرا بخوانید تا شما را استجابت کنم، به راستی کسانی که با روحیه استکبار، خود را فراتر از بندگی من ببینند به زودی به آتش دوزخ داخل خواهند شد و در آن جاوید می مانند، پس دعا و در خواست از خود را عبادت و ترک دعا را استکبار نامیده ای و تهدید کرده ای که ترک دعا موجب دخول همیشگی در آتش دوزخ می شود. (۱۶) پس بندگان تو را به خاطر لطفت یاد می کنند و با فضلت سپاس می گزارند و به موجب فرمانت تو را می خوانند و در راه تو صدقه می دهند تا از تو زیادت نعمت طلب نمایند. و در این امر برای آنان، نجات و رهایی از غضب تو و فلاح و رستگاری در پرتو رضایت تو محقق می شود. (۱۷) و اگر یکی از مخلوقات تو از جانب خودش دیگری را مثل آنچه تو بندگان را به آنها راهنمایی فرموده ای، راهنمایی می کرد، به صفت احسان و اعطاء نعمت موصوف می شد و به هر زبانی مورد ستایش قرار می گرفت. پس حمد و سپاس برای توست مادام که راهی برای حمد تو باز است و لفظی باقی است که با آن حمد تو گفته شود و معنایی در کار است که به ستایش تو باز گردد. (۱۸) ای کسی که به سبب احسان و فضل، در نزد بندگان، شایسته ستایش شده ای و آنان را غرق در نعمت و بخشش نموده ای، نعمات تو در بین ما چه آشکار و پیدا و بخششهایت بر ما چه فراوان و اختصاص یافتن ما به نیکهای تو چه زیاد است! (۱۹) تو ما را به دین برگزیده و آیین مورد رضایت و راه سهل و آسان خود هدایت نمودی و نسبت به طریقه تقرّب به خودت و رسیدن به کرامت ما را بصیرت دادی. (۲۰) خداوندا و تو در زمره برگزیده این وظایف و اعمال ویژه از واجبات، ماه رمضان را قرار دادی، ماهی که آن را از سایر ماهها ممتاز نمودی و از بین همه زمانها و ایام، آن را انتخاب فرمودی و آن را بر همه اوقات سال به نزول قرآن و نور مقدم داشتی و ایمان را در این ماه مضاعف نمودی و روزه را در آن واجب گردانیدی و بندگان را به قیام در آن برای عبادت ترغیب فرمودی و شب قدر را که از هزار شب بهتر است در آن تجلیل نمودی.

(٢١) ثُمَّ أَثَرْتَنَا بِهِ عَلَى سَائِرِ الْأُمَّمِ، وَاصْطَفَيْتَنَا بِفَضْلِهِ دُونَ أَهْلِ الْمَلَلِ، فَصُمْنَا بِأَمْرِكَ نَهَارَهُ، وَقُمْنَا بِعَوْنِكَ لَيْلَهُ، مُتَعَرِّضِينَ بِصِيَامِهِ وَقِيَامِهِ لِمَا عَرَّضْتَنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَتَسَبَّبْنَا إِلَيْهِ مِنْ مَثُوبَتِكَ، وَأَنْتَ الْمَلِيُّ بِمَا رُغِبَ فِيهِ إِلَيْكَ، الْجَوَادُ بِمَا سُئِلْتَ مِنْ فَضْلِكَ، الْقَرِيبُ إِلَى مَنْ حَاوَلَ قُرْبَكَ. (٢٢) وَقَدْ أَقَامَ فِينَا هَذَا الشَّهْرُ مُقَامَ حَمْدٍ، وَصَحْبِنَا صُحْبَةَ مَبْرُورٍ، وَأَرْبَحْنَا أَفْضَلَ أَرْبَاحِ الْعَالَمِينَ، ثُمَّ قَدْ فَارَقْنَا عِنْدَ تَمَامِ وَقْتِهِ، وَانْقِطَاعِ مُدَّتِهِ، وَوَفَاءِ عَدْدِهِ.

(٢٣) فَنَحْنُ مُودِّعُوهُ وَدَاعٍ مَنْ عَزَّ فِرَاقُهُ عَلَيْنَا، وَغَمَّنَا وَأَوْحَشَنَا انْصِرَافَهُ عَنَّا، وَلَزِمْنَا لَهُ الذُّمَامَ الْمَحْفُوظُ، وَالْحُرْمَةَ الْمَرَعِيَّةَ، وَالْحَقَّ الْمَقْضَى، فَنَحْنُ قَائِلُونَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهْرَ اللَّهِ الْأَكْبَرَ، وَيَا عِيدَ أَوْلِيَائِهِ. (٢٤) السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَكْرَمَ مَصْحُوبٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ، وَيَا خَيْرَ شَهْرٍ فِي الْأَيَّامِ وَالسَّاعَاتِ. (٢٥) السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرٍ قَرُبْتَ فِيهِ الْأُمَالُ، وَنُشِرَتْ فِيهِ الْأَعْمَالُ. (٢٦) السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ قَرِينٍ جَلَّ قَدْرُهُ مَوْجُوداً، وَافْتَجَعَ فَقْدُهُ مَفْقُوداً، وَمَرْجُوُّ الْمَ فِرَاقُهُ. (٢٧) السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ الْيَفِّ أَنْسَ مُقْبِلاً فَسَرَّ، وَأَوْحَشَ مُنْقِضِياً فَمَضَّ (٢٨) السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ مُجَاوِرٍ رَقَّتْ فِيهِ الْقُلُوبُ، وَقَلَّتْ فِيهِ الذُّنُوبُ. (٢٩) السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ نَاصِرٍ أَعَانَ عَلَى الشَّيْطَانِ، وَصَاحِبٍ سَهَّلَ سُبُلَ الْإِحْسَانِ (٣٠) السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا أَكْثَرَ عُنُقَاءَ اللَّهِ فِيكَ، وَمَا أَسْعَدَ مَنْ رَعَى حُرْمَتَكَ بِكَ! (٣١) السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ أَمْحَاكَ لِلذُّنُوبِ، وَأَسْتَرَكَ لِأَنْوَاعِ الْعُيُوبِ! (٣٢) السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ أَطْوَلَكَ عَلَى الْمُجْرِمِينَ، وَأَهْيَبَكَ فِي صُدُورِ الْمُؤْمِنِينَ! (٣٣) السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرٍ لَا تُنَافِسُهُ الْأَيَّامُ.

(۲۱) سپس ما را برای این ماه بر سایر امّت‌ها مقدّم داشتی و برای فضیلت آن، ما را انتخاب فرمودی نه سایر ملّت‌ها را، و ما به فرمان تو روز این ماه را روزه گرفتیم و با یاری تو شب را به قیام در عبادت سپری کردیم و با روزه گرفتن و برخاستن برای عبادت، خود را در معرض رحمتت که ما را در جوار آن نهاده‌ای، قرار دادیم و آن را وسیله‌ای برای دریافت ثواب تو ساختیم و خزانه تو پر است از آنچه در راحت مورد رغبت باشد. و در آنچه از فضل و عطا از تو در خواست شود، بخشنده‌ای و نسبت به کسی که در راه قُرب تو می‌کوشد، نزدیک هستی. (۲۲) و این ماه به گونه‌ای شایسته ستایش در بین ما و همچون یاری نیکو همراه ما بود و بهترین سودهای جهانیان را به ما رسانید، و سپس آن هنگام که وقتش به پایان آمد و مدّتش تمام شد و عدد روزهایش به آخر رسید، از ما جدا شد. (۲۳) پس اینک ما با رمضان وداع می‌کنیم، همچون وداع با کسی که جدایی از او بر ما سخت و ناگوار است و روی گردانیدن او از ما، موجب حُزن و هراس است و بر ما لازم است که عهد محفوظ و حرمت شایسته رعایت و حقّ ادا شدنی او را نگاه داریم. پس اینک می‌گوییم: سلام بر تو ای بزرگترین ماه خدا و ای عیدِ دوستان خدا. (۲۴) سلام بر تو ای ارزشمندترین اوقاتی که با ما همراه بودی و ای بهترین ماه در بین روزها و ساعات. (۲۵) درود بر تو ای ماهی که در آن آرزوها بر آورده و نزدیک می‌شوند و اعمال شایسته در آن فراوان است. (۲۶) سلام بر تو دوستی که وقتی هستی، ارزش تو بسیار بالاست و آن هنگام که نیستی، فقدان تو درد آور است و نقطه امید هستی که جداییت بسیار رنج آفرین است. (۲۷) درود بر تو مونسی که وقتی آمدی، با ما انس گرفتی و اسباب سرور و شادی گشتی و وقتی از کنار ما رفتی، در دل ما هراس انداختی و غمگینمان ساختی. (۲۸) درود بر تو همسایه و همنشینی که در کنار تو قلبها نرم شد و گناهان کاهش یافت. (۲۹) سلام بر تو یآوری که ما را علیه شیطان یاری نمودی و دوستی که راههای احسان و نیکی را آسان فرمودی. (۳۰) درود بر تو که چه فراوان است آزاد شدگان راه خدا در تو و چه خوشبخت است کسی که به خاطر تو، احترامت را نگه بدارد. (۳۱) سلام بر تو که چقدر گناهان را می‌پوشانی و انواع عیوب و زشتیها را می‌زدایی. (۳۲) درود بر تو که چقدر بر مجرمان، بخشش داری و چه اندازه در دل‌های مؤمنان هیبت و عظمت داری! (۳۳) سلام بر تو ماهی که هیچ ایام دیگری شایستگی رقابت با تو را ندارد.

(٣٤) السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرٍ هُوَ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ (٣٥) السَّلَامُ عَلَيْكَ
 غَيْرَ كَرِيهِ الْمُصَاحَبَةِ، وَلَا ذَمِيمِ الْمُلَابَسَةِ (٣٦) السَّلَامُ عَلَيْكَ كَمَا
 وَقَدَّتْ عَلَيْنَا بِالْبَرَكَاتِ، وَغَسَلَتْ عَنَّا دَنَسَ الْخَطِيئَاتِ (٣٧) السَّلَامُ
 عَلَيْكَ غَيْرَ مُودَّعٍ بَرَمًا وَلَا مَثْرُوكٍ صِيَامُهُ سَامًا. (٣٨) السَّلَامُ عَلَيْكَ
 مِنْ مَطْلُوبٍ قَبْلُ وَقْتِهِ، وَمَحْزُونٍ عَلَيْهِ قَبْلَ فَوْتِهِ. (٣٩) السَّلَامُ
 عَلَيْكَ كَمْ مِنْ سُوءٍ صُرِفَ بِكَ عَنَّا، وَكَمْ مِنْ خَيْرٍ أَفِضَ بِكَ عَلَيْنَا
 (٤٠) السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى لَيْلَةِ الْقَدْرِ الَّتِي هِيَ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ
 (٤١) السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ أَحْرَصْنَا بِالْأَمْسِ عَلَيْكَ، وَأَشَدَّ شَوْقَنَا غَدًا
 إِلَيْكَ. (٤٢) السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى فَضْلِكَ الَّذِي حُرِمْنَا، وَ عَلَى مَاضٍ
 مِنْ بَرَكَاتِكَ سُلِبْنَا. (٤٣) اللَّهُمَّ إِنَّا أَهْلُ هَذَا الشَّهْرِ الَّذِي شَرَّفْتَنَا بِهِ،
 وَ وَفَّقْتَنَا بِمَنِّكَ لَهُ حِينَ جَهَلِ الْأَشْقِيَاءُ وَقْتَهُ، وَ حَرَمُوا لِشِقَائِهِمْ فَضْلَهُ.
 (٤٤) أَنْتَ وَ لِي مَا أَثَرْتَنَا بِهِ مِنْ مَعْرِفَتِهِ، وَ هَدَيْتَنَا لَهُ مِنْ سُنَّتِهِ، وَ قَدْ
 تَوَلَّيْنَا بِتَوْفِيقِكَ صِيَامَهُ وَ قِيَامَهُ عَلَى تَقْصِيرٍ، وَ أَدَّيْنَا فِيهِ قَلِيلًا مِنْ
 كَثِيرٍ. (٤٥) اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ إِقْرَارًا بِالْإِسَاءَةِ، وَ اعْتِرَافًا بِالْإِضَاعَةِ،
 وَ لَكَ مِنْ قُلُوبِنَا عَقْدُ النَّدَمِ، وَ مِنْ أَلْسِنَتِنَا صِدْقُ الْإِعْتِذَارِ، فَأَجْرُنَا
 عَلَى مَا أَصَابَنَا فِيهِ مِنَ التَّفْرِيطِ أَجْرًا نَسْتَدْرِكُ بِهِ الْفَضْلَ الْمَرْغُوبَ
 فِيهِ، وَ نَعْتَاضُ بِهِ مِنْ أَنْوَاعِ الذُّخْرِ الْمَحْرُوصِ عَلَيْهِ. (٤٦) وَ أَوْجِبْ لَنَا
 عُذْرَكَ عَلَى مَا قَصَّرْنَا فِيهِ مِنْ حَقِّكَ، وَ ابْلُغْ بِأَعْمَارِنَا مَا بَيْنَ أَيْدِينَا مِنْ
 شَهْرِ رَمَضَانَ الْمُقْبِلِ، فَإِذَا بَلَّغْتَنَاهُ فَأَعِنَّا عَلَى تَنَاوُلِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ
 مِنَ الْعِبَادَةِ، وَ أَدِّنَا إِلَى الْقِيَامِ بِمَا يَسْتَحِقُّهُ مِنَ الطَّاعَةِ، وَ أَجْرِ لَنَا مِنْ
 صَالِحِ الْعَمَلِ مَا يَكُونُ دَرَكًا لِحَقِّكَ فِي الشَّهْرَيْنِ مِنْ شُهُورِ الدَّهْرِ.

(۳۴) سلام بر تو ماهی که از هر آفت و خطری در امان و سلامتی. (۳۵) درود بر تو ماهی که مصاحبت با تو کراهت ندارد و معاشرت با تو موجب مذمت نیست. (۳۶) درود بر تو که برکات فراوان به ما رساندی و زنگار خطاها و گناهان را از ما شستی. (۳۷) سلام بر تو که وداع با تو از روی دلتنگی نیست و ترک روزه تو به جهت خستگی و ملال نمی باشد. (۳۸) سلام بر تو که قبل از فرا رسیدنت، مورد طلب ما هستی و پیش از فوتت، مورد حزن و اندوه ما. (۳۹) درود بر تو که چه بسیار بلاها به خاطر تو از ما دور شد و چه بسیار از خیرات، بواسطه تو به ما رسید. (۴۰) سلام بر تو و بر هر شب قدری که بهتر از هزار ماه است. (۴۱) درود بر تو که دیروز نسبت به تو چه بسیار حریص بودیم و فردا چه شوقی به تو داریم. (۴۲) سلام بر تو و بر فضل تو که ما از آن محروم شدیم و برکات گذشته‌ات که از ما سلب گردید. (۴۳) خداوندا ما اهل این ماهی هستیم که ما را بدان شرافت بخشیدی و با فضلت به ما توفیق درک آن را عطا فرمودی، در حالیکه شقاوت پیشگان نسبت به وقت گرانبهای آن جاهل، و به خاطر شقاوتشان از فضل آن بی بهره‌اند. (۴۴) خدایا تویی صاحب آنچه ما را برای آن برگزیدی یعنی شناخت این ماه و آنچه بدان هدایتمان فرمودی یعنی آداب و اعمال این ماه. و ما به توفیق توست که با تقصیر و کوتاهی، آن را روزه می گیریم و عبادت را در این ماه به پا می داریم و در آن اندکی از بسیار را بجا می آوریم. (۴۵) خدایا تو را سپاس می گوئیم و در عین حال اقرار به بدیهای خود داریم و معترفیم که حق تو را ضایع ساخته‌ایم. عقده پشیمانی که در دل داریم و صداقتی که در مقام پوزش در زبان ماست، تنها برای توست، پس ما را در برابر آنچه بخاطر تفریط و کوتاهی به ما رسیده، اجری عطا فرما که با آن، فضل مورد امید در این ماه عزیز را جبران کنیم و از انواع ذخایری که همه بدان حرص دارند، چیزی به عنوان عوض دریافت نماییم. (۴۶) و برای ما عذر خواهی از درگاهت را به خاطر آنچه که در حق تو تقصیر کرده‌ایم، مقدر فرما و عمر ما را تا رمضان آینده طولانی فرما و آن هنگام که ما را به رمضان آینده رساندی به ما کمک کن تا آنچه را که تو اهل آن هستی یعنی عبادت، انجام دهیم و ما را به حدی رسان که به آنچه شایسته آن ماه است یعنی طاعت، قیام کنیم و از اعمال صالح در طول ماههای سال، آنچه را که جبران کننده حق تو در دو ماه رمضان حال و آینده است، برای ما پیش آور.

(٤٧) اللَّهُمَّ وَمَا أَلَمْنَا بِهِ فِي شَهْرِنَا هَذَا مِنْ لَمَمٍ أَوْ إِثْمٍ، أَوْ وَقَعْنَا فِيهِ مِنْ ذَنْبٍ، وَ اِكْتَسَبْنَا فِيهِ مِنْ خَطِيئَةٍ عَلَى تَعَمُّدٍ مِنَّا، أَوْ عَلَى نِسْيَانٍ ظَلَمْنَا فِيهِ أَنْفُسَنَا، أَوْ ائْتَهَكْنَا بِهِ حُرْمَةً مِنْ غَيْرِنَا، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاسْتُرْنَا بِسِتْرِكَ، وَاعْفُ عَنَّا بِعَفْوِكَ، وَ لَا تُنْصِبْنَا فِيهِ لِأَعْيُنِ الشَّامِتِينَ، وَ لَا تَبْسُطْ عَلَيْنَا فِيهِ أَلْسُنَ الطَّاعِنِينَ، وَاسْتَعْمِلْنَا بِمَا يَكُونُ حِطَّةً وَكَفَّارَةً لِمَا أَنْكَرْتَ مِنَّا فِيهِ بِرَأْفَتِكَ الَّتِي لَا تَنْقُذُ، وَفَضْلِكَ الَّذِي لَا يَنْقُصُ. (٤٨) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْبُرْ مُصِيبَتَنَا بِشَهْرِنَا، وَبَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِ عِيدِنَا وَفِطْرِنَا، وَاجْعَلْهُ مِنْ خَيْرِ يَوْمٍ مَرَّ عَلَيْنَا أَجْلِبَهُ لِعَفْوٍ، وَامْحَاهُ لِذَنْبٍ، وَاعْفِرْ لَنَا مَا خَفِيَ مِنْ ذُنُوبِنَا وَ مَا عَلَنَ. (٤٩) اللَّهُمَّ اسْلُخْنَا بِإِسْلَاحِ هَذَا الشَّهِرِ مِنْ خَطَايَانَا، وَ أَخْرِجْنَا بِخُرُوجِهِ مِنْ سَيِّئَاتِنَا، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَسْعَدِ أَهْلِهِ بِهِ، وَاجْزِلْهُمْ قِسْمًا فِيهِ، وَ أَوْفِرْهُمْ حِطًّا مِنْهُ. (٥٠) اللَّهُمَّ وَمَنْ رَعَى هَذَا الشَّهْرَ حَقَّ رِعَايَتِهِ، وَحَفِظَ حُرْمَتَهُ حَقَّ حِفْظِهَا، وَ قَامَ بِحُدُودِهِ حَقَّ قِيَامِهَا، وَ اتَّقَى ذُنُوبَهُ حَقَّ تُقَاتِهَا، أَوْ تَقَرَّبَ إِلَيْكَ بِقُرْبَةٍ أَوْجَبَتْ رِضَاكَ لَهُ، وَ عَطَفَتْ رَحْمَتَكَ عَلَيْهِ، فَهَبْ لَنَا مِثْلَهُ مِنْ وُجْدِكَ، وَاعْظِنَا أَضْعَافَهُ مِنْ فَضْلِكَ، فَإِنَّ فَضْلَكَ لَا يَغِيضُ، وَإِنَّ خَزَائِنَكَ لَا تَنْقُصُ بَلْ تَفِيضُ، وَإِنَّ مَعَادِنَ إِحْسَانِكَ لَا تَنْفِي، وَإِنَّ عَطَاءَكَ لِلْعَطَاءِ الْمُهْتِنَا. (٥١) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ اِكْتُبْ لَنَا مِثْلَ أَجُورِ مَنْ صَامَهُ، أَوْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ. (٥٢) اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ فِي يَوْمِ فِطْرِنَا الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ عِيدًا وَ سُرُورًا، وَ لِأَهْلِ مِلَّتِكَ مَجْمَعًا وَ مُحْتَشِدًا مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ أَدْنَبْنَاهُ، أَوْ سَوَّءِ أَسْلَفْنَاهُ، أَوْ خَاطِرٍ شَرٍّ أَضْمَرْنَاهُ، تَوْبَةً مَنْ

(۴۷) خداوندا در این ماه اگر به گناه کوچک یا بزرگی نزدیک شدیم و یا اگر در معصیتی افتادیم و یا عمداً مرتکب خطایی شدیم و یا از روی فراموشی بر خود ستم نمودیم و یا حریم و حرمت کسی را زیر پا گذاشتیم پس تو بر محمد و آل او درود فرست و ما را در پرده عفت پوشان و بر ما ببخش و ما را نصب العین ملامتگران قرار مده و زبان طعنه زندگان را بر ما باز مکن و ما را به کاری و ابدار که سبب جبران و کفاره گناهی باشد که در ماه رمضان از آن نهی کرده بودی، به حق رافتت که هرگز پایان ندارد و فضلت که هرگز کاستی نمی پذیرد.

(۴۸) خدایا بر محمد و آلش درود فرست و مصیبت و اندوه ما را در غم رفتن این ماه، خودت جبران کن و روز عید فطر را بر ما مبارک گردان و آن را از بهترین روزهایی قرار ده که بر ما گذشته است تا پسندیده ترین روز برای جلب عفو و بخشش و محو گناهان باشد و گناهان پنهان و نهان ما را مورد آمرزش قرار ده.

(۴۹) خدایا با گذشتن این ماه، از گناهان ما در گذر و با خروج آن ما را از منجلاب گناهان خارج کن و ما را در زمره سعادت مندترین افراد به وسیله این ماه و بهره مندترین اشخاص در این ماه و بانصیب ترین افراد از این ماه قرار ده.

(۵۰) خدایا، کسی که به طور شایسته رعایت حق این ماه را نموده و حرمت آن را به خوبی حفظ کرده و به شایستگی حدود و احکام این ماه را بجای آورده و از گناهان در این ماه خودداری نموده و یا به گونه ای به قرب تو راه یافته که حتماً از او راضی شده ای و رحمت خودت را شامل حالش گردانیده ای، پس از خزانه دارائیت مثل آن را به ما هم عطا فرما و چندین برابر آن از فضل خویش بر ما ببخشای، که به راستی فضل تو کاستی ندارد و خزینه های تو کم نمی گردد بلکه افزونتر می شود و معادن احسان تو هرگز فنا نمی پذیرد و به راستی بخششهای تو، عطایی است خوش گوار.

(۵۱) خدایا بر محمد و آلش درود فرست و برای ما پاداش روزه داران و یا اجر کسانی که این ماه را تا روز قیامت به عبادت مشغولند ثبت فرما.

(۵۲) خداوندا ما به سویت توبه می کنیم در روز عید فطر که آن را برای اهل ایمان روز عید و شادی قرار دادی و برای اهل دین خود روز اجتماع و همیاری مقرر نمودی، توبه از گناهانی که مرتکب شده ایم و از کارهای ناپسندی که انجام

لَا يَنْطَوِي عَلَى رُجُوعِ إِلَى ذَنْبٍ، وَلَا يَعُودُ بَعْدَهَا فِي خَطِيئَةٍ، تَوْبَةً
 نَصُوحاً خَلَصَتْ مِنَ الشُّكِّ وَالْإِزْتِيَابِ، فَتَقَبَّلَهَا مِنَّا، وَارْضَ عَنَّا،
 وَتَبَسَّنَا عَلَيْهَا. (٥٣) اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا خَوْفَ عِقَابِ الْوَعِيدِ، وَشَوْقَ ثَوَابِ
 الْمَوْعُودِ حَتَّى نَجِدَ لَذَّةَ مَا نَدْعُوكَ بِهِ، وَكَأَبَةَ مَا نَسْتَجِيرُكَ مِنْهُ.
 (٥٤) وَاجْعَلْنَا عِنْدَكَ مِنَ التَّوَابِينَ الَّذِينَ أَوْجِبْتَ لَهُمْ مَحَبَّتَكَ، وَقَبِلْتَ
 مِنْهُمْ مُرَاجَعَةَ طَاعَتِكَ، يَا أَعْدَلَ الْعَادِلِينَ. (٥٥) اللَّهُمَّ تَجَاوَزْ عَنَّا
 وَأُمَّهَاتِنَا وَأَهْلَ دِينِنَا جَمِيعاً مَنْ سَلَفَ مِنْهُمْ وَمَنْ غَبَرَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ.
 (٥٦) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّنَا وَآلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى مَلَائِكِكَ
 الْمُتَقَرَّبِينَ، وَصَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ،
 وَصَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، وَأَفْضَلَ مِنْ
 ذَلِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، صَلَوةً تَبْلُغُنَا بَرَكَتُهَا، وَيَنَالُنَا نَفْعُهَا، وَيُسْتَجَابُ
 لَهَا دُعَاؤُنَا، إِنَّكَ أَكْرَمُ مَنْ رَغِبَ إِلَيْهِ، وَأَكْفَى مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ، وَأَعْطَى
 مَنْ سَأَلَ مِنْ فَضْلِهِ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

﴿٤٦﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي يَوْمِ الْفِطْرِ
 إِذَا انْصَرَفَ مِنْ صَلَوتِهِ قَامَ قَائِماً ثُمَّ اسْتَقْبَلَ
 الْقِبْلَةَ، وَفِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ، فَقَالَ:

(١) يَا مَنْ يَرْحَمُ مَنْ لَا يَرْحَمُهُ الْعِبَادُ (٢) وَيَا مَنْ يَقْبَلُ مَنْ لَا تَقْبَلُهُ الْبِلَادُ
 (٣) وَيَا مَنْ لَا يَحْتَقِرُ أَهْلَ الْحَاجَةِ إِلَيْهِ (٤) وَيَا مَنْ لَا يُخَيِّبُ الْمُلْحِنَ عَلَيْهِ.

داده‌ایم یا نیت‌های بدی که در دل داشته‌ایم، توبه‌ای خالص از هرگونه شک و اضطراب. پس خداوندا این توبه را از ما بپذیر و از ما راضی شو و ما را بر این توبه ثابت و پایدار بدار.

(۵۳) خداوندا به ما ترس از عقاب جهنم و اشتیاق به ثواب موعود را کرم فرما تا لذت آنچه بدان تو را می‌خوانیم و ناگواری آنچه از آن به تو پناه می‌آوریم را دریابیم.

(۵۴) و ما را از توّابین درگاهت قرار ده، آنان که محبت خودت را در حق آنان لازم کرده‌ای و بازگشت آنان به طاعت و بندگیست را پذیرفته‌ای ای عادلترین عدالت پیشگان.

(۵۵) خداوندا از تمامی پدران و مادران و اهل دین ما درگذر، چه آنها که در گذشته‌اند و چه آنها که تا روز قیامت می‌آیند و باقی می‌مانند.

(۵۶) خدایا بر محمد، پیغمبر ما و آل او درود فرست همچنانکه بر فرشتگان مقرب درگاهت درود می‌فرستی و بر او و آل او درود بفرست آن گونه که بر انبیاء و رسولانت درود می‌فرستی و همانگونه که بر بندگان صالحت درود فرستاده‌ای و بلکه بالاتر از آن، ای پروردگار عالمیان، درودی که برکت آن به ما برسد و نفع آن شامل حال ما گردد و دعای ما به خاطر آن مستجاب شود. به راستی تو کریمترین کسی هستی که مورد رغبت و میلی و با کفایت‌ترین فردی هستی که مورد توکل قرار می‌گیری و بخشنده‌ترین کسی هستی که از فضل‌ت درخواست می‌شود و تو بر هر کاری توانایی.

دعای چهل و ششم:

در روز عید فطر و روز جمعه

- (۱) ای کسی که رحم می‌کنی بر کسی که بندگان بر او رحم نمی‌کنند.
- (۲) و ای آنکه می‌پذیری کسی را که سرزمینها او را نمی‌پذیرند.
- (۳) و ای کسی که نیازمندان آستانت را خوار و کوچک نمی‌کنی.
- (۴) و ای آنکه اصرار کنندگان درگاهت را نا امید نمی‌سازی.

(٥) وَيَا مَنْ لَا يَجِبُهُ بِالرَّدِّ أَهْلَ الدَّالَّةِ عَلَيْهِ (٦) وَيَا مَنْ يَجْتَبِي صَغِيرَ مَا يُتَخَفُ بِهِ، وَيَشْكُرُ يَسِيرَ مَا يُعْمَلُ لَهُ. (٧) وَيَا مَنْ يَشْكُرُ عَلَى الْقَلِيلِ وَيُجَازِي بِالْجَلِيلِ (٨) وَيَا مَنْ يَدْنُو إِلَى مَنْ دَنَا مِنْهُ. (٩) وَيَا مَنْ يَدْعُو إِلَى نَفْسِهِ مَنْ أَدْبَرَ عَنْهُ. (١٠) وَيَا مَنْ لَا يُغَيِّرُ النِّعْمَةَ، وَلَا يُبَادِرُ بِالنِّقْمَةِ. (١١) وَيَا مَنْ يُثْمِرُ الْحَسَنَةَ حَتَّى يُنْمِيهَا، وَيَتَجَاوَزُ عَنِ السَّيِّئَةِ حَتَّى يُعْفِيَهَا. (١٢) انصرفت الأمال دون مدى كرمك بال حاجات، و امتلات بفيض جودك أو عية الطلبات، و تفسخت دون بلوغ نعتك الصفات، فلك العلو الأعلى فوق كل عال، و الجلال الأمجد فوق كل جلال. (١٣) كل جليل عندك صغير، و كل شريف في جنب شرفك حقير، خاب الوافدون على غيرك، و خسر المتعرضون إليك، و ضاع الملمون الأبك، و أجذب المتجعون إلا من انتجع فضلك (١٤) بابك مفتوح للراغبين، و جودك مباح للسائلين، و اغاثتك قريبة من المستغيثين. (١٥) لا يخيب منك الأملون، و لا ينأس من عطائك المتعرضون، و لا يشقى بنعمتك المستغفرون. (١٦) رزقك مبسوط لمن عصاك، و حلمك معرض لمن ناواك، عادتك الإحسان إلى المسيئين، و سنتك الإبقاء على المعتدين حتى لقد غرثهم أناةك عن الرجوع، و صددهم إمهالك عن النزوع. (١٧) وإنما تأنيت بهم لينيتوآ إلى أمرك، و أمهلتهم ثقة بدوام ملكك، فمن كان من أهل السعادة ختمت له بها، و من كان من أهل الشقاوة خذلتها لها. (١٨) كلهم صابرون إلى حكمك، و أمورهم آئلة إلى أمرك، لم يهن على طول مدتهم سلطانك، و لم يدحض لترك معاجلتهم برهانك.

(۵) وای کسی که دست رد بر سینه روی آورندگان به بارگاہت نمی‌زنی.
 (۶) وای آنکه تحفه‌های کوچک را می‌پذیری و در برابر کارهای اندک، سپاس می‌گویی (۷) وای کسی که کار ناچیز را شکر می‌گذاری و پاداشی بزرگ عطا می‌کنی.
 (۸) وای کسی که به هر که به تو نزدیک شود، نزدیک می‌شوی (۹) وای آنکه کسانی را که به تو پشت می‌کنند، خودت می‌خوانی (۱۰) وای کسانی که نعمتها را تغییر نمی‌دهی و در انتقام و عذاب، شتاب نمی‌کنی (۱۱) وای آنکه حسنات را ثمر بخش می‌سازی تا رشد دهی و از گناهان در می‌گذری تا پنهانشان سازی. (۱۲) با تأمین حاجات، آرزوها پیش از نیل به منتهای کرم تو روا شدند و ظرف در خواستها با فیض بخششهای تو پرگشتند و اوصاف قبل از وصول به کنه و صف تو از هم پاشیدند و محو شدند. پس برتر از هر عالی، علو و بلندی از آن توست و بزرگی و جلال بالاتر از هر بزرگی، مخصوص توست. (۱۳) هر بزرگی در نزد تو کوچک است و هر شریفی، در کنار شرافت تو حقیر و ناچیز است. آنها که بر غیر تو وارد شدند بحق ضرر کردند و آنها که به جز تو به سوی دیگران رفتند دچار خسران گشتند و آنها که در آستان غیر تو گرد آمدند، تباه شدند و همه آنها که به دنبال کسب چیزی بودند گرفتار قحطی گشتند مگر آنها که به دنبال کسب فضل تو بودند. (۱۴) درگاه تو به روی علاقه‌مندان گشوده و جود و بخشش تو برای گدایان آستان جاری است و یاریت نسبت به یاری جویان نزدیک است. (۱۵) آرزومندان هرگز از تو نا امید نمی‌شوند و آنها که به سوی تو می‌آیند هیچگاه مأیوس نمی‌شوند و آمرزش خواهان هرگز با انتقام و عقاب تو به شقاوت گرفتار نمی‌گردند. (۱۶) روزی تو (حتی) برای کسی که تو را نافرمانی می‌کند نیز گسترده است و شکیبایی تو شامل آن کس که با تو دشمنی نموده نیز می‌شود. عادت تو نیکی به گناهکاران است و سیره و روش تو مدارا با تجاوزکاران است تا آنجا که این ملاحظات تو آنان را از توبه و بازگشت غافل نموده و این مهلت دادنها ایشان را از اجتناب از گناه باز داشته است. (۱۷) خدایا تو فقط از این جهت درباره گناهکاران تانی نمودی که آنان به امر تو باز گردند و مهلتشان دادی چرا که به دوام سلطنت خود مطمئن بودی. پس هر کس که اهل سعادت باشد پایان کارش را سعادت رقم زدی و آن کس که اهل شقاوت باشد، در جهت آن او را گرفتار خذلان ساختی. (۱۸) همه آنان سرانجام به حکم تو باز می‌گردند و امور آنان به فرمان تو بازگشت می‌کند، در طول مدت و مهلت آنان، استدلال تو از استحکام نمی‌افتد و به خاطر عدم شتاب در قضاوت درباره آنان، برهان تو باطل نمی‌گردد.

(١٩) حُبَّتْكَ قَائِمَةٌ لَا تُدْحَضُ، وَ سُلْطَانُكَ شَابِتٌ لَا يَزُولُ، فَالْوَيْلُ
 الدَّائِمُ لِمَنْ جَنَعَ عَنكَ، وَ الخَيْبَةُ الخَاذِلَةُ لِمَنْ خَابَ مِنْكَ، وَ الشَّقَاءُ
 الْأَشْقَى لِمَنْ اغْتَرَبَكَ. (٢٠) مَا أَكْثَرَ تَصَرُّفَهُ فِي عَذَابِكَ، وَ مَا أَطْوَلَ
 تَرُدُّدَهُ فِي عِقَابِكَ، وَ مَا أَبْعَدَ غَايَتَهُ مِنَ الْفَرَجِ، وَ مَا أَقْنَطَهُ مِنْ سُهُولَةِ
 الْمَخْرَجِ!! عَدْلًا مِنْ قَضَائِكَ لَا تَجُورُ فِيهِ، وَ انْصَافًا مِنْ حُكْمِكَ لَا
 تَحِيفُ عَلَيْهِ. (٢١) فَقَدْ ظَاهَرَتِ الْحُجَجُ، وَ أَبْلَيْتِ الْأَعْدَارَ، وَ قَدْ
 تَقَدَّمْتَ بِالْوَعِيدِ، وَ تَلَطَّطْتَ فِي التَّرْغِيبِ، وَ ضَرَبْتَ الْأَمْثَالَ، وَ أَطَلَّتِ
 الْأَمْهَالَ، وَ أَخْرَجْتَ وَ أَنْتَ مُسْتَطِيعٌ لِلْمُعَاجَلَةِ، وَ تَأَنَّنْتَ وَ أَنْتَ مَلْبِيءٌ
 بِالْمُبَادَرَةِ (٢٢) لَمْ تَكُنْ أَنْتَ عَجْزًا، وَ لَا إِمْهَالُكَ وَ هُنَا، وَ لَا إِمْسَاكُكَ
 عَقْلًا، وَ لَا انْتِظَارُكَ مُدَارَاةً، بَلْ لِتَكُونَ حُبَّتْكَ أَبْلَغَ، وَ كَرَمُكَ أَكْمَلَ،
 وَ إِحْسَانُكَ أَوْفَى، وَ نِعْمَتُكَ أَتَمَّ، كُلُّ ذَلِكَ كَانَ وَ لَمْ تَزَلْ، وَ هُوَ كَأَنَّ
 وَ لَا تَزَالُ. (٢٣) حُبَّتْكَ أَجَلٌ مِنْ أَنْ تُوصَفَ بِكُلِّهَا، وَ مَجْدُكَ أَرْفَعُ مِنْ
 أَنْ يُحَدَّ بِكُنْهِهِ، وَ نِعْمَتُكَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُحْصَى بِأَسْرِهَا، وَ إِحْسَانُكَ أَكْثَرُ
 مِنْ أَنْ تُشْكَرَ عَلَى أَقْلِهِ (٢٤) وَ قَدْ قَصَّرَ بِي السُّكُوتُ عَنْ تَحْمِيدِكَ،
 وَ فَهَّيْنِي الْإِمْسَاكُ عَنْ تَمْجِيدِكَ، وَ قُضَارَايَ الْإِقْرَارُ بِالْحُسُورِ، لَا
 رَغْبَةَ - يَا إِلَهِي - بَلْ عَجْزًا. (٢٥) فَهَذَا أَنَا ذَا أَوْثَمِكَ بِالْوِفَادَةِ، وَ أَسْأَلُكَ
 حُسْنَ الرَّفَادَةِ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اسْمَعْ نَجْوَايَ، وَ اسْتَجِبْ
 دُعَايَ، وَ لَا تَخْتِمِ يَوْمِي بِخَيْبَتِي، وَ لَا تَجْبِهْنِي بِالرَّدِّ فِي مَسْأَلَتِي،
 وَ أَكْرِمْ مِنْ عِنْدِكَ مُنْصَرَفِي، وَ إِلَيْكَ مُنْقَلَبِي، إِنَّكَ غَيْرُ ضَائِقٍ بِمَا تُرِيدُ،
 وَ لَا عَاجِزٍ عَمَّا تُسْأَلُ، وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ
 إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

(۱۹) دلیل تو پا برجا و زایل نشدنی است و سلطهٔ تو ثابت و پایدار است. پس عذاب دائم برای کسی است که از تو روی بر گرداند و یأس ذلت بار از آن کسی است که از درگاه تو نومید شود و بالاترین شقاوت از آن فردی است که در پیشگاه تو غرور و تکبر بورزد. (۲۰) چه بسیار است تغیر و تحول او در عذاب تو، و چه طولانی است درنگ حیرت آمیز او در عقاب تو، و چه دور است سرانجام او از گشایش، و چه نومید است از آسانی راحتی و رهایی!! همهٔ اینها البته بر مبنای قضاوت عادلانه‌ای است که هرگز در آن ظلم نمی‌کنی و حکم منصفانه‌ای است که ابداً در آن ستم نمی‌نمایی. (۲۱) تو حجتها را آشکار ساخته‌ای و عذر و بهانه را از میان برداشته‌ای و تهدید و انذار از عذاب را اعلام فرموده‌ای و در تشویق و ترغیب بندگان با مهربانی اقدام نموده‌ای، و مثالهای عبرت آموز بیان داشته‌ای و مهلت بسیار در اختیار آنان قرار داده‌ای، و در عین حال که در عقاب آنان می‌توانی شتاب کنی، آن را به تأخیر انداخته‌ای و با اینکه می‌توانی در بازخواست، سرعت به خرج دهی، در آن تأنی می‌کنی. (۲۲) درنگ تو البته از روی ناتوانی نیست و مهلت دادنت از جهت سستی نمی‌باشد و خودداری تو به خاطر غفلت نبوده و انتظارت از باب مماشات نیست بلکه برای آن است که دلیل تو رساتر و کرم تو کاملتر و احسان تو فراوانتر و نعمت تمامتر باشد. (آری)، همهٔ این امور بوده و تو این چنین بوده‌ای و از این پس این امور هست و تو نیز پا بر جایی. (۲۳) دلیل تو برتر از آن است که کاملاً توصیف شود و مجد و عظمت تو بالاتر از آن است که گنه و انتهای آن معلوم گردد و نعمت تو افزونتر از آن است که تماماً به شمارش در آید و احسان تو بیشتر از آن است که بتوان کمترین آن را سپاس گفت. (۲۴) سکوت، مرا از ستایش تو باز داشته و امساک و خودداری، مرا از تمجید تو ناتوان ساخته است و نهایت تلاش من، اقرار به واماندگی است. خدایا خود رغبتی به این حالت ندارم، اما چه کنم که عجز مرا به این حالت کشانده است. (۲۵) پس اینک، این من عاجزم که قصد ورود به محضر تو دارم و از تو حُسن عطا و بخشش طلب می‌کنم پس بر محمد و آل او درود فرست و راز و نیاز مرا بشنو و دعایم مستجاب گردان و روزگار مرا با ناامیدی به پایان مَبَر و درخواستهام دست رد بر پیشانی من مزن و رفتنم از پیشگاهت و بازگشتم به درگاهت را کریمانه مورد عنایت قرار ده. به راستی تو در آنچه اراده کنی در تنگنا قرار نمی‌گیری و در اعطاء آنچه از تو درخواست شود ناتوان نمی‌باشی و تو بر هر کاری توانایی. و هیچ تحوّل و توانی نیست مگر به قدرت خدای بلند مرتبهٔ بزرگ.

﴿٤٧﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي يَوْمِ عَرَفَةَ:

- (١) الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (٢) اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بَدِيعِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، رَبِّ الْأَرْبَابِ، وَإِلَيْهِ كُلُّ مَأْلُوهٍ، وَخَالِقِ كُلِّ مَخْلُوقٍ، وَوَارِثِ كُلِّ شَيْءٍ، لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَلَا يَعْزُبُ عَنْهُ عِلْمُ شَيْءٍ، وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبٌ.
- (٣) أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَحَدُ الْمُتَوَحَّدُ الْفَرْدُ الْمُتَفَرِّدُ (٤) وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْكَرِيمُ الْمُتَكْرِمُ، الْعَظِيمُ الْمُتَعَزِّمُ، الْكَبِيرُ الْمُتَكَبِّرُ
- (٥) وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْعَلِيُّ الْمُتَعَالِ، الشَّدِيدُ الْمِحَالِ
- (٦) وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ.
- (٧) وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، الْقَدِيمُ الْخَبِيرُ
- (٨) وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْكَرِيمُ الْاَكْرَمُ، الدَّائِمُ الْاَدْوَمُ
- (٩) وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْاَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ، وَالْاٰخِرُ بَعْدَ كُلِّ عَدَدٍ
- (١٠) وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الدَّانِي فِي عُلُوِّهِ، وَالْعَالِي فِي دُنُوِّهِ
- (١١) وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، ذُو الْبَهَاءِ وَالْمَجْدِ، وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْحَمْدِ
- (١٢) وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الَّذِي أَنْشَأْتَ الْاَشْيَاءَ مِنْ غَيْرِ سِنَخٍ، وَصَوَّرْتَ مَا صَوَّرْتَ مِنْ غَيْرِ مِثَالٍ، وَابْتَدَعْتَ الْمُبْتَدَعَاتِ بِلا اِحْتِذَاءٍ.

دعای چهل و هفتم:

در روز عرفه

- (۱) شکر از آن خداوند است که پروردگار عالمیان است.
- (۲) خدایا سپاس تو راست ای پدید آورنده آسمانها و زمین، ای صاحب جلالت و اکرام، ای پروردگار پرورندگان و ای معبود همه معبودهای دیگر و ای خالق همه مخلوقات و ای وارث همه اشیاء که هرگز چیزی شبیه تو نیست و علم به هیچ شیئی از تو مخفی نمی باشد و تو بر هر چیز محیط هستی و بر همه چیز نگهبانی.
- (۳) تویی آن خدایی که جز تو معبودی نیست، یکتایی، تنهایی، یگانه ای، بی مانندی.
- (۴) و تویی آن خدایی که جز تو معبودی نیست، کریمی، بزرگواری، عظیم و بزرگی، نهایت کبریایی از آن توست.
- (۵) تویی آن خدایی که جز تو معبودی نیست، عالی و بلند مرتبه ای، انتقام و عذاب بسیار سخت و شدید است.
- (۶) تویی آن خدایی که جز تو معبودی نیست، رحمانی، رحیمی، دانای حکیمی. (۷) تویی آن خدایی که جز تو معبودی نیست، شنوای بینایی، قدیم و آگاهی. (۸) تویی آن خدایی که جز تو معبودی نیست، کریمترین کریمانی، دائمی و پایداری.
- (۹) تویی آن خدایی که جز تو معبودی نیست، و تو قبل از هر چیز، اولی و پس از همه اعداد، آخر تویی (۱۰) تویی آن خدایی که جز تو معبودی نیست، در عین حال که بلند مرتبه ای به همه نزدیکی و در عین حال که به همه نزدیک هستی، رفیع و بلند مرتبه ای.
- (۱۱) تویی آن خدایی که جز تو معبودی نیست، دارای شوکت و عظمتی و کبریاء و سپاس از آن توست. (۱۲) و تویی آن خدایی که جز تو معبودی نیست، تو اشیاء را بدون الگو و نمونه ای ایجاد کردی، و مخلوقات را بدون شبیه، تصویر کردی و پدیده های نو را بدون الگوگیری، وجود بخشیدی.

(١٣) أَنْتَ الَّذِي قَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا، وَيَسَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَيْسِيرًا،
وَدَبَّرْتَ مَا دُونَكَ تَدْبِيرًا (١٤) أَنْتَ الَّذِي لَمْ يُعْنِكَ عَلَى خَلْقِكَ
شَرِيكٌ، وَلَمْ يُوَازِرْكَ فِي أَمْرِكَ وَزِيرٌ، وَلَمْ يَكُنْ لَكَ مُشَاهِدٌ
وَلَا نَظِيرٌ. (١٥) أَنْتَ الَّذِي أَرَدْتَ فَكَانَ حَشْمًا مَا أَرَدْتَ، وَقَضَيْتَ
فَكَانَ عَدْلًا مَا قَضَيْتَ، وَحَكَمْتَ فَكَانَ نِصْفًا مَا حَكَمْتَ. (١٦) الَّذِي
لَا يَحْوِيكَ مَكَانٌ، وَلَمْ يَقُمْ لِسُلْطَانِكَ سُلْطَانٌ، وَلَمْ يُغِيكَ بُرْهَانٌ
وَلَا بَيَانٌ. (١٧) أَنْتَ الَّذِي أَحْصَيْتَ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا، وَجَعَلْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ
أَمْدًا، وَقَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا. (١٨) أَنْتَ الَّذِي قَصَّرْتَ الْأَوْهَامَ عَنِ
ذَاتِيَّتِكَ، وَعَجَزْتَ الْأَفْهَامَ عَنِ كَيْفِيَّتِكَ، وَلَمْ تُدْرِكِ الْأَبْصَارُ مَوْضِعَ
أَيْنِيَّتِكَ. (١٩) أَنْتَ الَّذِي لَا تُحَدُّ فَتَكُونُ مُحْدُودًا، وَلَمْ تُمَثَّلْ فَتَكُونِ
مَوْجُودًا، وَلَمْ تَلِدْ فَتَكُونِ مَوْلُودًا. (٢٠) أَنْتَ الَّذِي لَا ضِدَّ مَعَكَ
فِيْعَانِدَكَ، وَلَا عِدْلَ لَكَ فَيُكَاثِرُكَ، وَلَا نِدًّا لَكَ فَيُغَارِضُكَ.
(٢١) أَنْتَ الَّذِي ابْتَدَأَ، وَأَخْتَرَعَ، وَاسْتَحْدَثَ، وَابْتَدَعَ، وَأَحْسَنَ
صُنْعَ مَا صَنَعَ. (٢٢) سُبْحَانَكَ! مَا أَجَلُّ شَأْنُكَ، وَأَسْنَى فِي الْأَمَاكِنِ
مَكَانُكَ، وَأَصْدَعُ بِالْحَقِّ فُرْقَانُكَ! (٢٣) سُبْحَانَكَ! مِنْ لَطِيفِ
مَا أَلْطَفَكَ، وَرَوْوْفِ مَا أَرَاءَكَ، وَحَكِيمِ مَا أَعْرَفَكَ! (٢٤) سُبْحَانَكَ!
مِنْ مَلِيكِ مَا أَمْنَعَكَ، وَجَوَادِ مَا أَوْسَعَكَ، وَرَفِيعِ مَا أَرْفَعَكَ!
ذُو الْبَهَاءِ وَالْمَجْدِ وَالْكَبْرِيَاءِ وَالْحَمْدِ. (٢٥) سُبْحَانَكَ! بَسَطْتَ
بِالْخَيْرَاتِ يَدَكَ، وَعُرِفَتِ الْهُدَايَةُ مِنْ عِنْدِكَ، فَمَنْ التَّمَسَكَ لِذِيْنِ أَوْ
دُنْيَا وَجَدَكَ! (٢٦) سُبْحَانَكَ! خَضَعَ لَكَ مَنْ جَرَى فِي عِلْمِكَ، وَخَشَعَ
لِعَظَمَتِكَ مَا دُونَ عَرْشِكَ، وَانْقَادَ لِتَسْلِيمِ لَكَ كُلُّ خَلْقِكَ!

(۱۳) تویی که برای هر چیزی اندازه‌ای مقدر ساختی و هر امر ممکن را میسر نمودی و امور موجودات و مخلوقات را تدبیر کردی. (۱۴) تویی که در آفرینش هیچ شریکی تو را یاری ننمود و هیچ وزیری تو را معاضدت نکرد و هیچ کس شاهد بر کار تو و نظیر تو نبود.

(۱۵) تویی که اراده کردی و بلافاصله آنچه اراده نمودی محقق شد و تویی که به قضاوت نشستنی و آنچه تو بدان قضاوت کردی عین عدل بود و حکم نمودی و حکمت بر اساس انصاف بود. (۱۶) تویی که هرگز مکان تو را فراموشی نکرد و در برابر سلطنت تو هیچ سلطنتی تاب مقاومت ندارد و هیچ برهان و بیانی تو را عاجز نمی‌کند. (۱۷) تویی که عدد همه اشیاء را شمارش کرده‌ای و برای هر چیزی پایانی قرار داده‌ای و هر چیزی را به اندازه‌اش خلق کرده‌ای. (۱۸) تویی که اندیشه‌ها و اوهام از درک ذات تو قاصرند و فهمها از رسیدن به کیفیت تو عاجزند و چشمها نمی‌توانند موضع و جایگاه تو را دریابند. (۱۹) تویی که حدّ و مرز نداری تا محدودی شوی و متمثل نمی‌شوی تا گنه تو وجدان شود و زاییده نمی‌شوی تا مولود محسوب گردی. (۲۰) تویی که هرگز چیزی با تو ضد نیست تا تو را دشمنی کند و همانندی نداری تا در رقابت با تو افزونی نشان دهد و نظیری برایت نیست که با تو به معارضه برخیزد. (۲۱) تویی که به آفرینش ابتدا کردی و اختراع و ابداع و نوآوری در موجودات از آن توست و چه نیکو آفریده‌ای. (۲۲) خدایا منزهی تو! چه والاست شأن تو و چه بلنداست منزلت تو و چه آشکاراست حق بودن قرآن تو! (۲۳) پاک و منزهی تو ای صاحب لطف، چقدر اهل احسان و لطفی. و ای مهربان، چه قدر مهربانی و ای دانا، چه بسیار است دانش تو! (۲۴) پاک و منزهی تو! ای پادشاهی که چه بلنداست مقام تو. و ای بخشنده‌ای که چه وسیع است بخششهای تو و ای بلند مرتبه‌ای که چه رفیع است جایگاه تو! ای که ارزش و مجد و کبریاء و ستایش از آن توست. (۲۵) خدایا پاک و منزهی تو! دست خود را در خیرات باز کرده‌ای و مسیر هدایت از سوی تو شناخته می‌شود، پس هر که برای وصول به دین یا دنیا تو را طلب کند، تو را می‌یابد! (۲۶) پاک و منزهی تو، هر چه که معلوم توست، در برابر تو خاضع است و آنچه فروتر از جایگاه والای توست، در برابرت خاشع است و همه مخلوقات در برابر تو تسلیم و منقادند!

- (٢٧) سُبْحَانَكَ! لَا تُحَسُّ وَلَا تُجَسُّ وَلَا تُمَسُّ وَلَا تُكَادُ وَلَا تُمَاطُ
وَلَا تُنَازَعُ وَلَا تُجَارَى وَلَا تُمَارَى وَلَا تُخَادَعُ وَلَا تُمََاكِرُ!
(٢٨) سُبْحَانَكَ! سَبِيلَكَ جَدَدٌ. وَأَمْرُكَ رَشَدٌ، أَنْتَ حَتَّى صَمَدٌ.
(٢٩) سُبْحَانَكَ! قَوْلُكَ حُكْمٌ، وَقَضَاؤُكَ حَثْمٌ، وَإِرَادَتُكَ عَزْمٌ!
(٣٠) سُبْحَانَكَ! لَا رَادَّ لِمَشِيَّتِكَ، وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِكَ! (٣١) سُبْحَانَكَ!
بَاهِرَ الْآيَاتِ، فَاطِرَ السَّمَوَاتِ، بَارِي النَّسَمَاتِ! (٣٢) لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا
يَدُومٌ بِدَوَامِكَ (٣٣) وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا بِبِنْعَمَتِكَ. (٣٤) وَ لَكَ الْحَمْدُ
حَمْدًا يُوَازِي صُنْعَكَ (٣٥) وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَزِيدُ عَلَى رِضَاكَ.
(٣٦) وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا مَعَ حَمْدِ كُلِّ حَامِدٍ، وَ شُكْرًا يَقْصُرُ عَنْهُ شُكْرُ
كُلِّ شَاكِرٍ (٣٧) حَمْدًا لَا يَسْبَغِي إِلَّا لَكَ، وَ لَا يُتَقَرَّبُ بِهِ إِلَّا إِلَيْكَ
(٣٨) حَمْدًا يُسْتَدَامُ بِهِ الْأَوَّلُ، وَ يُسْتَدْعَى بِهِ دَوَامُ الْآخِرِ. (٣٩) حَمْدًا
يَسْتَضَاعَفُ عَلَى كُرُورِ الْأَزْمِنَةِ، وَ يُتَزَايِدُ أَضْعَافًا مُتْرَادِفَةً.
(٤٠) حَمْدًا يَعْجِزُ عَنْ إِحْصَائِهِ الْحَفِظَةُ، وَ يَزِيدُ عَلَى مَا أَحْصَتْهُ فِي
كِتَابِكَ الْكُتْبَةُ (٤١) حَمْدًا يُوَازِنُ عَرْشَكَ الْمَجِيدَ وَ يُعَادِلُ كُرْسِيِّكَ
الرَّفِيعَ. (٤٢) حَمْدًا يَكْمُلُ لَدَيْكَ ثَوَابُهُ، وَ يَسْتَعْرِقُ كُلَّ جَزَاءٍ جَزَاؤُهُ
(٤٣) حَمْدًا ظَاهِرُهُ وَفَقُّ لِبَاطِنِهِ، وَ بَاطِنُهُ وَفَقُّ لِصِدْقِ النِّيَّةِ (٤٤) حَمْدًا لَمْ
يَحْمَدَكَ خَلْقٌ مِثْلَهُ، وَ لَا يَعْرِفُ أَحَدٌ سِوَاكَ فَضْلَهُ (٤٥) حَمْدًا يُغَانُ مَنْ
اجْتَهَدَ فِي تَعْدِيدِهِ، وَ يُؤَيِّدُ مَنْ أَعْرَقَ نَزْعًا فِي تَوْفِيَّتِهِ. (٤٦) حَمْدًا
يَجْمَعُ مَا خَلَقْتَ مِنَ الْحَمْدِ، وَ يَنْتَظِمُ مَا أَنْتَ خَالِقُهُ مِنْ بَعْدُ. (٤٧) حَمْدًا
لِأَحْمَدَ أَقْرَبُ إِلَى قَوْلِكَ مِنْهُ، وَ لَا أَحْمَدَ مِمَّنْ يَحْمَدُكَ بِهِ. (٤٨) حَمْدًا
يُوجِبُ بِكَرَمِكَ الْمَزِيدَ بِوُفُورِهِ، وَ تَصِلُهُ بِمَزِيدٍ بَعْدَ مَزِيدٍ طَوْلًا مِنْكَ

(۲۷) پاک و منزهی تو! به حس در نمی آیی و مورد تماس جسمانی واقع نمی شوی و کید و مکر در تو بی اثر است و دور نمی شوی و با تو نزاع نتوان کرد و غلبه بر تو ناممکن است و جدال و خدعه و فریب در مورد تو امکان ناپذیر است! (۲۸) پاک و منزهی تو! راه تو مستقیم و هموار است و اوامر تو در راستای رشد و هدایت است و تو زنده استوار و محکمی! (۲۹) پاک و پیراسته ای تو! سخن تو حکم و قانون است و قضاوت تو قطعی و اراده تو استوار است. (۳۰) پاک و منزهی تو! رد کننده ای برای مشیت تو نیست و کسی نمی تواند کلمات تو را تبدیل کند. (۳۱) پاک و منزهی تو! ای که آیات و نشانه های آشکار است، ای که خالق آسمانها و آفریننده جانهایی! (۳۲) حمد و سپاس مخصوص توست، حمدی که دائم به دوام تو می باشد (۳۳) و از برای توست حمدی که جاوید است به جاودانگی نعمتهایت. (۳۴) و از آن توست حمدی که موازی با آفرینش توست (۳۵) و از توست حمدی که افزون بر رضایت تو می باشد (۳۶) و برای توست سپاسی که همراه با سپاس هر سپاسگزار است و شکری که شکر هر شکرگزاری از آن کمتر است. (۳۷) سپاسی که شایسته غیر تو نیست و با آن جز به سوی تو تقرب نتوان جست. (۳۸) سپاسی که با آن لطف اول دوام یابد و استمرار الطاف در آینده در خواست شود (۳۹) حمدی که با گذشت زمانها افزایش یابد و پی در پی بیشتر و بیشتر گردد. (۴۰) حمدی که حافظان و نگاهبانان از شمارش آن عاجز شوند و از آنچه که نویسندگان وحی در کتاب قرآن شمرده اند، بیشتر باشد. (۴۱) سپاسی که برابر با عرش عظیم تو و همسنگ جایگاه بلند تو باشد. (۴۲) سپاسی که ثوابش در نزد تو کامل باشد و پاداش آن همه پاداشها را شامل گردد. (۴۳) حمدی که ظاهرش با باطنش موافق باشد و باطن آن همراه با صدق در نیت باشد. (۴۴) حمدی که هیچ یک از مخلوقات مثل آن را بجای نیاورده باشد و کسی جز تو به فضیلت آن عالم نباشد. (۴۵) سپاسی که هر کس در افزایش آن بکوشد از جانب خداوند یاری می شود و هر کس در اداء کامل آن شوق بسیار داشته باشد مورد تأیید قرار می گیرد. (۴۶) حمدی که جامع همه حمدهای مخلوق باشد و حمدهای پس از این را نیز منتظم سازد. (۴۷) حمدی که هیچ حمد دیگری نزدیکتر از آن به قول تو نباشد و سپاسگزاری، سپاسگزارتر از آنکه بدان تو را سپاس می گوید، موجود نباشد. (۴۸) حمدی که با افزونیش موجب شود که از راه کرم تو نعمتها افزونتر شود و تو آن را با افزایش پی در پی به عطا و بخشش متصل فرمایی.

(٤٩) حَمْدًا يَجِبُ لِكَرَمِ وَجْهِكَ، وَ يُقَابِلُ عِزَّ جَلَالِكَ. (٥٠) رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، الْمُتَّجِبِ الْمُصْطَفَى الْمُكْرَمِ الْمُقْرَبِ، أَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ، وَ بَارِكْ عَلَيْهِ أتمَّ بَرَكَاتِكَ، وَ تَرَحَّمْ عَلَيْهِ أمتعَ رَحْمَاتِكَ.

(٥١) رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَوةً زَاكِيَةً لَا تُكُونُ صَلَوةً أَزْكَى مِنْهَا، وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَوةً نَامِيَةً لَا تُكُونُ صَلَوةً أسمى مِنْهَا، وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَوةً رَاضِيَةً لَا تُكُونُ صَلَوةً فَوْقَهَا. (٥٢) رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَوةً تُرْضِيهِ وَ تَزِيدُ عَلَى رِضَاهُ، وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَوةً تُرْضِيكَ وَ تَزِيدُ عَلَى رِضَاكَ لَهُ وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَوةً لَا تُرْضِي لَهُ إِلَّا بِهَا، وَ لَا تُرَى غَيْرَهُ لَهَا أَهْلًا. (٥٣) رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَوةً تُجَاوِزُ رِضْوَانَكَ، وَ يَتَّصِلُ اتِّصَالُهَا بِبِقَائِكَ، وَ لَا يَنْقُذُ كَمَا لَا تَنْقُذُ كَلِمَاتُكَ. (٥٤) رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَوةً تَنْظِمُ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ، وَ تَشْمِلُ عَلَى صَلَوَاتِ عِبَادِكَ مِنْ جَنِّكَ وَ إِنْسِكَ وَ أَهْلِ إِجَابَتِكَ، وَ تَجْتَمِعُ عَلَى صَلَوةٍ كُلِّ مَنْ ذَرَاتٍ وَ بَرَاتٍ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ. (٥٥) رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، صَلَوةً تُحِيطُ بِكُلِّ صَلَوةٍ سَالِفَةٍ وَ مُسْتَأَنَفَةٍ، وَ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ، صَلَوةً مَرْضِيَةً لَكَ وَ لِمَنْ دُونِكَ، وَ تُنْشِئُ مَعَ ذَلِكَ صَلَوَاتٍ تُضَاعِفُ مَعَهَا تِلْكَ الصَّلَوَاتِ عِنْدَهَا، وَ تَزِيدُهَا عَلَى كُرُورِ الْآيَامِ زِيَادَةً فِي تَضَاعِيفِ لَا يُعَدُّهَا غَيْرُكَ. (٥٦) رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ، وَ جَعَلْتَهُمْ خَزَنَةَ عِلْمِكَ، وَ حَفِظْتَ دِينِكَ، وَ خُلَفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ، وَ حُجَجَكَ عَلَى عِبَادِكَ، وَ طَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَ الدَّنَسِ تَطْهِيرًا يَارَادَتِكَ، وَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ، وَ الْمَسْلَكَ إِلَى جَنَّتِكَ

- (۴۹) حمدی که به خاطر کرم تو واجب گردد و برابر با بزرگی جلال تو باشد.
- (۵۰) پروردگارا بر محمد ﷺ و آل او درود فرست، او که برگزیده و پسندیده و مکرّم و مقرب درگاه توست. درودی که برترین درودها باشد و کاملترین برکات را بر او نازل و پربرترین رحمتها را به او عطا فرما.
- (۵۱) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست، درودی پاک که هیچ درودی پاکتر از آن نباشد و درودی که فزاینده‌تر از آن موجود نباشد و درودی همراه با خشنودی که درودی بالاتر از آن نباشد.
- (۵۲) پروردگار بر محمد ﷺ و آل او درود فرست، درودی که رضایت او و بالاتر از آن را تأمین کند، و بر او درودی بفرست که تو را راضی گرداند و از رضایت تو نسبت به پیامبر ﷺ افزون‌تر باشد. و بر او درودی فرست که برای او جز به آن خشنود نمی‌گرددی و جز او را شایسته آن نمی‌دانی.
- (۵۳) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست، درودی که از رضوان تو بگذرد و استمرار آن همراه با بقاء تو باشد و همانگونه که کلمات تو پایان ندارد، بی‌پایان باشد. (۵۴) پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست، درودی که همه درودهای فرشتگان و انبیاء و رسولان و بندگان فرمانبردارت را هماهنگ سازد و مشتمل بر درودهای بندگان از جن و انس و اشخاص پذیرای دعوت تو باشد و جامع درودهای همه انواع مخلوقات باشد که آنها را خلق کرده‌ای.
- (۵۵) پروردگارا بر پیامبر و عترت او درود بفرست. درودی که بر همه درودهای گذشته و تازه احاطه داشته باشد و بر او و آل او درود فرست، درودی که مورد خشنودی تو و غیر تو باشد و منشأ درودهای دیگری شود که مجموع آنها چند برابر گردد و موجب شود که در طول ایام این درودها به قدری زیاد شود که جز تو کسی نتواند آنها را بشمارد.
- (۵۶) پروردگارا بر پاکان از اهل بیت پیامبر درود فرست، همانها که برای امر خودت انتخابشان کردی و آنها را خزانه علم و نگاهبانان دین خود قرار دادی و به عنوان جانشینان خود در زمین و حجت‌های خود بر بندگان برگزیدی و با اراده خود آنان را از پلیدی و ناپاکی، پاک ساختی و آنان را به عنوان وسیله‌ای به سوی خود و راهی به سوی بهشت برگزیدی.

(٥٧) رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَوةً تُجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ نَحْلِكَ
 وَكَرَامَتِكَ، وَتُكْمِلُ لَهُمُ الْأَشْيَاءَ مِنْ عَطَايَاكَ وَنَوَافِلِكَ، وَتُوقِرُّ
 عَلَيْهِمُ الْحَظَّ مِنْ عَوَائِدِكَ وَفَوَائِدِكَ. (٥٨) رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ
 صَلَوةً لَا أَمَدَ فِي أَوَّلِهَا، وَلَا غَايَةَ لِأَمَدِهَا، وَلَا نِهَآيَةَ لِآخِرِهَا.
 (٥٩) رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ زِينَةَ عَرْشِكَ وَمَادُونَهُ، وَمِلْأَ سَمَوَاتِكَ وَمَا
 فَوْقَهُنَّ، وَعَدَدَ أَرْضِيكَ وَمَا تَحْتَهُنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ، صَلَوةً تُقَرِّبُهُمْ
 مِنْكَ زُلْفَى، وَتَكُونُ لَكَ وَ لَهُمْ رِضَى، وَ مُتَّصِلَةً بِسِنَايِرِ هِنِّ أَبَدًا.
 (٦٠) اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَيَّدْتَ دِيْنَكَ فِي كُلِّ اَوَانٍ بِاِمَامٍ اَقَمْتَهُ عَلَمًا لِعِبَادِكَ،
 وَ مَنَارًا فِي بِلَادِكَ بَعْدَ اَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ، وَ جَعَلْتَهُ الذَّرِيْعَةَ
 اِلَى رِضْوَانِكَ، وَ افْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ، وَ حَذَرْتَ مَعْصِيَتَهُ، وَ اَمَرْتَ
 بِاِمْتِثَالِ اَوْامِرِهِ، وَ الْاِلْتِهَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ، وَ الْاَسْتَقْدَامَةَ مُتَقَدِّمًا،
 وَ لَا يَتَاخَرُ عَنْهُ مُتَاخِرٌ فَهُوَ عِصْمَةُ الْاَلْمُؤْمِنِيْنَ، وَ كَهْفُ الْمُؤْمِنِيْنَ
 وَ عُرْوَةُ الْمُتَمَسِّكِيْنَ، وَ بَهَاءُ الْعَالَمِيْنَ. (٦١) اَللّٰهُمَّ فَاَوْزِعْ لَوْلِيَّكَ
 شُكْرًا اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِ، وَ اَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ، وَ اْتِهِ مِنْ لَدُنْكَ
 سُلْطَانًا نَصِيْرًا، وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيْرًا، وَ اَعِنُّهُ بِرُكْنِكَ الْاَعَزُّ،
 وَ اَشْدُدْ اَزْرَهُ، وَ قَوِّ عَضُدَهُ، وَ رَاعِهِ بِعَيْنِكَ، وَ اَحْمِهِ بِحِفْظِكَ وَ اَنْصُرْهُ
 بِمَلَائِكَتِكَ، وَ اَمُدُّهُ بِجُنْدِكَ الْاَغْلَبِ. (٦٢) وَ اَقِمْ بِهِ كِتَابَكَ
 وَ حُدُودَكَ وَ شَرَائِعَكَ وَ سُنَنَ رَسُوْلِكَ، - صَلَواتِكَ اَللّٰهُمَّ عَلَيْهِ
 وَ اَلِهِ -، وَ اَحْيِ بِهِ مَا اَمَاتَهُ الظَّالِمُوْنَ مِنْ مَعَالِمِ دِيْنِكَ، وَ اَجَلْ
 بِهِ صَدَاءَ الْجَوْرِ عَنْ طَرِيْقَتِكَ، وَ اِبْنِ بِهِ الضَّرَاءَ مِنْ سَبِيْلِكَ،
 وَ اَزِلْ بِهِ التَّاكِيْبِيْنَ عَنْ صِرَاطِكَ، وَ اَمْحَقْ بِهِ بُغَاةَ قَصْدِكَ عِوَجًا

(۵۷) پروردگارا بر محمد ﷺ و آل او درود فرست، درودی که با آن بخششها و تکریمهایت را در حق آنان افزون گردانی و همه چیز را با عطایا و هدایایت برای آنان کامل نمایی و بهره آنان را از سودها و منفعتهایت فراوان گردانی.

(۵۸) پروردگارا بر او و آل او درود فرست، درودی که آغازش را حدی و پایان و سرانجامش را نهایتی نباشد. (۵۹) ای پروردگار من، بر پیغمبر و آلش درود فرست به میزان عرش و مادون عرشت، و به مقدار آنچه آسمانها و فوق آسمانهایت را پر کرده است، و به اندازه زمینها و آنچه در زیر آنها و در بین آنهاست، درودی که آنان را به تو نزدیک سازد و موجب رضایت تو و آنها شود و به درودهای دیگر همیشه متصل باشد. (۶۰) خدایا تو در هر زمانی، دینت را بوسیله امامی تأیید کردی و او را نشانه‌ای برای بندگانت و علامتی در سرزمین هایت قرار دادی، پس از آنکه رشته او را به ریسمان خود وصل کردی و او را طریقی برای رضوان خود قرار دادی و طاعتش را واجب و معصیت‌اش را ممنوع ساختی و امر کردی که او امر او را امثال کنیم و نواهی او را مرتکب نشویم و هیچکس بر او پیشی نگیرد و از او عقب نیفتد که او پناه پناه آورندگان و جایگاه مؤمنان و مستمسک چنگ زندگان و چشم روشنی عالمیان است. (۶۱) خداوند ا به ولایت توفیق شکر نعمتهایی را که باو داده‌ای الهام کن و به ما نیز توفیق سپاس چنین ولی ای را عنایت فرما و او را از جانب خود یاری کن تا بر همگان سلطنت یابد و باسانی اسباب پیروزی را برایش فراهم گردان و با استوانه‌های محکم خود او را یاری کن و کمر او را محکم ببند و بازوانش را قوی گردان و او را به دیده خود مورد عنایت قرار ده و در کنف حفاظت خود او را حمایت و با فرشتگانت او را یاری کن و با سربازان فراوان و پیروزمندت او را امداد فرما.

(۶۲) و بوسیله او کتاب و قوانین و شرایع و سنتهای رسالت - که درودت بر او و آل او باد- را بر پا دار و بواسطه او آنچه را از نشانه‌های دینت که ستمکاران آنها را ناپود کرده‌اند، دوباره احیا کن و بوسیله او تعرض ستم پیشگان نسبت به راحت را از میان بردار و سختی و مشقت طریقت را توسط او بر طرف ساز و آنها را که با پیمان شکنی از راه تو منحرف شدند از میان بردار و آنها را که در صدد ایجاد انحراف در مقصد تو هستند، نابود ساز.

(٦٣) وَالنَّ جَانِبُهُ لِأَوْلِيَاءِكَ، وَابْسُطْ يَدَهُ عَلَى أَعْدَائِكَ، وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ، وَرَحْمَتَهُ وَتَعَطُّفَهُ وَتَحَنُّنَهُ، وَاجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ، وَفِي رِضَاةِ سَاعِينَ، وَإِلَى نُصْرَتِهِ وَالْمُدَافَعَةِ عَنْهُ مُكْنِفِينَ، وَإِلَيْكَ وَإِلَى رَسُولِكَ - صَلِّ عَلَى رَسولِكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ - بِذَلِكَ مُتَقَرِّبِينَ. (٦٤) اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى أَوْلِيَاءِهِمُ الْمُعْتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمْ، الْمُتَّبِعِينَ مِنْهُمْ، الْمُقْتَفِينَ أَثَارَهُمْ، الْمُسْتَمْسِكِينَ بِعُزْوَتِهِمْ، الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَتِهِمْ، الْمُؤْتَمِنِينَ بِإِمَامَتِهِمْ، الْمُسْلِمِينَ لِأَمْرِهِمْ، الْمُجْتَهِدِينَ فِي طَاعَتِهِمْ، الْمُنتَظِرِينَ أَيَّامَهُمْ، الْمَادِّينَ إِلَيْهِمْ أَعْيُنَهُمْ، الصَّلَوَاتِ الْمُبَارَكَاتِ الزَّاكِيَاتِ النَّامِيَاتِ الْغَادِيَاتِ الرَّائِحَاتِ. (٦٥) وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَعَلَى أَزْوَاجِهِمْ، وَاجْمَعْ عَلَى التَّقْوَى أَمْرَهُمْ، وَأَصْلِحْ لَهُمْ شُؤْنَهُمْ، وَتُبْ عَلَيْهِمْ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ، وَخَيْرُ الْغَافِرِينَ، وَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي دَارِ السَّلَامِ بِرَحْمَتِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (٦٦) اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ عَرَفَةٌ يَوْمٌ شَرَّفْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ وَعَظَّمْتَهُ، نَشَرْتَ فِيهِ رَحْمَتَكَ، وَمَنْنْتَ فِيهِ بِعَفْوِكَ، وَأَجْرَلْتَ فِيهِ عَطِيَّتَكَ، وَتَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَى عِبَادِكَ. (٦٧) اللَّهُمَّ وَأَنَا عَبْدُكَ الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ قَبْلَ خَلْقِكَ لَهُ وَبَعْدَ خَلْقِكَ إِيَّاهُ، فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ هَدَيْتَهُ لِدِينِكَ، وَوَقَّعْتَهُ لِحَقِّكَ، وَعَصَمْتَهُ بِحَبْلِكَ، وَأَدْخَلْتَهُ فِي حِرْبِكَ، وَأَرْشَدْتَهُ لِمُؤَالَاهِ أَوْلِيَاءِكَ، وَمُعَادَاةِ أَعْدَائِكَ. (٦٨) ثُمَّ أَمَرْتَهُ فَلَمْ يَأْتِمِرْ، وَزَجَرْتَهُ فَلَمْ يَنْزَجِرْ، وَنَهَيْتَهُ عَنْ مَعْصِيَتِكَ، فَخَالَفَ أَمْرَكَ إِلَى نَهْيِكَ، لَامُعَانَدَةَ لَكَ، وَلَا اسْتِكْبَاراً عَلَيْكَ، بَلْ دَعَاهُ هَوَاهُ إِلَى مَا زَيَّلْتَهُ وَإِلَى مَا حَذَّرْتَهُ، وَأَعَانَهُ عَلَى ذَلِكَ عَدُوُّكَ وَعَدُوُّهُ، فَأَقْدَمَ عَلَيْهِ عَارِفاً بِوَعِيدِكَ، رَاجِئاً لِعَفْوِكَ، وَاثِقاً بِتَجَاوُزِكَ، وَكَانَ أَحَقَّ عِبَادِكَ مَعَ مَا مَنْنْتَ عَلَيْهِ الْإِيفْعَلِ.

(۶۳) و او را نسبت به دوستانت نرم گردان و نسبت به دشمنانت دست قدرت او را بگشای و مهربانی و رحمت و عطا و بخشش او را در حق ما به ما عنایت کن و ما را نسبت به او شنوا و مطیع و نسبت به جلب رضایتش کوشا گردان و ما را در یاری و دفاع از او حمایت فرما و از کسانی قرار ده که از این طریق به تو و به رسالت - که درودت بر او و آل او باد - تقرب می جویند. (۶۴) خداوند و درود فرست بر دوستان امامان که معترف به مقام والای آنهایند و راه آنها را می پیمایند و در پی آثار آنها می روند و به ریسمان محکم آنان چنگ می زنند و دست بر رشته ولایت آنان دارند و امامت آنها را پذیرفته اند و تسلیم اوامر آنها هستند و در طاعت آنها می کوشند و در انتظار روز حکومت آنها هستند و چشم امید بسوی آنان دارند، درودهای مبارک و پاک و فزاینده در بامداد و شامگاه. (۶۵) و بر آنها و بر ارواحشان درود فرست و امور آنها را بر تقوی قرار ده و شئونشان را اصلاح کن و توبه آنها را بپذیر، همانا تو بسیار تو به پذیر و مهربانی و بهترین آمرزندگان. و ما را در بهشت در زمره آنان قرار ده به رحمتت ای مهربانترین مهربانان. (۶۶) خدایا امروز، روز عرّفه است، روزی که به آن شرافت و کرامت و عظمت بخشیده ای، و در آن رحمت خودت را منتشر ساخته ای و با عفو در این روز، بر بندگان خود منت گذاشته ای و عطیّه ات در این روز را نیکو قرار داده ای و بواسطه این روز بر بندگان تفضل فرموده ای. (۶۷) و خدایا من بنده ای از بندگان توأم که قبل از خلقت و پس از آفریدنم به من نعمت عطا کرده ای و مرا از کسانی قرار داده ای که بسوی دینت هدایتشان کردی و مرا نسبت به اداء حق خودت توفیق داده ای و با ریسمان محکم خودت مرا حفظ نموده ای و در حزب خود داخل نموده ای و در جهت دوستی با دوستان و دشمنی با دشمنانت ارشاد کرده ای. (۶۸) خدایا من کسی هستم که فرمانم دادی اما اطاعت نکردم، نهی ام نمودی اما اجتناب نکردم، از معصیت خود بر حذر داشتمی اما امرت را زیر پا گذاشتم و نهی ات را مرتکب شدم، اما این مخالفت ها از باب دشمنی با تو و به عنوان گردنکشی در برابر تو نبوده است، بلکه هوای نفس مرا بسوی آنچه تو کنار زده ای و نهی فرموده ای کشانید و این شیطان یعنی دشمن تو و دشمن من بود که مرا بر مخالفت یاری داد و با آنکه عالم به و عیدهای تو بودم و امید به عفو تو داشتم و اطمینان به گذشت تو داشتم بر مخالفت اقدام نمودم با اینکه سزاوارتر از همه بندگان من بودم که با این همه نعمت و لطف، نا فرمانی تو را نکنم.

(٦٩) وَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ صَاغِرًا ذَلِيلًا خَاضِعًا خَاشِعًا خَائِفًا، مُعْتَرِفًا
بِعَظِيمِ مِنَ الذُّنُوبِ تَحَمُّلَتُهُ، وَجَلِيلِ مِنَ الْخَطَايَا اجْتَرَمْتُهُ، مُسْتَجِيرًا
بِصَفْحِكَ، لِأَنِّدَا بِرَحْمَتِكَ، مُوقِنًا أَنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ مُجِيرٌ، وَلَا
يَمْنَعُنِي مِنْكَ مَانِعٌ. (٧٠) فَعُدُّ عَلَيَّ بِمَا تَعُودُ بِهِ عَلَيَّ مِنْ اقْتِرَافِ مَنْ
تَعْمَدُكَ، وَجُدْ عَلَيَّ بِمَا تَجُودُ بِهِ عَلَيَّ مِنْ الْقِيِّ بِيَدِهِ إِلَيْكَ مِنْ عَفْوِكَ،
وَامْتِنْ عَلَيَّ بِمَا لَا يَتَغَاظَمُكَ أَنْ تَمُنَّ بِهِ عَلَيَّ مِنْ أَمْلِكَ مِنْ غُفْرَانِكَ،
(٧١) وَاجْعَلْ لِي فِي هَذَا الْيَوْمِ نَصِيبًا أَنَالُ بِهِ حَظًّا مِنْ رِضْوَانِكَ، وَلَا
تَرُدَّنِي صِفْرًا مِمَّا يَنْقَلِبُ بِهِ الْمُتَعَبِّدُونَ لَكَ مِنْ عِبَادِكَ (٧٢) وَإِنِّي وَإِنْ
لَمْ أَقْدَمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِيدَكَ وَنَفْيَ الْأَضْدَادِ
وَ الْأَنْدَادِ وَالْأَشْبَاهِ عَنْكَ، وَاتِّسُّكَ مِنَ الْأَبْوَابِ الَّتِي أَمَرْتَ أَنْ تُؤْتَى
مِنْهَا، وَتَقَرَّبْتُ إِلَيْكَ بِمَا لَا يَقْرُبُ أَحَدٌ مِنْكَ إِلَّا بِالتَّقَرُّبِ بِهِ. (٧٣) ثُمَّ
أَتَّبَعْتُ ذَلِكَ بِالْإِنَابَةِ إِلَيْكَ، وَالتَّذَلُّلِ وَالِاسْتِكَانَةِ لَكَ، وَحُسْنِ الظَّنِّ
بِكَ، وَالثَّقَّةِ بِمَا عِنْدَكَ، وَشَفَعْتُهُ بِرَجَائِكَ الَّذِي قَلَّ مَا يَخِيبُ عَلَيْهِ
رَاجِيكَ. (٧٤) وَسَأَلْتُكَ مَسْئَلَةَ الْحَقِيرِ الذَّلِيلِ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ الْخَائِفِ
الْمُسْتَجِيرِ، وَمَعَ ذَلِكَ خِيفَةً وَتَضَرُّعًا وَتَعَوُّذًا وَتَلَوُّذًا، لَا مُسْتَطِيلًا
بِتَكْبَرِ الْمُتَكَبِّرِينَ، وَلَا مُتَعَالِيًا بِدَالَّةِ الْمُطِيعِينَ، وَلَا مُسْتَطِيلًا بِشَفَاعَةِ
الشَّافِعِينَ. (٧٥) وَأَنَا بَعْدُ أَقَلُّ الْأَقْلِينَ، وَأَذَلُّ الْأَذَلِّينَ، وَمِثْلُ الذَّرَّةِ
أَوْدُونِهَا، فَيَا مَنْ لَمْ يُعَاجِلِ الْمُسْتَطِينِ، وَلَا يَنْدَهُ الْمُتَرَفِّينَ، وَيَا مَنْ
يَمُنُّ بِإِقَالَةِ الْغَاثِرِينَ، وَيَنْفَضُّ بِإِنظَارِ الْخَاطِئِينَ. (٧٦) أَنَا الْمُسْتَطِيُّ
الْمُعْتَرِفُ الْخَاطِئُ الْغَاثِرُ. (٧٧) أَنَا الَّذِي أَقْدَمَ عَلَيْكَ مُجْتَرِنًا. (٧٨) أَنَا
الَّذِي عَصَاكَ مُتَعَمِّدًا. (٧٩) أَنَا الَّذِي اسْتَخْفَى مِنْ عِبَادِكَ وَبَارَزَكَ.

(۶۹) واینک من در محضر تو هستم در حالیکه کوچک و خوار و خاضع و خاشع و ترسانم و به گناهان بزرگی که مرتکب شده‌ام و اشتباهات عظیمی که انجام داده‌ام، اعتراف دارم و به درگاه عفو تو و آستان رحمت تو پناه آورده‌ام، در حالیکه یقین دارم هیچکس نمی‌تواند مرا از قهر تو امان دهد و هیچ مانعی نمی‌تواند تو را از من باز بدارد. (۷۰) پس بسوی من توجه کن، همانگونه که بدست آورندگان عفو را مورد توجه قرار میدهی و بر من ببخش چونان بخششی که در حق گدایان آستان گذشتت داری و بر من منت بگذار با الطافی که برای تو بزرگ نیست که آنها را بر شخص امیدوار به غفرانت کرم نمایی.

(۷۱) و برای من در این روز نصیبی قرار ده که با آن به بهره‌ای از رضوان تو نائل گردم و دست مرا از آنچه بندگان متعبّدت بدان رو می‌کنند خالی برمگردان. (۷۲) و من گرچه مانند آنان اعمال صالح پیش نفرستاده‌ام، ولی اعتقاد به یگانگی و نفی اضداد و همتا و شبیه برای تو را تقدیم نموده‌ام و از درهایی وارد شده‌ام که تو امر به ورود از آنها کرده‌ای و به وسائلی بسوی تو تقرب جستهم که جز با آنها کسی نمی‌تواند به تو نزدیک گردد. (۷۳) سپس بدنبال این امور بسوی تو توبه نمودم و خود را خوار و ذلیل درگاه تو نمودم و بتو حسن ظن دارم و به آنچه نزد توست مطمئنم و درکنار آن امید به تو دارم، امیدی که هر کس آن را دارا باشد، کمتر مأیوس گردد. (۷۴) و از تو مسألت دارم چونان مسألت انسانی خوار و ذلیل و نیازمند و گدا و ترسان و جویای پناهندگی. و این درخواست از روی ترس و زاری و پناه طلبی است نه از روی گردنکشی همچون متکبران و نه از باب بلندپروازی نازکنندگان از اهل طاعت و نه از روی گردن‌فرازی به جهت شفاعت شافعان.

(۷۵) و من هنوز هم کمترین کمترین و ذلیلترین ذلیلانم، و همچون ذره‌ای بلکه کمتر از آنم. پس ای کسی که در عقوبت گناهکاران شتاب نمی‌کنی و آزادی مرفهین اهل ناز و نعمت را از آنان نمی‌گیری و ای کسی که با گذشت از لغزش لغز شکاران بر آنان منت داری و یا مهلت دادن به خطا کاران بر آنان تفضل می‌کنی. (۷۶) اینک این منم آن گنهکار معترف خطا کار لغزشکار (۷۷) منم آن کسی که در برابر تو جسارت ورزید. (۷۸) منم آن کسی که عمداً تو را نافرمانی کرد (۷۹) منم آن کسی که خطا را از بندگان مخفی کرد ولی در برابر تو آشکارا مخالفت ورزید.

(٨٠) اَنَا الَّذِي هَابَ عِبَادَكَ وَ أَمِنَكَ. (٨١) اَنَا الَّذِي لَمْ يَرْهَبْ سَطْوَتَكَ،
 وَ لَمْ يَخَفْ بَأْسَكَ. (٨٢) اَنَا الْجَانِي عَلَى نَفْسِهِ (٨٣) اَنَا الْمُزْتَهَنُ بِبَيْتِهِ.
 (٨٤) اَنَا الْقَلِيلُ الْحَيَاءِ. (٨٥) اَنَا الطَّوِيلُ الْعَنَاءِ. (٨٦) بِحَقِّ مَنْ انْتَجَبْتَ مِنْ
 خَلْقِكَ، وَ بِمَنْ اصْطَفَيْتَهُ لِنَفْسِكَ، بِحَقِّ مَنْ اخْتَرْتَ مِنْ بَرِيَّتِكَ، وَ مَنْ
 اجْتَبَيْتَ لِشَانِكَ، بِحَقِّ مَنْ وَصَلْتَ طَاعَتَهُ بِطَاعَتِكَ، وَ مَنْ جَعَلْتَ
 مَعْصِيَتَهُ كَمَعْصِيَتِكَ، بِحَقِّ مَنْ قَرَنْتَ مُوَالَاتَهُ بِمُوَالَاتِكَ، وَ مَنْ نُطِئْتَ
 مُغَادَاتَهُ بِمُغَادَاتِكَ، تَعَمَّدَنِي فِي يَوْمِي هَذَا بِمَا تَتَعَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ
 مُتَّصِلًا، وَ عَاذَ بِاسْتِغْفَارِكَ تَائِبًا. (٨٧) وَ تَوَلَّيْتُ بِمَا تَتَوَلَّى بِهِ أَهْلَ
 طَاعَتِكَ وَ الزُّلْفَى لَدَيْكَ وَ الْمَكَانَةَ مِنْكَ. (٨٨) وَ تَوَخَّجْتَنِي بِمَا تَتَوَخَّجُ بِهِ
 مَنْ وَفَى بِعَهْدِكَ، وَ اتَّعَبَ نَفْسَهُ فِي ذَاتِكَ، وَ أَجْهَدَهَا فِي مَرْضَاتِكَ.
 (٨٩) وَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِتَفْرِيطِي فِي جَنْبِكَ، وَ تَعَدِّي طَوْرِي فِي حُدُودِكَ،
 وَ مُجَاوِزَةَ أَحْكَامِكَ. (٩٠) وَ لَا تَسْتَدْرِجْنِي بِأَمْلَائِكَ لِي اسْتِدْرَاجَ مَنْ
 مَنَعَنِي خَيْرًا مِمَّا عِنْدَهُ وَ لَمْ يَشْرَكَكَ فِي حُلُولِ نِعْمَتِهِ بِي. (٩١) وَ نَبَّهْنِي مِنْ
 رَقْدَةِ الْغَافِلِينَ، وَ سِنَّةِ الْمُسْرِفِينَ، وَ نَعْسَةِ الْمَخْذُولِينَ (٩٢) وَ خُذْ
 بِقَلْبِي إِلَى مَا اسْتَعْمَلْتَ بِهِ الْقَانِتِينَ، وَ اسْتَعْبَدْتَ بِهِ الْمُتَعَبِّدِينَ،
 وَ اسْتَنْقَذْتَ بِهِ الْمُتَهَاوِنِينَ. (٩٣) وَ أَعِدْنِي مِمَّا يُبَاعِدُنِي عَنْكَ، وَ يَحُولُ
 بَيْنِي وَ بَيْنَ حَظِّي مِنْكَ، وَ يَصُدُّنِي عَمَّا أَحَاوِلُ لَدَيْكَ (٩٤) وَ سَهِّلْ لِي
 مَسْلَكَ الْخَيْرَاتِ إِلَيْكَ، وَ الْمُسَابِقَةَ إِلَيْهَا مِنْ حَيْثُ أَمَرْتَ، وَ الْمَشَاحَّةَ
 فِيهَا عَلَى مَا أَرَدْتَ. (٩٥) وَ لَا تَمَحِّقْنِي فِيمَنْ تَمَحِّقُ مِنَ الْمُسْتَحْفِينَ
 بِمَا أَوْعَدْتَ (٩٦) وَ لَا تُهْلِكْنِي مَعَ مَنْ تُهْلِكُ مِنَ الْمُتَعَرِّضِينَ
 لِمَقْتِكَ (٩٧) وَ لَا تُبْرِزْنِي فِيمَنْ تُبْرِزُ مِنَ الْمُنْحَرِفِينَ عَنْ سُبُلِكَ

(۸۰) منم آنکه از بندگانت ترسید و از تو در امان بود. (۸۱) آری منم آنکه از قدرت تو هراسی نداشت و از عذاب و کيفر تو خوفی بدل راه نداد. (۸۲) منم که بر خود جنایت کرده‌ام (۸۳) منم که به بلای خویش گرفتارم (۸۴) منم که کم حياء و کم شرمم (۸۵) منم که به رنجی دراز مبتلایم. (۸۶) تو را قسم می‌دهم به حق برگزیدگان از میان خلقت و به حق کسانی که آنان را برای خود برگزیده‌ای، بحق کسی که او را از میان نیکانت گزینش کرده‌ای، و کسی که او را مناسب با شأن و کار خود انتخاب فرموده‌ای و به حق کسی که اطاعت از او را با اطاعت از خودت پیوند زده‌ای و کسی که نافرمانی او را همچون نافرمانی خودت شمرده‌ای، بحق کسی که دوستی با او را کنار دوستی خودت قرار دادی و کسی که دشمنی با او را منوط به دشمنی با خودت نموده‌ای، در این روز مرا تحت پوشش قرار بده با آنچه که پوشش میدهی آنان را که در حال نفرت از گناه بسوی تو پناه می‌آورند و در حالی که از گناه نادم و پشیمان‌اند با استغفار به آستان تو پناهنده می‌شوند. (۸۷) و سرپرستی مرا به عهده بگیر همانطور که بعهدہ می‌گیری سرپرستی کسانی را که اهل طاعت هستند و در نزد تو قرب و منزلتی دارند. (۸۸) و مرا اهل توحید کن همانگونه که در حق وفاداران به عهدت آنها که جانشان را در راه تو به سختی می‌اندازند و در مسیر رضایت تو جهاد با نفس می‌کنند، چنین کرده‌ای. (۸۹) و مرا در کوتاهی نسبت به حقوق و تجاوز از حدودت و نافرمانی از احکامات مؤاخذه مکن. (۹۰) و از طریق فرصت دادن به من، تدریجاً گرفتار عقابم مساز همانند عقاب کردن کسی که مرا از خیری که در نزدش بود منع کرد و حال آنکه در رسیدن نعمتش به من، شریک و همکار تو نبوده و نیست. (۹۱) و مرا از خواب اهل غفلت و چرت اسرافکاران و خواب آلودگی اهل ذلت بیدار کن. (۹۲) و قلب مرا علاقمند کن به آنچه که اهل طاعت را بدان وا داشته‌ای و بندگان عابد را بوسیله آن فرمانبر خویش ساخته‌ای و مسامحه کاران را از طریق آن به ساحل نجات رسانده‌ای. (۹۳) و مرا حفظ کن از کارهایی که از تو دورم می‌کند و مانع بهره‌گیری من از تو می‌شود و از آنچه نزد تو قصد می‌کنم بازم می‌دارد. (۹۴) و راه کارهای خیر در جهت رضای خودت را برایم آسان فرما تا در آنها آنگونه که امر فرموده‌ای سبقت گیرم و همانطور که تو می‌خواهی نسبت به انجام آنها حریص باشم. (۹۵) و مرا در زمره آنها که وعده عذاب تو را سبک می‌شمارند، هلاک مساز (۹۶) و همراه آنها که در معرض خشم و عذاب تو هستند نابودم مکن. (۹۷) و مرا در میان منحرفینی که از راه تو بیرون رفته‌اند، درهم مشکن.

(٩٨) وَنَجِّنِي مِنْ غَمَرَاتِ الْفِتْنَةِ، وَخَلِّصْنِي مِنْ لَهَوَاتِ الْبَلْوَى،
 وَاجْرُزْنِي مِنْ أَخْذِ الْأَمْلَاءِ. (٩٩) وَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ عَدُوِّ يُضِلُّنِي،
 وَهَوَى يُؤَبِّقُنِي، وَمَنْقَصَةَ تَرْهَقُنِي (١٠٠) وَلَا تُعْرِضْ عَنِّي إِعْرَاضَ مَنْ
 لَا تَرْضَى عَنْهُ بَعْدَ غَضَبِكَ (١٠١) وَلَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْأَمَلِ فِيكَ فَيَغْلِبَ
 عَلَيَّ الْقَنُوطُ مِنْ رَحْمَتِكَ (١٠٢) وَلَا تَمْنَحْنِي بِمَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ فَتَبْهَظُنِي
 مِمَّا تُحْمَلُنِيهِ مِنْ فَضْلِ مَحَبَّتِكَ. (١٠٣) وَلَا تُرْسِلْنِي مِنْ يَدِكَ إِزْسَالَ مَنْ
 لَا خَيْرَ فِيهِ، وَلَا حَاجَةَ بِكَ إِلَيْهِ، وَلَا إِنَابَةَ لَهُ (١٠٤) وَلَا تَرْمِ بِي رَمْيَ مَنْ
 سَقَطَ مِنْ عَيْنِ رِعَايَتِكَ، وَمَنْ اشْتَمَلَ عَلَيْهِ الْخِزْيُ مِنْ عِنْدِكَ، بَلْ خُذْ
 بِيَدِي مِنْ سَقَطَةِ الْمُتَرَدِّينَ، وَوَهْلَةَ الْمُتَعَسِّفِينَ، وَزَلَّةَ الْمَعْرُورِينَ،
 وَوَرِطَةَ الْهَالِكِينَ. (١٠٥) وَعَافِنِي مِمَّا ابْتَلَيْتَ بِهِ طَبَقَاتِ عِبِيدِكَ
 وَإِمَائِكَ، وَبَلِّغْنِي مَبَالِغَ مَنْ عُنَيْتَ بِهِ، وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ، وَرَضَيْتَ عَنْهُ،
 فَأَعَشْتَهُ حَمِيداً، وَتَوَفَيْتَهُ سَعِيداً (١٠٦) وَطَوِّقْنِي طَوْقَ الْأَقْلَاعِ عَمَّا
 يُخْبِطُ الْحَسَنَاتِ، وَيَذْهَبُ بِالْبَرَكَاتِ (١٠٧) وَأَشْعِرْ قَلْبِي الْإِزْدِجَارَ عَنْ
 قَبَائِحِ السَّيِّئَاتِ، وَفَوَاضِحِ الْحَوَابِتِ. (١٠٨) وَلَا تَشْغَلْنِي بِمَا لَا أُدْرِكُهُ إِلَّا
 بِكَ عَمَّا لَا يُرْضِيكَ عَنِّي غَيْرُهُ (١٠٩) وَأَنْزِعْ مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دُنْيَةٍ
 تَنْهَى عَمَّا عِنْدَكَ، وَتُصَدُّ عَنِ ابْتِغَاءِ الْوَسِيلَةِ إِلَيْكَ، وَتُذْهِلُ عَنِ التَّقَرُّبِ
 مِنْكَ. (١١٠) وَزَيِّنْ لِي التَّفَرُّدَ بِمُنَاجَاتِكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ (١١١) وَهَبْ لِي
 عِصْمَةً تُدْنِيَنِي مِنْ خَشْيَتِكَ، وَتَقْطَعُنِي عَنْ رُكُوبِ مَحَارِمِكَ،
 وَتَفُكِّنِي مِنْ أَسْرِ الْعِظَائِمِ. (١١٢) وَهَبْ لِي التَّطْهِيرَ مِنْ دَنَسِ الْعِضْيَانِ،
 وَأَذْهِبْ عَنِّي دَرَنَ الْخَطَايَا، وَسَرِبْلِنِي بِسِرْبَالِ عَافِيَتِكَ، وَرَدِّدْنِي رِدَاءَ
 مُعَافَاتِكَ، وَجَلِّسْنِي سَوَابِغَ نِعْمَاتِكَ، وَظَاهِرَ لَدَيَّ فَضْلِكَ وَطَوْلِكَ

(۹۸) و مرا از گرداب فتنه‌ها نجات ده و از گردنه‌های بلاها دور کن و از خطر فرصت دادن برای عذاب ناگهانی رهاییم ده. (۹۹) و تو خود بین من و بین دشمن که می‌خواهد مرا فریب دهد و خواهش نفسی که مرا هلاک می‌گرداند و زبانی که همه وجودم را می‌گیرد، مانع باش. (۱۰۰) و از من رو بر مگردان آنچنانکه روی می‌گردانی از کسانی که پس از غضب خود هرگز از آنان راضی نمی‌شوی. (۱۰۱) و مرا در آرزومندی به آستانت نا امید مساز که یأس از رحمتت بر من غالب گردد (۱۰۲) و بخششهایی را که من طاقت ندارم به من عطا مکن که بخاطر آنچه از افزونی رحمتت بر دوشم می‌گذاری بارم گران شود. (۱۰۳) و مرا از دست خودرها مکن همچون رها کردن کسی که خیری در او نیست و نیازی به او نداری و راه بازگشتی برایش نیست. (۱۰۴) و مرا از خود دور مکن، چونان کسی که از چشم تو افتاده و مهر پستی و خواری از جانب تو بر او خورده است. بلکه دست مرا بگیر که گرفتار سقوط افتادگان در عذاب و هراس منحرفان و لغزش فریب خوردگان و گرداب هلاک شدگان نگردم. (۱۰۵) و مرا سلامت بدار از بلاهایی که اصناف زنان و مردان را بدان مبتلا ساخته‌ای و مرا به درجات کسانی برسان که به آنها عنایت نموده‌ای و نعمت در اختیارشان قرار داده‌ای و از آنها رضایت داری و حیات شایسته به آنان عطا فرموده‌ای و مرگشان را قرین سعادت ساخته‌ای. (۱۰۶) و این نکته را طوق گردنم ساز که خودم را از کارهایی که موجب حبط و نابودی حسنات و بر باد دادن برکات می‌شود جدا سازم. (۱۰۷) و در قلب من چنان شعوری قرار ده که از زشتیهای گناهان و رسوائیهای معاصی نفرت پیدا کنم. (۱۰۸) و مرا به اموری که جز با کمک تو به آنها نمی‌رسم (امور دنیا) مشغول مساز که از آنچه جز آنها تو را راضی نمی‌کند (امور آخرت) باز بمانم. (۱۰۹) و محبت دنیای پست را از دل من بکن، دنیائی که مرا از آنچه نزد توست باز می‌دارد و از تو مسل بسوی تو مرا منع می‌کند و از تقرب جستن به درگاهت غافل می‌سازد. (۱۱۰) و مناجات با خودت را در تنهایی و به هنگام شب و روز در نظرم زیبا جلوه‌گر ساز. (۱۱۱) و به من عصمت و تقوایی ببخش که مرا به مقام ترس از خشمت نزدیک نماید و از ارتکاب محرّمات تو بدور دارد و از ابتلا به گناهان بزرگ رهاییم سازد. (۱۱۲) و به من توفیق پاک شدن از ناپاکی گناه را عطا فرما و آلودگی خطا را از من دور کن و پیراهن سلامت و عافیت را بر من بپوشان و ردای صحتت را بر تن من بپنداز و مرا با نعمتهای فراوانت در بر بگیر و فضل و بخششت را یکی پس از دیگری بر من نازل فرما.

(١١٣) وَأَيْدِي بَتَوْفِيكَ وَتَسْدِيدِكَ، وَأَعْنِي عَلَى صَالِحِ النَّيَّةِ،
 وَمَرْضَى الْقَوْلِ، وَمُسْتَحْسِنِ الْعَمَلِ، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى حَوْلِي وَقُوَّتِي
 دُونَ حَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ. (١١٤) وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ تَبْعَثُنِي لِمَلَأْتِكَ، وَلَا
 تَفْضَحْنِي بَيْنَ يَدَيِ أَوْلِيَاءِكَ، وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ، وَلَا تُذْهِبْ عَنِّي
 شُكْرَكَ، بَلْ الزَّمْنِيهِ فِي أَحْوَالِ السَّهْوِ عِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِينَ لِأَلَاتِكَ،
 وَأَوْزِعْنِي أَنْ أَتْنِي بِمَا أَوْ لَيْتَنِيهِ، وَأَعْتَرِفْ بِمَا أَسَدَيْتَهُ إِلَيَّ.
 (١١٥) وَاجْعَلْ رَغْبَتِي إِلَيْكَ فَوْقَ رَغْبَةِ الرَّاعِبِينَ، وَحَمْدِي إِيَّاكَ فَوْقَ
 حَمْدِ الْحَامِدِينَ (١١٦) وَلَا تَخْذُلْنِي عِنْدَ فَاقَتِي إِلَيْكَ، وَلَا تُهْلِكْنِي بِمَا
 أَسَدَيْتَهُ إِلَيْكَ، وَلَا تَجْبِهْنِي بِمَا جَبَهْتَ بِهِ الْمُعَانِدِينَ لَكَ، فَإِنِّي لَكَ
 مُسَلِّمٌ، أَعْلَمُ أَنَّ الْحُجَّةَ لَكَ، وَأَنَّكَ أَوْلَى بِالْفَضْلِ، وَأَعْوَدُ بِالْإِحْسَانِ،
 وَأَهْلُ التَّقْوَى، وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ، وَأَنَّكَ بَانَ تَغْفُو أَوْلَى مِنْكَ بَانَ تُعَاقِبُ،
 وَأَنَّكَ بَانَ تَشْتُرُ أَقْرَبُ مِنْكَ إِلَيَّ أَنْ تَشْهَرُ. (١١٧) فَأَخِينِي حَيَوَةَ طَيِّبَةً
 تَنْتَظِمُ بِمَا أُرِيدُ، وَتَبْلُغُ مَا أَحَبُّ مِنْ حَيْثُ لَا آتِي مَا تَكْرَهُ، وَلَا آزِ تَكْبُ
 مَا نَهَيْتَ عَنْهُ، وَأَمْسِنِي مَيْتَةً مَنْ يَسْعَى نُورُهُ بَيْنَ يَدَيْهِ وَعَنْ يَمِينِهِ.
 (١١٨) وَذَلِّلْنِي بَيْنَ يَدَيْكَ، وَأَعِزَّنِي عِنْدَ خَلْقِكَ، وَضَعْنِي إِذَا خَلَوْتُ
 بِكَ، وَارْفَعْنِي بَيْنَ عِبَادِكَ، وَأَعْنِي عَمَّنْ هُوَ غَنِيٌّ عَنِّي، وَزِدْنِي إِلَيْكَ
 فَاقَةً وَفَقْرًا. (١١٩) وَأَعِزَّنِي مِنْ شِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ، وَمِنْ حُلُولِ الْبَلَاءِ،
 وَمِنْ الذُّلِّ وَالْعَنَاءِ، تَعَمَّدْنِي فِيمَا أَطْلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي بِمَا يَتَعَمَّدُ بِهِ
 الْقَادِرُ عَلَى الْبَطْشِ لَوْلَا حِلْمُهُ، وَالْأَخِذُ عَلَى الْجَرِيرَةِ لَوْلَا أَنَاتُهُ
 (١٢٠) وَإِذَا آرَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْنَةً أَوْ سُوءًا فَجَنِّ مِثْلَهَا لِوَادِئِكَ، وَإِذَا
 لَمْ تُقِمْنِي مَقَامَ فَضِيحَةٍ فِي دُنْيَاكَ فَلَا تُقِمْنِي مِثْلَهُ فِي آخِرَتِكَ

(۱۱۳) وبا توفیق و پشتیبانی خود مرا تأیید فرما و مرا در نیت شایسته و گفتار مورد رضایت و رفتار نیکو یاری کن و مرا بجای قدرت و توان خودت، به قدرت و توان خودم و امگذار. (۱۱۴) و روزی که مرا برای ملاقات با خودت مبعوث می کنی، خوارم مساز و در نزد دوستانت رسوایم مکن و ذکر خودت را از یادم مبر و شکر را از من مگیر، بلکه در آن هنگام که جاهلان، نسبت به نعمتهایت در غفلت اند، مرا در حالات فراموشی، به شکر و سپاس خود ملتزم بدار و به من الهام کن که بر آنچه بمن در آنها ولایت داده ای ثنای تو را بگویم و به نیکی هایی که ابتدا در حق من انجام داده ای اعتراف کنم. (۱۱۵) و رغبت من بسوی خودت را بالاتر از رغبت دیگران و شکر مرا نسبت به خودت، برتر از شکر دیگران قرار بده (۱۱۶) و آن هنگام که بتو نیازمندم، مرا خوار مساز و بخاطر اهمالهایی که در حق تو انجام داده ام هلاکم مگردان و با من آنگونه که با دشمنانت بر خورد می کنی برخورد مکن، که همانا من در برابر تو تسلیمم و میدانم که حجت و دلیل از آن توست و تو در فضل، شایسته تر و در احسان، سودبخش تر از دیگرانی. و تو اهل تقوی و آمرزش هستی و به اینکه عفو کنی شایسته تری تا به اینکه عقاب نمایی، و به اینکه گناهان ما را بپوشانی نزدیکتری تا به اینکه آنها را بر ملا کنی. (۱۱۷) پس مرا زنده بدار با حیاتی پاک که هماهنگ با خواسته های من باشد و به آنچه دوست می دارم منتهی گردد، بگونه ای که آنچه تو نمی پسندی انجام ندهم و آنچه را نهی کرده ای مرتکب نشوم و مرا همچون کسانی بمیران که نور و فروغ آنها از پیش رو و از جانب راست، اطرافشان را نورانی ساخته است. (۱۱۸) و مرا در نزد خود کوچک کن و در نزد مخلوقات بزرگ بنما و آن هنگام که با تو خلوت می کنم پستم کن و در بین بندگانت بالا می بپر و مرا بی نیاز کن از کسی که از من بی نیاز است و فقر و گدائی مرا نسبت به خودت افزون فرما (۱۱۹) و مرا از سرزنش دشمنان و از نزول بلا و از ذلت و سختی محفوظ بدار و مرا در آنچه از گناهان که بدانها مطلعی تحت پوشش عفو قرار بده، انسان که می پوشاند کسی که اگر بردباریش مانع نباشد بر انتقام سخت قادر است و اگر درنگ و تأملش نباشد بر مؤاخذه بر گناه توانایی دارد. (۱۲۰) و اگر خواستی قومی را گرفتار فتنه یا امر ناگواری بسازی، مرا بخاطر آنکه بتو پناه آورده ام، از آن نجات ده و چون مرا در دنیا به ورطه فضاحت و رسوایی نینداخته ای در آخرت نیز مرا در آن مینداز

(١٢١) وَاشْفَعْ لِي أَوْ آتِلْ مِنْكَ بِأَوْ آخِرِهَا، وَقَدِيمَ فَوَآئِدِكَ بِحَوَادِثِهَا،
 وَلَا تَمُدُّ لِي مَدًّا يَقْسُو مَعَهُ قَلْبِي، وَلَا تَقْرَعْنِي قَارِعَةً يَذْهَبُ لَهَا
 بَهَائِي، وَلَا تَسْمُنِي خَسِيسَةً يَصْغُرُ لَهَا قَدْرِي وَلَا نَقِيسَةً يُجْهَلُ مِنْ
 أَجْلِهَا مَكَانِي. (١٢٢) وَلَا تَرُعْنِي رَوْعَةً أُبْلِسُ بِهَا، وَلَا خِيفَةً أَوْجِسُ
 دُونَهَا، اجْعَلْ هَيْبَتِي فِي وَعِيدِكَ، وَحَذْرِي مِنْ إِعْذَارِكَ وَإِنْذَارِكَ،
 وَرَهْبَتِي عِنْدَ تِلَاوَةِ آيَاتِكَ. (١٢٣) وَاعْمُرْ لَيْلِي بِإِقْظَاظِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ،
 وَتَفَرُّدِي بِالتَّهَجُّدِ لَكَ، وَتَجَرُّدِي بِسُكُونِي إِلَيْكَ، وَإِنْزَالِ حَوَائِجِي
 بِكَ، وَمُنَازَلَتِي إِيَّاكَ فِي فَكَاكِ رَقَبَتِي مِنْ نَارِكَ، وَإِجَارَتِي مِمَّا فِيهِ
 أَهْلُهَا مِنْ عَذَابِكَ. (١٢٤) وَلَا تَذَرْنِي فِي طُغْيَانِي عَامِهَا، وَلَا فِي
 غَمْرَتِي سَاهِيًّا حَتَّى حِينٍ، وَلَا تَجْعَلْنِي عِظَةً لِمَنْ اتَّعَظَ، وَلَا نِكَالًا
 لِمَنْ اِعْتَبَرَ، وَلَا فِئْتَةً لِمَنْ نَظَرَ، وَلَا تَمَكُّرِي فِي مَنْ تَمَكَّرَ بِهِ، وَلَا
 تَسْتَبْدِلْ بِي غَيْرِي، وَلَا تُغَيِّرْ لِي اسْمًا، وَلَا تُبَدِّلْ لِي جِسْمًا، وَلَا
 تَتَّخِذْنِي هُزُوءًا لِخَلْقِكَ، وَلَا سُخْرِيًّا لَكَ، وَلَا تَبْعًا إِلَّا لِمَرْضَاتِكَ، وَلَا
 مُمْتَهِنًا إِلَّا بِالِإِنْتِقَامِ لَكَ. (١٢٥) وَأَوْجِدْنِي بَرْدَ عَفْوِكَ، وَحَلَاوَةَ رَحْمَتِكَ
 وَرَوْحِكَ وَرَيْحَانِكَ، وَجَنَّةَ نَعِيمِكَ، وَأَذِقْنِي طَعْمَ الْفَرَاغِ لِمَا تُحِبُّ
 بِسَعَةِ مِنْ سَعَتِكَ، وَالِاجْتِهَادِ فِيمَا يُزَلِّفُ لَدَيْكَ وَعِنْدَكَ، وَأَتْحِفْنِي
 بِتُحْفَةٍ مِنْ تُحْفَاتِكَ. (١٢٦) وَاجْعَلْ تِجَارَتِي رَابِحَةً، وَكَرَّتِي غَيْرَ
 خَاسِرَةٍ، وَأَخْفِنِي مَقَامَكَ، وَشَوْقُنِي لِقَاءَكَ، وَتُبَّ عَلَيَّ تَوْبَةً نَصُوحًا
 لَا تُبْقِي مَعَهَا ذُنُوبًا صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً، وَلَا تَذَرْ مَعَهَا عَلَانِيَةً وَلَا سَرِيرَةً.
 (١٢٧) وَأَنْزِعِ الْغِلَّ مِنْ صَدْرِي لِلْمُؤْمِنِينَ، وَاعْطِفْ بِقَلْبِي عَلَى
 الْخَاشِعِينَ، وَكُنْ لِي كَمَا تَكُونُ لِلصَّالِحِينَ، وَحَلِّني حِلْيَةَ الْمُتَّقِينَ،

(۱۲۱) و در حق من نعمتهای پیشینت را به نعمتهای پسین و سودهای قدیمت را به منافع جدید متصل گردان و عمر مرا چندان طولانی مساز که قلبم قساوت گیرد و در سختیها چنان مرا مکویان که بخاطر آن ارزش من از دست برود و مرا به امر پستی که منزلت من در آن کوچک شود و نقیصه‌ای که بخاطر آن جایگاه و مرتبت من مجهول بماند، گرفتار مساز (۱۲۲) و مرا چنان مترسان که ناامید شوم و انسان بیمناکم مساز که وحشت در دل داشته باشم و ترس مرا در تهدیدهایت از عذاب و پرهیز مرا در اتمام حجت‌ها و اندازهای خود و هراس مرا در هنگام تلاوت آیات خودت قرار ده.

(۱۲۳) شب مرا طولانی گردان با بیدار کردنم برای عبادت و اینکه تنها، به مناجات با تو پردازم و از دیگران دل بریده و تنها با تو آرامش یابم و نیازهایم را بدرگاه تو آورم و دائماً از تو بخواهم که مرا از آتش خشم ازاد سازی و مرا از عذابی که اهل دوزخ در آن گرفتارند نجات دهی.

(۱۲۴) و مرا لحظه‌ای بخود و امگذار که در طغیان و سرکشی متحیر و در گرداب جهل و نادانی، غافل باشم، و سرنوشت مرا پندی برای پندپذیرها و سرانجامی شوم برای عبرت پذیران و آزمایشی برای اهل نظر قرار مده و مرا در میان آنانکه با آنها مکر می‌کنی، مورد مکر قرار نده و بجای من دیگری را بر مگزین و اسم مرا در زمره بندگان تغییر مده و جسم مرا مبدل مساز و مرا وسیله استهزاء بندگان و مورد تمسخر در آستان قرار مده و چنانم کن که تنها بدنبال رضایت تو و در انتقام از دشمنانت، تنها در خدمت تو باشم.

(۱۲۵) و مرا از لذت عفو و شیرینی رحمت و آسودگی و رزق خویش و از بهشت نعمتهایت برخوردار ساز و با گشایشی از دریای بیکرانت مزه فارغ شدن از انجام طاعاتی که تو دوست میداری و تلاش در آنچه ما را به تو نزدیک می‌سازد را در کام من بچشان و با تحفه‌ای از تحفه‌هایت مرا بهره‌مند فرما.

(۱۲۶) و تجارت مرا سودمند و بازگشتم بسوی خودت را بدون زیان قرار بده و مرا از مقام خود بترسان و شوق مرا برای دیدار با خودت افزون کن و بسوی من عنایت کن تا من نیز بسوی تو توبه کنم، توبه‌ای حقیقی که در پرتو آن، هیچ گناه کوچک و بزرگ و هیچ خطای آشکار و پنهانی را باقی نگذاری. (۱۲۷) و هرگونه کینه‌ای نسبت به مؤمنین را از دلم بر کن و قلبم را نسبت به خاشعین عطف گردان و انسان که با صالحان

وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْغَابِرِينَ، وَذِكْرًا نَامِيًّا فِي الْآخِرِينَ،
 وَوَافِ بِي عَرَضَةَ الْأَوَّلِينَ. (١٢٨) وَتَمِّمْ سُبُوحَ نِعْمَتِكَ، عَلَيَّ، وَظَاهِرَ
 كَرَامَاتِهَا لَدَيَّ، امْتِلًا مِنْ فَوَائِدِكَ يَدِي، وَسُقَى كَرَامَتِمْ مَوَاهِبِكَ إِلَيَّ،
 وَجَاوِزِ بِي الْأَطْيَبِينَ مِنْ أَوْلِيَائِكَ فِي الْجَنَانِ الَّتِي زَيَّنْتَهَا لِأَصْفِيَائِكَ،
 وَجَلَّلْنِي شَرَائِفَ نَحْلِكَ فِي الْمَقَامَاتِ الْمُعَدَّةِ لِأَحِبَّائِكَ. (١٢٩) وَاجْعَلْ
 لِي عِنْدَكَ مَقِيلًا أَوْيَ إِلَيْهِ مُطْمَئِنًّا، وَمَثَابَةً اتَّبَوْؤُهَا، وَاقْرَأْ عَيْنًا، وَلَا
 تُقَايِسْنِي بِعَظِيمَاتِ الْجَرَائِرِ، وَلَا تُهْلِكْنِي يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ، وَأَزِلْ
 عَنِّي كُلَّ شَكٍّ وَشُبُهَةٍ، وَاجْعَلْ لِي فِي الْحَقِّ طَرِيقًا مِنْ كُلِّ رَحْمَةٍ،
 وَاجْزِلْ لِي قِسْمَ الْمَوَاهِبِ مِنْ نَوَالِكَ، وَوَفِّرْ عَلَيَّ حُظُوظَ الْإِحْسَانِ
 مِنْ إِفْضَالِكَ. (١٣٠) وَاجْعَلْ قَلْبِي وَائْتِقَابِي عِنْدَكَ، وَهَمِّي مُسْتَفْرَعًا لِمَا
 هُوَ لَكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا تَسْتَعْمِلُ بِهِ خَالِصَتَكَ، وَأَشْرِبْ قَلْبِي عِنْدَ
 ذُهُولِ الْعُقُولِ طَاعَتَكَ، وَاجْمَعْ لِي الْغِنَى وَالْعَفَافَ وَالِدَّعَةَ
 وَالْمُعَافَاةَ وَالصَّحَّةَ وَالسَّعَةَ وَالطَّمَانِينَةَ وَالْغَافِيَةَ. (١٣١) وَلَا تُحْبِطْ
 حَسَنَاتِي بِمَا يَشُوبُهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ، وَلَا خَلَوَاتِي بِمَا يَعْرِضُ لِي مِنْ
 نَزَغَاتِ فِتْنَتِكَ، وَصُنْ وَجْهِي عَنِ الطَّلَبِ إِلَى أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ،
 وَذُبْنِي عَنِ التِّمَاسِ مَا عِنْدَ الْفَاسِقِينَ. (١٣٢) وَلَا تَجْعَلْنِي لِلظَّالِمِينَ
 ظَهِيرًا، وَلَا لَهُمْ عَلَيَّ مَحْوٍ كِتَابِكَ يَدًا وَنَصِيرًا، وَحُطْنِي مِنْ حَيْثُ لَا
 أَعْلَمُ حِيَاطَةَ تَقِينِي بِهَا، وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ تَوْبَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَرَأْفَتِكَ
 وَرِزْقِكَ الْوَاسِعِ، إِنِّي إِلَيْكَ مِنَ الرَّاغِبِينَ، وَاتَّمِّمْ لِي إِنْعَامَكَ، إِنَّكَ
 خَيْرُ الْمُتَعَمِّينَ (١٣٣) وَاجْعَلْ بَاقِيَ عُمْرِي فِي الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ ابْتِغَاءً
 وَجْهَكَ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ
 الطَّاهِرِينَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَبَدًا أَبَدِينَ.

هستی، بامن باش و بر من زیور اهل تقوا بپوشان و برای من سخنی صادق در میان گذشتگان و یادی والا در بین آیندگان قرار ده و مرا به جایگاه پیشینیان برسان. (۱۲۸) و کمال نعمت را بر من تمام کن و ارزشمندیهای این نعمتها را برایم آشکار ساز، دستم را از عطایات پرکن و از بخششهای گرمی ات بسوی من روان کن و مرا در بهشت که برای برگزیدگان زینت کرده‌ای، در کنار پاکترین دوستان جای ده و در مقاماتی که برای محبان خویش آماده ساخته‌ای مرا با شریفترین عطایای خویش بپوشان. (۱۲۹) و برای من در جوار خودت مأمنی قرار ده که با آرامش خاطر در آن پناه گیرم و جایگاهی که در آن مأوا گزینم و چشمم را بدان روشن کنم و مرا با گناهان بزرگم مورد ارزیابی قرار مده و در آن روز که سریره‌ها آشکار می‌گردد، هلاکم مساز و از من هرگونه شک و شبهه‌ای را برطرف فرما و در راستای حق، از هر رحمتی برایم راهی قرار ده و بهره‌های من از بخششهایت را فراوان کن و بهره‌مندیم از احسان و فضلّت را زیاد گردان. (۱۳۰) و قلب مرا نسبت به آنچه نزد توست مطمئن گردان و عزمم را فقط نسبت به آنچه از آن توست متوجه کن و مرا به کارهایی و ادارکن که خواص را به آنها وادار می‌کنی و آنها گام که عقل از بندگی تو غفلت می‌کند، قلبم را از یادت پر کن و در من و برای من بی‌نیازی، عفت، آرامش، عافیت، صحت، گشایش، اطمینان و سلامتی را جمع گردان.

(۱۳۱) و کارهای پسندیده مرا با گناهانی که در آنها مخلوط است نابود مکن و خلوتهای راز آلود مرا بخاطر خطاهائی که در آزمایشهایت بدان مبتلا می‌شوم، از من مگیر و آبروی مرا از اینکه دست طلب بسوی فردی از بندگان دراز کنم مصون بدار و از التماس کردن برای آنچه نزد فاسقان است، حفظ کن.

(۱۳۲) و مرا پشتیبان ستمکاران و دستیار و یاور آنان دراز بین بردن قرآنت قرار مده و از جایی که من نمی‌دانم مرا در حیطة عنایت خود قرار ده، آنسان که مرا از خطاها حفظ کنی و بر من درهای توبه و رحمت و رأفت و روزی فراوانت را بگشای، که من از علاقه‌مندان آستان توأم و بر من بخششت را تمام کن که تو بهترین نعمت دهندگانی. (۱۳۳) و باقیمانده عمر مرا در انجام حج و عمره برای رضای خودت قرار ده، ای پروردگار عالمیان، و بر محمد صلی الله علیه و آله و آل پاک و مطهر آنحضرت درود فرست و برای همیشه بر او و بر آنان سلام و درود باد.

(٤٨)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْأَضْحَى
وَيَوْمَ الْجُمُعَةِ:

(١) اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ مُبَارَكٌ مَيْمُونٌ، وَالْمُسْلِمُونَ فِيهِ مُجْتَمِعُونَ
فِي أَقْطَارِ أَرْضِكَ، يَشْهَدُ السَّائِلُ مِنْهُمْ وَالطَّالِبُ وَالرَّاعِبُ
وَالرَّاهِبُ وَأَنْتَ النَّاطِرُ فِي حَوَائِجِهِمْ، فَاسْتَلْكَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ
وَهَوَانِ مَا سَأَلْتُكَ عَلَيْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ. (٢) وَأَسْأَلُكَ
اللَّهُمَّ رَبَّنَا بِأَنَّ لَكَ الْمُلْكَ، وَلَكَ الْحَمْدَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْحَلِيمُ
الْكَرِيمُ الْحَنَّانُ الْمَتَّانُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، بَدِيعُ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ، مَهْمَا قَسَمْتَ بَيْنَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ: مِنْ خَيْرٍ أَوْ عَافِيَةٍ أَوْ
بَرَكَاتٍ أَوْ هُدًى أَوْ عَمَلٍ بِطَاعَتِكَ، أَوْ خَيْرٍ تَمُنُّ بِهِ عَلَيْهِمْ تَهْدِيهِمْ بِهِ
إِلَيْكَ، أَوْ تَرْفَعُ لَهُمْ عِنْدَكَ دَرَجَةً، أَوْ تُعْطِيَهُمْ بِهِ خَيْرًا مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ أَنْ تُوفِّرَ حَظِّي وَنَصِيبِي مِنْهُ. (٣) أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِأَنَّ لَكَ
الْمُلْكَ وَالْحَمْدَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ
وَرَسُولِكَ وَحَبِيبِكَ وَصَفْوَتِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَعَلَيَّ آلِ مُحَمَّدٍ
الْأَبْرَارِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ صَلَوَةً لَا يَفْقُؤُ عَلَى إِحْصَائِهَا إِلَّا أَنْتَ،
وَأَنْ تُشْرِكَنَا فِي صَالِحِ مَنْ دَعَاكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ مِنْ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ،
يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَأَنْ تَغْفِرَ لَنَا وَلَهُمْ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

دعای چهل و هشتم : در روز عید قربان و روز جمعه

(۱) خداوندا امروز، روز مبارک و میمونی است و مسلمانان در این روز در جای جای زمین گرد هم جمع اند و فقیر و طالب و رغبت کننده و ترسای آنان همه حاضراند و تو بر نیازهای آنان ناظری.

پس اینک من از تو مسئلت دارم که بخاطر جود و کرم و آسانی آنچه من از تو می طلبم، بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او درود فرست.

(۲) و خداوندا، ای پروردگار ما، از آنجا که مُلک و سلطنت از آن توست و سپاس و شکر تنها برای توست، هیچ معبودی جز تو نیست، ای صبور کریم، ای مهربان بخشنده و ای صاحب جلال و اکرام، ای پدیدآورنده آسمانها و زمین، آنهنگام که بین بندگان مؤمنت قسمت می کنی: خیر یا عافیت یا برکت یا هدایت یا توفیق عمل به طاعت، یا خیری که با آن بر آنان منت می نهی و هدایتشان می کنی یا آنان را در نزد خود درجه ای بالاتر عطا می کنی یا در پرتو آن خیری از دنیا و آخرت به آنان ارزانی میداری، از تو در خواست می کنم که بهره و نصیب مرا از آن، زیادگردانی.

(۳) خداوندا بخاطر اینکه سلطنت و سپاس از آن توست و معبودی جز تو نیست از تو در خواست می کنم که درود فرستی بر محمد صلی الله علیه و آله که بنده و رسول و دوست و برگزیده و بهترین خلق توست و بر آل او که نیکان و پاکان و برگزیدگان اند، درودی که جز خودت کسی شمارش آنرا نتواند. و از تو می طلبم که ما را در کار شایسته هر کسی از بندگان مؤمنات که امروز دست دعا به سوی تو دارد شریک گردانی، ای پروردگار عالمیان، و از تو می طلبم که ما و آنان را مورد آمرزش خود قرار دهی، برآستی تو بر هر کاری توانایی.

(٤) اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَعَمَّدْتُ بِحَاجَتِي، وَبِكَ أَنْزَلْتُ الْيَوْمَ فَقْرِي وَفَاقَتِي
 وَمَسْكَنَتِي، وَإِنِّي بِمَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ أَوْثَقُ مِنِّي بِعَمَلِي، وَلَمَغْفِرَتِكَ
 وَرَحْمَتِكَ أَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِي، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَوَلَّ
 قَضَاءَ كُلِّ حَاجَةٍ هِيَ لِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيْهَا، وَتَيْسِيرِ ذَلِكَ عَلَيْكَ، وَبِفَقْرِي
 إِلَيْكَ، وَغِنَاكَ عَنِّي، فَإِنِّي لَمْ أَصِبْ خَيْرًا قَطُّ إِلَّا مِنْكَ، وَلَمْ يَصْرِفْ
 عَنِّي سُوءًا قَطُّ أَحَدٌ غَيْرُكَ، وَلَا أَرْجُو لَأَمْرٍ أُخْرَتِي وَدُنْيَايَ سِوَاكَ.

(٥) اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَوْ تَعَبَّأَوْ أَعَدَّوْا اسْتَعَدَّ لِوَفَادَةِ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ
 رِفْدِهِ وَنَوَافِلِهِ وَطَلَبَ نَيْلِهِ وَجَائِزَتِهِ، فَإِلَيْكَ يَا مَوْلَايَ كَانَتْ الْيَوْمَ
 تَهَيَّئَتِي وَتَعَبَّئَتِي وَإِعْدَادِي وَاسْتِعْدَادِي رَجَاءَ عَفْوِكَ وَرِفْدِكَ
 وَطَلَبَ نَيْلِكَ وَجَائِزَتِكَ. (٦) اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا
 تُخَيِّبِ الْيَوْمَ ذَلِكَ مِنْ رَجَائِي، يَا مَنْ لَا يُخْفِيهِ سَائِلٌ وَلَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ،
 فَإِنِّي لَمْ أَتِكَ ثِقَةً مِنِّي بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ، وَلَا شَفَاعَةَ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ
 إِلَّا شَفَاعَةَ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ سَلَامُكَ. (٧) أَتَيْتُكَ مُقِرًّا
 بِالْجُرْمِ وَالْإِسَاءَةِ إِلَى نَفْسِي، أَتَيْتُكَ أَرْجُو عَظِيمَ عَفْوِكَ الَّذِي عَفَوْتَ
 بِهِ عَنِ الْخَاطِئِينَ، ثُمَّ لَمْ يَمْنَعَكَ طَوْلُ عُكُوفِهِمْ عَلَى عَظِيمِ الْجُرْمِ أَنْ
 عُدْتَ عَلَيْهِمْ بِالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ. (٨) فَيَا مَنْ رَحْمَتُهُ وَاسِعَةٌ، وَعَفْوُهُ
 عَظِيمٌ، يَا عَظِيمٌ يَا عَظِيمٌ، يَا كَرِيمٌ يَا كَرِيمٌ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
 مُحَمَّدٍ وَعُدْ عَلَيَّ بِرَحْمَتِكَ وَتَعَطَّفْ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ وَتَوَسَّعْ عَلَيَّ
 بِمَغْفِرَتِكَ. (٩) اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لِخُلَفَائِكَ وَأَصْفِيَاءِكَ وَمَوَاضِعِ
 أَمْنَائِكَ فِي الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الَّتِي اخْتَصَصْتَهُمْ بِهَا قَدَابَتَرُوهَا، وَأَنْتَ
 الْمُقَدِّرُ لِذَلِكَ، لَا يُغَالِبُ أَمْرُكَ، وَلَا يُجَاوِزُ الْمَحْتُومُ مِنْ تَدْبِيرِكَ

(۴) خدایا در نیازهایم تنها تو را قصد می‌کنم و امروز فقر و تنگدستی و بیچارگی ام را تنها به درگاه تو آورده‌ام و امید من به آمرزش و رحمت تو بیش از امیدم به عمل خودم می‌باشد و بتحقیق مغفرت و لطف تو بیش از گناهان من است، پس بر محمد و آل او درود فرست و بر آوردن هر حاجتی که من دارم را خود به عهده بگیر بخاطر قدرتی که بر رفع حاجات داری و این امر بر تو آسان است و بخاطر نیازمندی من به تو و بی‌نیازی تو از من. همانا من به هیچ خیری نرسیده‌ام جز به توفیق تو و هیچکس جز تو نتوانسته است بدی‌ای را از من دور کند و من در امور آخرت و دنیا هم جز به تو امید ندارم. (۵) خداوند! اگر کسی برای گرفتن صلّه و عطا و به امید بخشش و احسان خود را مهیا سازد و بسوی بنده‌ای از مخلوقات برود، اینک من در این روز، ای آقای من، خود را آماده و مهیا ساخته که بسوی تو آیم به امید عفو و بخشش و در طلب عطا و جایزه تو.

(۶) خدایا پس بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و در این روز، امید مرا نا امید مساز ای کسی که در خواست گدا او را رنجور نمی‌سازد و عطایش چیزی از او کم نمی‌کند و براستی من بسوی تو نیامده‌ام از باب اینکه به عمل شایسته انجام یافته‌ام اطمینان دارم و نه از باب امید به شفاعت مخلوقی از مخلوقات بجز شفاعت محمد ﷺ و اهلبیت او که درود تو بر او و بر آنان باد.

(۷) من بسوی تو آمده‌ام در حالیکه به جرم و گناه خود نسبت به خودم معترفم، بسوی تو آمده‌ام در حالیکه امیدوارم به عفو عظیم تو که با آن از خطای خطاکاران در می‌گذری، و هرگز ایستادگی طولانی آنان بر گناهان بزرگ مانع از این نمی‌شود که تو با رحمت و مغفرت با آنان بر خورد کنی. (۸) پس ای کسی که رحمتش وسیع و گذشتش بزرگ است، ای بزرگ و ای بزرگ، ای کریم و ای کریم، بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و با رحمتت به من توجه کن و با فضلت با من مهربان باش و باران آمرزشت را بر من افزون فرما.

(۹) خداوند! این مقام ارجمند که از آن جانشینان و برگزیدگان توست و این مرتبه امناء تو که از درجات بلندی است که به آنان اختصاص داده‌ای مورد غصب و دستبرد قرار گرفته است و تو خود چنین تقدیر فرموده‌ای، فرمان تو هرگز مغلوب واقع نمی‌شود، و از تدبیر حتمی تو هرگز تجاوز نمی‌شود،

كَيْفَ شِئْتَ وَ أَتَى شِئْتَ، وَ لِمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ غَيْرُ مَثَّهِمْ عَلَى خَلْقِكَ وَ لَا
 لِإِرَادَتِكَ حَتَّى عَادَ صِفْوَتُكَ وَ خُلَفَاؤُكَ مَعْلُوبِينَ مَقْهُورِينَ مُبْتَزِينَ،
 يَرُونَ حُكْمَكَ مُبَدَّلًا، وَ كِتَابَكَ مَثْبُودًا، وَ فَرَايَضَكَ مُحَرَّفَةً عَنْ جِهَاتِ
 أَشْرَاعِكَ، وَ سُنَنَ نَبِيِّكَ مَثْرُوكَةً. (١٠) اللَّهُمَّ الْعَنِ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْأَوْلِيَيْنِ
 وَ الْآخِرِينَ، وَ مَنْ رَضِيَ بِفِعَالِهِمْ وَ أَشْيَاعِهِمْ وَ اتَّبَاعَهُمْ. (١١) اللَّهُمَّ
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، كَصَلَوَاتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ
 وَ تَحِيَّاتِكَ عَلَى أَصْفِيَايَكَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَ عَجَلِ الْفَرَجِ
 وَ الرُّوحِ وَ النَّصْرَةِ وَ التَّمَكِينِ وَ التَّأْيِيدِ لَهُمْ. (١٢) اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْنِي مِنْ
 أَهْلِ التَّوْحِيدِ وَ الْإِيمَانِ بِكَ، وَ التَّصْدِيقِ بِرَسُولِكَ، وَ الْإِسْمَةِ الَّذِينَ
 حَتَمْتَ طَاعَتَهُمْ مِمَّنْ يَجْرَى ذَلِكَ بِهِ وَ عَلَى يَدَيْهِ، أَمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.
 (١٣) اللَّهُمَّ لَيْسَ يَرُدُّ غَضَبَكَ إِلَّا حِلْمُكَ، وَ لَا يَرُدُّ سَخَطَكَ إِلَّا عَفْوُكَ،
 وَ لَا يُجِيرُ مِنْ عِقَابِكَ إِلَّا رَحْمَتُكَ، وَ لَا يُنَجِّنِي مِنْكَ إِلَّا التَّضَرُّعُ إِلَيْكَ
 وَ بَيْنَ يَدَيْكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ هَبْ لَنَا - يَا إِلَهِي - مِنْ
 لَدُنْكَ فَرَجًا بِالْقُدْرَةِ الَّتِي بِهَا تُحْيِي أَمْوَاتَ الْعِبَادِ، وَ بِهَا تَنْشُرُ مَيِّتَ
 الْبِلَادِ. (١٤) وَ لَا تُهْلِكْنِي - يَا إِلَهِي - غَمًّا حَتَّى تَسْتَجِيبَ لِي، وَ تُعَرِّفْنِي
 الْإِجَابَةَ فِي دُعَائِي، وَ أذِقْنِي طَعْمَ الْعَافِيَةِ إِلَى مُسْتَهْيِ أَجَلِي، وَ لَا
 تُشِمْتْ بِي عَدُوِّي، وَ لَا تُمَكِّنْهُ مِنْ عُنُقِي، وَ لَا تُسَلِّطْهُ عَلَيَّ (١٥) إِلَهِي
 إِنْ رَفَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَضَعُنِي، وَ إِنْ وَضَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي
 يَرْفَعُنِي، وَ إِنْ أَكْرَمْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يُهَيِّئُنِي، وَ إِنْ أَهَسْتَنِي فَمَنْ ذَا
 الَّذِي يُكْرِمُنِي، وَ إِنْ عَذَّبْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْحَمُنِي، وَ إِنْ أَهْلَكْتَنِي
 فَمَنْ ذَا الَّذِي يَعْرِضُ لَكَ فِي عَبْدِكَ، أَوْ يَسْأَلُكَ عَنْ أَمْرِهِ، وَ قَدْ عَلِمْتُ

هرگونه و هرکجا که تو بخواهی انجام می شود. و تو خود خواسته ای که آنچه بدان داناتری محقق گردد و تو هرگز در آفرینش و خواسته های مورد اتهام نیستی. و سرانجام برگزیدگان و جانشینان تو مغلوب و مقهور و مورد غضب قرار گرفتند و می بینند که فرمان تو تبدیل یافته و کتاب تو مورد دستبرد قرار گرفته و احکام تو از راههای شریعت تو منحرف گشته و سنتهای پیامبرت ترک شده است.

(۱۱) خدایا دشمنان پیامبر ﷺ و آل او را از گذشتگان و آیندگان و همه کسانی را که راضی به فعل آنها هستند و رهروان راه آنها و پیروانشان را مورد لعن و نفرین خود قرار ده. (۱۱) خدایا بر محمد ﷺ و آل او درود فرست، همانا تو ستایش شده و بزرگی، همانند درود و برکت و سلامی که برای برگزیدگان یعنی حضرت ابراهیم و آل ابراهیم داشته ای و در گشایش و بشارت و یاری و قدرت بخشیدن و تأیید در حق پیامبر ﷺ و آل او شتاب کن.

(۱۲) خدایا مرا از یکتاپرستان و مؤمنان به خودت و از تصدیق کنندگان به پیامبرت و ائمه معصومین ﷺ که پیروی از آنان را واجب دانسته ای قرار ده، از کسانی قرار ده که آن توحید و ایمان بوسیله بدست آنان محقق می گردد. دعایم مستجاب کن ای پروردگار عالمیان.

(۱۳) خدایا خشم تو را جز حلمت بر طرف نمی سازد و غضبت را جز عفو تو فرو نمی نشاند و از عقابت نمی رهاند جز رحمت خودت و مرا از کیفر تو نمی رهاند جز تضرع بسویت و زاری بدرگاهت. پس بر محمد و آل محمد ﷺ درود فرست. و ای معبود من از جانب خودت و با قدرتی که با آن مردگان زنده می سازی و سرزمینهای مرده را حیاتی دوباره می بخشی، گشایشی در کار من فراهم ساز. (۱۴) و مرا - ای معبود من - در حال اندوه و حسرت نمیران تا اینکه دعایم مستجاب کنی و اجابت خواسته ام را به من بفهمانی و طعم سلامتی تا پایان عمرم را به من بچشانی. و دشمنم را نسبت به من شاد مکن و او را بر من مسلط مساز و توانایش مده. (۱۵) ای خدای من، اگر تو مرا بلند گردانی، چه کسی تواند فرود آورد. و اگر تو مرا خوار و پست گردانی، چه کسی تواند بالا ببرد. و اگر تو مرا بزرگ بداری، کیست که تواند مرا ذلیل گرداند و اگر تو مرا کوچک کنی، کیست که بتواند بزرگم بدارد. و اگر تو مرا عذاب فرمایی، چه کس بر من رحم

أَنَّهُ لَيْسَ فِي حُكْمِكَ ظُلْمٌ، وَلَا فِي نِقْمَتِكَ عَجَلَةٌ، وَإِنَّمَا يَعْجَلُ مَنْ
 يَخَافُ الْفُوتَ، وَإِنَّمَا يَخْتَاجُ إِلَى الظُّلْمِ الضَّعِيفُ، وَقَدْ تَعَالَيْتَ يَا
 إِلَهِي - عَنْ ذَلِكَ عُلُوًّا كَبِيرًا. (١٦) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،
 وَلَا تَجْعَلْنِي لِلْبَلَاءِ غَرَضًا، وَلَا لِنِقْمَتِكَ نَصْبًا، وَمَهْلَنِي، وَنَفْسُنِي،
 وَأَقْلُنِي عَثْرَتِي، وَلَا تَبْتَلِيَنِي بِبَلَاءٍ عَلَى آثَرِ بَلَاءٍ، فَقَدْ تَرَى ضَعْفِي
 وَقِلَّةَ حِيلَتِي وَتَضَرُّعِي إِلَيْكَ. (١٧) أَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ الْيَوْمَ مِنْ غَضَبِكَ،
 فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَعِزَّنِي. (١٨) وَأَسْتَجِيرُ بِكَ الْيَوْمَ مِنْ
 سَخَطِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَجِرْنِي (١٩) وَأَسْأَلُكَ أَمْنًا مِنْ
 عَذَابِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَمْنِي. (٢٠) وَأَسْتَهْدِيكَ، فَصَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاهْدِنِي (٢١) وَأَسْتَنْصِرُكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،
 وَأَنْصُرْنِي. (٢٢) وَأَسْتَرْحِمُكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَرْحَمْنِي
 (٢٣) وَأَسْتَكْفِيكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاكْفِنِي (٢٤) وَأَسْتَرْزُقُكَ،
 فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَرْزُقْنِي (٢٥) وَأَسْتَعِينُكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَآلِهِ، وَأَعِنِّي. (٢٦) وَأَسْتَعْفِرُكَ لِمَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَآلِهِ، وَاعْفِرْ لِي. (٢٧) وَأَسْتَعْفِصُمُكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،
 وَاعْصِمْنِي، فَإِنِّي لَنْ أَعُودَ لِشَيْءٍ كَرِهْتَهُ مِنِّي إِنْ شِئْتَ ذَلِكَ.
 (٢٨) يَا رَبِّ يَا رَبِّ، يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، صَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاسْتَجِبْ لِي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَطَلَبْتُ إِلَيْكَ وَرَغِبْتُ
 فِيهِ إِلَيْكَ، وَارِدُهُ وَقَدَّرُهُ وَأَقْضِهِ وَأَمْضِهِ، وَخِرْ لِي فِيمَا تَقْضِي مِنْهُ،
 وَبَارِكْ لِي فِي ذَلِكَ، وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ بِهِ، وَأَسْعِدْنِي بِمَا تُعْطِينِي مِنْهُ،
 وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ وَسَعَةِ مَا عِنْدَكَ، فَإِنَّكَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ، وَصَلِّ ذَلِكَ

آورد و اگر هلاکم سازی چه کسی تواند در کار تو نسبت به بنده ات اعتراض و یا درباره او سؤال کند. و من می دانم که در حکم تو هرگز ستمی روا نمی شود و در انتقام تو هرگز شتابی نیست و شتاب فقط در کار کسی است که می ترسد فرصت از دستش برود و تنها فرد ضعیف است که نیازمند کار ظالمانه است و ای معبود من، تو بسیار بلند مرتبه تر از آنی که به این امور آلوده باشی. (۱۶) خداوندا بر محمد ﷺ و آل محمد (۷) درود فرست و مرا هدف بلایا و در معرض تیرهای انتقامت قرار مده و به من مهلتی عطا کن و مرا از اندوه و غم برهان و از خطایم درگذر و مرا به گرفتاریهای پیاپی دچار مکن، که تو خود ضعف و بیچارگی وزاری ام بدرگاهت را می بینی. (۱۷) خداوندا امروز من از خشم تو به خودت پناه می آورم، پس بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و مرا در پناه خود گیر. (۱۸) و امروز از قهر و عذاب تو به آستان خودت پناهنده می شوم، پس بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و پناهندگیم را بپذیر. (۱۹) و از تو درخواست می کنم که مرا از عذابت درامان نگه داری، پس بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و امانم بده. (۲۰) و از تو طلب هدایت می کنم، پس بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و هدایتم فرما. (۲۱) و از تو یاری می جویم، پس بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و مرا یاری فرما. (۲۲) و از تو در خواست رحمت دارم، پس بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و بر من رحم کن. (۲۳) و از تو می خواهم که در هر امری کفایتم کنی، پس بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و مرا کافی باش. (۲۴) و از درگاهت روزی می طلبم، پس بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و روزیم ده. (۲۵) و از آستانت کمک می طلبم، پس بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و کمکم بنما. (۲۶) و نسبت به گناهایی که انجام داده ام از تو طلب آمرزش می کنم، پس بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و مرا مورد آمرزش قرار ده. (۲۷) و از تو در خواست می کنم که مرا از لغزشها حفظ کنی، پس بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و مرا حفظ کن، براستی اگر تو مرا حفظ کنی هرگز به انجام آنچه تو از آن کراهت داری باز نخواهم گشت. (۲۸) ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای مهربان و ای صاحب احسان، ای دارای جلالت و اکرام، بر محمد ﷺ و آل او درود فرست و برایم اجابت کن همه آنچه را که از تو مسألت نمودم و در طلب آن بسوی تو آمدم و در راه آن میل به تو پیدا کردم. و آن را اراده کن و مقدر ساز و بدان حکم کن و به اتمام رسان و در آنچه به آن حکم می کنی

بِخَيْرِ الْأَخِرَةِ وَنَعِيمِهَا، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. ثُمَّ تَدْعُو بِمَا بَدَأَكَ،
وَتُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَلْفَ مَرَّةٍ هَكَذَا كَانَ يَفْعَلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

﴿٤٩﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي دِفَاعِ
كَيْدِ الْأَعْدَاءِ، وَرَدِّ بَأْسِهِمْ:

(١) إِلَهِي هَدَيْتَنِي فَلَهَوْتُ، وَوَعظت فقسوت، وَأَبْلَيْتَ الْجَمِيلَ
فَعَصَيْتُ، ثُمَّ عَرَفْتُ مَا أَصْدَرْتَ إِذْ عَرَفْتَنِيهِ، فَاسْتَغْفَرْتُ فَأَقَلَّتْ،
فَعُدْتُ فَسَرَرْتَ، فَلَكَ - إِلَهِي - الْحَمْدُ. (٢) تَقَحَّمْتُ أَوْدِيَةَ الْهَلَاكِ،
وَحَلَلْتُ شِعَابَ تَلْفٍ، تَعَرَّضْتُ فِيهَا لِسَطَوَاتِكَ وَبَحُلُولِهَا عُقُوبَاتِكَ.
(٣) وَوَسَيْلَتِي إِلَيْكَ التَّوْحِيدُ، وَذَرِيعَتِي أَنِّي لَمْ أَشْرِكْ بِكَ شَيْئًا،
وَلَمْ أَتَّخِذْ مَعَكَ إِلَهًا، وَقَدْ فَرَرْتُ إِلَيْكَ بِنَفْسِي، وَإِلَيْكَ مَفَرُّ الْمُسِيءِ،
وَمَفْرَعُ الْمُضْيَعِ لِحَظِّ نَفْسِهِ الْمُلتَجِي. (٤) فَكَمْ مِنْ عَدُوٍّ انْتَضَى عَلَيَّ
سَيْفَ عداوتِهِ، وَشَحَذَ لِي ظَبَّةَ مُدْيَتِهِ، وَأَرْهَفَ لِي شَبَاحَدَهُ، وَدَافَ
لِي قَوَاتِلَ سُومِهِ، وَسَدَّدَ نَحْوِي صَوَابَ سِهَامِهِ، وَلَمْ تَسْمَعْ عَنِّي
عَيْنُ حِرَاسَتِهِ، وَأَضْمَرَ أَنْ يَسُومَنِي الْمَكْرُوهَ، وَيُجَرِّعَنِي زُعَاقَ
مَرَارَتِهِ. (٥) فَانظَرْتُ - يَا إِلَهِي - إِلَى ضَعْفِي عَنِ اخْتِمَالِ الْفَوَادِحِ،
وَعَجْزِي عَنِ الْإِتِّصَارِ مِمَّنْ قَصَدَنِي بِمُحَارَبَتِهِ، وَوَحْدَتِي فِي كَثِيرِ
عَدَدِ مَنْ نَاوَانِي، وَأَرَصَدَ لِي بِالْبَلَاءِ فِيمَا لَمْ أُعْمَلْ فِيهِ فِكْرِي.

برایم خیر بخواه و بر من مبارک گردان و با آن بر من تفضل فرما و با آنچه بمن عطا می فرمایی سعادت مندم کن و از فضل و گستره آنچه نزد توست بر من افزون فرما، همانا تو گشاده دست و کریمی، و این همه را به خیر آخرت و نعمتهای آن متصل فرما ای مهربانترین مهربانان.

تذکر: پس از این دعا، به آنچه بخواهی می توانی دعا کنی و بر محمد ﷺ و آل او هزار بار درود فرستی. و خود حضرت امام سجّاد ﷺ چنین می کردند.

دعای چهل و نهم:

در دفع حیلۀ دشمنان و باز گردانیدن خطر و ضرر آنان

(۱) خدایا تو هدایت فرمودی و من در لهویات و غفلت ماندم، و تو مرا نصیحت فرمودی و من سنگدل شدم، و به من نیکویی های فراوان دادی و من مرتکب معصیت شدم و پس از این همه در پرتو معرفتی که به من دادی، به آنچه تو در حقم انجام داده بودی آگاه شدم و لذا استغفار کردم و تو از خطایم در گذشته و دوباره بسوی تو باز گشتم، و تو گناهانم را پوشانیدی، پس ای معبود من، تنها تو را سپاس. (۲) من در وادی هلاکت فرو افتاده ام و در راههای تلف و نابودی وارد شده ام و در آن وادیها در معرض غلبه و سلطه سخت تو هستم و با ورود در آن راهها خود را در معرض عقاب تو قرار داده ام (۳) وسیله من بسوی تو یکتا پرستی است و ابزارم این است که چیزی را شریک تو قرار نداده ام و معبودی را در کنار تو برنگزیده ام و با جان و دل بسوی تو گریخته ام. و راه فرار گناهکار تنها بسوی توست و تویی پناهگاه کسی که بهره جانش را ضایع ساخته و به تو پناهنده شده است. (۴) پس چه بسا دشمنی که شمشیر دشمنیش را در برابر من از نیام بر کشیده و لبه تیغش را برای من تیز کرده و تیغه اش را برای من صیقل داده و زهرهای مرگبارش را برای من با آب مخلوط ساخته و مرا در برابر تیرهایی که هرگز بخطا نمی روند هدف قرار داده و چشم نگاهبانش هیچگاه از من برداشته نشده و نخفته است و در دل خواسته که شرّ و بدیم به من برسد و قصد نموده که از آب تلخ و ناگوار آن شرّ به من بنوشاند. (۵) سپس ای معبود من، تو بر ضعف من در تحمل سختیها و بر ناتوانیم در انتقام از کسی که قصد جنگ با من دارد و بر تنهاییم در برابر کثرت جمعیتی که با من دشمنی می کند و قصد دارد مرا در آنچه بدان نیاندیشیده ام گرفتار سازد، نظر کردی.

(٦) فَاثْتَدَأْتَنِي بِبَصْرِكَ، وَشَدَدْتَ أَرْزِي بِقُوَّتِكَ، ثُمَّ قَلَلْتَ لِي حَدَّهُ،
وَصَيَّرْتَهُ مِنْ بَعْدِ جَمْعِ عَدِيدٍ وَحَدَّهُ، وَاعْلَيْتَ كَعْبِي عَلَيْهِ، وَجَعَلْتَ
مَا سَدَّدَهُ مَرْدُوداً عَلَيْهِ، فَرَدَدْتَهُ لَمْ يَشْفِ غَيْظَهُ، وَ لَمْ يَسْكُنْ غَلِيْلَهُ،
قَدْ عَضَّ عَلَى شَوَاهُ وَ أَدْبَرَ مُوَلِّياً قَدْ أَخْلَفْتَ سَرَايَاهُ. (٧) وَ كَمْ مِنْ
بَاغٍ بَغَانِي بِمَكَائِدِهِ، وَ نَصَبَ لِي شَرِكَ مَصَائِدِهِ، وَ وَكَّلَ بِي تَفْقُدَ
رِعَائِيهِ، وَ أَضْبَأَ إِلَيَّ إِضْبَاءَ السَّبْعِ لِطَرِيدَتِهِ انْتِظَاراً لِانْتِهَارِ
الْفُرْصَةِ لِفَرِيْسَتِهِ، وَ هُوَ يُظْهِرُ لِي بِشَاشَةِ الْمَلَقِ، وَ يَنْظُرُنِي عَلَى شِدَّةِ
الْحَقِّ. (٨) فَلَمَّا رَأَيْتَ - يَا إِلَهِي تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ - دَغَلَ سَرِيرَتِهِ،
وَ قُبِحَ مَا انْطَوَى عَلَيْهِ، أَزْكَسْتَهُ لِأَمِّ رَأْسِهِ فِي زُبَيْتِهِ، وَ رَدَدْتَهُ فِي
مَهْوِي حُفْرَتِهِ، فَانْقَمَعَ بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِ ذَلِيلاً فِي رِبْقِ جِبَالَتِهِ الَّتِي كَانَ
يُقَدِّرُ أَنْ يَرَانِي فِيهَا، وَ قَدْ كَادَ أَنْ يَحُلَّ بِي لَوْلَا رَحْمَتُكَ مَا حَلَّ
بِسَاحَتِهِ. (٩) وَ كَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ شَرِقَ بِي بِغُصَّتِهِ، وَ شَجَى مِنِّي
بِغَيْظِهِ، وَ سَلَقَنِي بِحَدِّ لِسَانِهِ، وَ وَحَرَنِي بِقَرْفِ عُيُوبِهِ، وَ جَعَلَ
عِرْضِي غَرَضاً لِمَرَامِيهِ، وَ قَلَدَنِي خِلَالاً لَمْ تَزَلْ فِيهِ، وَ وَحَرَنِي
بِكَيْدِهِ، وَ قَصَدَنِي بِمَكِيدَتِهِ. (١٠) فَنَادَيْتُكَ - يَا إِلَهِي - مُسْتَعِثِئاً
بِكَ، وَ اِثْقاً بِسُرْعَةِ إِجَابَتِكَ، عَالِماً أَنَّهُ لَا يُضْطَهَدُ مَنْ أَوَى إِلَى ظِلِّ
كَنْفِكَ، وَ لَا يَنْزَعُ مَنْ لَجَأَ إِلَى مَعْقِلِ انْتِصَارِكَ، فَحَصَّنْتَنِي مِنْ بَأْسِهِ
بِقُدْرَتِكَ. (١١) وَ كَمْ مِنْ سَخَائِبٍ مَكْرُوهٍ جَلِيَّتْهَا عَنِّي، وَ سَخَائِبٍ نَعَمٍ
أَمْطَرَتْهَا عَلَيَّ، وَ جَدَاوِلٍ رَحْمَةٍ نَشَرَتْهَا، وَ عَافِيَةٍ أَلْبَسَتْهَا، وَ أَعْيُنٍ
أَخْدَابٍ طَمَسَتْهَا، وَ غَوَاشِي كُرْبَاتٍ كَشَفَتْهَا. (١٢) وَ كَمْ مِنْ ظَنٍّ
حَسَنٍ حَقَّقْتَ، وَ عَدَمٍ جَبَرْتَ، وَ صَرْعَةٍ أَنْعَشْتَ، وَ مَسْكَنَةٍ حَوَّلْتَ.

(۶) پس خود به یاری من آغاز نمودی و یا توانائیت پشتم را محکم ساختی و سپس تیزی حربۀ دشمن را در هم شکستی و او را پس از آنکه به جماعتی مبدل شده بود تنها ساختی و مرا بر او غلبه دادی و آنچه را او محکم ساخته بود به خودش بازگرداندی و در حالیکه خشمش فرو ننشسته و غضبش آرام نگرفته او را پس زد، و او سرانگشتان خود به دندان گزید و روی بر تافت در حالیکه یاورانش به وعده‌هائی که به او داده بودند، عمل نکردند. (۷) و چه بسیار ظالمی که با مکر و حیلۀ بر من ستم نمود و در برابر من دام شکارش را گسترانید و مراقبت و جستجویش را بر روی من متمرکز ساخت و در کمین من نشست آنسان که درندگان در کمین شکارشان می‌نشینند و در انتظار به چنگ آوردن فرصت برای شکار طعمۀ خویش‌اند در حالیکه دشمن من در ظاهر به من روی خوش نشان می‌دهد و تملق می‌گوید و در عین حال با خشمی تند به من نگاه می‌کند. (۸) پس تو - ای پروردگار من که مبارک و برتری - چون فریبکاری باطن او و زشتی آنچه در ضمیرش پنهان است را دیدی او را در چاله‌ای که برای شکارش کنده بود با مغز سر، در افکندی و در پرتگاه چاهی که حفر نموده بود، سرنگون ساختی و سرانجام پس از طغیان و سرکشی و در اوج ذلت و خواری در بندی گرفتار شد که می‌خواست مرا در آن گرفتار ببیند و اگر لطف تو نبود نزدیک بود آنچه بر سر او آمد، بر من فرود آید. (۹) و چه بسا بخیلی که بخاطر حسادت بر من غم و غصه گلوگیرش شد و خشمش چون استخوان در حنجره‌اش ماند و بازبانش مرا نیش زد و یا نسبت دادن عیوب خودش به من، مرا مورد غضب شدید قرار داد و حیثیت مرا آماج تیرهای خود گرفت و صفات ناپسند را که همواره در خودش بود همچون قلاده‌ای برگردنم آویخت و یا حق و نیرنگ مرا مشمول غضب قرار داد و یا فریبکاری قصد من نمود. (۱۰) پس - ای پروردگارم - من تو را فریاد کردم و از تو کمک خواستم، چرا که به سرعت اجابت تو مطمئن بودم و می‌دانستم که اگر کسی در پرتو حمایت تو جای گیرد، هرگز مغلوب نمی‌گردد و آنکس که مشمول یاری و پیروزی تو قرار گیرد، هرگز به دیگری پناه نمی‌برد، و تو با قدرت خود مرا از خطر دشمن حفظ فرمودی. (۱۱) و چه بسیار ابرهای مصیبت بار که آنها را از بالای سر من کنار زد و چه فراوان ابرهای نعمت که از آنها باران رحمت بر سرم ریختی و نهرهای مرحمت که بسوی من جاری ساختی و لباس عافیت که بر من پوشاندی و چشمهای مصیبت آفرین که آنها را کور کردی و پرده‌های مشکلات و بلاها که از هم دریدی. (۱۲) و چه بسیار گمانهای خوب که آنها را محقق ساختی و نقص و کمبودها که آنها را جبران فرمودی و افتادگی‌ها که بر پاداشتی و تنگدستی‌ها که به توانگری مبدل ساختی.

(١٣) كُلُّ ذَلِكَ اِنْعَاماً وَ تَطَوُّلاً مِنْكَ، وَ فِي جَمِيعِهِ اِنْهَمَاكاً مِنِّي عَلَى
 مَعَاصِيكَ، لَمْ تَمْنَعْكَ اِسَاءَتِي عَنْ اِثْمِ اِحْسَانِكَ، وَ لَا حَجَرَ نِي ذَلِكَ
 عَنْ اِرْتِكَابِ مَسَاخِيكَ، لَا تُسْأَلُ عَمَّا تَفْعَلُ. (١٤) وَ لَقَدْ سُئِلَتْ
 فَاعْطَيْتَ، وَ لَمْ تُسْأَلْ فَاَبْتَدَأْتَ، وَ اسْتَمِيعَ فَضْلُكَ فَمَا اَكْذَيْتَ، اَبَيْتَ
 - يَا مَوْلَايَ - اِلَّا اِحْسَاناً وَ اَمْتِنَاناً وَ تَطَوُّلاً وَ اِنْعَاماً، وَ اَبَيْتُ اِلَّا تَقْحُمًا
 لِحُرْمَاتِكَ، وَ تَعَدِّيًا لِحُدُودِكَ، وَ غَفْلَةً عَنْ وَعِيدِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ
 - اِلَهِي - مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَ ذِي اِنَاةٍ لَا يُعْجَلُ. (١٥) هَذَا مَقَامٌ مِنْ
 اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النِّعَمِ، وَ قَابَلَهَا بِالتَّقْصِيرِ، وَ شَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ بِالتَّضْيِيعِ.
 (١٦) اَللّٰهُمَّ فَاِنِّي اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِاَلْمُحَمَّدِيَّةِ الرَّفِيعَةِ، وَ اَلْعُلُوِيَّةِ
 اَلْبَيْضَاءِ، وَ اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِهَمَا اَنْ تُعِيدَنِي مِنْ شَرِّ كَذَا وَ كَذَا، فَاِنَّ ذَلِكَ لَا
 يَضِيقُ عَلَيْكَ فِي وُجْدِكَ، وَ لَا يَتَكَادُكَ فِي قُدْرَتِكَ وَ اَنْتَ عَلَى كُلِّ
 شَيْءٍ قَدِيرٌ (١٧) فَهَبْ لِي - يَا اِلَهِي - مِنْ رَحْمَتِكَ وَ دَوَامِ تَوْفِيقِكَ مَا
 اَتَّخِذُهُ سُلْمًا اَعْرُجُ بِهِ اِلَى رِضْوَانِكَ، وَ اَمْنٌ بِهِ مِنْ عِقَابِكَ، يَا
 اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

(٥٠)

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الرَّهْبَةِ:

(١) اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ خَلَقْتَنِي سَوِيًّا، وَ رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا، وَ رَزَقْتَنِي مَكْفِيًّا

(۱۳) همه اینها از لطف واحسان توست و در تمام آنها من در نافرمانی و معصیت تو کوشیده‌ام اما بدی من هیچگاه از احسان تمام تو در حق من جلوگیری نکرده است و این همه نعمت مرا از ارتکاب آنچه موجب خشم توست باز نداشته است. و از تو در آنچه انجام می‌دهی سؤال نمی‌شود.

(۱۴) ویراستی هرگاه از تو چیزی در خواست شده، عطا فرموده‌ای و آنگاه هم که چیزی در خواست نشده، خود به بخشش آغاز نموده‌ای و اگر از احسانت در خواست شده، کم نداده‌ای. ای مولای من، تو جز احسان و اکرام و بخشش و انعام برای ما چیزی نمی‌خواهی ولی من جز فرورفتن در محرمات و تجاوز نسبت به قوانین تو و غفلت از تهدیدهای تو کاری ندارم. پس سپاس و شکر تنها از آن توست. ای معبود من، ای قادری که هرگز مغلوب واقع نمی‌شوی و ای مهلت دهنده‌ای که هرگز در عقوبت، شتاب نمی‌کنی.

(۱۵) جایگاه من، هم اینک، جای کسی است که به وفور نعمتهای تو اعتراف دارد اما در برابر این همه نعمت کوتاهی کرده و خود گواهی می‌دهد که حق تو را تضییع نموده است.

(۱۶) بار پروردگارا من به مقام بلند پادشاه محمدی صلی الله علیه و آله و مرتبت والای علوی علیه السلام بسوی تو تقرب می‌جویم و توجهم به توست که به حق آن دو بزرگوار مرا از شرّ این و آن مصون بداری که این امر با توجه به توانگری تو هرگز سخت و دشوار نیست و با قدرتی که داری هرگز تو را رنجور نمی‌سازد و تو بر هر چیز توانایی.

(۱۷) پس ای معبود من، از رحمت و توفیق مستمر خویش آن قدر به من عطا کن که آن را نردبانی سازم و به سوی مقام رضوان تو بالا روم و از عقاب تو در امان باشم. ای مهربانترین مهربانان.

دعای پنجاه :

در باب ترس از خدا

(۱) خدایا تو مرا با اعتدال آفریدی و در طفولیت پرورش دادی و به میزان

کفایت روزی ام عطا کردی.

(٢) اللَّهُمَّ إِنِّي وَجَدْتُ فِيمَا أَنْزَلْتَ مِنْ كِتَابِكَ، وَبَشَّرْتَ بِهِ عِبَادَكَ أَنْ قُلْتَ: يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا، وَقَدْ تَقَدَّمَ مِنِّي مَا قَدْ عَلِمْتَ وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، فَيَا سَوَاتِنَا مِمَّا أَحْصَاهُ عَلَيَّ كِتَابُكَ (٣) فَلَوْلَا الْمَوَاقِفُ الَّتِي أَوْمَلُ مِنْ عَفْوِكَ الَّذِي شَمِلَ كُلَّ شَيْءٍ لَلْقَيْتُ بِيَدِي، وَلَوْ أَنَّ أَحَدًا اسْتَطَاعَ الْهَرَبَ مِنْ رَبِّهِ لَكُنْتُ أَنَا أَحَقُّ بِالْهَرَبِ مِنْكَ، وَأَنْتَ لَا تَخْفَى عَلَيْكَ خَافِيَةٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ إِلَّا آتَيْتَ بِهَا، وَكَفَى بِكَ جَازِيًا، وَكَفَى بِكَ حَسِيبًا. (٤) اللَّهُمَّ إِنَّكَ طَالِبِي إِنْ أَنَا هَرَبْتُ، وَمُدْرِكِي إِنْ أَنَا فَرَرْتُ، فَهَذَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ خَاضِعٌ ذَكِيلٌ رَاغِمٌ، إِنْ تُعَذِّبْنِي فَإِنِّي لِذَلِكَ أَهْلٌ، وَهُوَ - يَا رَبِّ - مِنْكَ عَدْلٌ، وَإِنْ تَغْفُ عَنِّي فَقَدِيمًا شَمَلَنِي عَفْوُكَ، وَالْبَسْتَنِي عَافِيَتِكَ. (٥) فَاسْأَلُكَ - اللَّهُمَّ - بِالْمَخْرُوجِ مِنَ أَسْمَائِكَ، وَبِمَا وَارَثَهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهَائِكَ، إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَةَ، وَهَذِهِ الرِّمَّةَ الْهَلُوعَةَ، الَّتِي لَا تَسْتَطِيعُ حَرَّ شَمْسِكَ، فَكَيْفَ تَسْتَطِيعُ حَرَّ نَارِكَ؟! وَالَّتِي لَا تَسْتَطِيعُ صَوْتَ رَعْدِكَ، فَكَيْفَ تَسْتَطِيعُ صَوْتَ غَضَبِكَ؟! (٦) فَارْحَمْنِي - اللَّهُمَّ - فَإِنِّي امْرُؤٌ حَقِيرٌ، وَخَطَرِي يَسِيرٌ، وَلَيْسَ عَذَابِي مِمَّا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ، وَلَوْ أَنَّ عَذَابِي مِمَّا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ لَسَأَلْتُكَ الصَّبْرَ عَلَيْهِ، وَأَحْبَبْتُ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ لَكَ، وَلَكِنْ سُلْطَانُكَ - اللَّهُمَّ - أَعْظَمُ، وَمُلْكُكَ أَدْوَمُ مِنْ أَنْ تَزِيدَ فِيهِ طَاعَةَ الْمُطِيعِينَ، أَوْ تَنْقُصَ مِنْهُ مَعْصِيَةَ الْمُذْنِبِينَ. (٧) فَارْحَمْنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَتَجَاوَزْ عَنِّي يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَتُبْ عَلَيَّ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.

(۲) خداوندا من در آیاتی که بعنوان کتاب آسمانی نازل فرموده‌ای و بندگانت را بدان بشارت داده‌ای یافتم که چنین فرمودی: ای بندگان من که بر جان خویش اسراف کرده و تجاوز نموده‌اید، هرگز از رحمت خدا نا امید نشوید، چرا که خداوند همه گناهان را مورد مغفرت و آمرزش قرار می‌دهد. و در گذشته گناهانی که تو خود از آنها آگاهی و کم و کیف آنها را از من بهتر میدانی از من سرزده است. پس وای بر من از آنچه تو در نامه اعمالم نوشته‌ای. (۳) و اگر جای امیدواری به عفو تو که همه چیز را شامل می‌شود نبود، خود را هلاک می‌ساختم و اگر امکان می‌داشت که کسی از پروردگارش بگریزد، براستی من از همه سزاوارتر بودم که از تو بگریزم. و هیچ چیز در زمین و آسمان از تو پنهان نمی‌ماند و تو آن را حاضر می‌کنی و مجازات و محاسبه تو در قیامت، کفایت خواهد کرد. (۴) پروردگارا، من اگر از تو می‌گریزم، تو طالب منی و اگر من از تو فرار می‌کنم، تو بدنبال منی. و اینک من با حال خضوع و ذلت و افتادگی در پیشگاه تو سر به فرمانم. اگر مرا عذاب کنی، بحق شایسته آنم و این امر از جانب تو عین عدل است. و اگر مرا ببخشی، همچون گذشته عفو تو شامل حال من شده و لباس بخشش را بر تنم پوشانده‌ای. (۵) پس ای پروردگار من، از تو درخواست می‌کنم به حق اسمائی که نزد خود پنهان داری و به حق آن جمالی که پرده‌ها مانع از درخشش آن شده‌اند، بر این نفس نالان و بر این تکه استخوان ناتوان رحم آور. نفسی که تحمل گرمای خورشید را ندارد پس چگونه حرارت آتش دوزخ را تحمل تواند کرد؟ و نیز کسی که نمی‌تواند صدای رعد آسمان را بشنود، چگونه تاب شنیدن صدای خشم تو را دارد؟! (۶) پس ای خدای من، بر من رحم کن، من فردی کوچک و ناچیزم، و ارزشی اندک دارم و عذاب من هرگز به مقدار مثقال و ذره‌ای بر سلطنت تو نمی‌افزاید و اگر عذاب کردن من چیزی بر ملک تو می‌افزود از تو می‌خواستم که به من صبر در این عذاب را عطا کنی و دوست می‌داشتم که آن فزونی در ملک تو محقق گردد. ولی خدایا سلطنت تو بزرگتر و ملک تو با دوام تر از آن است که اطاعت فرمانبران چیزی بر آن بیفزاید و یا نافرمانی گناهکاران چیزی از آن بکاهد. (۷) پس ای مهربانترین مهربانان، بر من رحم کن وای صاحب جلالت و اکرام، از من درگذر و توبه‌ام بپذیر که براستی تو، توبه پذیر و مهربانی.

(٥١)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
فِي التَّضَرُّعِ وَالِاسْتِكَانَةِ:

(١) إِلَهِي أَحْمَدُكَ وَأَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ عَلَى حُسْنِ صَنِيعِكَ إِلَيَّ، وَ سُبُوغِ نِعْمَاتِكَ عَلَيَّ، وَ جَزِيلِ عَطَائِكَ عِنْدِي، وَ عَلَيَّ مَا فَضَّلْتَنِي بِهِ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ أَشْبَعْتَ عَلَيَّ مِنْ نِعْمَتِكَ، فَقَدْ اضْطَنْعْتُ عِنْدِي مَا يَعْجِزُ عَنْهُ شُكْرِي. (٢) وَ لَوْلَا إِحْسَانُكَ إِلَيَّ وَ سُبُوغُ نِعْمَاتِكَ عَلَيَّ مَا بَلَغْتُ إِحْرَازَ حَظِّي، وَ لَا إِصْلَاحَ نَفْسِي، وَ لَكِنَّكَ ابْتَدَأْتَنِي بِالْإِحْسَانِ، وَ رَزَقْتَنِي فِي أُمُورِي كُلِّهَا الْكِفَايَةَ، وَ صَرَفْتَ عَنِّي جَهْدَ الْبَلَاءِ، وَ مَنَعْتَ مِنِّي مَحْذُورَ الْقَضَاءِ. (٣) إِلَهِي فَكَمْ مِنْ بَلَاءٍ جَاهِدٍ قَدْ صَرَفْتَ عَنِّي، وَ كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ سَابِغَةٍ أَقْرَرْتَ بِهَا عَيْنِي، وَ كَمْ مِنْ صَنِيعَةٍ كَرِيمَةٍ لَكَ عِنْدِي (٤) أَنْتَ الَّذِي أَجَبْتَ عِنْدَ الْإِضْطِرَارِ دَعْوَتِي، وَ أَقَلْتَ عِنْدَ الْعِثَارِ زَلَّتِي، وَ أَخَذْتَ لِي مِنَ الْأَعْدَاءِ بِظُلَامَتِي. (٥) إِلَهِي مَا وَجَدْتُكَ بِخِيَلًا حِينَ سَأَلْتُكَ، وَ لَا مُنْقَبِضًا حِينَ أَرَدْتُكَ، بَلْ وَجَدْتُكَ لِدُعَائِي سَامِعًا، وَ لِمَطَالِبِي مُعْطِيًا، وَ وَجَدْتُ نِعْمَاتِكَ عَلَيَّ سَابِغَةً فِي كُلِّ شَأْنٍ مِنْ شَأْنِي وَ كُلِّ زَمَانٍ مِنْ زَمَانِي، فَأَنْتَ عِنْدِي مَحْمُودٌ، وَ صَنِيعُكَ لَدَيَّ مَبْرُورٌ. (٦) تَحْمَدُكَ نَفْسِي وَ لِسَانِي وَ عَقْلِي، حَمْدًا يَبْلُغُ الْوَفَاءَ وَ حَقِيقَةَ الشُّكْرِ، حَمْدًا يَكُونُ مَبْلَغَ رِضَاكَ عَنِّي، فَتَنْجِنِي مِنْ سُخْطِكَ.

دعای پنجاه و یکم:

در هنگام خضوع و زاری به درگاه خداوند

(۱) ای معبود من، تنها تو شایسته حمد و سپاسی و من تو را شکر می‌کنم بر رفتار نیکویت در حق من، و بر وفور نعمت‌های و افزونی عطا‌هایت بر من، و بر رحمتی که بواسطه آن مرا برتری بخشیدی و بر نعمتی که آن را بر من نازل فرمودی، براستی تو در حق من لطف‌هایی نموده‌ای که من از شکر و سپاس آنها عاجزم.

(۲) و اگر احسان و ریزش نعمت‌های تو بر من نبود، من به بهره و سودی نمی‌رسیدم و توفیق اصلاح نفسم را پیدا نمی‌کردم، اما تو در حق من به احسان و نیکی آغاز کردی و کفایت در همه امورم را به من ارزانی داشتی و بلا را از من دور کردی و عواقب دردناک قضا و قدر را از من باز داشتی.

(۳) ای معبود من، چه بسیار گرفتاری‌های سخت که از من بگردانیدی، و چه فراوان نعمت‌های بیشمار که چشمم بدانها روشن ساختی و چه بسیار رفتارهای بزرگوارانه که در حق من انجام دادی.

(۴) تویی که به هنگام بیچارگی، خواسته مرا اجابت فرمودی و به هنگام لغزشها، از خطای من درگذشتی و انتقام مرا از ستمگران گرفتی.

(۵) خدایا من هرگز تو را به هنگام مسئلت، بخیل نمی‌بینم و آن هنگام که به تو رو می‌کنم، گرفته و مُسک نمی‌یابم، بلکه احساس می‌کنم که تو دعایم می‌شنوی و خواسته‌ام عطا می‌کنی و می‌یابم که نعمت‌های تو در هر شأنی از شئون و در هر زمانی از زمانها بر من فرو می‌ریزد. پس تنها تو مورد ستایش منی و این رفتار توست که نزد من نیکوست.

(۶) جان و زیان و عقل من تو را سپاس می‌گویند، سپاسی که به حد کمال و به حقیقت شکر می‌رسد، سپاسی که نهایت رضایت تو از من است، پس مرا از خشم و غضب خودت بَرهان.

(٧) يَا كَهْفِي حِينَ تُغَيِّبُنِي الْمَذَاهِبُ وَيَا مُقِيلِي عَثْرَتِي، فَلَوْلَا سَتْرُكَ
عَوْرَتِي لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ، وَيَا مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ، فَلَوْلَا نَصْرُكَ
إِيَّاي لَكُنْتُ مِنَ الْمَعْلُوبِينَ، وَيَا مَنْ وَضَعْتَ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَذَلَّةِ عَلَيَّ
أَعْنَاقِهَا، فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ، وَيَا أَهْلَ التَّقْوَى، وَيَا مَنْ
لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى، أَسْأَلُكَ أَنْ تَغْفِرَ عَنِّي، وَتَغْفِرَ لِي فَلَسْتُ بَرِيئاً
فَاعْتَدِرْ، وَلَا بِدِي قُوَّةٍ فَاَنْتَصِرْ، وَلَا مَفْرَلي فَاَفِرْ. (٨) وَأَسْتَقِيلُكَ
عَثْرَاتِي، وَاتَّصِلْ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي قَدْ أَوْ بَقَّتْنِي، وَأَخَاطَتْ بِي
فَأَهْلَكْتَنِي، مِنْهَا فَرَزْتُ إِلَيْكَ - رَبِّ - تَائِباً قَتْبَ عَلَيَّ، مُتَعَوِّذاً فَاَعِذْنِي،
مُسْتَجِيراً فَلَا تَخْذُلْنِي، سَائِلاً فَلَا تَحْرِمْنِي مُعْتَصِماً فَلَا تُسْلِمْنِي، دَاعِياً
فَلَا تَرُدَّنِي خَائِباً. (٩) دَعَوْتُكَ - يَا رَبِّ - مِسْكِيناً، مُسْتَكِيناً، مُشْفِيقاً،
خَائِفاً، وَجِلاً، فَقِيراً، مُضْطَرّاً إِلَيْكَ. (١٠) أَشْكُو إِلَيْكَ يَا إِلَهِي ضَعْفَ
نَفْسِي عَنِ الْمَسَارَعَةِ فِيمَا وَعَدْتَهُ أَوْلِيَاءُكَ، وَالْمُجَانِبَةَ عَمَّا حَذَّرْتَهُ
أَعْدَاءُكَ، وَكَثْرَةَ هُمُومِي، وَوَسْوَسةَ نَفْسِي. (١١) إِلَهِي لَمْ تَفْضَحْنِي
بِسِرِّي، وَ لَمْ تُهْلِكْنِي بِجَرِيرَتِي، أَدْعُوكَ فَتُجِيبُنِي وَإِنْ كُنْتُ بِطَيْباً
حِينَ تَدْعُونِي، وَأَسْأَلُكَ كُلَّمَا شِئْتُ مِنْ حَوَائِجِي، وَحَيْثُ مَا كُنْتُ
وَضَعْتُ عِنْدَكَ سِرِّي، فَلَا أَدْعُو سِوَاكَ، وَلَا أَرْجُو غَيْرَكَ (١٢) لَبَيْتِكَ
لَبَيْتِكَ، تَسْمَعُ مَنْ شَكَآ إِلَيْكَ، وَ تَلْقَى مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْكَ، وَ تُخَلِّصُ مَنْ
اعْتَصَمَ بِكَ، وَ تُفَرِّجُ عَمَّنْ لَادَبِكَ. (١٣) إِلَهِي فَلَا تَحْرِمْنِي خَيْرَ الْآخِرَةِ
وَالْأُولَى لِقَلَّةِ شُكْرِي، وَ اغْفِرْ لِي مَا تَعَلَّمُ مِنْ ذُنُوبِي. (١٤) إِنْ تُعَذِّبْ
فَأَنَا الظَّالِمُ الْمَفْرُطُ الْمُضْيِعُ الْأَيْمُ الْمُقْصِرُ الْمُضْجِعُ الْمُغْفِلُ حَظُّ
نَفْسِي، وَإِنْ تَغْفِرْ فَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.

(۷) ای پناهگاه من هنگامیکه راهها و مسلکهای گوناگون مرا ناتوان ساخته‌اند. و ای درگذرنده از لغزشهای من، اگر چشم‌پوشی تو از زشتیهایم نبود، به تحقیق من از رسوایان بودم. و ای تأیید کننده من به یاری و نصرت، اگر یاری تو نبود، به راستی از شکست خوردگان بودم. و ای کسی که پادشاهان در برابر او یوغ ذلت و خواری بر گردنهایشان افکنده‌اند و از هیبت و اقتدار او هراسناکنند، و ای اهل تقوی و ای کسی که نامهای زیبا از آن توست، از تو درخواست می‌کنم که مرا ببخشی و بیامرزی. من بی‌گناه نیستم که عذرم پذیرفته باشد و دارای توانی نیستم که پیروز گردم و راه فراری ندارم که بگیرم. (۸) و از تو می‌خواهم که از خطاهایم درگذری و در آستانت بیزاری می‌جویم از گناهایی که مرا به فلاکت انداخته و احاطه‌ام کرده و به هلاکت کشانده است. ای پروردگار من، از آن گناهان با حال پشیمانی به سوی تو گریخته‌ام، پس توبه‌ام بپذیر. به تو پناه آورده‌ام، پس پناه ده. به تو روی آورده‌ام، پس خوارم مساز. دست‌گذاری به سوی تو دراز کرده‌ام، پس محروم مفرما. به ریسمان تو چنگ انداخته‌ام پس تسلیم دیگری‌ام مکن. تو را می‌خوانم، پس ناامیدم باز مگردان. (۹) ای پروردگار من، تو را می‌خوانم در حالی که مسکینم، نالانم، ترسانم، هراسانم، بیمناکم، گدایم و بیچاره آستان توام. (۱۰) ای معبود من، به تو شکایت می‌آورم از ناتوانیم در اقدام سریع به آنچه که به اولیائت وعده داده‌ای، و در پرهیز از آنچه که دشمنانت را از آنها بیم داده‌ای، و از فراوانی غمها و از وسوسه دلم. (۱۱) معبودا، تاکنون مرا به خاطر نیتهایم رسوا نکرده‌ای و به خاطر گناهانم هلاک نساخته‌ای. هرگاه تو را می‌خوانم مرا اجابت می‌کنی گرچه من در آن هنگام که تو مرا می‌خوانی کاهلم. و هرگاه من حاجتی داشته باشم از تو درخواست می‌کنم و در هر کجا باشم رازم را نزد تو فاش می‌گویم و جز تو را نمی‌خوانم و به هیچکس غیر تو امید ندارم. (۱۲) خدایا اجابت، اجابت. آنکس که به تو شکایت آورد، صدایش می‌شنوی و آن کس که بر تو توکل نماید، به دیدارش می‌روی و هر کس را که به ریسمان تو چنگ زند نجات می‌دهی و آن کس را که به تو پناهنده شود، از گرفتاری می‌رهانی. (۱۳) ای معبود من، پس به خاطر کمی شکر گزاریم، مرا از خیر آخرت و دنیا محروم مفرما و آنچه از گناهانم می‌دانی ببخش. (۱۴) اگر عذابم کنی، البته منم که ظالم و متجاوز و ضایع کننده و گناهکار و مقصر و واگذارنده و غافل از نصیب خویشم. و اما اگر مرا ببخشی، تویی که مهربانترین مهربانانی.

﴿٥٢﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
فِي الْإِلْحَاحِ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى:

(١) يَا اللَّهُ الَّذِي لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ،
وَكَيفَ يَخْفَى عَلَيْكَ - يَا إِلَهِي - مَا أَنْتَ خَلَقْتَهُ، وَكَيفَ لَا تُحْصِي
مَا أَنْتَ صَنَعْتَهُ، أَوْ كَيْفَ يَغِيبُ عَنْكَ مَا أَنْتَ تُدَبِّرُهُ، أَوْ كَيْفَ يَسْتَطِيعُ
أَنْ يَهْرَبَ مِنْكَ مَنْ لَا حَيَاةَ لَهُ إِلَّا بِرِزْقِكَ، أَوْ كَيْفَ يَنْجُو مِنْكَ مَنْ
لَا مَذْهَبَ لَهُ فِي غَيْرِ مُلْكِكَ. (٢) سُبْحَانَكَ! أَخْشَى خَلْقِكَ لَكَ أَعْلَمُهُمْ
بِكَ، وَأَخْضَعُهُمْ لَكَ أَعْمَلُهُمْ بِطَاعَتِكَ، وَأَهْوَنُهُمْ عَلَيْكَ مَنْ أَنْتَ
تَرْزُقُهُ وَهُوَ يَعْبُدُ غَيْرَكَ (٣) سُبْحَانَكَ! لَا يَنْقُصُ سُلْطَانَكَ مَنْ أَشْرَكَ
بِكَ، وَكَذَّبَ رُسُلَكَ، وَلَيْسَ يَسْتَطِيعُ مِنْ كَرِهَةِ قَضَائِكَ أَنْ يَرُدَّ أَمْرَكَ،
وَلَا يَمْتَنِعُ مِنْكَ مَنْ كَذَّبَ بِقُدْرَتِكَ، وَلَا يَفُوتُكَ مَنْ عَبَدَ غَيْرَكَ،
وَلَا يُعَمَّرُ فِي الدُّنْيَا مَنْ كَرِهَ لِقَاءَكَ. (٤) سُبْحَانَكَ! مَا أَعْظَمَ شَأْنَكَ،
وَأَقْهَرَ سُلْطَانَكَ، وَأَشَدَّ قُوَّتَكَ، وَأَنْفَذَ أَمْرَكَ! (٥) سُبْحَانَكَ!
قَضَيْتَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ الْمَوْتَ: مَنْ وَحَدَّكَ وَمَنْ كَفَرَ بِكَ، وَكُلُّ
ذَاتِقِ الْمَوْتِ، وَكُلُّ صَائِرِ إِلَيْكَ، فَتَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ. (٦) أَمَنْتُ بِكَ، وَصَدَّقْتُ رُسُلَكَ، وَقَبِلْتُ
كِتَابَكَ، وَكَفَرْتُ بِكُلِّ مَعْبُودٍ غَيْرِكَ، وَبَرِئْتُ مِمَّنْ عَبَدَ سِوَاكَ.

دعای پنجاه و دوم:

اصرار در آستان خداوند

(۱) ای خدایی که چیزی در زمین و آسمان از تو پنهان نمی ماند، و ای معبود من، چگونه پنهان بماند چیزی که تو خود خالق آن هستی؟ و چگونه قابل شمارش نباشد چیزی که خود آن را ساخته ای؟ یا چگونه از تو غایب شود چیزی که خود آن را تدبیر می کنی؟ یا چگونه می تواند از تو بگریزد کسی که زندگی او جز به روزی تو بسته نیست؟ یا چگونه می تواند از دست تو خود را رها کند کسی که در غیر مملکت تو راهی برای او نیست؟!

(۲) خدایا پاک و پیراسته ای! با ترس ترین بندگانت از تو، عالمترین آنان به تو ست و خاشع ترین آنان در بارگاه تو مطیعترین آنهاست و پست ترین آنان کسی است که تو او را روزی می دهی ولی او غیر تو را می پرستد.

(۳) خداوند پاک و منزهی! کسی که مُشْرک شود و پیامبران را تکذیب کند از سلطنت تو چیزی نمی گاهد. و کسی که حکم تو را ناگوار می پندارد نمی تواند فرمان تو را بگرداند و کسی که قدرت تو را دروغ می شمرد نمی تواند از چنگ تو بگریزد و آنکس که غیر تو را پرستش کند از خاطر تو نمی رود و آنکس که دیدار تو برایش ناگوار است، در دنیا برای همیشه عمر نمی کند.

(۴) خدایا پاک و منزهی! چه قدر مقام تو بزرگ و سلطنت تو غالب و قدرت تو شدید و فرمان تو نافذ است!

(۵) پاک و پیراسته ای! برای جمیع بندگانت مرگ را امری حتمی قرار داده ای چه آنها که تو را به یکتایی می پرستند و چه آنها که به تو کافرند، و همگان مرگ را خواهند چشید و همه به سوی تو باز می گردند. پس تو مبارک و والایی، هیچ معبودی جز تو نیست، یکتایی و هیچ شریکی برای تو نیست.

(۶) من به تو ایمان آوردم و رسولانت را تصدیق کردم و کتابت را پذیرفتم و به هر معبودی غیر تو کافر شدم و از هر کس که غیر تو را عبادت کند، بیزارم. جستم.

(٧) اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبِحُ وَأُمْسِي مُسْتَقِيلاً لِعَمَلِي، مُعْتَرِفاً بِذَنْبِي، مُقِرّاً بِخَطَايَايَ، أَنَا بِإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي ذَلِيلٌ، عَمَلِي أَهْلَكَنِي، وَهَوَايَ أَرْدَانِي، وَشَهَوَاتِي حَرَمَتْنِي. (٨) فَاسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ سُؤَالَ مَنْ نَفْسُهُ لَاهِيَةٌ لِطُولِ أَمَلِهِ، وَبَدَنُهُ غَافِلٌ لِسُكُونِ عُرُوقِهِ، وَقَلْبُهُ مَفْتُونٌ بِكَثْرَةِ النَّعْمِ عَلَيْهِ، وَفِكْرُهُ قَلِيلٌ لِمَا هُوَ صَاحِبٌ إِلَيْهِ. (٩) سُؤَالَ مَنْ قَدْ غَلَبَ عَلَيْهِ الْأَمَلُ، وَفَتَنَهُ الْهَوَى، وَاسْتَمَكَّتْ مِنْهُ الدُّنْيَا، وَأَظْلَمَ الْأَجَلَ، سُؤَالَ مَنْ اسْتَكْتَرَ ذُنُوبَهُ، وَاعْتَرَفَ بِخَطِيئَتِهِ، سُؤَالَ مَنْ لَا رَبَّ لَهُ غَيْرَكَ، وَلَا وَلِيَّ لَهُ دُونَكَ، وَلَا مُنْقِذَ لَهُ مِنْكَ، وَلَا مَلْجَأَ لَهُ مِنْكَ، إِلَّا إِلَيْكَ. (١٠) إِلَهِي أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ الْوَاجِبِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي أَمَرْتَ رَسُولَكَ أَنْ يُسَبِّحَكَ بِهِ، وَبِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، الَّذِي لَا يَبْلَى وَلَا يَتَغَيَّرُ، وَلَا يَحُولُ وَلَا يَفْنَى، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُغْنِيَنِي عَنْ كُلِّ شَيْءٍ بِعِبَادَتِكَ، وَأَنْ تُسَلِّيَ نَفْسِي عَنِ الدُّنْيَا بِمَخَافَتِكَ، وَأَنْ تُثَنِّينِي بِالْكَثِيرِ مِنْ كَرَامَتِكَ بِرَحْمَتِكَ. (١١) فَالَيْكَ أَفِرُّ، وَمِنْكَ أَخَافُ، وَبِكَ أَسْتَعِيْثُ، وَإِيَّاكَ أَرْجُو، وَلَكَ أَدْعُو، وَإِلَيْكَ أَلْجَأُ، وَبِكَ أَتَّقُ، وَإِيَّاكَ أَسْتَعِينُ، وَبِكَ أُوْمِنُ، وَعَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ، وَعَلَى جُودِكَ وَكَرَمِكَ أَتَكِلُ.

(۷) خداوندا من همواره که شب را صبح می‌کنم و صبح را به شب می‌رسانم عمل خودم را اندک می‌بینم و به گناهانم اعتراف دارم و به خطاهایم اقرار می‌کنم. من به خاطر تعدّی به خویشتن ذلیلم، رفتارم مرا هلاک ساخته و هوای نفسم مرا پست و ذلیل گردانیده و شهواتم مرا از توفیقات و بهره‌ها محروم ساخته است.

(۸) پس ای مولای من، به گدایی آمده‌ام، و این گدایی از سوی کسی است که به خاطر آرزوهای دراز روحش بیهوده شده و به خاطر خشکی و بی‌تحرکی رگها جسمش غافل شده و دلش شیفته و شیدای فراوانی نعمتها گشته و فکرش نسبت به آینده‌ای که به سوی آن پیش می‌رود اندک است.

(۹) گدایی کسی است که به راستی آرزو بر او غالب آمده و هوای نفس او را فریب داده و دنیا بر او مسلط گشته و مرگ بر او سایه افکنده است. گدایی کسی است که گناهانش را بسیار می‌داند و به خطای خود معترف است. گدایی کسی است که جز تو پروردگاری برایش نیست و غیر تو سرپرستی ندارد و هیچ کس او را از چنگ تو نجات نمی‌دهد و هیچ پناهی برای فرار از تو جز آستان خودت ندارد.

(۱۰) خدایا از تو درخواست می‌کنم به احترام حقّی که بر همه مخلوقات داری و به اسم اعظمت که پیامبرت را فرمان دادی تا به آن اسم تو را تسبیح گوید و به عظمت ذاتِ بزرگت که هرگز فرسوده و متغیر نمی‌گردد و دگرگونی و نیستی نمی‌پذیرد، که بر محمد و آل محمد علیهم‌السلام درود فرستی و در پرتو بندگی خودت مرا از هر چیزی بی‌نیاز گردانی و با ترس از خودت علاقه به دنیا را از دل من بکنی و با رحمت خود مرا با انبوه کرامت‌هایت جُفت و همراه گردانی.

(۱۱) پس من به سوی تو می‌گریزم و از تو می‌ترسم و از تو یاری می‌جویم و تنها به تو امید دارم و تو را می‌خوانم و به تو پناهنده می‌شوم و تنها به تو اطمینان دارم و از تو کمک می‌طلبم و به تو ایمان دارم و بر تو توکل می‌کنم و بر بخشش و کرم تو اعتماد و تکیه دارم.

(٥٣)

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
فِي التَّذَلُّلِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ:

(١) رَبِّ اَفْحَمْنِي ذُنُوبِي، وَانْقَطَعَتْ مَقَالَتِي، فَلَا حُجَّةَ لِي، فَاَنَا
الْأَسِيرُ بِبَيْتِي، الْمُرْتَهَنُ بِعَمَلِي، الْمُرَدَّدُ فِي خَطِيئَتِي، الْمُتَحَيِّرُ عَنْ
قَضِي، الْمُنْقَطَعُ بِي. (٢) قَدْ أَوْقَفْتُ نَفْسِي مَوْقِفَ الْأَذْلَاءِ الْمُذْنِبِينَ،
مَوْقِفَ الْأَشْقِيَاءِ الْمُتَجَرِّبِينَ عَلَيْكَ، الْمُسْتَخْفِينَ بِوَعْدِكَ (٣) سُبْحَانَكَ!
أَيَّ جُرَاةٍ اجْتَرَأْتُ عَلَيْكَ، وَأَيَّ تَغْرِيرٍ عَرَّزْتُ بِنَفْسِي؟! (٤) مَوْلَايَ
ارْحَمْ كِبُوتِي لِحُرِّ وَجْهِي وَرَلَّةَ قَدَمِي، وَعُدِّ بِحِلْمِكَ عَلَيَّ جَهْلِي
وَإِيْحْسَانِكَ عَلَيَّ إِسَاءَتِي، فَاَنَا الْمُقَرَّبُ بِذَنْبِي، الْمُعْتَرِفُ بِخَطِيئَتِي،
وَ هَذِهِ يَدِي وَنَاصِيَتِي، أَسْتَكِينُ بِالْقَوْدِ مِنْ نَفْسِي، ارْحَمْ شَيْبَتِي،
وَ نَفَادَ أَيَّامِي، وَاقْتِرَابَ أَجَلِي وَضَعْفِي وَ مَسْكَنتِي وَ قِلَّةَ حِيلَتِي.
(٥) مَوْلَايَ وَارْحَمْنِي إِذَا انْقَطَعَ مِنَ الدُّنْيَا أَثْرِي، وَامْحَى مِنَ الْمَخْلُوقِينَ
ذِكْرِي، وَكُنْتُ مِنَ الْمُنْسِيِينَ كَمَنْ قَدْ نَسِيَ (٦) مَوْلَايَ وَارْحَمْنِي عِنْدَ
تَغْيِيرِ صُورَتِي وَ خَالِي إِذَا بَلَغَ جِسْمِي، وَ تَفَرَّقَتْ أَعْضَائِي، وَ تَقَطَّعَتْ
أَوْصَالِي، يَا عَفْلَتِي عَمَّا يُرَادُ بِي. (٧) مَوْلَايَ وَارْحَمْنِي فِي حَشْرِي
وَ نَشْرِي، وَاجْعَلْ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مَعَ أَوْلِيَائِكَ مَوْقِفِي، وَفِي أَحْبَابِكَ
مَصْدَرِي، وَفِي جِوَارِكَ مَسْكَنِي، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

دعای پنجاه وسوم:

در هنگام خضوع و خشوع در برابر خداوند

- (۱) پروردگارا، گناهانم مرا ساکت ساخته و سخنم را بریده است، پس من هیچ دلیلی ندارم و از این رو من اسیر گرفتاریهایم هستم و در گرو اعمال خویشم و در گناهانم متحیرم و در نیتم سرگردانم و در راه و امانده‌ام.
- (۲) خود را در جایگاه فرومایگان گناهکار قرار داده‌ام، جایگاه شقاوت پیشگانی که بر تو جسارت ورزیدند و وعده‌های تو را سبک پنداشتند.
- (۳) خدایا پاک و پیراسته‌ای! چه جرأتی بود که به حریم تو جسارت کردم و چه فریبی بود که با آن خود را گول زدم؟!
- (۴) ای سرور من، بر با صورت به زمین خوردنم و بر لغزش گامهایم رحم کن و بر جهلم با بردباریت و بر سوء کردارم با احسانت رفتار نما. چرا که من به گناهانم اقرار دارم و به خطای خویش معترفم و اینک این دست من و این موی پیشای من است که در کف توست، تسلیمم که مرا قصاص کنی. رحم کن بر سالخوردم و بر افول روزهای عمرم و بر نزدیک شدن مرگم و بر ناتوانی و نیازمندی و بیچارگیم.
- (۵) ای آقای من، بر من رحم کن آن هنگام که اثری از من در دنیا باقی نماند و یاد من از میان مخلوقین تو برود و من از فراموش شدگان باشم، گویی به کلی فراموش شده‌ام.
- (۶) و ای مولای من، بر من رحم کن آن هنگام که صورتم دگرگون شود و حالم عوض شود، وقتی که بدنم متلاشی شود و اعضایم از هم جدا گردند و مفاصلم پاره شوند! ای وای بر غفلت و بی‌خبری من از آنچه قرار است برایم پیش آید!
- (۷) ای سرور من، به هنگام برانگیخته شدن و زنده شدنم در قیامت بر من رحم کن، و جایگاه مرا در آن روز در کنار اولیاء خودت و محل مرا در میان دوستانت و مسکن مرا در جوار خودت قرار ده، ای پروردگار جهانیان.

﴿٥٤﴾

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
فِي اسْتِكْشَافِ الْهُمُومِ:

(١) يَا فَارِجَ الْهُمِّ، وَكَاشِفَ الْغَمِّ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
وَرَحِيمَهُمَا، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْرِجْ هَمِّي، وَاكْشِفْ
غَمِّي. (٢) يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ
يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، اعْصِمْنِي وَطَهِّرْنِي، وَادْهَبْ بِيَلَيْسِي. وَاقْرَأْ آيَةَ
الْكُرْسِيِّ وَالْمُعَوِّذَ تَيْنِ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، وَقُلْ: (٣) اَللَّهُمَّ اِنِّي
اَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ اَشْتَدَّتْ فِاقَتُهُ، وَضَعُفَتْ قُوَّتُهُ، وَكَثُرَتْ ذُنُوبُهُ،
سُؤَالَ مَنْ لَا يَجِدُ لِفِاقَتِهِ مُغِيثًا، وَلَا لِضَعْفِهِ مُقَوِّيًا، وَلَا لِذَنْبِهِ غَافِرًا
غَيْرَكَ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ اَسْأَلُكَ عَمَلًا تُحِبُّ بِهِ مَنْ عَمِلَ بِهِ،
وَيَقِينًا تَنْفَعُ بِهِ مَنْ اسْتَيْقَنَ بِهِ حَقَّ الْيَقِينِ فِي نَفَاذِ اَمْرِكَ. (٤) اَللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاقْبِضْ عَلَيَّ الصَّدَقِ نَفْسِي، وَاقْطَعْ
مِنَ الدُّنْيَا حَاجَتِي، وَاجْعَلْ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتِي شَوْقًا اِلَى لِقَائِكَ، وَهَبْ
لِي صِدْقَ التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ. (٥) اَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ كِتَابٍ قَدْ خَلَا،
وَاعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كِتَابٍ قَدْ خَلَا، اَسْأَلُكَ خَوْفَ الْعَابِدِينَ لَكَ، وَعِبَادَةَ
الْخَاشِعِينَ لَكَ، وَيَقِينَ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ، وَتَوَكُّلَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْكَ.

دعای پنجاه و چهارم:

در رفع غم و اندوه

(۱) ای برطرف کننده اندوه و ای دورکننده غمها، ای مهربان و عطوف در دنیا و آخرت، بر محمد و آل محمد علیهم السلام درود فرست و غم و اندوه مرا برطرف فرما.

(۲) ای یگانه، ای یکتا، ای بی نیاز، ای کسی که نه می زاید و نه زائیده می شود و برای او همتایی نیست، مرا حفظ کن و از گناهان مبرا ساز و گرفتاریم برطرف فرما. [آیه الکرسی و سوره فلق و سوره ناس و سوره توحید را بخوان و بگو]

(۳) خدایا من از تو مسألت دارم، مسألت کسی که نیازش سخت و توانش ضعیف و گناهانش افزون شده است. مسألت کسی که برای رفع نیازمندیش یابوری نمی یابد و برای جبران ناتوانیش، تقویت کننده ای پیدا نمی کند و برای گناهانش آمرزنده ای سراغ ندارد جز تو. ای صاحب جلال و اکرام، از تو عملی را می خواهم که عامل به آن را دوست می داری و یقینی را درخواست می کنم که هرکس به آن درجه از یقین نسبت به نفوذ اراده و فرمان تو برسد، نفع فراوان خواهد برد.

(۴) خداوندا بر محمد و آل محمد علیهم السلام درود فرست و مرا در حال صدق و راستی بمیران و حاجتم به دنیا را قطع کن و میل مرا در چیزهایی که نزد توست قرار بده که به دیدارت اشتیاق پیدا کنم و صداقت در توکل بر خودت را به من عطا فرما.

(۵) از تو درخواست می کنم خیر آنچه را در نامه اعمالم ثبت شده و از شر آنچه مکتوب شده به تو پناه می آورم. از تو طلب می کنم ترس آنهایی را که بندگی تو می کنند و بندگی آنهایی را که در برابر تو خاشعند و یقین آنهایی را که بر تو توکل دارند و توکل آنانی را که به تو ایمان دارند.

(٦) اللَّهُمَّ اجْعَلْ رَغْبَتِي فِي مَسَائِلِي مِثْلَ رَغْبَةِ أَوْلِيَائِكَ فِي مَسَائِلِهِمْ،
 وَرَهْبَتِي مِثْلَ رَهْبَةِ أَوْلِيَائِكَ، وَاسْتَعْمَلْنِي فِي مَرْضَاتِكَ عَمَلًا لَا أَتْرُكُ
 مَعَهُ شَيْئًا مِنْ دِينِكَ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ. (٧) اللَّهُمَّ هَذِهِ حَاجَتِي
 فَأَعْظِمْ فِيهَا رَغْبَتِي، وَأَظْهِرْ فِيهَا عُذْرِي، وَاقْنِي فِيهَا حُجَّتِي، وَعَافِ
 فِيهَا جَسَدِي. (٨) اللَّهُمَّ مَنْ أَصْبَحَ لَهُ ثِقَّةٌ أَوْ رَجَاءٌ غَيْرُكَ، فَقَدْ
 أَصْبَحَتْ وَأَنْتَ ثِقَّتِي وَرَجَائِي فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا، فَأَقْضِ لِي بِخَيْرِهَا
 عَاقِبَةً، وَنَجِّنِي مِنْ مَضَلَّاتِ الْفِتَنِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.
 (٩) وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ الْمُصْطَفَى وَعَلَى آلِهِ
 الطَّاهِرِينَ.

انتهى ٧٥/٨/١٥



مركز بحوث الكمبيوتر علوم إسلامي

(۶) خدایا میل من به خواسته‌ام را همچون میل اولیائت به خواسته‌هایشان و ترس مرا همچون ترس آنان قرار بده و مرا در راه رضایت خود به کارهایی موفق فرما که هیچ چیز از دین تو را به خاطر ترس از مخلوق ترک نکنم.

(۷) خداوند، این است حاجت من، پس میل مرا نسبت به آن افزون کن و در آنها زبانِ پوزش به من عطا فرما و استدلال در آنها را به من تلقین کن و تنم را در این حاجات سالم بدار.

(۸) خدایا اگر دیگری شب را صبح می‌کند در حالی که اطمینان و امیدی به غیر تو دارد، من چنین نیستم بلکه صبح می‌کنم در حالی که تو در همهٔ امور مورد اطمینان و محل امید منی، پس عاقبت همهٔ کارها را برایم خیر قرار بده و مرا از گمراهیهای بلاها و آزمایشات نجات ده، به رحمت ای مهربانترین مهربانان.

(۹) و درود خدا بر آقای ما محمد ﷺ رسول برگزیدهٔ خدا و بر آل پاک او باد.

والحمد لله رب العالمین.



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

فهرست موضوعات کلی صحیفة سجادیه^۱

باب اول: توحید	باب یازدهم: اقتصاد
باب دوم: نبوت	باب دوازدهم: انسان شناسی
باب سوم: امامت	باب سیزدهم: عالم هستی و وجود
باب چهارم: معاد	باب چهاردهم: اجتماع و آداب معاشرت
باب پنجم: اسلام و احکام آن	باب پانزدهم: علم و دانش
باب ششم: ملائکه و فرشتگان	باب شانزدهم: ایام و اوقات
باب هفتم: اخلاق	باب هجدهم: مسائل تاریخی
باب هشتم: طاعت و بندگی	باب هیجدهم: صحت و تندرستی
باب نهم: ذکر و دعا	باب نوزدهم: جهاد و مسائل نظامی
باب دهم: سیاست	

۱. در تهیه فهرست، از کتاب «الدلیل الی موضوعات الصحیفة السجادیة» تألیف آقای محمدحسین مظفر، از انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم استفاده کرده‌ایم.

فهرست تفصیلی موضوعات



تذکره: برای پیدا کردن هر مطلب، می توانید شماره دعا و شماره عبارت را در کتاب پیدا کنید و به موضوع مورد نظر خود دستت یابید، ضمناً شماره قبل از (/) برای دعا و بعد از آن برای عبارت است. بعنوان مثال:

۱- وحدانیت و ربوبیت خدا

۱۰/۱، یعنی دعای اول، عبارت دهم.

باب اول: توحید

۱۴، ۲/۴۷، ۱۳، ۷/۴۲، ۱۲/۲۲، ۱۴/۳۹	۱- وحدانیت و ربوبیت خدا
۹، ۶، ۵، ۳، ۲/۵۲، ۱۳/۴۹، ۱۷۲، ۲۰	۱۳/۲۱، ۱۲۲/۲۰، ۱۱۱/۱۷، ۱۲/۶، ۱۰/۱
	۱۰/۲۸، ۱۵/۳۵، ۱۴/۲۳، ۲/۴۷، ۳، ۷۲
	۱۸۸، ۱۲/۴۸، ۱۳/۴۹، ۵/۵۲، ۶، ۱۹، ۲/۵۴
	۳- ذات و صفات خدا
۱۱/۳۱، ۱۹/۱۶، ۱۳/۵۲، ۱۸/۳، ۱۲/۱	
۱۹، ۱۸، ۱۶، ۷، ۲/۴۷، ۱۲/۳۶، ۱۷/۳۲	۲- شرک و الحاد
۱۰/۵۲، ۱۲۷	۱۰/۱، ۱۹/۲، ۷/۲۷، ۱۱۰-۷، ۱۲/۲۸، ۱۳/۳۶

۴- تسبيح و تقدیس خداوند

۱۰/۵۲ ۱۷، ۱/۳

۱۲۳، ۶/۴۷ ۱۱/۲۶ ۱۵۰، ۴۷، ۲۱/۴۵ ۱۲۱
 ۱۱۳۲، ۱۲۹، ۱۲۵، ۱۲۴، ۱۰۱، ۶۹، ۶۶
 ۱۱۷، ۱۱/۳۹ ۱۲۸، ۲۲، ۸، ۴، ۲/۴۸
 ۱/۵۴ ۱۱۰/۵۲ ۱۷، ۶/۵۰

۵- اسماء حسناى الهی

۱۷/۵۱ ۱۵/۵۰ ۱۱۰/۴۵ ۱۱۴/۳۹ ۱۷/۱
 ۱۰/۵۲

۱۱- بی نیازی خدا

۱۰/۲۵ ۱۱۱/۱۶ ۱۱۲، ۱۱/۱۳ ۱۳/۱۰
 ۱۱۳، ۷، ۶/۳۹ ۱۱۵/۳۷ ۱۱/۲۷ ۱۱
 ۶، ۴/۴۸ ۱۱۲۵، ۲/۴۷ ۱۲۱، ۱/۴۵

۶- محبت خدا

۱۰/۲۱ ۱۳/۱۷ ۱۱۷/۶ ۱۱۶/۲ ۱۱/۳ ۱۴/۱
 ۱۰۲، ۸۶/۴۷ ۱۱۳، ۱۱

۱۲- توکل بر خداوند

۱۵۶/۴۵ ۱۱۰/۲۵ ۱۱۵/۱۶ ۱۳۰/۱
 ۵، ۴/۵۴ ۱۱۱/۵۲ ۱۱۲/۵۱

۷- وصف اول و آخر

۵۳، ۲۸، ۹، ۷، ۲/۴۷ ۱۸/۳۲ ۱۱/۱

۱۳- عظمت و کبریائی خدا

۱۵/۱۰ ۱۱۰/۷ ۱۱۲، ۵/۵ ۱۱/۵ ۱۸، ۷/۳
 ۱۱۴، ۴/۲۲ ۱۹/۲۱ ۱۱۳/۲۰ ۱۱۹/۱۶
 ۱۱۳/۳۹ ۱۷/۳۲ ۱۲۳/۳۱ ۱۱۰/۲۸ ۱۵/۲۳
 ۱۱۳، ۱۲/۲۶ ۱۱۲/۴۵ ۱۱۳/۲۴ ۱۴/۴۳
 ۲۲، ۱۶، ۱۱، ۱۰، ۵، ۴/۲۷ ۱۲۴، ۲۴
 ۱۸، ۲/۴۸ ۱۱۲۶، ۴۹، ۴۱، ۲۶، ۲۴
 ۵، ۴/۵۲ ۱۷/۵۱

۸- صفت قادر

۱۶/۱۳ ۱۶، ۵، ۲/۷ ۱۲/۶ ۱۱/۲ ۱۱۸/۱
 ۱۱۳، ۶، ۵/۲۱ ۱۲۵، ۱۳/۲۰ ۱۳۲، ۳۳/۱۶
 ۱۱۰/۲۸ ۱۱۱، ۸/۲۵ ۱۸/۲۳ ۱۱/۲۲
 ۱۲/۳۴ ۱۳۳، ۴، ۲، ۳۰/۳۲ ۱۳۰، ۷، ۶/۳۱
 ۲۷، ۱۶، ۱۲/۲۷ ۱۱۹/۴۶ ۱۲/۴۳ ۱۷/۳۹
 ۱۱۶، ۱۲/۴۹ ۱۱۵، ۱۳، ۴/۴۸ ۱۱۱۹
 ۲، ۴/۵۲ ۱۷/۵۱

۱۴- قوت و قدرت الهی

۱۶/۱۴ ۱۱۴/۱۲ ۱۵/۹ ۱۱/۶ ۱۱۱/۵
 ۱۱۹/۳۱ ۱۱۰/۲۸ ۱۱/۲۷ ۱۱۱/۲۰
 ۱۷/۵۱ ۱۲۵، ۱۵/۴۸ ۱۱۴/۴۷ ۱۲۲/۴۶
 ۴/۵۲

۹- علم الهی

۱۹/۲۷ ۱۱۶/۱۷ ۱۵/۱۶ ۱۶/۵ ۱۲۷/۱
 ۱۲، ۱/۳۴ ۱۱۱/۳۳ ۱۱۱/۳۲ ۱۱۸/۳۱
 ۱۵۶، ۲۷، ۲۶، ۲۳، ۷، ۶، ۲/۴۷ ۱۲۲/۴۶
 ۱/۵۲ ۱۳/۵۰

۱۵- عزیز بودن خداوند

۱۲۵/۳۱ ۱۱/۲۷ ۱۱۰/۲۵ ۱۸/۲۳ ۱۴/۱۲
 ۳/۳۲

۱۰- صفت رحیم

۱۵/۱۰ ۱۸/۷ ۱۲۴، ۲۱/۶ ۱۴/۵ ۱۲۶/۳
 ۱۳۳، ۱۸، ۱۵، ۱۰، ۸، ۵، ۱/۱۶ ۱۹/۱۲
 ۱۱۵/۲۴ ۱۳/۲۲ ۱۱۱، ۶/۲۱ ۱۳۰، ۲۸/۲۰
 ۱۱/۳۶ ۱۳۲، ۲۲، ۹/۳۲ ۱۲۱/۳۱ ۱۱۱/۲۵
 ۱۵، ۱۴/۴۲ ۱۱/۴۱ ۱۴/۴۰ ۱۹، ۵، ۳/۳۹

۱۶- عدل الهی

۱۳۱/۱۶ ۱۲۰/۱۳ ۱۲، ۱/۱۰ ۱۷، ۹/۱

۱۸- صفت حکیم

۱۲/۱۸، ۲۷/۶، ۱۵، ۲۳

۱۶/۲۱، ۱۶/۲۳، ۱۱/۲۵، ۱۱/۳۵، ۸/۳۷، ۱۶/۲۱، ۱۶/۳۹، ۵، ۱۰، ۱۲/۲۱، ۴/۲۵، ۵، ۱۵۴، ۲۰/۲۶، ۱۱۵/۲۷، ۴/۵۰

۱۹- قضا و قدر

۱/۳، ۱۷، ۱۰/۶، ۱۱، ۲/۷، ۳، ۱۷، ۱/۱۰، ۱۳/۱۴، ۱۶-۱۳/۱۴، ۱۵، ۱۶/۱۵، ۱۶/۱۶، ۱۷، ۱۵/۲۷، ۱۵/۲۲، ۱۶، ۵/۲۱، ۱۲، ۱/۱۸، ۱۱، ۱۱/۲۸، ۱۹/۳۲، ۱۳۳، ۲/۳۳-۱۶، ۱/۳۵-۱۳، ۱/۳۶، ۱۵، ۱۵/۲۴، ۱۴/۲۵، ۲۵/۲۶، ۱۵/۲۷، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۱۱۶، ۲۸، ۹/۲۸، ۱۳/۲۹، ۱۲/۵۱، ۳/۵۲، ۲

۱۷- صفت منعم

۱/۷، ۲۲، ۳/۲۶، ۱۱/۵، ۱۳، ۱۴، ۱۴/۶، ۲۰، ۲۴، ۳/۱۲، ۵، ۱۰، ۷/۱۳، ۱۹، ۲۰، ۲۵، ۲/۱۶، ۶، ۹، ۱۱، ۱۶، ۱۳/۲۰، ۱۵، ۱۲۱، ۱۵/۲۴، ۱۱/۲۵، ۱۱/۲۷، ۱۸، ۱۵، ۱۶/۳۰، ۱۰/۳۱، ۱۷/۳۶، ۱/۳۷، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۶، ۱۳/۳۹، ۱۴، ۲۱/۴۲، ۱۲، ۴/۳۳، ۱۷، ۱۲/۲۴، ۲، ۲/۲۵، ۶، ۸، ۹، ۱۲، ۱۷، ۱۸، ۲۱، ۲۹، ۳۶، ۴۲، ۴۷، ۵۰، ۱۲/۳۶، ۱۴، ۱۴، ۴/۳۷، ۲۴، ۲۸، ۳۹، ۶۷، ۶۰، ۱/۴۸، ۲، ۸، ۱۲/۳۹، ۱۱، ۱۰/۵۲، ۱۴/۵۰، ۱۳

۲۰- صفت حلیم

۱/۱، ۱۶/۳۲، ۱۶/۴۵، ۲۶/۱۶، ۲۷/۱۹، ۴۸، ۱۳/۴۸

باب دوم: نبوت

۱- وحی

۲/۳، ۴/۳، ۶، ۱۰، ۱۸، ۱۳/۲۹، ۱۲/۴۲، ۱۰/۴۵

۵- اصحاب پیامبر (ص)

۲/۴-۱۸، ۲۰/۴۲، ۲۷/۱۲۷

۶- پیروان پیامبر (ص)

۴/۱، ۹-۱۹

۲- رسالت نبی اکرم (ص)

۲/۲-۱۲۴، ۱/۴، ۴، ۶-۱۸، ۶/۲۲، ۱۷/۴۲، ۲۲

۷- درود بر پیغمبر (ص) و خاندان او (ع)

۳/۲۶، ۴/۲، ۶/۲۳، ۱۳/۲۴، ۱۳، ۱۷/۱۵، ۲۰/۳۰، ۲۳/۴، ۲۴، ۲۴، ۲۴/۱۳، ۲۷/۱۸، ۳۱/۱۳، ۳۰، ۳۴/۳۲، ۳۵، ۳۴، ۳۴/۳۳، ۲۲، ۲۱، ۱۸، ۱۷/۲۲، ۱۵/۳۴، ۳۴، ۳/۲۸، ۱۳۳، ۵۹-۵۰/۲۷، ۱۵۶/۴۵، ۹/۵۴، ۱۱

۳- رسولان و انبیاء الهی

۱/۱۰، ۱۶، ۳/۲۶، ۲/۲، ۶/۲۳، ۱۷/۱۵، ۱۸/۴۲، ۱۵۶/۴۵، ۳/۵۲، ۶

۴- صفت حبیب و مصطفی برای نبی اکرم (ص)

۱/۱۰، ۱/۲، ۳، ۲۳، ۲۴، ۲۲/۶، ۱۷/۱۵، ۱۸، ۶، ۵، ۲/۲۲، ۴، ۱/۲۴، ۱۶/۲۳، ۱۸/۲۱، ۱۹، ۴۷/۵۰، ۳/۳۸، ۱۲، ۲۹/۱۶، ۱۰/۵۲، ۹/۵۴

۸- تابعین پیغمبر (ص)

۴-۱۹

باب پنجم: اسلام و احکام آن

- ۱- ایمان و مرتبه یقین
 ۱/۴، ۱۹، ۱/۲۰، ۴، ۱۸/۲۲، ۴۲/۲۹، ۱۲۷/۳۲، ۱۸۸/۲۷، ۴۰/۴۵، ۴۴/۲۳، ۴۲/۳۳، ۱۲۹/۴۸، ۵، ۳/۵۴، ۱۱، ۶/۵۲
- ۲- حق و باطل
 ۱۳/۵، ۱۸/۶، ۱۲/۸، ۴/۹، ۲۳/۱۶، ۲۳، ۱۷/۱۷، ۱۳/۲۰، ۱۹/۳۷، ۳/۲۲، ۱۵/۳۹، ۱۲۹، ۲۲/۳۷، ۱۰
- ۳- شریعت و احکام دینی
 ۱۰/۱، ۲۱، ۲۳، ۱۸/۶، ۱۸/۶، ۴۲۰، ۴۹/۷، ۱۱۳/۲۲، ۱۲/۲۶، ۱۶/۳۲، ۱۸، ۲/۳۲، ۹/۲۸، ۱۸۹، ۶۲، ۲۸/۳۷
- ۴- هدایت و گمراهی
 ۴/۴، ۹/۵، ۱۱-۱۳، ۱۵، ۱۲/۸، ۳/۹، ۴، ۵/۲۰، ۱۷، ۵/۱۷، ۱۳/۱۴، ۱۶/۱۳، ۱۱، ۱۴، ۱۶-۱۳، ۱۳/۲۳، ۱۳/۲۲، ۱۲/۲۴، ۳۰/۳۱، ۱۱، ۷، ۳/۲۵، ۱۱/۲۴، ۱۶/۲۴، ۱۹، ۷، ۳/۲۲، ۱۵/۴۰، ۱۶، ۹/۳۷، ۱۲/۲۵، ۹۹، ۹۱، ۶۲، ۲۵/۴۷، ۱۰۳-۱۰۵، ۱۰۳، ۱۱۳، ۱۲۴، ۲/۲۸، ۱۲۷، ۲۰، ۸/۵۴، ۱۱/۵۳، ۱۷، ۱/۳۹
- ۵- نماز
 ۱۳۰/۱۶، ۱۳/۲۴، ۳/۲۴، ۸، ۹، ۱۷، ۲۴، ۲۰/۲۵
- ۶- روزه
 ۱۱۷/۳۲، ۳/۲۴، ۴، ۶، ۷، ۱۷، ۲۰/۲۵، ۵۱، ۴۴، ۳۷، ۲۲۱
- ۷- حج و عمره
 ۱۱۸/۳، ۴/۲۳، ۱۳۳/۲۷
- ۸- نماز جمعه
 ۹/۲۸
- ۹- زیارت قبر پیغمبر (ص) و قبور اهل بیت (ع)
 ۲/۲۳
- ۱۰- دین اسلام و سایر مذاهب
 ۱۵، ۳/۲۳، ۴۲۱، ۱۷/۲۰، ۱۲/۹، ۴۹/۸، ۱۷/۴۲، ۲۰، ۲/۲۴، ۳، ۴۱۳، ۱۹/۴۵، ۲۱، ۲/۵۴، ۱۷/۵۱، ۱۶۷، ۶۲، ۲۸/۳۷، ۱۵۵
- ۱۱- قرآن و کتب اسمانی
 ۱/۴۲، ۱۳، ۱۵، ۱۳/۲۴، ۲۰/۴۵، ۶۲/۳۷، ۶/۵۲، ۱۹/۴۸، ۱۳۲، ۱۲۲
- ۱۲- ماه مبارک رمضان
 ۱۵-۲۰/۴۵، ۱۸-۱۴، ۱۲-۱۰، ۸-۳/۲۴
- ۱۳- شبهای قدر
 ۲۰، ۲۰/۴۵، ۱۵/۲۴
- ۱۴- عید فطر
 ۸۶، ۷۱، ۶۶/۴۵
- ۱۵- روز عرفه
 ۸۶، ۷۱، ۶۶/۴۷
- ۱۶- عید قربان
 ۲۷-۱۷، ۹، ۶-۳، ۱/۴۸

- ۱۷- بدعت در دین ۶۲/۳۷، ۱۱۰/۲۰، ۱۱۸/۶
 ۱۹- شفاعت ۱۳۰، ۲۵/۳۱، ۴۱۵، ۱۴/۲۴، ۱۲۵/۲
 ۶/۲۸، ۱۱۹، ۱۱۸/۳۲
- ۱۸- مسأله بداء ۲/۱۸

باب ششم: فرشتگان

- ۱- فرشتگان کریم و نویسندہ اعمال ۱۵/۱۵، ۳۳/۱۱، ۴۱۵/۶، ۴۱۸/۳، ۴۱۳/۱
 ۲/۵۰، ۴۰/۳۷
- ۲- اصناف فرشتگان ۱۶/۶، ۱۰-۶، ۱/۳
- ۳- عبادت فرشتگان و تقدیس و تنزیه آنها ۱۱/۳۳، ۴۱۱، ۷-۹، ۱/۳، ۴۱۶/۱

باب هفتم: اخلاق

- ۱- صلاح و اصلاح خود و دیگران ۱۳/۳۶، ۴۱۹/۲۵، ۴۳/۲۱، ۴۵، ۴/۳۵
 ۱۲/۳۹، ۴۱۵/۳۸، ۴۱۲۱، ۴۱۱۹، ۱۱۸/۳۷، ۴۱۰، ۲/۲۰، ۴۱۶/۱۷، ۴۳۳/۱۶، ۴۲/۲۰، ۲/۲۰، ۴۱۳/۲۱، ۴۲۱، ۲۰، ۴۱۸
 ۴۲، ۱/۲۵، ۴۱۳، ۱۲/۲۱، ۴۲۱، ۲۰، ۴۱۸
- ۲- نیت و قلب آدمی ۶/۱۷، ۴۱۶-۱۴/۱۴، ۴۶/۹، ۴۶/۸، ۴۱۳/۵
 ۴۳/۲۳، ۴۸/۲۲، ۴۵، ۲، ۱/۲۰، ۴۸/۱۷، ۴۸
 ۴۸/۳۵، ۴۱۶، ۴۱۱، ۱۰/۴۲، ۴۱۴/۲۷
 ۱۱، ۱۰/۵۱، ۴۱۳۰، ۴۱۲۱، ۴۱۱۳، ۴۳/۳۷
- ۳- پرورش و تربیت ۵، ۲/۲۵، ۴۱۴، ۱۰، ۷/۲۴
- ۴- عزت و شرافت ۴۲، ۱/۳۰، ۴۷، ۶/۲۸، ۴۲۶/۲۰، ۴۸/۵
- ۵- دوستی و محبت ۴/۳۶، ۴۳/۲۶، ۴۱۰، ۷/۲۰، ۴۸/۱۴
 ۱۲۷/۳۷، ۴۱۰/۳۳، ۴۱۶/۳۲
- ۶- ترس و اضطراب ۴۱۲۲/۳۷، ۴۲۰/۳۲، ۴۶/۲۵، ۴۲۵، ۷/۲۰
 ۶/۵۴
- ۷- سرزنش ۴۳، ۲/۳۵، ۴۲۰، ۴۱۰، ۸/۲۰، ۴۸، ۳/۸
 ۱۲۴، ۴۱۱۹/۳۷، ۴۳۷/۳۵
- ۸- تواضع و فروتنی ۱۵/۳۵، ۴۳، ۳/۲۶، ۴۱۰، ۴، ۳/۲۰

۳۰- تعصب جاهلی
۱/۸

۲۷- عدالت
۱۰/۲۰

۳۱- فخر فروشی
۳/۲۰ ۱۳/۸

۲۸- زهد
۸/۲۲ ۹/۲۱ ۱۲۷/۲۰ ۱۱۶ ۱۵/۴

۳۲- عجب
۳/۳۰ ۱۳/۲۰ ۱۵/۸

۲۹- پرهیز از آزار رساندن به دیگران
۱/۳۹

باب هشتم: طاعت و بندگی

۴- بخشش الھی

۱- تقوا

۱۱/۱ ۱۱/۱ ۱۲۹/۱ ۱۲/۴ ۱۹/۴ ۱۲۴/۶ ۱۰/۱۰

۱۲۹/۱ ۲/۴ ۱۹ ۱۲۰/۶ ۱۳/۹ ۱۵/۱۷

۲ ۴ ۹/۱۲ ۱۱-۱۳ ۱۵ ۱۶

۱۰/۲۰ ۱۶ ۱۲۷ ۹/۲۱ ۱۱ ۱۵/۲۲

۱۵ ۱۸ ۱۵ ۷ ۱/۱۶ ۶ ۴-۲/۱۵

۱۳/۲۲ ۱۳/۲۳ ۳/۲۵ ۱۱ ۱۵/۳۱

۲۶-۳۴ ۱۵۵/۲۰ ۱۵۵/۲۴ ۱۰/۳۱

۱۲۰/۳۲ ۱۹/۲۲ ۶/۴۴ ۱۷

۱۲-۱۳ ۱۵ ۲۱ ۲۴-۲۵ ۹/۳۲ ۱۰-

۱۳ ۱۲/۴۹ ۱۲۷ ۱۱۶/۴۷ ۱۵۰/۴۵

۱۵ ۱۸ ۲۱ ۲۲ ۳۲/۳۲ ۱-۳۴

۳۶ ۳۱ ۳۰ ۲۸ ۱۰ ۸ ۴/۳۷ ۷/۳۷ ۳-۲/۳۹ ۱۰-۹

۱۲-۱۳ ۱۴ ۱۱ ۳/۴۴ ۴/۴۱ ۴/۴۰

۲- رضای خدا

۱۱/۱ ۱۲۹ ۱۷/۲ ۱۲/۴ ۱۲۰/۶ ۹/۱۲

۱۵ ۴/۴۵ ۸ ۱۰ ۲۸ ۳۰ ۳۱ ۳۶

۱۰ ۱۱/۲۰ ۱۶ ۲۱ ۲۸ ۶/۲۱ ۹

۴۷ ۴۸ ۱۱/۴۶ ۱۶ ۱۸ ۶۶

۱۱ ۱۳ ۱/۲۲ ۱۳ ۱۴/۲۴ ۱۷/۳۱

۴۷ ۶۸/۴۷ ۷۰-۷۵ ۷۵ ۸۶ ۱۰۵ ۱۱۶ ۱۱۹

۲۶/۳۲ ۲۹ ۴/۳۷ ۵ ۱۶ ۴/۴۱

۱۲۵ ۲/۴۸ ۴ ۵ ۷ ۸ ۱۳ ۱۶

۱۲/۴۲ ۱۶/۴۳ ۲/۴۴ ۱۳ ۱۶/۴۵ ۵۰

۴۹ ۱/۴۹ ۲ ۴ ۴/۵۱ ۷ ۱۱ ۱۴

۱۵۲ ۳۵/۴۷ ۵۲ ۵۳ ۵۹ ۶۰ ۷۱ ۸۸

۵- توبه

۱۰۰ ۱۰۵ ۱۲۴ ۱۷/۲۹ ۱۶/۵۱ ۶/۵۴

۲۱/۱ ۳۲-۲۱/۱ ۱/۹ ۲ ۳/۱۱ ۷-۵/۱۲

۳- ترس از خدا

۱۰-۱۲ ۲/۱۵ ۴ ۳۳/۱۶ ۶/۳۱ ۱۰-

۱۵/۴ ۱۶ ۱۶/۱۲ ۳/۱۶ ۱۹ ۲/۲۱

۱۴-۱۶ ۱۹ ۲۰ ۲۲ ۲۶ ۱۵/۳۲

۱۰ ۱۳/۲۳ ۱۳/۲۵ ۸/۳۱ ۲۳ ۲۵

۱۹-۲۰ ۳-۳/۳۴ ۴-۳/۳۷ ۱۴/۳۸

۱۹/۳۲ ۲۰ ۱۲ ۶۹/۴۷ ۷۴ ۱۱

۳۹ ۱۳/۳۹ ۱۵/۴۰ ۱۵/۴۳ ۹/۴۵ ۱۱-۹/۴۵

۳/۵۰ ۲/۵۲ ۱۰ ۱۱ ۵/۵۴ ۶

۵۲ ۱۵۴ ۱۶/۴۶ ۶۹/۴۷ ۷۲ ۷۳ ۷۶

۸۶ ۱۰۳ ۱۲۶ ۱۳۲ ۱۷/۴۸ ۱۵/۴۹

۵۰ ۷/۵۰ ۸/۵۱ ۷/۵۲ ۹ ۲/۵۳

۶- پاداش کارها

۱۱/۳۶ ۱۳، ۱۲، ۳/۴۵ ۱۲/۳۹ ۱۸/۲۴
 ۵/۵۴ ۴/۵۰ ۱۳۱، ۱۰۷-۱۰۶/۲۷

۹/۸ ۱۴ ۱۲، ۷/۶ ۱۸/۴ ۱۲ ۷-۶/۱
 ۱۵/۱۴ ۱۶، ۱۵، ۱۰/۱۲ ۱۱/۱۱ ۱۷/۹ ۱۰
 ۶/۳۷ ۱۷/۳۶ ۱۳/۳۱ ۱۶/۲۵ ۱۷/۲۴ ۱۶
 ۱۴، ۲/۳۱ ۱۵/۴۰ ۱۶ ۱۵، ۱۳، ۱۲، ۱۰
 ۱۸، ۶/۲۶ ۱۵۳، ۲۲، ۶/۴۵ ۱۷، ۶، ۱/۴۴
 ۴/۵۴ ۱۲۹، ۱۲۶/۳۷

۱۰- استغفار و طلب آمرزش

۱۲/۹، ۱۱، ۱۳-۱۶ ۱۳۲/۱۶ ۱۳۲-۶/۲۲ ۱۷-۶
 ۱۴، ۲۱، ۱۷، ۱۲، ۹، ۸/۳۱ ۱۴ ۸/۲۴
 ۱/۳۸ ۱۳/۳۶ ۱۳۲، ۲۰، ۱۹، ۱۵/۳۲ ۱۲۸
 ۱۵، ۱۱/۲۴ ۱۱، ۹/۳۲ ۱۹-۶، ۲/۳۹ ۱۲
 ۸۶/۳۷ ۱۵/۴۶ ۱۵۵، ۴۹-۴۷، ۴۵/۴۵
 ۱۷/۵۰ ۱۳، ۱/۴۹ ۱۲۶، ۳/۲۸ ۱۱۲، ۱۰۴
 ۳/۵۴ ۱۴/۵۳ ۱۳، ۸، ۷/۵۱

۷- طاعت و گناه

۱۲/۶ ۱۴، ۱۳/۳ ۱۳/۳ ۱۲۹، ۲۲، ۲۱/۱
 ۱۱/۱۱ ۱۳، ۱/۹ ۱۲۴، ۱۷، ۱۵، ۱۳
 ۱۲/۱۷ ۱۳۳، ۲۷/۱۶ ۱۳، ۱۲، ۱۰/۱۲
 ۶/۲۱ ۱۲۹، ۲۸، ۲۱، ۱۱، ۱۰، ۱/۲۰
 ۱۱، ۷، ۳/۲۵ ۱۳/۲۳ ۱۳، ۵/۲۲ ۱۱-۹
 ۱۲۵، ۲۳، ۱۷، ۱۳، ۷، ۶/۳۱ ۱۳/۳۰
 ۱۲/۳۴ ۱۲۹، ۲۸، ۱۸، ۱۳، ۱۰، ۹/۳۲
 ۱۳-۸، ۶، ۳، ۲/۳۷ ۱۱/۳۶ ۱۴/۳۵
 ۹/۳۲ ۱۵، ۳/۴۰ ۱۳، ۱۲/۳۹ ۱۲، ۱/۳۸
 ۱۳-۱۱، ۷-۶، ۳/۲۴ ۱۷-۳، ۲/۲۳ ۱۴
 ۱۵۴، ۴۷، ۴۶، ۲۸، ۲۵/۲۵ ۱۸، ۱۷
 ۷۹-۷۶، ۷۴، ۶۹، ۶۷/۴۷ ۱۶/۴۶
 ۱۱۶، ۱۰۸-۱۰۶، ۹۷، ۹۴-۹۲، ۸۹-۸۲
 ۴، ۲/۲۸ ۱۳۱، ۱۳۰، ۱۲۶، ۱۲۴، ۱۱۷
 ۱۰/۵۱ ۱۲/۵۰ ۱۱۵-۱۲، ۲، ۱/۴۹ ۱۶
 ۶، ۴، ۳/۵۴ ۱۴-۱/۵۳ ۱۹، ۷، ۲/۵۲ ۱۴

۱۱- عصمت

۱۴، ۳۳/۱۶ ۱۷/۱۴ ۱۱۷، ۱۳/۶ ۱۴/۲
 ۱۱۹، ۱۸/۳۱ ۱۱۱/۲۵ ۱۳/۲۰ ۱۴/۱۷
 ۱۱، ۷/۲۴ ۱۶/۳۳ ۱۱۲، ۱۰/۴۲ ۱۴/۳۵
 ۲/۵۴ ۱۸/۵۱ ۱۲۷/۲۸ ۱۱، ۱۰۶، ۶۷/۳۷

۱۲- عبادت و بندگی

۱۰/۱۲ ۱۱۶/۶ ۱۹، ۷/۳ ۱۱/۳ ۱۲۹/۱
 ۴/۳۱ ۱۷/۲۷ ۱۲۴، ۱۱، ۳/۲۰ ۱۳/۱۷
 ۱۶/۲۳ ۱۴، ۱۳، ۷، ۶/۳۷ ۱۵، ۴/۳۵ ۱۳۱
 ۷۳-۷۱/۳۷ ۱۵۱، ۴۶/۴۵ ۱۱۷، ۱۲/۴۴
 ۱۳۰، ۱۲۷، ۱۲۵، ۱۲۳، ۱۱۸، ۹۲، ۸۸
 ۱۰/۵۱ ۱۵/۵۴ ۱۰، ۸/۵۲ ۱۴۱

۱۳- ستر و پوشش الهی

۱۵/۲۲ ۱۳۲، ۲۱/۱۶ ۱۴/۱۱ ۱۶/۵
 ۱۳-۱/۳۴ ۱۲۲-۲۱/۳۲ ۱۲۴، ۲۱، ۱۲/۳۱
 ۱۴۷، ۲۱، ۸/۳۵ ۱۳-۲/۴۱ ۱۲/۳۹
 ۱۱، ۷/۵۱ ۱۱/۴۹ ۱۱۹، ۱۱۶، ۷۰/۳۷

۸- شیطان

۲۳/۱۶ ۱۶/۱۰ ۱۶/۸ ۱۱۰/۵ ۱۴، ۱۳/۴
 ۱۸-۶/۲۳ ۱۳/۲۰ ۱۱۶-۱/۱۷ ۱۲۴
 ۱۹/۳۷ ۱۲۷، ۱۲/۳۲ ۱۶/۳۱ ۱۸-۶/۲۵
 ۱۸/۳۷ ۱۲۹/۳۵ ۱۱۶، ۱۳/۲۴ ۱۱۰/۲۲
 ۹۹

۱۴- صبر خدا و مهلت دادن به گنهکاران

۱۰/۳۷ ۱۲/۳۱ ۱۲۶، ۲۵/۱۶ ۱۲۱/۱
 ۲۱، ۱۹-۱۶، ۱۰/۴۶ ۱۹/۲۵ ۱۱۵-۱۴

۹- حسنات و سیئات

۱۴/۲۳ ۱۸-۶/۲۲ ۱۷/۹ ۱۱۵، ۱۴/۶

۱۳/۱۶ ۱۳۳ ۱/۲۱ ۵، ۱۹ ۲۲/۳۱ ۱۳
 ۱۳/۳۲ ۱/۳۶ ۳، ۱۵ ۱۴/۳۷ ۱۵
 ۵/۳۹ ۱۰، ۱۱ ۱۲/۳۲ ۱۱۶/۴۵
 ۱۰/۳۶ ۱۵، ۱۸ ۱۲/۲۷ ۵/۲۷ ۱۶، ۲۲
 ۸۰ ۸۱ ۱۰۰، ۱۱۶ ۱۱۹ ۱۳/۴۸
 ۱۵-۱۸ ۱۲/۲۹ ۱۵/۵۰ ۴/۵۱ ۶، ۱۷
 ۹/۵۲

۱۷- اتمام حجّت و نفی عنر بندگان
 ۱۳/۱ ۱۳/۲ ۹/۲۵ ۱۱، ۱۲ ۱۹/۲۶
 ۲۱-۲۳ ۱۱۶/۲۷ ۱۱۲۲ ۱۱/۵۳ ۷/۵۴

۲۲، ۷۵، ۹۰، ۹۸، ۱۱۹، ۱۲۴ ۱۱۶/۴۸
 ۱۱/۵۱ ۱۱۴/۴۹

۱۵- عذاب الهی

۶/۱ ۱۲/۱۰ ۱۲، ۱۳ ۱۵/۱۲ ۱۱۶
 ۱۵/۱۴ ۱۱۶ ۷/۱۶ ۱۲ ۱۳/۲۵
 ۱۰/۳۱ ۱۲۴ ۱۵/۳۲ ۸/۳۷ ۱۴، ۱۵
 ۱۱/۳۹ ۱۵/۴۰ ۴/۲۵ ۵۳ ۱۸/۴۶ ۱۲۰
 ۹۶/۴۷ ۱۱۶، ۱۲۳ ۱۱۲۴ ۱۳/۴۸ ۱۵
 ۱۹ ۲/۲۹ ۱۷، ۴/۵۰ ۱۶ ۷/۵۱ ۱۴
 ۲/۵۳ ۱۱/۵۲

۱۶- خشم و انتقام الهی

۲۱/۱، ۲۹، ۲/۵ ۱۳/۹ ۶/۱۲ ۹/۱۳

باب نهم: ذکر و دعا

۶/۲۳ ۱۸-۳۰ ۱۲/۳۰ ۱۲۵/۳۱ ۲۲/۳۲
 ۲۲-۲۳ ۷۲/۲۷ ۱۲۰ ۱۷/۴۸ ۱۸
 ۱۲ ۸/۵۱ ۱۱۶، ۱۰ ۳/۴۹ ۱۲۱

۴- دعا و راز و نیاز

۱۲۶/۲ ۱۸/۷ ۳/۱۰ ۱۴ ۱۵/۱۱ ۱-۱/۱۲
 ۶/۱۲ ۱۰، ۱۳ ۱۴ ۱۰/۱۳ ۱۸، ۲۱
 ۲۲ ۱۱/۱۴ ۱۲ ۱۳/۱۶ ۱۵، ۱۷
 ۱۶/۱۷ ۱۲/۲۰ ۵/۲۱ ۷، ۱۸ ۱۹/۲۲
 ۱۴/۲۴ ۸/۲۵ ۱۷/۲۷ ۱۹ ۲/۳۱ ۱۹/۲۸
 ۱۱ ۲۴ ۲۹ ۲۰/۳۲ ۱۲/۳۱ ۱۴/۳۴
 ۱۷/۴۴ ۱۴-۱۶ ۲۵، ۵۳ ۵۶
 ۵/۲۶ ۲۵ ۷۲-۷۴ ۱۰۱، ۱۱۰
 ۱۱۸ ۱۱۴/۴۸ ۱۰/۴۹ ۴/۵۱ ۵، ۸ ۹
 ۱۱، ۱۲ ۱۱/۵۲

۵- سختی و آسانی

۱۱۷/۳ ۱۱۸/۵ ۱۸/۶ ۱۷-۴/۷ ۱۹/۱۴

۱- بیچارگان

۵/۹ ۱۰-۳/۱۰ ۱۲/۱۴ ۲/۱۶ ۱۴
 ۱۲/۲۰ ۱۲۰ ۲/۲۱ ۴-۲/۲۲ ۱۲/۲۵
 ۲۴/۳۱ ۲۵ ۱۴/۳۲ ۳۲ ۲/۳۶ ۱۴
 ۱۲۵ ۱۱۶/۴۷ ۱۴/۵۱ ۱۱/۵۲ ۳/۵۴

۲- اشتیاق و تقرب به خدا

۱۳/۱ ۱۶ ۱۲/۲ ۲۳/۲ ۴/۳ ۱۸
 ۱۳/۴ ۱۶-۱۴/۵ ۴/۵ ۱۹ ۶/۱۳ ۱۸
 ۱۱ ۹/۲۴ ۱۱، ۱۰/۲۱ ۱۷/۱۶ ۱۲۰
 ۱۴/۳۴ ۱۲۲ ۲۱ ۱۹/۳۲ ۱۸/۳۱ ۱۶/۳۰
 ۲۱/۳۵ ۱۲ ۱۱/۲۴ ۱۸/۲۲ ۱۲/۳۹
 ۵۰، ۵۶ ۸/۴۶ ۹، ۱۴ ۱۹ ۳۷/۴۷
 ۵۹ ۶۳ ۷۲ ۷۸ ۱۰۹ ۱۱۵ ۱۲۵
 ۱۳۲ ۱/۴۸ ۱۲۸ ۱۱۶/۴۹ ۳/۵۴

۳- پناه خواهان

۱۰/۵ ۱۲۱/۲۰ ۱-۱/۲۱ ۴-۱۱ ۱۹/۲۲

۸- گشایش

۱۸/۲۱ ۱۴/۱۶ ۱۶/۱۵ ۱۱۰ ۸ ۱/۷
 ۱۳/۴۸ ۱۱۰۱/۴۷ ۱۲۰ ۱۹ ۱۴/۴۶
 ۱۲/۵۱

۱۸ ۱/۲۱ ۱۲۱ ۲۰/۲۰ ۱۲ ۱/۱۸ ۱۶/۱۵
 ۱۳۳/۳۲ ۱۳/۲۶ ۱۱۱/۲۵ ۱۱۴ ۱۱ ۲/۲۲
 ۹۹-۹۸/۴۷ ۱۴/۴۱ ۱۶ ۴ ۲ ۱/۳۶
 ۴/۴۸ ۱۱۲۴ ۱۲۰ ۱۱۹ ۱۰۵ ۱۰۲
 ۲/۵۴ ۳ ۲/۵۱ ۱۱۲ ۵/۴۹ ۱۶

۹- استخارہ

۲ ۱/۳۳

۶- نیازها و درخواستهای انسان

۲۰-۱۳ ۹ ۷ ۳-۲/۱۳ ۱۱۶-۱۵/۱۲
 ۱۰/۲۲ ۱۸-۷/۲۱ ۱۱۶/۱۷ ۱۲۵-۲۲
 ۱۴/۳۴ ۱۲۰/۳۲ ۱۸/۲۸ ۱۹ ۵ ۴/۲۵
 ۲۵/۴۷ ۱۲۵ ۱۵-۱۲ ۵-۲/۴۶ ۱۱۶/۳۷
 ۱۲۸ ۶ ۴ ۱/۴۸ ۱۱۲۳ ۷۴ ۲۸
 ۷۰۶/۵۴ ۱۱۱/۵۲ ۱۱۱ ۸ ۵/۵۱ ۱۱۴/۴۹

۱۰- لطف خداوند

۱۵ ۳/۲۲ ۱۲۱/۲۰ ۱۲/۷ ۱۱۷/۶ ۱۹-۸/۵
 ۱۳/۴۷ ۱۵/۳۶ ۱۲۱/۳۱ ۱۱۱/۲۵ ۱۶/۲۳
 ۱۱۳۲ ۱۱۲۶ ۱۱۲۴ ۱۰۴ ۱۰۳ ۱۲۳
 ۱۱/۴۹

۱۱- یاد خداوند

۱۵/۲۳ ۱۱۰ ۸/۲۱ ۱۲۹/۲۰ ۱۱/۱۱
 ۱۱۴/۴۷ ۱۱۶ ۱۴/۴۵ ۱۱۴/۳۹

۷- غمها ورنجها

۱۳/۲۷ ۱۹/۲۲ ۱۶/۸ ۱۱۰-۴ ۱/۷ ۱۱۰/۴
 ۱/۵۴ ۱۱۰/۵۱ ۱۱۶/۴۸ ۱۲ ۱/۳۰

باب دهم: سیاست

۳- سلطه سیاسی

۷/۵۱ ۱۵/۲۴ ۱۶/۲۳ ۱۶/۸ ۱۱۰/۵

۴- مقام شهیدان

۱۷ ۱۵/۲۷ ۱۳۰/۱

۵- عدالت و رهبری

۳/۸

۱- امت اسلامی

۱۴/۲۴ ۱۲۳ ۲۲/۶ ۱۲۵ ۲ ۱/۲ ۱۲۳/۱
 ۵۵ ۲۱/۴۵ ۱۲/۴۴ ۱۲۰/۴۲

۲- دعوت و جهاد

۱۱۰/۲۰ ۱۱۸/۶ ۱۱۵/۵ ۱۱۳-۳ ۱/۴
 ۶/۵۴ ۱۶۳/۴۷ ۱۲۲ ۱۷/۴۲ ۱۱۷-۱/۲۷

باب یازدهم: اقتصاد

۱- امور اقتصادی

۱۵ ۱/۳۵ ۱۶/۳۳ ۱۲۸ ۲۶ ۲۲/۳۲
 ۱۵۰/۲۵ ۱۵ ۴/۴۳ ۱۱۴/۳۹ ۱۴ ۲/۳۶
 ۶۱ ۳۸ ۳۴ ۳۳ ۲۵/۴۷ ۱۲۳ ۶/۴۶
 ۱۱۲ ۱۰۸ ۱۰۶ ۱۰۵ ۹۰ ۶۸-۶۶
 ۱۳۰-۱۲۸ ۱۲۵ ۱۲۴ ۱۲۱ ۱۱۶ ۱۱۴

۱۳/۱۰ ۱۱۱ ۷ ۶/۶ ۱۲۰ ۱۷ ۹ ۸ ۵/۱
 ۱۴ ۱۱ ۳/۲۰ ۱۷ ۵-۲/۱۹ ۱۲۳ ۶/۱۶
 ۱۱۱/۲۵ ۱۵-۲/۲۲ ۱۸ ۷ ۵/۲۱ ۱۲۶-۲۰
 ۱۲۴/۳۱ ۱۳ ۲/۳۰ ۱۵-۱/۲۹ ۱۷ ۶/۲۸

۱۱۳۲ ۱۱/۲۸ ۴، ۵، ۲۴، ۲۸، ۱/۲۹، ۱۱، ۱۱۳۲
 ۱۴، ۱۵، ۱۱/۵۰، ۱/۵۱، ۳-، ۱۵، ۱/۵۲، ۲، ۱۰، ۸
 ۱۸/۲۱، ۱۳/۲۳، ۱۳/۲۷، ۱۲/۲۹، ۱۲/۳۲، ۱۲/۳۵، ۱۲/۳۶، ۱۲/۳۷، ۱۳۰، ۱۲۵، ۱۱۷، ۱۰۸/۳۷

۲- اسراف

۹۱/۲۷، ۱۳/۳۰، ۱۶/۲۳، ۲۳، ۱۸/۲۰، ۱۷/۸

۵- گرانى

۵/۱۹

۳- نیازمندی و فقر

۱۸، ۷/۸، ۱۳/۱۳، ۱۵/۱۶، ۱۲/۲۰، ۱۴، ۱۲/۲۰

۶- بدهکاری

۲، ۱/۳۰

۲۰، ۲۶، ۷/۲۱، ۱۸، ۱۲/۲۲، ۱۰/۲۵، ۱۲-، ۱۲

۷- خشکسالی

۱۹-۳، ۱۲/۲۷، ۲/۳۶

۲۸، ۱۶/۳۰، ۴/۳۰، ۱۵، ۲۴/۳۱، ۲/۳۵، ۴

۱۲/۴۲، ۴/۴۸، ۲۳، ۱۲/۴۹، ۱۳

۸- زکات

۱۰/۲۴

۴- معیشت

۵/۶-۱۸، ۲/۸، ۱۸، ۲/۱۹، ۱۳، ۳/۲۰، ۲۴

باب دوازدهم: انسان شناسی

۱- نفس انسانی

۱۱۵، ۱/۲۱، ۱۴، ۱۲/۲۴، ۴/۳

۹/۳، ۱۰/۳، ۱۳/۱۰، ۱۳/۱۶، ۲۳، ۲۵، ۲۷، ۲۰، ۶/۲۰

۶- عبودیت در برابر خداوند

۱۰/۱۰، ۱۳/۱۰، ۱۰/۱۷، ۱۱، ۵/۲۱، ۱۷، ۲۶/۲۷

۱۹، ۱۷/۲۱، ۱۳-۱/۲۲، ۱۳/۳۱، ۱۹/۳۲

۳۶، ۲۴/۳۶، ۲۵، ۷۵/۲۷، ۱۱۳، ۱۵/۲۹

۵/۵۰، ۱۶، ۲/۵۳

۷- رابطه خدا و انسان

۱/۱۹، ۲۰، ۱۳/۴-۱۳، ۷/۵، ۱۱-۱۱۳

۱/۱۷، ۱/۲۰، ۱۰/۶، ۱۰/۹، ۱۱/۲۰

۶/۱۱، ۱۳/۸، ۳/۱۰، ۱۳/۱۲، ۱۴

۲۷، ۱۸/۲۷، ۲۳/۳۲، ۲۶-، ۵/۳۹، ۱۷، ۱/۵۰

۱۳/۶، ۱۳-۱۸، ۲۲، ۲۳، ۱۱/۱۴

۳- طبیعت بشر

۲۰/۱۰، ۶/۲۴

۱۶/۱۵، ۱۶، ۱۲/۲۰، ۲۶، ۱/۲۱-۷

۱۰-۱۲، ۲/۲۲-۴، ۱۲، ۱۱/۲۴، ۱۱/۲۵، ۶

۴- آزمایش انسان

۱/۱۲۱، ۶-۵/۶، ۱۶/۲۵، ۱۱/۳۹، ۱۱۶/۳۲

۹، ۱۰، ۱/۲۸-۹، ۱۱، ۱۱/۲۹، ۱۱/۳۱

۳۲/۱۴، ۲۰، ۲۲، ۱۳/۳۶، ۱۴/۳۹

۳۵، ۱۲/۳۵، ۱۶۸/۴۷، ۱/۵۳

۴۵، ۱/۴۶، ۲، ۱۳، ۶۹/۴۷، ۷۴، ۸۸

۱۱۸، ۱۲۳، ۱۳۰، ۱۳۱، ۴/۴۸-۱۶

۵- تکریم انسان

۱/۸، ۹، ۱۱۸، ۵/۵، ۱۱/۲۳، ۷/۲۴، ۱۴

۵۱/۱۱، ۱۲، ۹/۵۲-۹، ۳/۵۴، ۸

۱۳/۲۶ ۱۳/۳۰ ۱۹/۳۹ ۱۶/۴۲ ۱۰/۴۴
 ۹/۴۵ ۳۲ ۱۴۷ ۱۲۴،۶۲/۴۷ ۱۳۲
 ۱۵/۴۸ ۱۷/۴۹ ۱۴/۵۱

۱۱- مستضعفین

۱۸/۴ ۱/۱۴-۱۰،۳-۱۲،۱۰،۳ ۱۴/۲۰ ۱۱/۲۵
 ۱/۲۶ ۱۲/۳۸ ۱۲/۳۹ ۱۵،۴،۲/۳۹ ۲/۴۶ ۴/۵۱

۱۲- ایام زندگی انسان و پایان آن

۱۶/۱ ۱۳/۱۱ ۱۸/۱۲ ۱۵/۲۰ ۱۱ ۲۸، ۲۹
 ۱۰/۲۱ ۱۲/۲۵ ۱۱/۲۸ ۱۱/۲۹ ۱۳/۳۱
 ۱۸/۴۴ ۱۴۶/۴۵ ۱۸/۴۶ ۱۷/۴۷ ۱۲۱
 ۱۴/۴۸ ۳/۵۲ ۱۹ ۲/۵۳

۸- انسان و ولایت الهی

۳۰/۱ ۱۸/۲ ۱۵/۵ ۱۱/۲۱ ۱۱۳-
 ۱۳/۲۵ ۱۴/۴۱ ۱۲/۴۴ ۱۲۳/۴۵ ۶۳/۴۷
 ۶۷ ۱۱۴،۶۸ ۱۳۰،۱۲۸ ۱۲/۴۸
 ۱۰/۵۱ ۱۷/۵۳ ۶/۵۴

۹- انسان و دشمنی با خدا

۳۰/۱ ۱۷/۲ ۴/۱۷ ۱۳/۲۰ ۱۱/۲۱
 ۱۲ ۱۶/۲۳ ۱۳/۲۵ ۱۰/۴۴ ۱۱۶ ۱۶/۴۶
 ۶۷، ۶۳/۴۷ ۸۶ ۱۱۲۴ ۱۰/۵۱

۱۰- انسان و ظلم

۳/۸ ۴ ۷/۱۲ ۱۱ ۲/۱۴-۱۲ ۱۴
 ۷/۲۰ ۸ ۱۴ ۱۳/۲۲ ۱۵/۲۴ ۱۱/۲۵

باب سیزدهم: عالم هستی و وجود

۱/۱۹-۱۵ ۶/۲۷

۱- آفریننده و آفرینش

۳/۱ ۴ ۱۷ ۱۸ ۱۸/۲۸ ۱۳/۴۳ ۱۴
 ۲/۴۷ ۱۲-۱۴ ۱۷، ۲۱، ۲۶، ۳۱، ۵۴
 ۱/۵۲ ۱۲/۴۸

۵- پدیده‌های جوی

۱۳/۳ ۱۶-۱۳ ۲۳ ۱۹-۱/۱۹ ۶/۲۷
 ۴-۱/۳۶

۲- ملک خداوند

۱۲/۵ ۹/۶ ۱۰ ۱۲۱ ۵/۲۱ ۱۶ ۱/۳۲ ۲
 ۳-۱۶ ۱۲/۲۳ ۱۷/۲۶ ۱۳/۲۷ ۱۶ ۱۴
 ۲ ۳ ۱/۵۲ ۱۶/۵۰ ۱۲/۴۸

۶- آسمان و زمین

۱۱/۳ ۱۹/۶ ۲۶/۳۱ ۲/۴۷ ۳۱، ۵۹

۷- کوهها و رودها

۱۵/۳ ۱۵/۱۹ ۱۰/۴۲

۳- ماه

۷-۱/۳۳

۸- کمین کردن درندگان

۷/۴۹

۴- گیاهان و میوه‌ها

باب چهاردهم: اجتماع و آداب معاشرت

۲- خویشاوندان

۷/۲ ۹-۷ ۷/۲۰ ۱۰ ۱۳/۲۲ ۱۶/۲۳ ۲۱
 ۱۰/۴۴

۱- جماعت

۱۰/۲۰ ۱۱ ۱۲/۲۷ ۱۱/۳۲

۳- رفت و آمد و صلوة رحم

۱۰/۴۴ ۴۳-۱/۲۶ ۴۱۰، ۶۹، ۷/۲۰ ۴۲/۸

۸- همسایگان

۱۰/۴۴ ۴۲۱/۳۲ ۴۴-۱/۲۶ ۴۲۱/۱۶

۴- پدر و مادر

۵۵/۴۵ ۴۱۵-۵، ۳، ۲/۲۴

۹- دوستان

۱۳/۲۷ ۴۱۳/۲۲ ۴۱۳/۲۱

۵- مادر

۵۵/۴۵ ۴۲۲، ۲۳/۳۲ ۴۵/۲۴

۱۰- دشمنان

۴۸، ۷/۲۰ ۴۱۶، ۴۱۵، ۶، ۵/۱۴ ۴۸/۸ ۴۸/۵

۴۹۹/۲۷ ۴۱۰، ۴۲۴ ۴۸، ۷/۲۳ ۴۱۳/۲۲

۴/۵۱ ۴۸-۴/۴۹ ۴۲۱، ۱۴/۴۸ ۴۱۱۹

۶- پدر

۵۵/۴۵ ۴۲۳/۳۲

۷- فرزندان

۱۲، ۵-۱/۲۵

باب پانزدهم: علم و دانش

۱- دانشهای ربانی

۲/۵۲ ۴۱۱/۱۷ ۴۱۰/۱

۵- شکها و شبههها

۴۶/۴۲ ۴۷/۲۵ ۴۲۲/۲۰ ۴۱۱/۲ ۴۱۰/۱

۱۲۹/۲۷ ۴۵۲/۲۵ ۴۱۳/۴۴

۲- اهمیت دانش

۵/۴۲ ۴۳/۳۰ ۴۳/۲۷ ۴۳/۲۴ ۴۹/۵

۶- نادانی

۴۲۶، ۷، ۶/۳۱ ۴۳/۲۷ ۴۲۳، ۴۱۴/۱۶

۱۱۴/۴۷ ۴۳۳/۴۵ ۴۵، ۳/۴۲

۳- علم و عمل

۳/۲۴ ۴۲۷/۲۰

۴- سخن از روی نادانی

۸/۳

باب شانزدهم: ایام و اوقات

۱- روزها

۴۳/۲۳ ۴۳/۳۲ ۴۲۲-۱۸، ۴۱۶، ۴۱۳-۱۲/۶

۲۶، ۴۱، ۴۳، ۲۴، ۲۰/۲۵ ۴۱۸/۴۴

۴- شب

۴۲۱/۲۵ ۴۱۷/۴۴ ۴۱۰/۴۲ ۴۱۳/۲۴ ۴۵/۶

۱۲۳/۴۷

۲- فراغتها

۴۲۶/۳۲ ۴۲۷، ۳/۲۰ ۴۲/۱۱ ۴۱۴/۵

۱۳۰، ۱۲۵/۲۷

۵- روز

۲۱/۲۵ ۴۱۷/۴۴ ۴۱۳/۲۴ ۴۸، ۶/۶

۶- روز جمعه

۱۷، ۶-۳، ۱/۴۸

۳- شب و روز

۱۱۰/۴۷ ۴۲۰، ۷، ۴-۱/۶ ۴۱۴، ۱۳/۳

باب هفدهم: تاریخ

- ۱- هجرت پیامبر: ۱۶/۲، ۸/۴
 ۲- فتح مکه: ۱۷/۲-۲۲
 ۳- جنگ بزرگ بدر: ۱۱/۲۷

باب هجدهم: صحت و تندرستی

- ۱- مریضی و شفا
 ۱۲۴، ۱۳۰، ۲/۲۸، ۱۴، ۱۱/۴۹
 ۱/۱۵-۱۶، ۲۷/۲۰، ۱۱/۲۲، ۴۳/۲۳
 ۲/۲۵، ۱۱، ۱/۲۶، ۴، ۱۲/۲۷، ۴۲/۳۶
 ۱۳۰/۴۷، ۴۳/۴۲
 ۲- تندرستی
 ۱/۲۳، ۱۸/۲۱، ۲۰/۲۰، ۱۲، ۱/۱۸، ۴۳/۱۵
 ۲/۲۵، ۱۱، ۱۷/۳۳، ۱۰۵/۴۷، ۱۱۲
 ۳- نیرو و نشاط
 ۵/۶، ۵/۹، ۳/۱۵، ۱۵/۱۹، ۱۱/۲۰
 ۲/۲۱، ۱۱، ۳/۲۳، ۴۲/۲۵، ۱۳/۲۷
 ۱۹/۳۱، ۴۵/۴۶، ۱۱۳/۴۷، ۴۶/۴۹
 ۳/۵۴، ۱۷/۵۱

باب نوزدهم: جهاد و مسائل نظامی

- ۱- نیروهای مسلح
 ۱/۲۷-۲، ۵-۸، ۱۱، ۱-۲، ۵، ۱۳-۱۲، ۱۹/۲-۱۲، ۸/۲۷، ۱۴-۱۳
 ۹- حمله نظامی
 ۳- موقعیتهای نظامی: ۱/۲۷، ۲، ۷، ۱۵
 ۴- سلاحهای نظامی: ۱/۱، ۳۰/۱، ۲/۲۷، ۵
 ۵- جبهه دشمن: ۵/۲۷، ۶-۱۰، ۱۲
 ۶- نیرنگهای نظامی: ۲/۲۷، ۱۱
 ۷- نیروهای نجات: ۵/۲۷
 ۸- جنگ روانی: ۵/۲۷، ۱۱
 ۱۰- دعا برای رزمندگان
 ۴/۲۷، ۴۲/۲۷
 ۱۱- نتایج در معرکه جنگ
 ۲/۲۰-۲۲، ۴، ۸، ۱۱، ۱۵
 ۱۲- اداره امور مجاهدان: ۱۶/۲۷
 ۱۳- معاف شدگان از جهاد: ۱۷/۲۷
 ۱۴- جنگ و آرامش: ۷/۲۷

والسلام